

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۲

بررسی فراز و فرودهای هواداری
از گروه بی‌تی‌اس
از منظر طرفداران ایرانی

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

تابستان ۱۴۰۳

فهرست مطالب

۱- مقدمه

۲- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۲- سردرگمی‌های نوجوانی
- ۲-۲- انگیزه بخشی
- ۳-۲- افزایش اعتماد به نفس
- ۴-۲- کمک به بهبود حال بد افراد
- ۵-۲- آرامش بخشی
- ۶-۲- شادی‌آفرینی
- ۷-۲- تعدیل اثرپذیری در گذر زمان
- ۸-۲- عشق تخیلی
- ۹-۲- تحقق برخورد مادرانه
- ۱۰-۲- ارضای هیجان‌جویی
- ۱۱-۲- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار
- ۱۲-۲- تخلیه روانی
- ۱۳-۲- اتلاف وقت
- ۱۴-۲- توهم‌زدگی
- ۱۵-۲- بازماندن در ابعاد عینی
- ۱۶-۲- کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها
- ۱۷-۲- بروز خطاهای جدی شناختی
- ۱۸-۲- بروز برخی از اختلال‌های روانی
- ۱۹-۲- بی‌هویتی جنسی
- ۲۰-۲- وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس
- ۲۱-۲- سایر مسایل روان‌شناختی

۳- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۳- نقد محدودیت‌های داخل ایران
- ۲-۳- نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی
- ۳-۳- شروع هواداری از سنین پایین
- ۴-۳- پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان
- ۵-۳- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران
- ۶-۳- چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن

۳-۷- تشویق به مهاجرت به کره جنوبی

۳-۸- دوست‌یابی حضوری و مجازی

۳-۹- نوع دوستی

۳-۱۰- جهانی شدن و جهانی اندیشیدن

۳-۱۱- الگوبرداری از ستاره‌ها

۳-۱۲- تحول‌های هویتی

۳-۱۳- تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران

۳-۱۴- احساس تعهد به حمایت از گروه

۳-۱۵- تلاش در جهت افزایش هواداران

۳-۱۶- تعصب ورزیدن در طرفداری

۳-۱۷- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی

۳-۱۸- نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس

۳-۱۹- سایر موارد اجتماعی

۴- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۴-۱- رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره

۴-۲- ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی

۴-۳- ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس

۴-۴- تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف

۴-۵- علاقه به آشنایی با فرهنگ کره

۴-۶- اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران

۴-۷- استقبال از غذاهای کره‌ای

۴-۸- پذیرش محتوای تهیه شده توسط هواداران

۴-۹- سایر موارد فرهنگی

۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۵-۱- آموزش فعال

۵-۲- ارتقای مهارت‌های فنی هواداران

۵-۳- کم توجهی به درس و افت تحصیلی

۵-۴- اطلاع‌رسانی‌های مختلف.

۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۶-۱- دامن زدن به تسامح اخلاقی

۶-۲- اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی

۶-۳- کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی

۶-۴- سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی

- ۵-۶- پذیرش اخلاق نسبیست‌گرا
- ۶-۶- تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده
- ۷-۶- تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران
- ۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۷- همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری
- ۲-۷- ترویج مصرف‌گرایی
- ۳-۷- نفوذ قانون قدرت در هنر
- ۴-۷- فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس
- ۵-۷- اخذ الگو برای حرفه آینده
- ۶-۷- صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷-۷- درآمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس
- ۸- اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۸- برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی
- ۲-۸- وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس
- ۳-۸- تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس
- ۴-۸- جذابیت بخشیدن به صحنه
- ۵-۸- جذابیت‌های جانبی گروه
- ۶-۸- توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج
- ۹- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۹- جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها
- ۲-۹- الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری
- ۳-۹- الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند
- ۱۰- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۱۰- احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها
- ۲-۱۰- بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۳-۱۰- آسیب رسیدن به خانواده

فهرست کتاب حاضر

- مقدمه جلد دوم ۹
- ۳- اثرهای اجتماعی ۱۱
- ۳-۱- نقد محدودیت‌های داخل ایران ۱۳
- ۳-۲- نقد ضعف‌های حرف‌های و اجرایی سلبریتی‌های داخلی ۲۱
- ۳-۳- شروع هواداری از سنین پایین ۲۷
- ۳-۴- پرداختن به مسایل جوانان ۳۱
- ۳-۵- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران ۴۱
- ۳-۶- چند بعدی دیدن گروه و اعضای آن ۵۸
- ۳-۷- تشویق مهاجرت به کره ۶۳
- ۳-۸- دوستیابی حضوری و مجازی ۶۹
- ۳-۹- نوعدوستی ۷۳
- ۳-۱۰- تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن ۷۹
- ۳-۱۱- الگوبرداری از ستاره‌ها ۸۷
- عمق اثرگذاری الگوها ۱۲۰
- ۳-۱۲- تحول‌های هویتی ۱۲۹
- ۳-۱۳- تحول یابی روابط اجتماعی هواداران ۱۷۴
- ۳-۱۴- احساس تعهد به حمایت از گروه ۱۷۹
- ۳-۱۵- تلاش در جهت افزایش هواداران ۱۹۱
- ۳-۱۶- تعصب ورزیدن در طرفداری ۲۰۱
- ۳-۱۷- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی ۲۱۴
- ۳-۱۸- نقد خط مشی‌های کمپانی بیگ هیت ۲۲۵
- ۳-۱۹- سایر موارد اجتماعی ۲۴۶

مقدمه جلد دوم

در مقدمه جلد نخست کتاب، پس از تبیین اهمیت زیاد الگوها برای افراد و جوامع بشری، خاطر نشان گردید، در پی تحول آفرینی‌های جدیدی که در سطح پردازش الگوها در جهان معاصر پدید آمده است، نگارنده و دانشجویانش بررسی نمونه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (مالک گروه بی‌تی‌اس) را در دستور کار خود قرار دادند.

ماحصل پژوهش انجام شده، شامل ۱۴ جلد کتاب بود، عناوین کتاب‌های تهیه شده، به قرار زیر بودند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

کتاب حاضر با عنوان «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی» در سه جلد، شامل مقدمه و مباحثی که در ۱۰ فصل (با عناوین اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس)، تدوین گردیده اند، است.

در جلد نخست کتاب، پس از درج مقدمه (که ضمن تبیین اهمیت الگوها و سیر تحولات تاریخی آن‌ها، به روش‌شناسی پژوهش پرداخته بود)، فصل اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس آمده بود. در کتاب حاضر که جلد دوم این مجموعه به شمار می‌رود، اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مورد بحث قرار خواهد گرفت و در ادامه در جلد سوم کتاب، سایر فصول کتاب (با عناوین اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس،

اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس) خواهد آمد. نتایج یاد شده به سهم خود، دورنمایی از تحول‌آفرینی‌های جدید در پردازش الگوهای چند بعدی و توان اثرگذاری آن‌ها را به نمایش نهاده‌اند.

۳- اثرهای اجتماعی

«یکی می‌گه آدم درستیم،
یکی می‌گه اشتباهیم،
من اهمیت نمی‌دم،
تو چطور؟
خب که چی؟
بذار برن،
در کنار حسرت، نگرانی‌های زیادی پنهانه،
نگران نباش، تو همین الانش هم همه‌اش رو می‌دونی،
وقتی می‌خوای بین راه تسلیم شی،
بلندتر داد بزنی،
پس چی، چی؟
هیچ کاری نمی‌تونم بکنم،
هیچ چیزی واسه پنهان کردن وجود نداره،
از وقتی که تاس انداختیم گذشته،
شما را دور می‌اندازیم، آه، باهم،
۹۰٪ نگرانی‌ها ت به خاطر مرداب خیالی‌ایه که برای خودت ساختی،
نمی‌روم،
پس چی؟
ما هستیم، ما هستیم، ما هستیم،
جوون و سرکش و رها،
نگرانی‌های تو بی‌جواب می‌مونن،
در آن نباشید، آره،
حتی اگه لب مرز خطری،
بیا همین طور که می‌خندیم و حرف می‌زنیم، از وسط باد رد شیم.
بعضی وقتا مثل دیوونه‌ها بدویم.
در اشتباهات و اشک‌ها، ما فقط بریم،

خب که چی؟

توقف نکن، نگران نباش،

من بهش نیاز دارم،

بذار برن،

با این که هنوز جوابی وجود نداره،

می‌تونم مبارزه رو شروع کنی» (قسمتی از آهنگ «دیگه چی» - سو وات - گروه بی‌تی‌اس).

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

نقد محدودیت‌های داخل ایران، نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی، شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن آیدول‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه آیدول‌ها با هواداران، چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نودوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از آیدول‌ها (الگوبرداری‌های ظاهری، الگوبرداری رفتاری، الگوبرداری از نظام ارزشی الگوها، عمق اثرپذیری از الگوها)، تحول‌های هویتی (هویت رباتیک، هویت گروهی، هویت شبکه‌ای، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، هویت سمی، هویت سمی گروهی)، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران (آرمی‌ها)، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی (تغییر دید نژادپرستانه هواداران، افزایش برخی از مهارت‌های اجتماعی، سوق دادن به سمت فردگرایی مفرط، آموزش غیرمستقیم هنجارشکنی، منفی شدن دید طرفداران نسبت به مردان ایرانی، درگیر شدن در حاشیه - پردازی‌های گروه).

در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

۱-۳- نقد محدودیت‌های داخل ایران

بررسی سوابق تاریخی در ایران باستان نشان دهنده اهمیت وافر ارضای هیجانی و شادی و شادمانی مردم است. انبوه جشن‌هایی که در طول سال (خاصه ایام پاییز و زمستان که کار کشاورزی کم‌تر می‌شده است)، در این مرزوبوم وجود داشته است، گویای اهمیت ارضای هیجانی مردم است.

بعد از اسلام نیز دیدگاه‌های دینی با نگاهی مثبت به ارضای هیجانی افراد نگرینسته و آن را در کنار سه وظیفه اصلی فرد دیندار (رابطه با خدا، رابطه با مردم و گذران معیشت)، قرار داده است.

پس از اسلام نیز جامعه ایران با دیدی مثبت به ارضای هیجانی افراد می‌نگریست. به عنوان مثال، فردوسی، شاعر پرآوازه ایرانی، از بلندای تاریخ پند می‌داد که

چو شادی بکاهد، بکاهد روان

خرد گردد اندرمیان ناتوان

مشابه تأکیدهای وافر ارضای هیجانی افراد در این مرزوبوم، در دیگر نقاط جهان ملاحظه می‌شود. به عنوان مثال، در غرب شاهد آن هستیم که از هر بهانه‌ای برای تسری و گسترش شادی و نشاط در سطح مردم جامعه سود برده می‌شود.

با استقرار جمهوری اسلامی، برخی از مسوولان به سبب فقدان دید عمیق، نه تنها به مسأله ارضای هیجانی جامعه و تسری شادی و نشاط در سطح جامعه کم‌توجهی نشان داده و دست به سرمایه‌گذاری لازم در سطح جامعه برای اقشار مختلف آن، خاصه جوانان، نزدند، بلکه بعضاً به عناد با مظاهر شادی و نشاط و ارضای هیجانی افراد در جامعه پرداختند.

نیاز مردم جامعه به نشاط و رضایت خاطر در زندگی فردی و اجتماعی آنان سبب شد، مردم و خاصه جوانان، با منکوب شدن ارضای هیجانی خوشان کنار نیایند و در جست‌وجوی جایگزینی برای آن برآیند، از این رو متوجه دیگر نقاط جهان شده و تلاش کردند با الهام از دستاوردهای آنان در این زمینه، شادمانی و ارضای هیجانی خویش را رقم بزنند.

در روند کاربری ایرانیان از دستاوردهای جهانی در جهت ارضای شادی و نشاط و گذران تفریح و سرگرمی خویش، توجه به شرق که قرابت فرهنگی بیش‌تری با ایران دارد، حداقل در سطح اقشاری از جمعیت ایرانی بیش‌تر از غرب مورد توجه مردم ایران زمین قرار گرفته است. در ادامه، در راستای بررسی نقد محدودیت‌های داخل، پنج عنوان فرعی «فقدان تنوع موضوعی، فضای نسبتاً آفسرده موسیقی داخل و نپرداختن به مسایل جدی جوانان»، «ارایه برخی از محتواهای مبتذل در موسیقی موجود در جامعه»، «نزدیکی و قرابت فرهنگی کره و ایران»، «کمبود امکانات و منابع تفریحی در داخل» و «سرانجام امیدبخشی و انگیزه بخشی موسیقی بی‌تی‌اس»، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

«فقدان تنوع موضوعی، فضای نسبتاً افسرده موسیقی داخل و نپرداختن به مسایل جدی جوانان»، از جمله نقدهای آغازین نوجوانان و جوانان مصاحبه شده است. ریحانه ۱۵ ساله و زهرای ۲۴ ساله در مصاحبه‌های خود با اشاره به مواردی مانند فقدان تنوع، افسردگی حاکم بر موسیقی موجود در جامعه و به کارگیری برخی از الفاظ رکیک در رپ فارسی، از انتخاب بی‌تی‌اس به عنوان جایگزین رپ فارسی از سوی خویش یاد کرده اند:

« - آهنگ‌های ایرانی رو هم گوش می‌دی؟

اوایل آره، ولی از وقتی با بی‌تی‌اس و اینا آشنا شدم، اصلاً آهنگای ایرانی اصلاً برام جذاب نیست، بدتر آدم دلش می‌گیره گوش می‌ده، بعضیاشونم چرت و پرت می‌گن یا غمگین ان.
- مثلاً چه آهنگی؟

آهنگای مهدی احمدوند، همه‌اش غمگینه یا محسن ابراهیم‌زاده، اصن بعضی چیزاش رو متوجه نمی‌شی که چی می‌گه کلاً خیلی سطح پایین و مسخره ان. اکثرشون غم و غصه هس یا عاشقانه‌ی بی‌محتوا. مثلاً یه نوجوون چرا باید این همه آهنگ غم و غصه‌دار گوش بده. بعضیاشونم که ریتماش تکراریه و شبیه به هم ان. یعنی از وقتی که کاربر کی‌پاپ شدم از بس جذاب و متنوع ان، آهنگ‌های ایرانی اصلاً به چشم نمیان و از چشمم افتادن. ولی خب شادمهر رو فقط دوست دارم و گوش می‌دم.
- خوب شادمهر هم که خیلی آهنگ غمگین داره.

آره، ولی صداش خیلی محشره، بعدشم آهنگاش خاصه و همه هم دوستش دارن. کلی آدم به خاطر کنسرتش می‌رن خارج.

- چرا همه دوستش دارن؟

خب خواننده خیلی خوب و حرفه‌ایه، مردم داره و مهربونه. همین که تونسته اون‌ور آب پیشرفت کنه، خودش به امتیازه».



«- پس در برخورد اول، شوخ بودن شون باعث شد که شما جذب شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد.

- در ادامه که به سراغ موسیقی‌های گروه رفتید، چه چیزی باعث شد که شما به آهنگ‌های گروه

علاقه‌مند بشید؟

معانی شعرهاشون جالبه و اغلب برخلاف رپ فارسی الفاظ رکیک استفاده نمی‌شه و اکثر اوقات نه همیشه، دربارهی دغدغه‌ها صحبت می‌شه».

مسعود ۲۰ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به برخی از ضعف‌های گروه بی‌تی‌اس، استدلال می‌کند که نبود جایگزین مناسب، سبب ادامه کاربری وی از گروه بی‌تی‌اس شده است:

«- به نظرت مسعود چرا کمپانی به پسران بی‌تی‌اس دستور می‌ده، آرایش کنند؟

کمپانی می‌خواد با این کارش بگه که زن و مرد باهم مساوی هستند و پسران نیز مثل دخترها حق دارند آرایش کنن.

- به نظرت با آرایش پسرها این برابری ثابت می‌شه؟

نه، برابری زن و مرد در شخصیت و انسانیت هر کسی است.

- این تضادهای فکری شما با بی‌تی‌اس تو رو در ادامه هواداری مردد نمی‌کنه؟

بعضی وقت‌ها این طور فکر می‌کنم، ولی هیچ جایگزینی به خوبی بی‌تی‌اس نمی‌بینم و پیدا نکردم.

پس به هواداریم ادامه می‌دم.

- یعنی اگر زمانی یه گروهی بهتر از بی‌تی‌اس پیدا بشه، شما قید بی‌تی‌اس رو می‌زنی؟

بله، همین طور خواهد بود. چون بعضی از کارهای بی‌تی‌اس، مثل آرایش پسران رو قبول ندارم».

«ارایه برخی از محتواهای مبتذل در موسیقی موجود در جامعه»، نقد جدی دیگری است که جمعیت

مورد بررسی، به برخی از محتواهای داخل و موسیقی آن سوی آب مورد استفاده نوجوانان و جوانان

ایرانی از آن یاد کرده اند.

ثناي ۱۶ ساله و شیدای ۲۰ ساله در مصاحبه‌های خویش به طرح بیانات زیر پرداخته اند:

«- با وجود تمام این تعارض‌های اخلاقی که ازشون آگاهی چرا از بی‌تی‌اس حمایت می‌کنی؟

چون احساس می‌کنم بزرگ شدم، می‌تونم حرف بزنم، می‌تونم انتخاب کنم که از یک بند حمایت

کنم. حق انتخاب بهترین کلمه‌ای هست که می‌شه برای جواب دادن به سوال شما بگم.

- اما از این گروهی که حمایت می‌کنید حق انتخاب چندانی نداره؟ چه طور می‌تواند الگوی مناسبی

برای تو و دوستان شما باشه؟

در کنار تمام این کمبودهایی که داره باز از خیلی از گروه‌ها بهتره و حداقل منه نوجوون یه چیزایی

یاد می‌گیرم. برم امینم گوش بدم خوبه که هم‌هانش چرت و پرته یا ساسی مانکن؟ بین بد و بدتر باید بد

رو انتخاب کنم و بی‌تی‌اس اون بده هست نه بدتره. شما دوتا گروه مثبت معرفی کن که به اندازه

بی‌تی‌اس هم جذاب باشن و هم محتوای خوبی ارایه بدن و خیلی چیزای دیگه بی‌تی‌اس داره رو داشته

باشه و بدی‌هانش رو نداشته باشه. نیست دیگه. من هم به خاطر خاص بودن، هم به خاطر جایگاه، هم

به خاطر محبوبیت، به خاطر بالاتر رفتن اعتماد به نفسم و این که حرفی برای گفتن داشته باشم به

بی‌تی‌اس نیازمند. خیلی‌ها فکر می‌کنن ما نوجوون‌ها نفهمیم، ولی می‌فهمیم اگه ما مشکل داریم به خاطر اینکه کسی نیست که برای ما دوتا الگوی مناسب معرفی کنه تا بی‌تی‌اس الگوی ما نباشه».



«- درباره نگرانی والدین از مشغولیت دائمی بچه‌هاشون با بی‌تی‌اس گفتی، برای خود شما چی این جور نبود که یه درگیری عاطفی و خیلی شدید به خاطر بی‌تی‌اس داشته باشی؟ مثلاً وارد بحث با کسانی بشی که هیت می‌دن و باهاشون کلنجار بری و درگیری داشته باشی؟

یه بار. یکی از دوستانم برگشت گفت، اینا خیلی چنندن و اینا. یعنی یه دوست دیگه‌ام داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، بعد اون این جور گفت. اون دوستم که می‌گم داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، خیلی هم انیمه می‌بینه و دوست داره. بعد این یکی که مخالف بود از انیمه هم بد گفت و گفت چیه من بدم میاد و چرته و از این حرفا و برای بچه‌ها هس. بعد من چون دوست ندارم به علایق کسی توهین بشه، با اون وارد بحث شدم و بهش گفتم، چون تو یه چیزی رو دوست نداری، دلیل نمی‌شه مسخره‌اش کنی. مثلاً منم تتلویی که تو دوست داری رو بدم میاد ازش، ولی به خاطر تو بهش توهین نمی‌کنم. بعد گفت، آخه چرا این قدر پیگیر اینا هستید؟ منم گفتم خب چون آهنگای ایرانی همه‌اش از غم می‌گن و مثلاً می‌گن گریه کن، گریه قشنگه. ولی اینا همه‌اش از امید می‌گن. یکی از آهنگاشون می‌گه گریه نکن عزیزم. همه‌اش توی آهنگاشون به آدم انرژی مثبت می‌دن و مثلاً حتی از کلمات انجیل هم شنیدم که توی آهنگاشون استفاده می‌کنن. بعد اون رفیق من هم قانع شد و دیگه چیزی نگفت».

«نزدیکی و قرابت فرهنگی کره و ایران»، از دیگر عواملی است که جمعیت مورد بررسی در مورد آن توافق داشته‌اند. به عنوان مثال، فریبای ۴۶ ساله که در مورد دخترش صحبت می‌کرد، خاطرنشان می‌ساخت، وی به دلیل نزدیکی فرهنگی تولیدهای شرق به فرهنگ ملی، آثار اخیر را بر آثار هالیوودی ترجیح داده، دخترش را به سمت کاربری از موارد اخیر سوق می‌دهد:

«- یعنی فعالیت مهم‌تری نمی‌توانید انجام بدهید که مفید باشد؟»

چرا، اتفاقاً می‌دونم که زیاده روی می‌کنم. سرم گرم می‌شه حداقل به مشکلاتم با همسرم فکر نمی‌کنم. یه راه فراره برای خلاص شدن از این افکار تکراری. صادقانه بخوام بگم، موسیقی و فیلم‌های شرقی رو ترجیح می‌دم به فیلم و سریال‌های ترکی‌های و آمریکایی.

- چرا؟

چون محتوای خیانت و هرزه‌گی و کلاً محتوای جنسی کم‌تری دارن. فیلم‌های هندی هم همین‌طور محتوای جنسی کم‌تری دارن نسبت به فیلم‌های غربی. اگه دیدن فیلم و سریال‌های کره‌ای و گوش دادن به آهنگ‌های کره‌ای و کلاً شرقی باعث بشه دخترم کم‌تر به سمت محتوای غربی و ترکیه‌ای بره، خیلی کمک‌کننده هست. بی‌تی‌اس خیلی نسبت به بعضی از گروه‌ها و خواننده‌های غربی بهتره، حداقل کلماتی که استفاده می‌کنند توام با ادب و احترام هست، یعنی دقیقاً همون فرهنگ شرقی. ببخشید، ولی چه فیلم و سریال‌های غربی چه آهنگ‌هاشون تیکه کلامشون یه کلمه‌ای هست که خجالت می‌کشم به زبون بیارم. خب منم سعی می‌کنم سرگرم فیلم‌های کره‌ای بشم یا بی‌تی‌اس مشغول باشم تا با فیلم‌های به شدت زننده ترکیه‌ای.»



کوثر ۲۵ ساله نیز در اظهاراتی مشابه بیان می‌دارد:

«- چی شد که بیش‌تر از موسیقی و فیلم غرب، به طرف محتوای شرق اومدی؟
حس می‌کنم به خاطر این که اون قسمت عاشقانه بودن سریال، تو سریالای کره‌ای خیلی بیش‌تر بود تا سریالای آمریکایی.
- اهوم!

می‌دونی مثلاً من سریالای آمریکایی رو که می‌دیدم اکثراً، انگار دیگه خیلی از اون فرهنگ ما دور بود. خیلی از اون چیزی که ما ممکنه تجربه کنیم دور بود. حداقل برای من سیزده، چهارده ساله و تو بافت فرهنگی‌ای که من توش بودم. ولی اون سریال کره‌ایه خیلی دور از ذهن نبود. یعنی به زندگی واقعی که من ممکن بود تجربه‌اش کنم، خیلی بیش‌تر نزدیک بود نسبت به سریالای ایرانی و سریالای آمریکایی».

«کمبود امکانات و منابع تفریحی در داخل» نکته مهم دیگری بود که برخی از افراد مصاحبه شده به آن اشاره داشتند. به عنوان مثال، مسعود ۲۰ ساله در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«- مسعود به نظرت جشن تولدهای باشکوه آیدول‌ها روی هواداران چه تأثیری داره؟
هیجانان هواداران برانگیخته می‌شه و اون‌ها هم به جشن و پایکوبی در محفل‌هایی که از طرف هواداران در یک جای به خصوصی برگزار می‌شه و به هم خبر می‌دن شرکت می‌کنند و حسابی بهشون خوش می‌گذره.

- تاحالا تو توی این جور جشن‌ها شرکت کردی؟

بله، چند بار، و هر بار تمام زحمات‌ها رو دوش یکی از هواداران که وضع مالی خوبی داشت، بود و تمام هزینه‌های پذیرایی رو تقبل می‌کرد.

- جشن رو چه طور برگزار می‌کرد. می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً جشن تولد جیمین رو تو باغ خونه‌شون که ویلایی بود برگزار کرد و تعدادمان زیاد نبود، حدود بیست نفر دختر و پسر هوادار بی‌تی‌اس بودیم که با نوشیدنی و کیک تولد ازمان پذیرایی می‌کردند و بعد خواننده هم یکی دیگه از هواداران بود که ارگ و دستگاه‌های موسیقی رو با خودش آورده بود و صدای بلندگوها رو زیاد بلند نمی‌کردند تا مبادا برای دیگران مزاحمت بشه و جشن شبیه به یه پارتی کوچک بود بدون بی‌نظمی و بعد پذیرایی همه به وسط می‌رفتیم برای رقصیدن.

- از جشن تون فیلم هم می‌گرفتین؟

بله، فیلم می‌گرفتیم و بچه‌ها در پیچ‌هاشون می‌گذاشتند و این طور اگر کسانی دیگه هم جشن اختصاصی گرفته بودند فیلم‌هاشون رو می‌فرستادن و مدیر پیچ از اون‌ها هم رونمایی می‌کرد.

- این جشن‌های تولد در میان هواداران انعکاس منفی هم داشت؟

نه همه خوش شون می‌اومد و پیگیر جشن تولدها در تمام نقاط دنیا می‌شدیم».

«امیدبخشی و انگیزه بخشی موسیقی بی‌تی‌اس»، از دیگر عوامل مهم در گرایش نوجوانان و جوانان ایرانی بود که در تحقیق میدانی انجام شده به آن اشاره شده بود.

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به محدودیت برنامه‌ریزی‌ها برای جوانان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و فراموشی نسبی آنان در معادلات اجتماعی، خاطرنشان می‌سازد، گرایش جوانان به گروهی نظیر بی‌تی‌اس، علاوه بر جذابیت موسیقی آن‌ها، به این دلیل است که واجد منبعی از امید برای جوانان است. علاوه بر این، شیدا با اشاره به تبعیض‌هایی که بین جمعیت دختران و پسران ایرانی وجود دارد، بی‌تی‌اس را نماینده‌ای برای طرح مشکلات این قشر پر اهمیت اجتماعی معرفی می‌کند:

«- خیلی‌ها می‌گن که عامل موفقیت بی‌تی‌اس صرفاً هنر و موسیقی‌شون نیستش. بلکه یه شبکه بزرگی که حتی خود کمپانی رو هدایت می‌کنه، با تبلیغات گسترده و هزینه‌های هنگفت اون‌ها رو به چهره جهانی تبدیل کرده. به نظر این آدما این که فقط روی استعداد موسیقی‌شون تمرکز کنی و اون رو عامل موفقیت‌شون بدونی بازم یه جورایی قلب واقعیت و احساساتی نگاه کردن نیست و نتیجه‌اش این می‌شه که بچه‌ها با انتظارات واهی جلو می‌رن و وقتی با واقعیت عریان مواجه بشن، بدجوری سرخورده می‌شن.

من بیش‌تر جنبه مثبتش رو می‌بینم و به نظرم این که توی این شرایط ناامیدی، یک منبع امید ان چیز مثبتیه...»

یک دلیل دیگر هم که به نظرم بی‌تی‌اس توی ایران و به خصوص توی دخترای ایرانی طرفدار داشته، اینه که ما چارچوب‌هامون و باید و نبایدهامون خیلی زیاده. مثلاً همه‌اش از این چیزا داریم که پسر نباید این کار رو کنه، دختر نباید اون کار رو کنه، نباید خوانندگی کنه، نمی‌تونه مجوز بگیره و غیره. من چون خودم توی کار موسیقی هستم و با خانواده‌ها در ارتباطم، به خصوص در زمینه موسیقی زیاد این چیزا رو می‌بینم. بعد توی این اوضاع وقتی می‌بینی یه گروهی اون‌ور آب برخلاف همه این چارچوب‌ها حرکت می‌کنه و انگار حرف دل تو از دهن اونا در میاد، بیش‌تر به سمتش کشیده می‌شی.»

نکته مهم دیگری که باید در مواجهه با نهادهای فرهنگی داخلی ایران به آن توجه داشت، برخوردهای غالباً غیرعلمی این نهادها است، به این معنا که نهادهای اخیر، بیش‌تر از آن که در صدد تبیین علمی موارد مورد توجه نوجوانان و جوانان باشند، با یک نگاه تنگ نظرانه و ایدئولوژیک، با مسایل مختلف برخورد می‌کنند که بالطبع برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار و بدون پشتوانه‌های منطقی، در اقل مخاطبان نوجوان و جوان موفق عمل نخواهند کرد.

سونیای ۱۷ ساله، سعیده، نگین و مهدیه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خویش از برخوردهای غیراستدلالی برخی از ناقدان و نهادهای فرهنگی داخل، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- همین اول هم خیلی ممنونیم که قبول کردی صحبت کنی چون خیلی از طرفدارها به محض این که شنیدن گفتن که نه ما نمی‌خواهیم همکاری داشته باشیم. بله چون خیلیا وقتی می‌شنون که یکی کی‌پاپ رو دوست داره و پسر رو دنبال می‌کنه، شروع می‌کنن به توهین کردن. ولی من آماده‌ام، چون شما خیال من رو راحت کردین که این طور قضایا توی این مصاحبه دخیل نیستن.»

«نگین: مثلاً سایت تبیان، اسم خودش رو گذاشته سایت اسلامی و دینی. اگه واقعاً دین اینه، من اصلاً می‌خوام کافر باشم. این سایت اومده عکس گروه بی‌تی‌اس رو فتوشاپ کرده و پشتش پرچم ال‌جی‌بی‌تی زده و نوشته که اینا هم جنس‌خواه هستند. پس تو اون قرآنی که ادعا دارین همیشه می‌خونینش چی نوشته؟! نوشته غیبت نکنین و تهمت نزنین!؟»

سعیده: وای وقتی تبیان این رو زده بود، من همه‌اش می‌رفتم پی‌وی ادمین این سایت که آقا دلیل دشمنیت چیه، چه مرگته؟

- بچه‌ها شما از کجا این قدر مطمئن هستین که اون عکس‌ها فتوشاپ بودند؟

سعیده: خب ما فن‌شون بودیم. طبیعیه که همه عکس‌هایی که می‌گیرن رو داشته باشیم. تا عکس رو دیدیم شناختیم و فهمیدیم که ادیت شده و با عکس اصلیش فرق داره. من یه فایل دارم ۶ گیگ هست. کل عکس‌هایی که تا حالا بی‌تی‌اس گرفته اون تو هست. کسی نمی‌تونه سر من شیره بماله. نگین: دلیل این که می‌گیم فتوشاپ بوده، اینه که خب ما طرفدارهای بی‌تی‌اس هستیم دیگه. همه پیج‌های بی‌تی‌اس رو از جمله رسمی و غیررسمی همه رو داریم. یعنی بلافاصله تا عکس‌ها گرفته شد، ما در درجه اول از پیج خود بی‌تی‌اس و بعد از بقیه پیج‌ها برمی‌داریم. یعنی ما اورجینال همه این عکس‌ها رو داریم. یعنی تا یه عکس از یه جای دیگه منتشر بشه، ما فوراً می‌فهمیم فتوشاپ هست یا نه. به خصوص چنین فتوشاپی. (می‌خندد و ادامه می‌دهد) یعنی بخواهی بفهمی یه عکسی فتوشاپ هست یا نه، کافیه فقط یه پیام به من بدی.»

«- مهدیه یعنی چی که می‌گی یه سری از سایت‌ها، اطلاعات مزخرفی ارایه می‌دهند؟»

بین نمی‌دونم این چه موجی هست که راه افتاده که همه می‌خوان بگن کی‌پاپ و به خصوص بی‌تی‌اس خیلی بی‌خودند و باعث گمراهی آدم‌ها می‌شن و دارند نسل جوان رو از بین می‌برند. اولاً که درباره ایران بگم که نسل جوان با سیاست‌ها، دزدی‌ها و فسادهای سران حکومت از بین رفته. حالا یکی می‌خواد بیاد این نسل رو بیدار کنه و یه امیدی رو براشون رقم بزنه، می‌خوان باهش مخالفت کنند و بد جلوه ش بدن.

چون طرفدارهای این صنایع و بی‌تی‌اس، معمولاً تینیجرها (۱۳- ۱۹ ساله‌ها) هستند. بعضی از سایت‌ها سعی می‌کنند با مطالب دروغ و تفسیرهای بی‌جا، بیاند مثلاً پدر و مادر اون تینیجرها و اولیا مدرسه رو بیدار کنند که اون‌ها رو از سقوط نجات بدن. صددرصد مطالب‌شون هم دروغ و فیکه. مثلاً

سایت تبیان میاد یه چیزایی درباره بی‌تی‌اس می‌گه که آدم شاخ در میاره واقعاً. یه دروغ‌ها و تفسیرهای عجیبی که اگه واقعاً یه فن درست و حسابی باشی، می‌تونی بفهمی که هم‌هاش دروغه.
- می‌تونی یه مثال بزنی؟

خب مثلاً میان عکس‌هایی از گروه بی‌تی‌اس رو فتوشاپ می‌کنند، برای این که بگن مثلاً این‌ها همجنس باز هستند یا این که بگن ترویج فحشا می‌کنند. بعد ما تا عکس رو می‌بینیم، متوجه می‌شیم که این عکس‌ها فیک و فتوشاپه دیگه. ما همه عکس‌هاشون رو با جزئیاتشون حفظیم». مجموعه آنچه از آن یاد شد، سبب می‌شود، نوجوانان و جوانان با عقیم و سترون دیدن محیط داخل در ارضای نیازهای هیجانی خودشان، متوجه آن سوی مرزهای کشور شده، به استقبال از مواردی روی بیاورند که شاید با فرهنگ و اعتقادات خودشان نیز هم‌خوانی زیادی نداشته باشد.

۳-۲- نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اجرایی سلبریتی‌های داخلی

اگر چه توجه اندک به مسأله گذران فراغت، تفریح و سرگرمی نوجوانان و جوانان و ترضیه هیجانی آنان به مثابه یک حلقه مفقوده در جامعه ایران ملاحظه می‌شود، ضعف حرفه‌ای و اجرایی هنرمندان ایرانی نیز از جمله مواردی است که مورد تأکید جمعیت تحقیق بوده، از این مسأله به عنوان دلیل و بستری برای متوجه شدن نوجوانان و جوانان به منابع فرهنگی آن سوی آب، یاد کرده اند.
سونبای ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به کاستی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی داخل، به توجیه عملکرد آیدول‌های کره‌ای پرداخته است.

«- تبلیغاتی که گروه برای برندها یا شرکت‌های بزرگ انجام می‌دن رو دیدین؟
آره مدلینگی که گفتم براتون یکی از تبلیغاتشونه، من خودم بیش‌تر همین رو دنبال می‌کنم چون از لباساشون خوشم میاد، هم مدلش، هم رنگش.

- بی‌تی‌اس تبلیغات قابل توجهی برای بعضی از برندها مثل کوکاکولا و مک دونالد انجام می‌ده، شما اون‌ها رو دیدین؟

آره، عکسای زیادیم ازشون اومد، وقتی برای اونا تبلیغ کردن.





- با توجه به این که فعالیت آیدول‌ها زیر نظر کمپانی هست، تصمیمات مهمی مثل تبلیغ کردن یا نکردن برای یک برند رو هم کمپانی مشخص می‌کنه درسته؟
آره، پسرا نمی‌تونن هر برندی که دل‌شون می‌خواد رو تبلیغ کنن یا اصن برند هیچی. هر چیزی که می‌خوان هم نمی‌شه تبلیغ کنن، مثلاً نمی‌شه ظرف و ظروف تبلیغ کنن (باخنده).



- این که برای دوتا از شرکتای بزرگ آمریکایی تبلیغ می‌کنن و همون طور که شما گفتید، عکسای زیادی هم از شون منتشر شد، تصمیمی نیست که پیام غیرمستقیمی رو بده؟
مثلاً حمایت از آمریکا یا همکاری با اونا منظور تونه؟

- دو موردی که شما گفتید مناسب هستن. به نظرتون همچین قصدی رو ندارن؟
نمی‌دونم، ولی اگر داشته باشن هم اشکالی نداره. آمریکا ابرقدرت دنیاست، کشورا دوست دارن روابط خودشون رو با اونا حفظ کنن، حتی بیش‌تر هم بکنن. کسی هم دوست نداره با آمریکا در بیفته، چون اگر این طوری بشه اوضاع اون کشور بهم می‌ریزه، دقیقاً مثل خودمون.
سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به برخورد مؤدبانه آیدول‌های بی‌تی‌اس با فرهنگ و تمدن ایرانی، به طور تطبیقی از برخی از سلبریتی‌های داخلی یاد کرده است که برخورد استهزاآمیزی با آنان داشته اند:

«در یکی از قسمت‌های ران بی‌تی‌اس، جین گفته که غذاهای ایرانی به خوشمزگی معروف هستنند، نامجون هم در پشت صحنه قسمت چهل و سه ران بی‌تی‌اس گفته، برای کوروش کبیر احترام زیادی قایل به و همچنین قسمتی از کتاب شاهنامه و کتاب پزشکی ابوعلی سینا رو خونده.

یکی از فن‌ها از جیمین پرسیده بود که آیا می‌دونستی فن‌های زیادی در ایران داری؟ و جیمین گفته طرفدارای ایرانی همیشه به من لطف دارن و من چندتا از تویت‌های طرفدارای ایرانی رو خوندم و مردم ایران به زیبایی شون خیلی اهمیت می‌دن و به نظر من مردم جذابی هستن، جونگ‌کوک هم تو یک برنامه‌ای فکر کنم اسمش ویکی آیدول بود. گفته که یک روز که داشتم نت گردی می‌کردم و عکس‌هایی از تخت جمشید رو دیدم و شیفته تاریخ و فرهنگ ایران شدم و همچنین گفته می‌خواد بره شیراز. از طرف دیگه، همون طور که گفتم بی‌تی‌اس به دین‌های مختلف احترام می‌ذاره، حتی وقتی داشت تو یکی از کشورهای مسلمون کنسرت اجرا می‌کرد برای احترام به آرمی‌های مسلمون تو کنسرت اذان پخش کردند و به آرمی‌ها این فرصت رو دادند تا نمازشون رو بخونن.

حالا این رو بذار در مقابل توهین‌هایی که به گروه بی‌تی‌اس می‌کنیم، اینم اضافه کنم، خیلی از یوتیوبرها هم فحش و ناسزا می‌گن به بی‌تی‌اس که کارشون غیر اخلاقی هست، شاید هدف شون از این کار جمع کردن کامنت و مطرح شدن باشه، چون اگه محتوایی برای ویدیوهاشون داشتن، به جای مسخره کردن دیگران محتوای خودشون رو قرار می‌دادن.

برای مثال، خواننده ساسی مانکن در مراسم ام‌ای‌ام دوهزار و هفده به صورت تماشاچی حضور داشت و هنگام اجرای بی‌تی‌اس دوربین رو به سمت خودش می‌گیره و با لحن مسخره‌آمیزی به بی‌تی‌اس می‌گه، این‌ها دیگه کی ان، و بعدش که با انتقاد شدید آرمی‌ها روبه‌رو شد، نه تنها عذرخواهی نکرد، بلکه کامنت پستاش رو بست.

نمونه بعدی هم شاهرخ استخری هست که در فضای مجازی نوشت، اولش فکر کردم بی‌تی‌اس یه بیماریه وقتی سرچ کردم، مطمئن شدم.



نکته بعدی که می‌خوام بهش اشاره کنم اینه که حتی خواننده‌های داخلی اون قدر خلاقیت ندارن که خودشون برای خودشون محتوا بسازن و آهنگ خودشون رو تولید کنن، به طوری که در کنسرت ماکان بند، امیر مقاره لباسی با کپی برداری از یکی از اعضای بی‌تی‌اس تو کنسرتش پوشیده بود که با انتقاد شدید روبرو شد».



باران ۲۰ ساله و محسن ۲۲ ساله هم در مصاحبه‌هایی که داشته اند، خاطرنشان ساخته اند، برخلاف آیدول‌ها که در حین اجرا و پس از اجرا، نسبت به مخاطبان خودشان با احترام برخورد می‌کنند، برخی از هنرمندان داخلی این‌گونه نیستند و با ذکر مثال در این ارتباط، از برخورد توهین‌آمیز خواننده‌ای با مخاطبش در کنسرت یاد کرده اند که مشابه این رخداد، در سوابق کاری هنرمندان کره‌ای وجود ندارد:

«- می‌تونی برام مثال بیش‌تری بزنی؟»

بین مثلاً از بین خواننده‌های ایرانی گرشا ... ۱۰ تیر یک کنسرتی رو تو زاهدان برگزار کرد. یک مخاطب حاضر در سالن داد می‌زنه و از گرشا ... درخواست می‌کنه که پلی بک نخون، در پاسخ به این درخواست گرشا ... از فرد می‌پرسه که آیا می‌دونی پلی بک چیه و زمانی که با پاسخ مثبت این فرد مواجه می‌شه، بی‌احترامی رو شروع می‌کنه و می‌گه پسر خوبم، کوچولوی من، عمو کلاس چندمی؟ اما ماجرا به همینجا ختم نمی‌شه و چند دقیقه بعد گرشا ... توهین به مخاطب رو شروع می‌کنه و با دهن کجی، همون درخواست رو تکرار می‌کنه در دقایق پایانی و کنسرت هم خواننده می‌گه، بعضیا می‌خوان بگن ما هم بلدیم همین، الان این فرد رو بیارم روی استیج و دو سوال ازش بپرسم، ایزی لایف لازم می‌شه.

به ما انتقاد می‌شه که چرا از هنرمندای داخل حمایت نمی‌کنیم، در حالی که هنرمندهای ما به فرهنگ خودشون توجه ندارند، ولی هنرمندای بی‌تی‌اس (و بقیه کی‌پاپ) لباس‌های ایرانی رو به نمایش گذاشتند».





«- چه نقاط قوتی این گروه دارد که می‌توانید به آن‌ها اشاره کنید؟
من خیلی به نظر هوادار در مورد خطمشی گروه گوش نمی‌دم، ولی اینم بگم که حداقل اعضای گروه خیلی به هوادار توی اجرا، بعد از اجرا و بیرون اجرا و حتی توی اینترنت احترام می‌ذارن که من توی ایران از کم‌تر گروهی همچین چیزی دیدم! حتی گرشا ... همین چند وقت پیش توی کنسرتش یادتون باشه، به مخاطبش توهین کرد.»



اگر از ضعف حرفه‌ای هنرمندان ایرانی بگذریم، ضعف اجرا، مقوله دیگری است که برخی از افراد مصاحبه شده، از آن در سطح هنرمندان ایرانی یاد کرده‌اند و با یادآوری صحنه‌های مهیجی که گروه بی‌تی‌اس در کنسرت‌هایش پدید می‌آورد، اجرای خوانندگان ایرانی را که به ساده‌ترین شکل ممکن هست و اثری از نورپردازی و رقص نور، پس زمینه‌های مهیج و مانند آن‌ها در اجراهای مزبور وجود ندارد، زیر سوال برده‌اند. لیلی ۲۱ ساله، در همین زمینه بیان می‌داشت:

«واقعاً اجراهای بی‌تی‌اس پرشکوه هست و گاهی موهای آدم در حین اجرای اون‌ها سیخ می‌شه، از بس که اجرای قدرتمندی دارند و آدم اصلاً نمی‌تونه نشسته، اجرای اون‌ها رو دنبال کنه.»

۳-۳- شروع هواداری از سنین پایین

بررسی اطلاعات میدانی گردآوری شده از جمعیت تحقیق، حکایت از آن دارد که بسیاری از هواداران از سنین بسیار پایین با کی‌دراما و کی‌پاپ آشنا شده‌اند و پس از آشنا شدن با کی‌دراما، به سمت کی‌پاپ سوق یافته و یا با آشنا شدن با کی‌پاپ، به سمت کی‌دراما سوق یافته و کاربر صنعت فیلم و سریال کره جنوبی شده‌اند. به عنوان مثال، راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش عنوان می‌کند که وی در ابتدا با صنعت فیلم و سریال کره آشنا شده است و در ادامه، از آنجا به صنعت موسیقی کره جنوبی رسیده است:

«- عزیزم می‌شه بگی به چه شکل با کی‌پاپ آشنا شدی؟»

من تقریباً وقتی ۱۱ سالم بود، سریال تو زیبایی^۱ رو از شبکه جم دیدم و بعد به کی‌دراما^۲ علاقه‌مند شدم و شروع کردم به دیدن و بعد از اون جا با کی‌پاپ آشنا شدم و آرمی شدم».

با دقت در سن افراد مصاحبه شده، به نظر می‌رسد، در گذر زمان و ایجاد گروه بی‌تی‌اس از سال ۲۰۱۳ و شهرت یافتن تدریجی آن، سن آشنایی مصاحبه‌شوندگان کم‌سن‌تر با گروه بی‌تی‌اس کاهش یافته است. به این معنا که شیدای ۲۰ ساله گزارش می‌دهد، در ابتدا او زمانی که گروه بی‌تی‌اس ایجاد نشده بود، از کلاس سوم دبستان با اکسو شروع به هواداری کرده است و در ادامه با ایجاد گروه بی‌تی‌اس، طرفدار این گروه شده است.

فرشته ۱۸ ساله، شروع طرفداری خود را ۱۳ سالگی، سحر ۱۵ ساله آغاز هواداری خود را حدود ۱۱ سالگی و سارینای ۱۳ ساله شروع طرفداری خود را از ۱۰ سالگی اعلان داشته‌اند. به تعبیر دیگر، به نظر می‌رسد با شهرت یافتن بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس، سن آشنا شدن با آن در مخاطبان پایین و پایین‌تر آمده است:

«- شیدا تو از کی با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟»

از کلاس سوم ابتدایی. اون موقع بی‌تی‌اس نبود، فکر کنم. من اول با گروه اکسو آشنا شدم. یه گروهی ان مثل بی‌تی‌اس که قبل از همه این گروه‌ها بود و اون موقع از همه‌شون معروف‌تر بود. دوازده تا پسر بودن و خیلی داشتن پیشرفت می‌کردن، ولی کم‌کم هی اعضااش جدا شدن ازش و تعدادشون کم شد. ولی الانم هستن در حد چهار پنج نفر. بعدش بی‌تی‌اس اومد جای اینا رو گرفت. یعنی در رقابت باهم بودن تا این که دیگه بی‌تی‌اس جلو زد از شون. منم دیگه رفتم سمت بی‌تی‌اس».

۱ - مجموعه تلویزیونی درام که محصول کره جنوبی است.

۲ - صنعت فیلم سازی کره جنوبی که غالباً در فرمت مینی سریال است و در ژانرهای از قبیل کمدی، رمانتیک، اکشن، اجتماعی، تاریخی و علمی-تخیلی وجود دارد.



«- خوب شروع کنیم فرشته جان؟»

Let's gooo

- از چند سالگی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

از سیزده سالگی.»

«- سحر تو چند ساله که کی‌پاپی؟»

حدوداً ۵، ۶ ساله، یعنی از حدود ۱۰ سالگی خودم.

- چه جوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

کلاس چهارم فهمیدم یه چیزی به نام بی‌تی‌اس هست، ولی تا کلاس پنجم فقط اسم‌شون رو شنیده بودم و نمی‌شناختم‌شون تا این که یکی از دوستانم تو کلاس فن بی‌تی‌اس بود و همون روزهای اول شروع سال اومد ازم پرسید تو آرمی‌ای؟ چون با کی‌پاپ آشنا بودم، می‌فهمیدم قطعاً منظورش یه فن یه گروه کی‌پاپه، ولی نمی‌دونستم آرمی فن‌دوم کدوم گروهه. دیگه اون دوستم یه مقدار بیش‌تر با بی‌تی‌اس آشناشدم و فن‌شون شدم. بعد یه مدت دیگه فن‌شون نبودم، بعد دوباره فن‌شون شدم.»





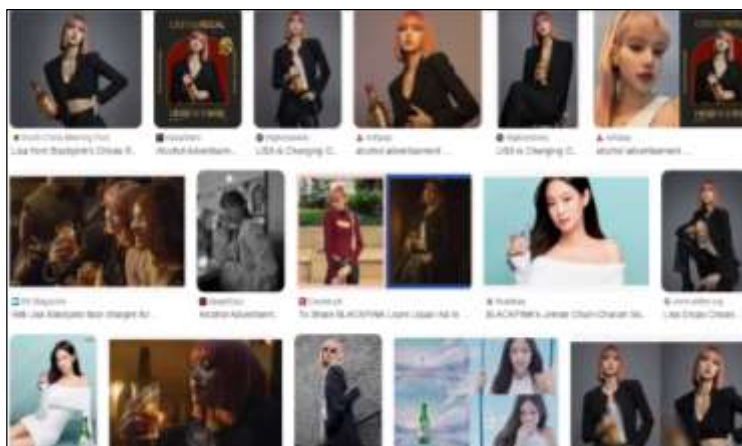
«- از چه سنی کی پاپ و کی دراما رو شناختی؟
حدود ۷ یا ۶ سالگی.

- خواهرت اون زمان طرفدار بی تی اس بود؟

نه اکسوال بود و من هم فقط اکسو و بلک پینک رو می شناختم.

- چه اتفاقی افتاد که با بی تی اس آشنا شدی و بهشون علاقه پیدا کردی و طرفدارشون شدی؟

من از اول فن بی تی اس نبودم، ولی فن دو آتیشه بلک پینک بودم از زمانی که تقریباً ۱۰ سالم بود.



من اون زمان بی تی اس رو نمی شناختم، ولی بعضی وقتها خواهرم درباره شون حرف می زد و من فقط می دونستم که یه گروه ۷ نفره پسر به اسم بی تی اس هست. بعد از یه مدت، من برنامه لایکی رو ریختم و از وقتی اون رو ریختم، این برنامه پر از کی پاپ و بی تی اس بود. من از این طریق بیش تر با بی تی اس آشنا شدم و بعد از ۱-۲ ماه هم بهشون علاقه پیدا کردم و در کنار بلک پینک بی تی اس رو هم استن می کردم».

برخی از اطلاعات گردآمده از طریق مصاحبه یا مشاهده در سطح جامعه، حکایت از آن دارد که سن آشنایی با گروه بی‌تی‌اس به پیش دبستان نیز رسیده است. به این معنا که مثلاً رزای ۶ ساله در کودکستان از علاقه وافر خود و دوستان مهد کودکش به جیمین و سایر آیدول‌ها یاد می‌کند و ریحانه ۱۵ ساله، با گزارش مشاهدات خود از برادر کوچک‌ترش، گزارش می‌دهد، برادر ۶ ساله وی در آرایشگاه از آرایشگر خواسته است تا مدل موی او را مدل جیمینی بزند:

«- رزا بی‌تی‌اس را می‌شناسی؟»

آره.

- کی روی توی بی‌تی‌اس بیشتر می‌شناسی؟

جیمین رو. جیمین رو خیلی دوست دارم.

- دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسند؟

بعضیاشون آره. راجع بهشون حرف می‌زنیم.»

«- ریحانه دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟»

دوستام! همه مدرسه و همه دخترا عاشقش هستن، همه می‌شناسن شون این قدر معروف ان. این قدر که با دوستام تو مدرسه در موردشون کل می‌اندازیم. حتی داداش کوچیکم شیش سالشه، از بس من بی‌تی‌اس رو می‌بینم، اونم دیگه یه کم می‌شناست شون و یه تیکه‌هایی از بعضی آهنگاشون رو حفظه، یه بارم که با بابام رفته آرایشگاه، به آرایشگر گفته موهاش رو مثل جیمین بزنه (باخته) بعد اومده بود خونه ادای اون رو درمی‌آورد.»

درباره طرفداران گروه بی‌تی‌اس باید گفت که به نظر می‌رسد، بیش‌تر طرفداران این گروه را دختران تشکیل می‌دهند. الاز ۱۲ ساله، در تبیین این مسأله در مصاحبه‌اش می‌گوید:

«- خوب از نظر تو آرمی‌های دختر بیشتر هستن یا آرمی‌های پسر؟»

آرمی‌های دختر بیشتر هستن، چون اعضايش جنس مخالف ما هستن، ولی آرمی‌های پسر هم داریم که توی کنسرت خیلی هستن، چون خود همین تهیونگ توی کنسرت‌ها می‌اومد امتحان می‌کرد که دخترا بیش‌ترن یا پسر، مثلاً می‌گفت دخترا حالا سر و صدا کنید، حالا پسر و اینا که ببینیم کیا بیش‌ترن.

- منظورت از جنس مخالف تو هستند، چیه؟

خب پسر که با پسر حس نمی‌گیره، یعنی تعدادشون کمه.

- خوب یعنی پسرها طرفدار بی‌تی‌اس نیستن، چون از اونا حس نمی‌گیرن؟

نه، داریم طرفدار پسر، فقط تعدادشون به اندازه دخترا نیست، تعداد دخترا بیش‌تر هست.

- منظورت از حس گرفتن چیه؟

اُمم حس این که بتونی باهاشون رابطه عاطفی برقرار کنی.

- یعنی تو و آرمی‌های دختر دیگه می‌خواهید با اعضا رابطه عاطفی داشته باشین؟

توی ذهن و تخیلات خودمون آره.
- رابطه عاطفی منظورت علاقه و عشق به اعضاء هست؟
آره، منظورم همینه.
- پس به نظرت پسرا نمی‌تونن به خوبی دخترها آرمی باشن؟
نه، چون ممکنه که اونا کم‌تر همین حس رو داشته باشن».
طرفداران اخیر گاهی به یک نفر (بایس) و گاهی به دو نفر (بایس رکر) و گاهی به تمای آیدول‌ها (او تی سون) عشق می‌ورزند. صوفیای ۱۸ ساله، در همین رابطه توضیح می‌دهد:
«- خوب تو توی بی‌تی‌اس بایسی داری؟
منن. ممم ته‌کوک بایسمه.
- شیپ^۳ می‌کنی یا منظورت اینه که این دوتا بایست هستن؟
(می‌خندد) هم شیپ. هم این دو تا رو آره. بیش‌تر دوست دارم. ولی کلاً من هر هفت تاشون رو دوست دارم. اوتی سونم^۴ فرق نمی‌ذارم بین شون.
- او تی سون یعنی... هفت تاشون؟
آره. یعنی همون بین شون فرق نمی‌ذاریم. هر هفت تاشون رو استن می‌کنیم».

۳-۴- پرداختن به مسایل جوانان

«توی فن‌میتینگ‌ها خیلی از جوان‌ها می‌اومدن و می‌گفتن که «ما می‌خواستیم خودکشی کنیم و به خاطر بی‌تی‌اس برگشتیم یا به خاطر حرفایی که می‌زنن که الان ما زنده‌ایم» (ترانه، ۱۸ ساله).
پیش‌تر از این مسأله یاد شد که نوجوانان درگیر تحول‌های گسترده مغزی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، عقیدتی و حتی سیاسی هستند، اما بعضاً تحول‌های دوران نوجوانی (خاصه تحول‌های مغز بنیان)، توسط افشار قابل‌تأملی از اولیاء شناخته شده نیستند و مثلاً در نوجوانی که به دلیل رسش زودتر قسمت‌های هیجانی مغز و رسش دیرتر مراکز شناختی و کنترل‌کننده مغز، از خود رفتارهای هیجانی شدید و تقریباً کنترل‌نشده، نشان می‌دهد، مورد اعتراض اولیایی واقع می‌شود که با ویژگی‌های تحولی فرزندشان آشنایی ندارند.

۱: Bias - ستاره‌ای که هوادارها، در گروه بیش‌تر از بقیه او را دوست دارند.

۲ - ترکیب دو اسم تهیونگ و جونگ‌کوک، دو نفر از اعضای گروه بی‌تی‌اس

۳ - در اصطلاح به معنای این است که آن دو نفر را به شکل‌های مختلف مانند دوست، عاشق و معشوق می‌دانند.

به همین ترتیب گذر نوجوان از مرحله دیگرپیروی اخلاقی (که در آن کودک فقط مترصد تبعیت از افراد مورد علاقه خودش هست)، به سمت خودپیروی اخلاقی (که در آن نوجوان با کنار نهادن تبعیت از اطرافیان نزدیک، در صدد اقدام و عمل کردن، طبق خواسته خودش هست)، ممکن است برای بسیاری از اولیاء، دشوار بیاید و یا با رسیدن نوجوان به اوان بلوغ، وی به طور طبیعی با رسیدن به سن نفی و انکار خویش، برای اثبات خودش دست به نفی اطرافیان خود می‌زند که پذیرش این امر باز برای برخی از اولیاء سخت به نظر می‌رسد.

مجموعه تحول‌هایی که در دوره نوجوانی و جوانی رخ می‌دهند، سردرگمی اولیاء و به همین ترتیب سردرگمی خود نوجوان را به همراه دارند، زیرا از سویی اولیاء به جای مواجهه با همان فرزند سر به راه و مأخوذ به حیاء، خود را با فرزند سرکش و استقلال طلب مواجه می‌بینند و نوجوان نیز به دلیل سرعت وقوع تحول‌های پی در پی، قادر به هضم همه تحول‌های رخ داده شده و تحلیل آن‌ها نیست.

کمپانی بیگ‌هیت با ایجاد گروه بی‌تی‌اس، در اقدامی ابتکاری^۱ برای موفق شدن گروه، در صدد پرداختن به مسایل نوجوانان و جوانان در جامعه برآمد تا به این ترتیب گامی فراتر از رقبا گذاشته باشد. مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش اذعان می‌دارد، گروه بی‌تی‌اس وی را همچون خانواده و اطرافیانش قضاوت نمی‌کرد، از این رو این گروه، به مثابه یک ملجاء و پناه برای وی ظاهر شد. کوثر ۲۵ ساله نیز با اشاره به تمرکز آهنگ‌های بی‌تی‌اس روی مشکلات نوجوانان و جوانان، خاطرنشان می‌سازد، شعارهای دل‌گرم‌کننده پسران بی‌تی‌اس (نظیر این که اگر دنیا هم پشت تو نبود، ما هستیم)، جایگاه خاصی برای آنان در چشم و دل هواداران پدید آورده است:

«- منظورت از این که می‌گی گروه حکم دل‌خوشی برات داشت، چیه؟»

۱- ابداع‌ها و ابتکارهای کمپانی بیگ‌هیت، منحصر به پرداختن گروه بی‌تی‌اس به مشکلات جوانان و امیدبخشی بدان‌ها نیست و باید موارد دیگری را به لیست ابداع‌های کمپانی افزود.

تمهید کمپانی برای مجرد ماندن آیدول‌ها، از دیگر ابداعات کمپانی به شمار می‌رود. به این معنا که با توجه به این که چون در نوجوانان (خاصه در دختران که عاطفی‌تر هستند)، با فرارسیدن دوران بلوغ، شراره‌های عشق سرمی‌کشد و عاشق شدن و عشق ورزیدن در دستور کار بسیاری از آنان قرار می‌گیرد، آیدول‌هایی که از ابتدا تعمداً با چهره‌های بسیار جذاب گزینش شده‌اند و با اجرای برنامه‌های ورزشی و گرفتن رژیم سخت‌گیرانه غذایی، از اندام مناسبی برخوردار شده‌اند و تحت نظر متخصصان مد و زیبایی، به آرایش و پوشیدن لباس‌های جذاب اقدام می‌کنند، بهترین گزینه‌ها برای شکل دادن به عشق (تخیلی) دختران هوادار، نسبت به آیدول‌ها به شمار می‌آیند.

هویت‌یابی افراد بی‌هویت، مقوله دیگری همسان با مقوله عشق تخیلی به شمار می‌رود. به این معنا که افراد بی‌هویت، با پیوستن به گروه‌های مختلف، می‌توانند در ذیل و پوشش آن گروه، به هویت مورد نیاز خود دست یابند و تحت عنوان هواداران گروه، دست به تخلیه پرخاشگری‌های خود سر هواداران گروه‌های دیگر بزنند.

فعالیت‌های اجتماعی گروه بی‌تی‌اس (مانند سفیر یونیسکس شدن، دیدار با رئیس جمهور امریکا)، اقدام‌های خیرخواهانه و نظایر آن‌ها، برخی از دیگر ابتکارهای کمپانی بیگ‌هیت به شمار می‌روند که در قسمت‌های دیگر بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

در مورد دل خوشی ببین، انگاری چندتا دوست بودن برام، من اون دوران دوست زیاد نداشتم، یعنی داشتم یه سه، چهارتا، ولی باز پیش اونا من طور که باید، همیشه راحت نبودم، چون ترس از قضاوت شدن داشتم همیشه و باید اون طوری می بودم که اونا می خوان و توی خانواده ام مشکلات مختلف داشتم و اونا تنها دوستانم بودن که من رو قضاوت نمی کردن و با این که من رو نمی شناختن، کلی بهم عشق می دادن و من به اونا عشق می دادم و درگیر زندگی اونا بودن، باعث می شد من کم تر درگیر زندگی خودم باشم و کم تر درباره زندگی خودم اورژینک (زیاده از حد اندیشیدن) داشته باشم و این که ببین برنامه های مختلف داشتن، کنسرتای مختلف داشتن و اینا همه اش باعث می شد توی یه دنیای رنگارنگ و خوب باشم، بعد می دونید، فکر کردن به اونا حس خوبی داشت و این که دلیلی بود برای این که بخندم، برنامه هاشون، خودشون، همه چی دلیلی بود برای این که یه سری احساسات توی وجودم زنده نگه داشته شه تا این که بجنگم و توی زندگی خودم دل خوشی پیدا بکنم، تو زندگی خودم چیز زیبایی نداشتم که دلم بهمش خوش باشه، ولی توی چند سالی که گذشت، کم کم چیزهای خوب پیدا کردم، دوستای خوب پیدا کردم رفته تو رشته مورد علاقه ام، نمی دونم ساز مورد علاقه ام، فلان و فلان، بعد کم کم مواردی به وجود آوردم که دل خوشیم بودن، ولی اون تایم فقط برام کی پاپ بود، یعنی تنها چیزی که من رو خوشحال نگه می داشت، کی پاپ بود».

«حتی وان دایرکشن که گروه هالیوود بود و ساپورت کل هالیوود رو پشت خودش داشت، اون قدری معروف نشد که بی تی اس معروف شد.
- اوهوم.

یعنی مثلاً خانواده های ما اسم وان دایرکشن رو نشنیده بودن. حالا دلایل متفاوت بودنش رو برات توضیح می دم.

محبوبیت گروه جداست. معروفیت بی تی اس خودش نشون دهنده ی تفاوت بی تی اسه، چون کی پاپ خیلی ساله وجود داره. گفتم من از چهارده سالگی طرفدار کی پاپ بودم و آهنگا رو گوش می دادم ولی بی تی اس جووری معروف شد که کل دنیا اسمشون رو شنید. اولین گروه کی پاپی شدن که مثلاً یه خانواده سوپر مذهبی توی ایران اسمشون رو شنیده بود و مثلاً میاد از منی که می دونن کی پاپم، می پرسه که بی تی اس چیه. مثلاً فک و فامیلامون میان از من می پرسن بی تی اس چیه. می دونی؟ و این معروف شدن، خودش مصداق بارز این تفاوته است. حالا چرا تفاوت؟ اون رو می تونم برات توضیح بدم چون خیلی تفاوت وجود داره و منی که تو بافت کی پاپ بودم، این تفاوت رو می فهمیدم. شاید یه نفری که خیلی تازه میاد، مثلاً همین الان میاد طرفدار بی تی اس می شه یا مثلاً طرفدار کی پاپ می شه، این چیزایی که من دیدم رو، توی این چند سال، ندیده باشه. ولی اولین تفاوتی که بی تی اس داشت، که اصلاً اولش من ازشون خوشم اومد، این بود که معنا و مفهوم، فک می کنم این رو خیلی از طرفدارای بی تی اس هم

می‌گن، مفهوم آهنگای بی‌تی‌اس با مفهوم تمام آهنگای کی‌پاپ فرق داشت. یعنی مثلاً قبل از این که بی‌تی‌اس آهنگاش رو بده کی‌پاپ اکثراً محدود به آهنگای عاشقانه‌ی مثلاً فلان بود که «وای، دختر من تو رو از دست دادم»، حتی خود بی‌تی‌اس هم به سری آهنگای این طوری داره. ولی اساس و پایه‌ی آهنگای بی‌تی‌اس روی مشکلات تینیجرا بود.

- اوهوم.

نه فقط تینیجرا، هم تینیجرا، هم جوونا. مشکلاتی که تو جامعه‌شون وجود داشت. سختیایی که داشتن. مثلاً به آلبوم دارن که کلاً در مورد اینه که مثلاً چه قدر بچه‌ها تو مدرسه اذیت می‌شن.

- جالبه!

و مثلاً موزیک ویدیوش رو تو مدرسه ریکورد کردن.

کلاً به مشکلاتی که جووناشون تو جامعه خودشون داشتن خیلی پرداخته بودن و برای مایی که شرقی بودیم خیلی قابل ریلیت^۱ (ارتباط گرفتن، متوجه شدن) کردن بود. بعد حالا شاید برای غربی‌ها هم بتونه تا حد زیادی قابل ریلیت کردن باشه. بعد مثلاً درباره مسایلی مثل خودکشی، در مورد این که هدف نداشته باشی تو زندگی چه قدر ساخته، مثلاً به آهنگی دارن اسمش، یکی از اون آهنگای مورد علاقه‌امم بود این، اسمش نور مایندهست.



- اوهوم.

حالا بعداً بخونی خودتم می‌بینی، خیلی مثلاً حالت درد و دل طور، یعنی اصلاً اشکال نداره این احساسایی که تو داری، به موقعایی واقعاً به سری چیزا تو زندگی هست که نمی‌شه برایش کاری کرد. ولی اشکال نداره، مثلاً اگه نمی‌تونن...، بعد مثلاً امید می‌ده. میاد می‌گه درک می‌کنم. اکثر آهنگاشون، خصوصاً آهنگای مثلاً از فاصله‌ی دو هزار و شاید چهارده، پونزده تا دو هزار و شونزده، هفده، توی سه چهار سال اوایل کارشون، نه اول، اول، نه آخر، آخر، اون وسطا، خیلی آهنگایی دادن که فوق‌العاده قابل ارتباط برقرار کردن بود و وقتی که می‌خوندی، می‌تونستی بگی داره حرف دل من رو می‌زنه. مثلاً

1 Relate

2 Never Mind

می‌اومد اول مشکل رو مطرح می‌کرد. بعد می‌گفت من درکت می‌کنم. بعد می‌اومد امید می‌داد یا مثلاً «یه آهنگ دیگه دارن که یه بخش خیلی معروف داره که می‌گه (خواندن کره‌ای) که یعنی It's OK! - اوهوم».

بعد حالا بگو یک، دو، سه. با من بشمر، بیا با من مثلاً فلان این طوری. بعد میاد امید می‌ده و یه حالت همراهی که آره من هستم، حتی اگه کل دنیا پشت تو نیستن، من هستم و کنارتم و اون موقع، الان تو کی پاپ خیلی خواننده‌ها از این کارا می‌کنن و خیلی آهنگای این جور زیاده، ولی اون موقع بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که این مدل آهنگا رو می‌داد و این ارتباط عمیق رو با طرفداراش برقرار کرد و آمد از مشکلات گفت. بعد اصلاً به خاطر این که اولش سبک‌شون هیپ‌هاپ بود و یه بخش خیلی زیادی از آهنگاشون رو رپ تشکیل می‌داد، خیلی طرفداراشون کم بود تو خود کره، یعنی اول تو جهان معروف شدن بعد تو کره. ولی خب اون ارتباط عمیق به خاطر این برقرار شد، اون حس درک شدن متقابل با طرفدار، به طرفداراشون می‌گن آرمی^۱ دیگه می‌دونی.

یه آرمی می‌گه که خب آره، این بی‌تی‌اس داره من رو درک می‌کنه و اون لینک قلبی برقرار می‌شه، نه این که صرفاً من از آهنگش خوشم اومده و ریتم قشنگی داره».

نقد نظام آموزشی، نقد روابط اجتماعی حاکم جامعه و برخوردهای نامناسب با جوانان و تشویق جوانان به مقاومت در برابر نسل بزرگسال که دایم در صدد قضاوت کردن نسل جوان و نفی و انکار وی است، از دیگر فرازهای مهم کار گروه بی‌تی‌اس از آغاز بوده است:

«... اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم^۲ اکلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضاء یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خو گرفتن» (دیبا، ۱۵ ساله).



«... به نظرت چه چیزهایی باعث می‌شه که طرفدارها به این موارد روی بیارن؟ عوامل مختلفی هست. می‌تونه صرفاً از طبیعت احساساتی و افراطی یک شخص باشه. می‌تونه از ناتوانی‌شون توی برنامه‌ریزی باشه. می‌تونه از حس تنهایی و کمبودهای احساسی یا حتی کمبود تفریح و هیجان هم باشه.

با توجه به شرایط، یک نوجوون عادی در اینجا، گزینه‌های متنوعی برای تفریح و تخلیه‌ی هیجان و رشد ابعاد مختلف شخصیتش نداره. یک انسان به دنبال تفریح و هیجان و تنوع می‌ره و این که در این شرایط، یک جوون، به طور افراطی به هیجان یک فضا وابسته می‌شه، چیز دور از ذهنی نیست. در این فضای حاکم، اعم از اجتماع و سیاست و آموزش و پرورش، یک نوجوون یا جوون، دایماً مورد سرکوب احساسی و روحی روانی قرار می‌گیره و برای التیام پیدا کردن، قطعاً به سمت فضایی رنگی، شاد، مثبت و لطیف کشیده می‌شه. می‌دونی، من واقعاً جامعه خودمون رو سرزنش می‌کنم. از بچگی.

- اوهوم. می‌تونم برام بیش‌تر توضیح بدی؟

بین یکی از اصول تربیتی‌ای که همیشه در جریان بوده برای یک کودک، اینه: فرض می‌کنیم که کودک یک وسیله‌ی مورد نیاز و مهم رو برداشته و هیچ‌جوره برای پس دادنش کوتاه نمیداد. چون دوستش داره و از بازی باهاش لذت می‌بره. یک فرد والد، به زور متوسل می‌شه و به قیمت گریه و نارضایتی کودک، اون وسیله رو از دستش می‌گیره. خوب این برخورد قطعاً آسیب زنده هس و به هیچ عنوان تربیت مناسبی برای کودک رقم نمی‌زنه.

اما یک فرد بالغ، وسیله‌ی مهم رو، با یک وسیله‌ی جذاب‌تر جایگزین می‌کنه. اسباب‌بازی، یا وسیله‌ی دیگه‌ای برای کودک فراهم می‌کنه تا کودک به میل خودش کنار بکشه و وسیله‌ی مهم رو کنار بذاره. به این شکل، نه به تربیت آسیبی می‌رسه و نه نارضایتی و گریه‌ای درکاره.

من فکر می‌کنم جامعه‌ی ما، یک جامعه‌ی والد هست. به گرفتن موسیقی کره، کی‌پاپ و بی‌تی‌اس و این دنیای پر زرق و برق و شادی، از نوجوون‌ها اصرار داره و تلاش می‌کنه به زور هم که شده، این دلخوشی رو از جوون‌های جامعه بگیره. در حالی که در مقابلش، هیچ چیزی برای ارایه و جایگزینی نداره. در موسیقی، در تصویر و محتوا هیچ حرفی برای گفتن نداره اما، هم‌زمان، می‌خواد از معدود تفریحات این نسل رو ازشون بگیره و جای خالی و خلاء به جاش بذاره.

جامعه، سیاست و آموزش پرورش و نهادهایی از این قبیل، باید سرگرمی و دلخوشی بزرگ‌تر و پررنگ و لعاب‌تری رو برای نوجوون‌ها و جوون‌های این کشور فراهم کنن.

در غیر این صورت، رفتار پر از زور و دیکتاتوری، بدون درک و شناخت، صرفاً نتیجه‌ی منفی خواهد داشت.

هیچ کس با زور و اصرار قادر نیست یک دل‌خوشی رو از افراد بگیره. این فقط و فقط به این نسل آسیب می‌زنه و اون رو از جامعه‌ی خودش متنفر می‌کنه.

ما به یک جامعه‌ی بالغ نیاز داریم. نه والد.

چون جایی برای پذیرش ندارن. چون جامعه‌ی ما یک پیرمرد نق نقو و عصبانیه که هر چی می‌گه باید درست باشه. یک جامعه‌ی پیر و مردسالار.

یه جورایی دلم گرفت. ما واقعاً تحت ظلم و ستمیم. می‌دونی... هر لحظه دلخوشی‌هامون ازمون گرفته می‌شه و وقتی افسرده می‌شیم، بابتش تحقیر و سرزنش می‌شیم.

– مگه جامعه چه کار می‌کنه و معمولاً چه حرف‌هایی می‌شنوی؟

جامعه‌ی ما متأسفانه در حال حاضر مقداری متعصب و بسته و شاید نژادپرست هست. به طوری که عموم افراد، مقابل چیزهای جدید، اعم از تکنولوژی و حتی کی‌پاپ، گارد محکمی می‌گیرن. به خاطر نوع فرهنگ و تربیتی که تا به الان وجود داشته، جو حاکم بر جامعه، افرادی رو تربیت می‌کنه که دایم نسبت به چیزهای جدید بدبین هستن و احساس ناامنی می‌کنن و فکر می‌کنم این موضوع، ریشه در سیاست دایماً دفاعی کشور ما مقابل فرهنگ‌ها و کشورهای دیگه داره. این باعث می‌شه در جامعه، هر چیز جدید و ناآشنایی، ناامن، تهدید کننده و بیگانه به نظر بیاد.

بعد یکی از نتایج این گارد دفاعی، این هست که کشور ما ناخودآگاه، فرهنگ و دیدگاه‌های خودش رو برتر و مهم‌تر و کامل‌تر می‌بینه و همیشه به هر محرکی، به چشم یک آسیب و تهدید نگاه کنه، حتی اگه اون محرک، خوب، مفید و پیش‌برنده باشه و موجب پیشرفت و گستردگی بیش‌تر فرهنگ بشه. پس دیدگاه کلی جامعه نسبت به کی‌پاپ، یک عامل خارجی و بیگانه و آسیب‌زننده هست. مخصوصاً در بین قشر مسن‌تر که طبیعتاً قابلیت انعطاف کم‌تری دارن و متأسفانه همین قشر، تشکیل دهنده‌ی قانون‌گذاران و در جایگاه دارای قدرت‌های سیاسی و اجتماعی هستن. و به‌جای تحلیل موقعیت و سنجیدن کامل و منعطف، صرفاً تصمیم به مقابله می‌گیرن» (ریحانه، ۲۱ ساله).

«– عرفان چرا کمپانی اسم گروه رو بی‌تی‌اس گذاشته؟

طبق تحقیقاتی که تو گوگل درباره گروه بی‌تی‌اس داشتیم، بی‌تی‌اس یه نام کره‌ایه به معنای پسران ضد گلوله و چون اعضای گروه از پسران تشکیل شده و ضد گلوله بودنش هم نمادی از مقاومت رو نشون می‌ده، به گفته جیهوپ این نام اشاره به مقاومت در برابر انتقادات و انتظارات بی‌جا از نوجوانان داره.

– آیا این مقاومت هم در بین هواداران دیده می‌شه؟

در بیش‌تر هواداران دیده می‌شه. وقتی تو یه جامعه اسلامی زندگی می‌کنی و تیپ‌های فشن می‌پوشی و برخلاف عرف جامعه آرایش می‌کنی، رگباری از انتقادات و ایرادها بهت وارد می‌شه و تو جز مقاومت کردن و پافشاری در برابر خانواده و اجتماع نمی‌تونی هیچ کار دیگه‌ای انجام بدی. اگر یک ذره کوتاه بیای و از پافشاریت در برابر خواسته‌های درونیت در مقابل اطرافیان کم کنی، روز به روز از بی‌تی‌اس دور و دورتر می‌شی.

- برای خود تو اتفاق افتاده؟

بله، خیلی، ابتدا پدرم با تیپ و آرایشم مخالفت می‌کرد و می‌گفت تو با این کارات آبرو برای من نداشتی، بعد تو اجتماع بین فامیل از دایی گرفته تا خاله‌ها و عمه‌هایم همه من رو سرزنش می‌کردن.

- چرا پدرت این قدمخالفتم می‌کرد؟

به نظر پدرم پسرا نباید آرایش کنن و لباس‌های رنگ و وارنگ بپوشن و طلاجات به خودشون آویزون کنن. اگر این کارها رو بکنن، تو جامعه انگ همجنس‌گرایی بهشون می‌زنن و این مایه‌ی آبروریزی برای خانواده محسوب می‌شد.



- عرفان تو چه طور با این همه مخالفت تونستی ادامه بدی؟

خیلی با زبان خوش برای پدرم توضیح دادم من این طوری دوست دارم باشم و تو من رو می‌شناسی همجنس‌گرا نیستم. من این تغییر رو دوست دارم، بهم هویت تازه می‌ده و در کارم کلی موفق شدم. این تغییر من رو به موفقیت کاری و محبوبیت رسونده وگرنه تو شهر کلی نوازنده ارگ وجود داره، چرا همه گروه‌ها من رو انتخاب می‌کنن، چون با بقیه متفاوت هستم. بی‌تی‌اس به من آموخت هم به والدین و بقیه انسان‌ها با هر دین و نژادی احترام بگذارم و هم مقاومت و تلاش در برابر درخواست‌های نامتعارف دیگران رو به من یاد داد» (عرفان، ۲۱ ساله).

توجه خاص به زن‌ها و جامعه اقلیت جنسی، از دیگر مواردی است که ممکن است مورد توجه بیش‌تر نسل جوان قرار گیرد.

«- از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده

می‌شن که دوست پسرانشون شاکی ان از این قضایا 😊.

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استاندارد‌هاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».



دیپای ۱۵ ساله، با اشاره به نقد پسران بی‌تی‌اس به هواداران دال بر این که این قدر دنبال دیدن ران بی‌تی‌اس، دنبال برنامه این دِ سوپ و بن‌ویاژ نباشید، بلکه به زندگی خودتان هم برسید، ظرافت قابل توجهی از گروه بی‌تی‌اس را به معرض دید می‌گذارد:

«من همین چند روز پیش هم یه آهنگی به اسم پاید پیپر^۱ رو از بی‌تی‌اس گوش دادم که معنی‌اش رو نمی‌دونستم و خب ملودی جالبی داشت، ولی بعد که رفتم و ترجمه‌اش رو دیدم، فهمیدم که از این آهنگ‌ها است که نباید ترجمه‌اش رو ببینی (می‌خندد)، مثلاً توی متن این آهنگ می‌گفتن که می‌دونیم که تمام زندگی‌ات رو صرف دوست داشتن ما کردی و خب مثلاً برنامه‌های ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس

1 Pied Piper (2017)

این دِ سوپ یا بی‌تی‌اس بن ویاژ^۱ رو کامل داری می‌بینی، ولی پس کی به زندگی خودت می‌رسی؟ یا مثلاً این را می‌گفت که می‌دونم من جذابم و تو همه‌اش داری به من نگاه می‌کنی و از این جور حرف‌ها که همه این‌ها رو هم فکر کنم نامجون می‌خوند. یه جورهایی این آهنگ به آدم یه تلنگری می‌زنه که خیلی هم دیگه خودت رو درگیر بی‌تی‌اس و حواشی نکن و یه جورایی واقعیت رو تو صورتت می‌کوبن. این لیریک رو خیلی دوست داشتم».

اگر اقدام‌هایی نظیر آنچه از آن یاد شد، به شکل نظری به نوجوانان و جوانان توجه نشان داده، اسباب دلگرمی آنان را فراهم می‌آورد، اقدام‌های دیگری نظیر تهیه انبوهی از تولیدها جهت پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و تأمین سرگرمی آنان، به شکل عملی، گروه بی‌تی‌اس را به مثابه یک منجی برای جوانان مطرح می‌سازد.

ماحصل موارد پیش‌گفته، نگاه مثبت بسیاری از هواداران به گروه بی‌تی‌اس هست. سارینای ۱۳ ساله در مصاحبه خود از دریافت انرژی مثبت از بیانات آیدول‌های بی‌تی‌اس یاد کرده و بنفشه ۲۰ ساله به صراحت بیان می‌دارد، اعضای گروه بی‌تی‌اس شاید ۹۰-۸۰٪ از هواداران را به نوعی از سردرگمی‌های خودشان خارج کرده و نجات داده‌اند:

«- آیا این انرژی مثبتی که از سمت بی‌تی‌اس دریافت می‌کنی، روی زندگی عادی و روزمره‌ات هم تأثیر می‌گذاره؟

بله زیاد. چون وقتی یه نفر باشه که بهت بگه دوستت داره و خودت رو دوست داشته باش، واقعاً خیلی به آدم امید می‌بخشه و دلگرمی خاصی به آدم می‌ده.

مثلاً نامجون می‌گفت از بی‌تی‌اس استفاده کنی تا خودتون رو دوست داشته باشید. در کل بی‌تی‌اس حتی زمان‌هایی که من دنبال شون نیستم هم روی من اثر می‌گذارن».



۱- بی‌تی‌اس سفر بخیر (BTS Bon Voyage) یک برنامه آنلاین از گروه بی‌تی‌اس است که از سال ۲۰۱۶ تا به الان با ۴

فصل ۸ قسمته از طریق Vlive و Weverse پخش شده است.

«- به نظرت طرفداری کردن از بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ یا هالیوودی داره؟ در مورد این زیاد مطمئن نیستم، چون من خودم دوستای آرمی زیادی ندارم، منم و یکی دیگه از دوستانم، ولی چیزی که در مورد خودمون دوتا صدق می‌کنه و چیزی که از طریق مجازی می‌دونم، ببین واقعاً می‌تونم بگم که نود درصد ما رو نه، هشتاد درصد کسانی که آرمی هستن، شاید واقعاً نجات‌مون داد، من به این ایمان دارم که ما رو نجات دادند، خب می‌تونم بگم که فرق ما اینه که همه جور ساپورت‌شون می‌کنیم، من به شخصه حاضرم از خیلی چیزام بزنم که بتونم ساپورت‌شون کنم، چون از لحاظ روحی و روانی اون چیزی که می‌خواستم رو به من دادند و آره، شاید فرق بزرگ ما اینه و این که دارم می‌گم، در مورد اون دوستم صدق می‌کنه و در مورد کسانی هم که تو مجازی هم حرف می‌زدیم، در مورد اونا هم صدق می‌کنه».

۳-۵- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران

کمپانی بیگ‌هیت در طراحی برنامه‌های خود ارتباط عمیق ستاره‌ها و هواداران را مدنظر قرار داده است و با تدوین انواع برنامه‌های سرگرمی، تفریحی و ارتباطی، کوشیده است تا خواست خویش را در عمل محقق کند که به نظر می‌آید تا حدود زیادی نیز در این امر موفق بوده است.

تشکر و قدردانی از هواداران پس از اجرای کنسرت‌های بی‌تی‌اس، اجرای آهنگ در ستایش طرفداری هواداران، تشکر ستاره‌ها از هواداران بعد از دریافت جوایز مختلف، اجرای برنامه‌های فن‌میتینگ و فن-ساین، به تصویر کشیدن پسران گروه بی‌تی‌اس در برنامه‌های سرگرمی مانند: ران بی‌تی‌اس، بن ویاژ و بی‌تی‌اس این دِ سوپ، قدردانی آیدول‌ها از هواداران در صفحات شخصی اعضای گروه، ارتباط با طرفداران از طریق شبکه وی‌ورس، گذاشتن لایوهای فردی و گروهی، تهیه فیلم از زندگی روزمره (نظیر ورزش اعضای بی‌تی‌اس)، گذاشتن آن در شبکه‌های اجتماعی نظیر توییتر و پذیرفتن نام‌گذاری هواداران، قسمتی از برنامه‌های در نظر گرفته شده کمپانی بیگ‌هیت برای عمق بخشیدن بیش از پیش به رابطه ستاره‌ها و هواداران آن‌ها است.

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در حالی که بیان می‌دارد، ستاره‌ها با حرکات خود کلمه آرمی را به نمایش نهاده‌اند، از اوج تشکر جیمین از هواداران که درآمدن به حالتی شبیه سجده مسلمانان در نمازشان است، در برابر هواداران یاد کرده است.

بنفشه ۲۰ ساله نیز ضمن بیان شعارهای بی‌تی‌اس نظیر این که «بدان ما تو را فارغ از هر رنگی، دوست داریم»، از حالت سجده کردن آیدول‌ها در برابر طرفداران‌شان یاد کرده است:

«- فکر می‌کنی صنعت موسیقی کی‌پاپ با موسیقی هالیوودی یا موسیقی‌های دیگه مثل خودمون

چه فرقی‌هایی داره که باعث می‌شه افراد جذبش بشن؟

من موسیقی ایرانی خیلی کم گوش می‌دم و بیش‌تر موسیقی هالیوودی (انگلیسی زبان) گوش می‌دم و چیزی که تو کی‌پاپ من رو جذب کرد، اولاً کیفیت بالای موسیقی‌شونه و مفهومی که می‌رسونه، دوماً مفهوم اون گروه و خانواده و اون رابطه‌ای که با طرفدارشون دارن برام ارزشمنده، اگر نگاه کنی، اکثر سلبریتی‌ها رفتار خوبی با طرفدارا در سطح دنیا ندارن و به چشم مزاحم بهشون نگاه می‌کنن، ولی کی‌پاپ ارزش خیلی زیادی برای فنا قایل هست و خب این خیلی ارزشمنده.



BTS jimin bows and sincerely thanks fans as ^
to dance^ debuts as number 1 on billboards hot100

در این تصویر که برات فرستادم، جیمین داره از طرفدارا تشکر می‌کنه، به خاطر این که آهنگ پریمیشن تو دنس رتبه اول بیلبورد شد.



یا ببین بی‌تی‌اس خیلی از نماد آرمی استفاده می‌کنه، حتی تو موزیک ویدیوهاش توی هر مسابقه‌ای هم که برنده می‌شن یا جوایزی که می‌گیرن، همیشه به فکر طرفداراشون هستن و ازشون تشکر می‌کنن، وقتی جوایز رو می‌گیرن و می‌گن اینا به خاطر حمایت شما هست آرمی و شما برای ما خیلی ارزشمندتر از جوایزی هستین که می‌گیریم و یه جورایی این پیام رو منتقل می‌کنن که بدون حمایت آرمی ما تو این جایگاه در دنیا نبودیم، این قضیه چیزیه که حتی تو هالیوود هم کم‌تر دیده می‌شه، اونا

اکثراً این مدلی ان که بدون در نظر گرفتن طرفدار، می‌گن این جوایز برای تلاش‌های شبانه روزی و بی‌وقفه خودشونه.

تو این عکس پایینی که برات فرستادم برای آهنگ باتره در واقع این عکس برای m.v butter هست که اعضاء با حالت ایستادن شون کلمه ARMY رو ساختن.



بی‌تی‌اس توی موزیک بوی ویت لو هم برای آهنگ ویدیوشون به صورت مستقیم از کلمه آرمی استفاده کردن.»



«من مثلاً همه‌اش این طوری بودم که چه قدر آدم می‌تونه از یک طرفداری که حتی ندیدتش، همه‌اش تشکر کنه یا حتی تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و خیلی برام جذاب بود که می‌دونستن از کجا شروع کردند، می‌دونستن، این هم چیزی که الان دارن رو از کیا دارن، من این رو شاید تو بقیه خواننده‌ها یا توی بقیه گروه‌ها ندیده بودم.»



نه این که بگم اونا بدشون می‌اومد و بی‌احترامی می‌کردن، نه قطعاً هیچ کس این کار رو نمی‌کنه، این برام جالب بود که اینا همیشه و تو هر لحظه‌ای به فکر طرفداراشون بودن و بعدش یه مصاحبه بود که آر ام که لیدر گروه انجام داده بود و توی سازمان ملل بود و در مورد تفاوت فرهنگی و همین دوست داشتن خودمون بود و داشت در مورد این صحبت می‌کرد که مثلاً مهم نیست کی یا مهم نیست که چه گذشته‌ای داری، از کجایی و این که چه نوع فرهنگی داری، مهم اینه که تو خودت رو دوس داشته باشی و بدونی که ما هم تو رو دوست داریم و این خیلی برام جذاب بود، به شدت برام جذاب بود. خیلی جذاب بود خلاصه (😊).

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش ضمن تکرار شعارهایی نظیر این که «آرمی‌ها درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان آیدول‌ها هستند»، از استفاده زبان اشاره توسط تهیونگ برای تشکر از هواداران کر و لال و پاسخ به پیام (کامنت) هواداران در فضای مجازی یاد کرده است:

«- حالا می‌تونم بهم بگی با شنیدن چه حرف‌هایی ازشون به دوست داشتن خودت رسیدی؟ چیزی که یادمه اینه که نامی خطاب به آرمی‌ها می‌گفت، همون طور که من از شما استفاده می‌کنم تا خودم رو دوست داشته باشم، لطفاً لطفاً شما هم از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و بارها و بارها بی‌تی‌اس علاقه‌شون رو به آرمی‌هاشون نشون دادن، یعنی به شیوه‌های مختلف هوای آرمی‌هاشون رو داشتن، همه‌ی آرمی‌هاشون رو و همه‌ی اینا باعث می‌شد، من به خودم افتخار کنم که طرفدار کسی هستم که این قدر برای کارش ارزش قایله، این قدر به هواداراش احترام می‌ذاره، در حدی که بعد از هر جایزه‌ای می‌گیرن از آرمی‌هاشون تشکر می‌کنند که طرفدار کسی هستم که من رو دوست داره و من با عشق و محبتی که از اونا دریافت می‌کنم، می‌تونم به خودم و اطرافیانم متقابلاً عشق بورزم و مهربونی کنم.»

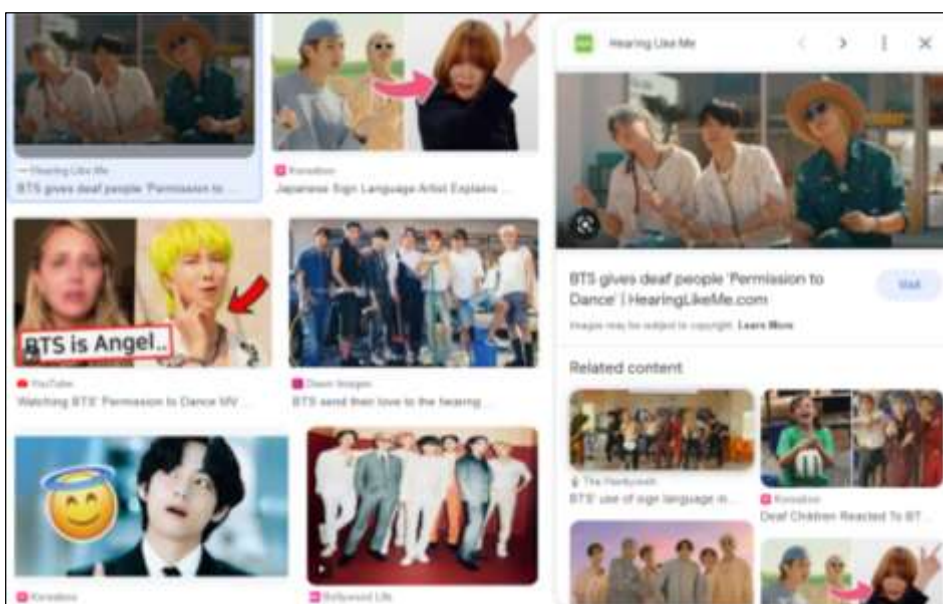


یه جمله از تهیونگ هم خیلی تو ذهنم تکرار می‌شه و مداوم به یادش میارم و قلبم اکیلی می‌شه، اینه که می‌گفت آرمی شما درخشان‌ترین ستاره‌های آسمون من هستید و عمیقاً احساس می‌کنم یک از اون

ستاره‌ها من هستم و بازم می‌گم متقابلاً ما اونا رو ستاره‌های خودمون می‌بینیم که روشنی بخش‌مون هستند، همان طور که اونا ما رو.

- گفتمی هوای آرمی‌هاشون رو دارن، این مسأله به چه صورته؟

این طوریه که همیشه به یاد آرمی‌هاشون هستن، هر زمان، تو هر کنسرتی، مراسمی، برنامه‌ای، چیزی اسم‌مون رو می‌برن و علاقه خودشون رو ابراز می‌کنن، بعد تو وی‌ورس خیلی دوستانه پست می‌ذارن و سلفی می‌ذارن و لایو میان و کامنتای آرمی‌ها رو هم حتی جواب می‌دن. در همین حین تهیونگی رو داریم که از زبان اشاره برای ابراز علاقه‌اش به آرمی‌های ناشنوا استفاده می‌کنه و جیهویی که حتی هوای آرمی‌های مسلمون و ایرانی رو داره، اون قدر صمیمی و نزدیک هستن که به خاطر آرمی‌هایی که امتحان کالج داشتن، ویدیو گرفتن و باهاشون صحبت کردن و سعی کردن از اضطراب‌شون کم کنن و دلگرم‌شون کنن یا شوگایی که می‌گه بیاید با همدیگه بزرگ شیم کنار هم پا به پای هم شونه به شونه هم».





بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش، از آهنگی یاد می‌کند که پسران بی‌تی‌اس در ستایش هواداران خویش خوانده‌اند.

ترنم ۱۸ ساله هم در شرح تحول لگوهای کمپانی بیگ‌هیت، از آخرین لگوی طرفداران که مکمل لگوی گروه بی‌تی‌اس بوده و به صورت یک سپر محافظتی است، یاد کرده است: «می‌تونم لیریک موسیقی که درباره آرمی صحبت کردن رو برام بفرستی؟ حتماً. این لیریک آهنگ «ما ضدگلوله هستیم» هست.



ما چیزی جز رؤیاها نداشتیم،
وقتی چشمانمان را باز کردیم هیچ چیز جز هوای مه‌آلود نبود،
تمام شب رو بیدار موندیم تا برقصیم و آواز بخونیم،
با نت‌های موسیقی بی‌پایان،
آی، ما شجاعانه فریاد می‌زنیم،
همه چیز را دور بیندازید،

اول با دنیا بجنگید،
نمی‌خواهم بمیرم،
اما خیلی درد داشت،
خیلی زیاد گریه می‌کنم،
تیغه‌ها را خیلی محکم کنید،
ما فقط هفت نفر بودیم،
اما حالا همه شما را داریم (آرمی)،
بعد از هفت زمستون و چشمه‌های آبگرم،
با نوک انگشتانم که به یکدیگر پیچیده شده بودند،
آره، ما به بهشت رسیدیم،
به طرف من سنگ پرتاب کن،
ما دیگر نمی‌ترسیم،
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،
بله، ما شما را داریم،
حتی اگر زمستان دوباره بیاید،
حتی اگر جلوم رو گرفته باشن، باز هم راه می‌روم،
من همیشه فکر می‌کنم،
من هنوز خواب می‌بینم؟
راستی بهار است؟
یعنی بعد از زمستون طولانی؟
نامی^۱ که همه به آن خندیدند.
اون یه بار خجالت کشید،
این مدرک مهمی است،
مدرک ضدگلوله،
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،
(بله، ما به بهشت می‌رسیم).
آره، ما تو رو داریم،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)،

۱- گروه بی‌تی‌اس یا پسران ضدگلوله

آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)».



«- نماد بی‌تی‌اس چه مفهومی دارد؟»

لوگوی آرمی و بی‌تی‌اس مثل یک دره که رو هم دیگه باز و بسته می‌شه و تو اون جای خالی وسطش نور امید می‌درخشه. امیدی که باعث می‌شه آدم زندگی رو بدون فکر به مرگ و باخت ادامه بده. لوگوی بی‌تی‌اس در طول این ۱۱ سال ۴ بار تغییر کرده. لوگوی اول شون سال ۲۰۱۳ طراحی شد، یه جلیقه ضدگلوله هست که نشون دهنده قدرت شلیک و نفوذ اون‌ها در خوانندگی هست و رو قلب جلیقه اسم بی‌تی‌اس نوشته شده و یه سری خطوط و رعد و برق اطراف جلیقه هستش که خطوط نشان دهنده‌ی درخشش جلیقه و گروه هست و اون رعد و برق‌ها قدرت ضربات گلوله رو نشون می‌ده.



لوگوی دوم برای سال ۲۰۱۶ هشتش. این لوگو از چهارتا دایره تشکیل شده که هر کدام از این دایره‌ها داخلش طرح متفاوتی هست و پایین این دایره‌ها نوشته wing به معنی بال‌ها.



لوگوی سوم سال ۲۰۱۷ ارایه شد که ۴ تا بیضی آبی رنگ بود که دو به دو متقاطع بودن، مفهوم دقیقش رو نمی‌دونم چی بود، اما زیر آن هم کلمه wing رو نوشته بود و زیر اون هم نوشته بود که تو هرگز تنها راه نمی‌روی.



و آخرین لوگوی بی‌تی‌اس همین لوگویی هست که الان داره و اون هم از سال ۲۰۱۷ به بعد طراحی شد که شبیه یه در هست و این ارتش رو تشویق می‌کنه برن دنبال هدف هاشون.



آرمی‌ها اول لوگویی نداشتن و تو چپتر اول برای آرمی‌ها لوگو درست کردن و لوگوی آرمی‌ها یه جورهایی برعکس لوگوی بی‌تی‌اس هست، یعنی در بسته که نشون دهنده‌ی سپر محافظتی هست.»



پونه ۱۸ ساله و حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشتند، از برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین که برنامه‌های ملاقاتی آیدول‌ها با هواداران محسوب می‌شوند، یاد کرده‌اند:

«- فن‌میتینگ چیه؟»

توی فن‌میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. به حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن‌ساین. البته فن‌ساین یه کم با فن‌میتینگ فرق داره. حالت خصوصی طور داره بعد فنا میان با اعضاء دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین طور طرفدارا به پسران. بعد یه چیز قشنگی که هست اینه، اگر مثلاً یه آرمیه مسلمون بره توی فن‌میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا!»

۱ - یکی از ظرافت‌های دیگر کمپانی بیگ‌هیت در تصویر بالا مشاهده می‌شود. به ظاهر در برنامه فن‌ساین که برای تکریم هواداران تدارک دیده شده است، مبلمان فضای دیدار به گونه‌ای طراحی شده است که هواداران در عمل برای صحبت کردن با آیدول‌ها، مجبور به زانو زدن در برابر آنان هستند!



«- لطفاً برام راجع به فن ساین توضیح بده.

خب فن ساین یه چیزی هست که کمپانی‌ها هر چند وقت یه بار مثلاً میان می‌گن که فلان روز فلان مکان مثلاً بی‌تی‌اس می‌خواد فن ساین بذاره. توی فن ساین فنا می‌تونن به آیدول شون کادو بدن یا ازش عکس و امضاء بگیرن. بعد ثبت نام کردن توی فن ساین خیلی سخته، یعنی قبل از این که ثبت نام کنن باید به کلی سوال راجع به اون گروه یا سولویبیست جواب بدن، به خاطر این که توی فن ساین آیدول و فن کاملاً چهره به چهره و نزدیک هم بهم حرف می‌زنن و اگه یه نفر ساسنگ باشه، می‌تونه خیلی راحت به آیدول آسیب بزنه. به خاطر این تست می‌گیرن که کسی که می‌ره فن ساین واقعاً طرفدار اون آیدول یا گروه باشه».



دیپای ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش از برنامه‌های تفریحی و سرگرمی دیگری که پسران بی‌تی‌اس دارند، نظیر ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ و بن ویاژ یاد کرده است:

«- این برنامه‌هایی که توی صحبت‌هات بهش اشاره کردی چی هستن و توی اون‌ها چه اتفاقی

می‌افته؟

مثلاً این برنامه بن‌ویاژ چندتا فصل داره و توی اون به جاهای مختلفی سفر می‌کنن یا مثلاً ران بی‌تی‌اس کانسپت‌های مختلفی داره، مثلاً می‌شینن باهم بازی‌های مختلفی انجام می‌دن یا خود تهیه‌کننده برنامه میاد و براشون یه چالشی مطرح می‌کنه، آشپزی می‌کنن یا یه مهمونی دعوت می‌شه تا بهشون کارهای جدید رو یاد بده مثلاً سفالگری و یوگا رو یاد گرفتن یا مثلاً توی بی‌تی‌اس این دِ سوپ هم که تا الان دو فصلش اومده، می‌رن توی خونه‌های جنگلی، خیلی خوشگل و شیک و باکلاس و مثلاً کارهایی که اون‌جا انجام می‌دن، توی اون سه، چهار روزی که هستن، به شکل یه برنامه در میاد».

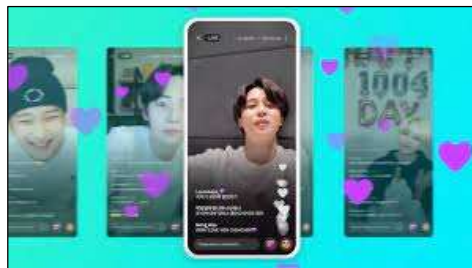
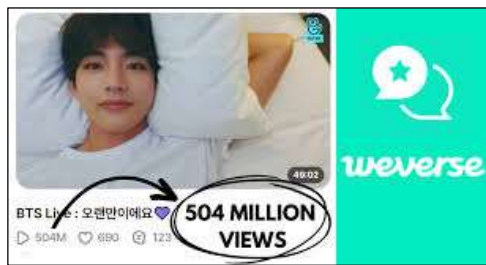


رخساره ۱۶ ساله، از ارتباط آیدول‌ها با هواداران در برنامه وی‌ورس و بنفشه ۲۰ ساله، از لایوهای فردی و گروهی بی‌تی‌اس و برنامه‌های رئالیتی‌شو و جشن فستا یاد کرده اند که هر یک از برنامه‌های اخیر، به سهم خود در عمق‌بخشی به روابط بی‌تی‌اس و هوادارانشان مؤثر واقع می‌آیند:

«بعد برنامه‌ای که بی‌تی‌اس خیلی داخلش فعالیت داره و جواب همه‌ی آرمی‌ها رو می‌ده و عکس این چیزا رو پست می‌کنه وی‌ورسه.

- چه طوری؟

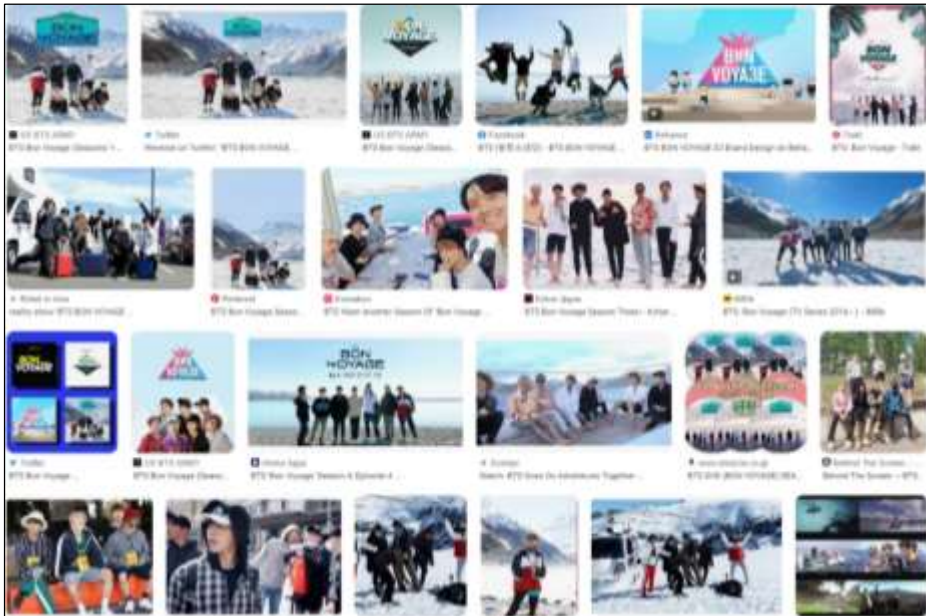
وی‌ورس یه برنامه‌ایه که آیدول‌های کی‌پاپ دارنش و کامنت‌های آرمی‌ها رو جواب می‌دن و روزمرگی‌شون رو اونجا می‌ذارن».

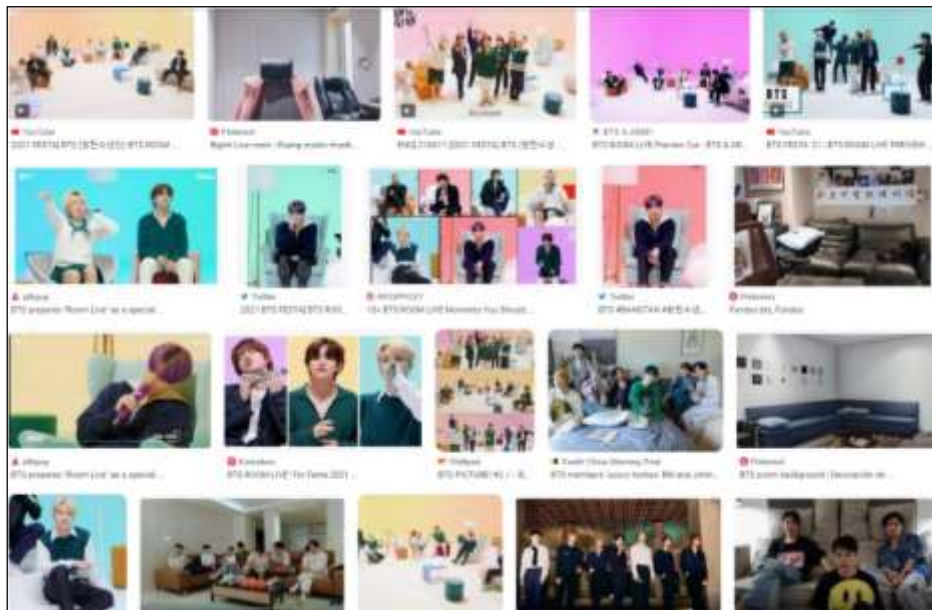


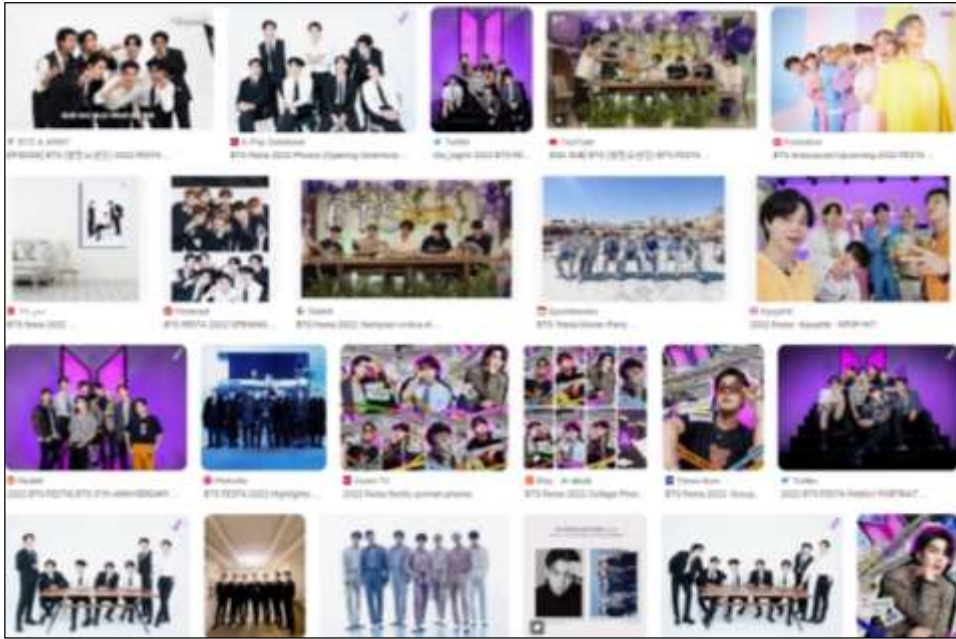
«- درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس داره، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟»

در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌وویاج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این د سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ریئالیتی شوها» بودن، وی لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولدهاشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.









- همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره» 😊😊

گلنوش ۱۴ ساله، از ارتباط آیدول‌ها در صفحات شخصی اینترنتی خودشان با هواداران یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، آیدول‌ها برای راهنمایی هواداران خویش، تمامی دقیق زندگی خود را با آنان مطرح می‌سازند.

مسعود ۲۰ ساله نیز با تأکید به تصویر کشیده شدن کم‌ترین حرکات و سکنات ستاره‌ها، یادآور شده است که آنان حتی فیلم ورزش خود را برای جذب هر چه بیش‌تر مخاطبان در یوتیوب می‌گذارند:

«- ستاره‌ها چه طور با آرمی‌ها ارتباط می‌گیرن که می‌گی براتون وقت می‌گذارن؟

نفر به نفر که نمی‌تونن ارتباط برقرار کنن، چون ما خیلی زیادیم، ولی همین قدر که علاوه بر آهنگ ساختن و این همه کاری که می‌کنن، حاضر هستن توی صفحه‌هاشون برای طرفدارا عکس بذارن و متن بنویسن و اونا رو شریک زندگی شون می‌دونن، خیلی ارزش داره کدوم خواننده‌ای هست که به اندازه بی‌تی‌اس بزرگ و معروف باشه و خودش رو نگیره؟ هیچ کس نیست که این قدر شهرت داشته باشه و بیاد همه چی زندگیش رو صاف و ساده با همه درمیون بذاره و این احساس رو بهت بده که دوستت هست و همیشه کمکت می‌کنه و راهنماییت می‌کنه که چه کار کنی توی شرایط حساس.

- یعنی احساس می‌کنی اعضای بی‌تی‌اس مثل دوست و راهنمای تو هستن؟

بله، همین طوره».

«- گروه بی‌تی‌اس به غیر از آهنگ‌هاشون دیگه چه چیزهایی را برای هواداران در یوتیوب می‌گذارند؟ گروه بی‌تی‌اس هر لحظه از محل زندگی‌شون و کارهاشون و حتی از ورزش کردن‌شون، فیلم‌ها و ویدیوهایی در یوتیوب برای هواداران می‌گذارند که هواداران با دیدن این ویدیوها برای بارها و بارها، از دیدن اون‌ها خسته نمی‌شن و عاشقانه این ویدیوها رو دوست دارند و این ویدیوها نشان دهنده اینه که آیدول‌ها به فکر هواداران هستند».



یکی از دیگر مواردی که به رابطه آیدول‌ها و هواداران دامن زده و بر عمق رابطه آنان می‌افزاید، پذیرفتن نام‌گذاری هواداران برای آیدول‌ها است. به این معنا که نام پسران گروه بی‌تی‌اس، در غالب موارد نام واقعی خودشان نیست و نام آن‌ها برگرفته از نام‌گذاری کمپانی و یا هواداران برای آنان است و بالطبع این مسأله که حتی آیدول مورد نظر نام اعطایی هوادار را به مثابه نام واقعی خویش در نظر بگیرد، مقوله مهم و اثرگذاری است که در سایر گروه‌های مشابه داخلی و خارجی کره ملاحظه نشده است.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین رابطه می‌گوید:

«... بعد هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس، لقب‌های جدا دارن و حتی بعضیاشون اسم مستعار دارن و اسم

اصلی‌شون زیاد به کار نمیاد.

- چرا این طوریه؟

بالاخره بعضیاشون داخل کمپانی اسم‌شون رو عوض کردن و آرمیا این لقب‌ها رو روشن گذاشتن.

- بعد اون‌ها چه احساسی دارن اسم‌شون عوض شده؟

اونا واقعاً از این اسم‌ها، از این اسم‌ها خوش‌شون اومده که انتخاب کردن و هر چی از اون لقبایی که

آرمیا گذاشتن، خیلی وایرال شد و حتی خود بی‌تی‌اس هم خودشون رو به این لقب صدا می‌زنن».

مجموعه مواردی که به اجمال از آن‌ها یاد شد، تقریباً در هیچ گروه کی‌پاپ، پاپ و یا گروه‌های

موسیقی داخلی دیده نمی‌شود و همین عمق بخشیدن‌ها، اسباب محبوبیت بیش از پیش پسران بی‌تی‌اس

را برای هواداران‌شان فراهم می‌آورد.

۳-۶- چند بعدی دیدن گروه و اعضای آن

با بررسی آرای ارایه شده در جمعیت مورد بررسی، مشاهده می‌شود، هواداران گروه بی‌تی‌اس در تبیین علایق خویش به گروه، انگیزه‌های متفاوتی را بیان داشته‌اند. به این معنا که اگر چه برخی برمبنای جذابیت فیزیکی اعضای گروه، در ابتدا متوجه گروه شده‌اند، اما افراد دیگری متوجه جذابیت‌های آنان در آرایش و پوششان شده، برخی خوش اخلاقی و شوخ بودن یا وجود دوستی عمیق بین آنان را علت گرایش و جذب شدن خودشان به بی‌تی‌اس عنوان کرده‌اند و افراد دیگری هم به دلیل فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی اعضای گروه (نظیر عضویت در یونیسف، سخنرانی در سازمان ملل، دیدار با رئیس جمهور امریکا)، انجام کارهای خیرخواهانه و نظایر آن‌ها، مجذوب گروه بی‌تی‌اس شده و به خیل هواداران این گروه پیوسته‌اند.

اطلاعات اخیر دلالت بر چندبعدی و چندوجهی بودن گروه بی‌تی‌اس داشته، به سبب همین ویژگی، اقشار گسترده‌ای را زیر پوشش خود قرار می‌دهد.

نسترن ۱۹ ساله، در بیانات خویش اظهار داشته است که جذابیت‌های فیزیکی ستاره‌ها، علت جذب وی و بسیاری از هواداران دیگر به سمت گروه بی‌تی‌اس بوده است:

«بیش‌ترین انگیزه جذب شما به بی‌تی‌اس چی بود؟»

راستش در ابتدا چهره زیبای اون‌ها من رو به خودش جلب کرد، بعداً اجرا و محتوای آهنگ‌هاشون هم برام زیبا جلوه کردند».

جذابیت پوشش و آرایش آیدول‌ها، دلیل دیگری است که برخی از هواداران بی‌تی‌اس از آن یاد کرده‌اند:

«-مهشید جان، بیش‌ترین علت جذب شما به گروه بی‌تی‌اس چی بود؟»

مدهای جالبی رو توی خودشون به نمایش می‌گذاشتند، به علاوه رنگ موهاشون محشر بود.

-یعنی چی که رنگ موی اون‌ها محشر بود؟

یعنی این که رنگ موهاشون در هر کنسرت عوض می‌شد و هر بار قشنگ تر از بار قبل می‌شد». زهرای ۲۴ ساله، شوخ طبعی و خوش اخلاق بودن اعضای گروه پسران، توجهش را جلب کرده و به همین سبب هوادار گروه شده است، ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خودش بیان می‌داشت، دوستی موجود بین آیدول‌ها از سویی و محتوای عمیق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، انگیزه گرایش و هواداری وی را فراهم آورده است:

«- پس در برخورد اول، شوخ بودن شون باعث شد که شما جذب شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد».

«- بعضی وقتا می‌گن که شماها فقط به خاطر زیبایی‌شون طرفدار اون‌ها شدید. نظرت در مورد این حرف چیه؟»

من فکر می‌کنم، همون طور که این منتقدان به‌جای تحلیل عمیق موضوع، صرفاً به دیدن سطحی قضیه بسنده می‌کنن و واکنش دفاعی از خود نشون می‌دن، بر این باور هستن که افرادی مثل ما، یعنی افراد درون یک فندوم هم، مثل همین اشخاص، دارای دیدگاهی سطحی و ظاهری هستن و به خاطر چهره‌ها، ظاهر و پوشش آرتیست هست که این علاقه رو پیدا کردن.

این در حالی هست که یک ظاهر زیبا و منطبق بر مد روز، تا مدت محدودی می‌تونه زیبا و طبق مد روز باقی بمونه. قبل‌تر هم به تنوع زیاد و رشد سریع در جذابیت‌های بصری در کی‌پاپ اشاره کردم. پس طرفدار یک آرتیست بودن، اونم در شرایطی که معیارهای زیبایی به سرعت عوض می‌شن و به اصطلاح عامیانه، هر روز زیباتر از دیروز پا به عرصه می‌ذارن، صرفاً به خاطر چهره و زیبایی نیست. البته نمی‌تونم منکر این باشم که در جذب اولیه، این زیبایی ظاهری بسیار جذب کننده و پررنگ هست، اما در ادامه‌ی این علاقه و طرفداری چی؟ بعد از عادت به این چهره‌ها یا تغییر مد یا حتی بالاتر رفتن سن آرتیست و تغییر ظاهر چی؟ چیزی که یک طرفدار رو، طرفدار «نگه می‌داره»، محتواست. نه چهره و ظاهر.

برای من به شخصه، زمانی که جذب بی‌تی‌اس و وارد فندوم آرمی شدم، معیارهای زیبایی برای من ابداً مطرح نبود. کم‌ترین توجه من در اون زمان به زرق و برق و چهره‌های زیبا بود. چیزی که من رو به شکل جدی جذب کرد، قدرت و عمق محتوا، و زیبایی عمیق و غیر ظاهری اعضا و موسیقی اون‌ها و قدرت دوستی بین‌شون بود.»

سایه ۲۱ ساله، زمانی که سایت یونیسف را بررسی می‌کرده است، با توجه به فعالیت آیدول‌ها به عنوان سفیر یونیسف، به آن‌ها علاقه‌مند شده و در ادامه، کاربر موسیقی آنان گردیده است. کوثر ۲۵ ساله نیز با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی بی‌تی‌اس نظیر فعالیت در یونیسف و یا حضور در سازمان ملل و سخنرانی درباره خشونت علیه کودکان، متوجه و در ادامه جذب گروه پسران بی‌تی‌اس شده است:

«- علاقه شما به بی‌تی‌اس به خاطر موسیقی‌شونه یا اجراشون یا شاید زیبایی خودشون یا همه این‌ها؟»

من این طوری بودم که خیلی می‌گشتم تو یوتیوب و بعد داشتم تو کانال یونیسف می‌گشتم و اونجا به سخنرانی دیدم که خیلی سخنرانی جالبی بود برام. هر چند نمی‌شناختمشون، ولی شنیدید می‌گن، آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟ همون طوری بود برام. شرایط سختی داشتم، اون موقع، اون حرف‌ها خیلی برام دلنشین بود. بعد فایل صوتی این سخنرانی رو برای خودم ذخیره کرده بودم و هی گوش می‌دادم. بعد چون موسیقی متن‌های سریال‌های کره‌ای یا فیلم‌هاشون و این‌ها رو هم گوش

می‌دادم، خیلی بر اساس الگوریتمش یوتیوب بهم ویدیوهای بی‌تی‌اس رو پیشنهاد می‌داد و من دوتا دوست هم داشتم که هیترا^۱ (متنفر) این گروه بودند و علاقه‌ای بهش نداشتند و من اسم این گروه رو از اونا زیاد شنیده بودم، بعد برای همین تو یوتیوب که می‌گشتم ناخودآگاه ویدیوهای اینا رو می‌دیدم و خب جالب هم بودند برام، چون تاحالا مثلش رو ندیدم بودم هیچ جا، با این که من خودم موسیقی رو خیلی دوست دارم و زیاد کنسرت‌ها و اجراهای مختلف رو دیدم».

«- آیا گروه‌های کی‌پاپ فعالیت‌های سیاسی یا سیاسی- اجتماعی هم دارن؟»

من خب از گروه‌های دیگه که خبر ندارم، ولی بی‌تی‌اس خب عضو یونیسف^۲ (بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات کودکان) بودن. خیلی زیاد براشون فعالیت می‌کردن. بعد یه سری هم... چند سری فکر کنم تو سازمان ملل هم سخنرانی کردن و بیش‌تر سخنرانی‌هاش هم در مورد همین حقوق کودکان و حقوق مظلومین و این چیزا بود. این که مثلاً از کودکان محافظت بشه، منع خشونت علیه بچه‌ها و چیزای این طوری. فعالیت‌هاشون بیش‌تر در این زمینه بود. در حدی که من می‌دونم. چیز بیش‌تری من نمی‌دونم».



سونیای ۱۷ ساله در آغاز به دلیل حضور اعضای بی‌تی‌اس در سازمان ملل و سخنرانی آنان درباره ضرورت رفع تبعیض‌های بشری و حاکم کردن صلح در اقصاء نقاط جهان، به گروه پسران بی‌تی‌اس علاقه‌مند شده است و عرفان ۲۱ ساله، با ستایش از دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس‌جمهور امریکا و سخنرانی آن‌ها درباره ضرورت حمایت از آسیایی‌های ساکن امریکا، دوست‌دار گروه بی‌تی‌اس شده است:

«- به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟»

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیتی ندارن.

- با توجه به محتواهایی که دیدیم، مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید،

به نظرتون فعالیت سیاسی ندارن؟

آره، اونا رو منم دیدم. ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعیه، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، برایشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پاپی‌ها کاری با سیاست ندارن معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن...».



«- چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟
گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دایر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنايات نفرت و تبعیض ضد آسیایی) است تا میراث رو جشن بگیرن و با رئیس جمهور بایدن درباره افزایش نگران کننده جنایات و نفرت و تبعیض ضد آسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند.
- عرفان حضور گروه بی‌تی‌اس در کاخ سفید و ملاقات با بایدن از نظر فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در جهان داشته؟

خیلی از لحاظ فرهنگی تونسته تأثیر داشته باشه. گروهی از پسران زیباروی و جذاب کره‌ای با ملاقات‌شون با رئیس جمهور وقت آمریکا جو بایدن سر تیترا خبرهای مجلات و روزنامه‌های آمریکا و سراسر دنیا شده و این خودش بزرگ‌ترین تبلیغ برای گروه بی‌تی‌اس به شمار میاد.



با این کار گروه بی‌تی‌اس به عنوان سفیران جوان صلح در سراسر دنیا معرفی شدن و بر محبوبیت و معروفیت‌شون افزوده شد.

- این ملاقات چه سودی برای دوران ریاست جمهوری بایدن دارد؟

در تمام سال‌های گذشته و در دوران ریاست جمهوری جو بایدن مردم آمریکا بارها و بارها خشم و نفرت خود را از آسیایی تبارهای ساکن آمریکا نشان دادن. هم با تبعیض نژادی هم با کشتن آسیایی‌های مقیم آمریکا هم با تحقیر آن‌ها انزجار خود رو نشون دادن. این حرکت جو بایدن پیام صلح و برابری تمام انسان‌های ساکن آمریکا رو نشون می‌ده. این حرکت از نظر سیاسی بازتاب‌های خیلی خوبی داشته.

- از نظر سیاسی چه بازتابی برای جو بایدن داشته؟

با این کار رئیس جمهور جو بایدن تونسته نظر خیلی از مخالفان خود رو جلب کنه و خودش رو به یه چهره صلح دوست و مبارز با تبعیض نژادی و برابری انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد معرفی کنه. این برای بایدن خیلی تأثیرگذاره اگر بعد از تمام شدن دوره ریاست جمهوری‌ش باز بخواد کاندید ریاست جمهوری بشه».



با توجه به آنچه از آن یاد شد، دلایل جذب هواداران به گروه بی‌تی‌اس، در افراد عادی از مواردی مانند: جذابیت‌های فیزیکی و تیپ آیدول‌ها شروع شده، به مواردی مانند اجرای چشمگیر کنسرت‌های آنان می‌رسد و برای افراد فرهیخته‌تر، مواردی مانند فعالیت‌های نودوستانه گروه، پذیرش سفیری یونیسف، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در جهت صلح‌طلبی و رفع تبعیض‌های موجود بین انبای بشر، از جمله مواردی هستند که اسباب علاقه‌مندی هواداران به گروه بی‌تی‌اس را فراهم آورده‌اند.

۳-۷- تشویق مهاجرت به کره

با بررسی روابط متقابل کمپانی بیگ‌هیت و دولت کره جنوبی، این فرض به ذهن متبادر می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت هم‌سو و در راستای سیاست‌های کلان کشور کره حرکت کرده و ایفای نقش می‌کند و از سوی دیگر، دولت کره جنوبی نیز با پاسداشت اقدام کمپانی، در اعتلای هر چه بیش‌تر کمپانی می‌کوشد.

با درخششی که گروه بی‌تی‌اس طی سال‌های اخیر به دست آورده است، توجه به آن در معادلات کلان کشور کره، دور از ذهن نمی‌نماید. به گزارش دانشنامه ویکی‌پدیا، بی‌تی‌اس سالانه نزدیک به ۵ میلیارد دلار کسب درآمد داشته، و از هر ۱۳ توریستی که برای بازدید به کره جنوبی می‌روند، یک نفر برای دیدار گروه بی‌تی‌اس دست به سفر به کره جنوبی زده است. آیدول‌های بی‌تی‌اس با اتکاء به شهرت قابل توجه خودشان، از سویی وارد عرصه تبلیغات و از سوی دیگر وارد فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی - سیاسی شده‌اند.

تبلغ برندهای کره‌ای، مانند هیوندای و یا سامسونگ، قسمتی از تبلیغات آیدول‌ها به شمار می‌روند. از آن‌جا که کره جنوبی هم‌سو با دیگر کشورهای سرمایه‌داری جهان عمل می‌کند و بالطبع باید از فرهنگ مبتنی بر سیاست‌های لیبرالی تبعیت کند، گروه بی‌تی‌اس مبلغ خط‌مشی‌های فرهنگی اخیر نیز هست و جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق، از اهم موارد مورد پذیرش فرهنگ لیبرالی است. مضاف بر این، رئیس‌جمهور کره جنوبی با اعطای پاسپورت دیپلماتیک به پسران بی‌تی‌اس، در عمل نقش اجتماعی - سیاسی خاصی نیز برعهده گروه بی‌تی‌اس نهاده است که این نقش با اقدام‌های صلح - طلبانه و نفی تبعیض‌های موجود در جامعه بشری از سوی بی‌تی‌اس، تحقق یافته، به شکل غیرمستقیم اعتلای این کشور را رقم می‌زند.

در برابر، کمپانی بیگ‌هیت نیز در کنار ایفای نقش فرهنگی و اقتصادی خویش در کره جنوبی، به مواردی مانند تبلیغ مهاجرت نخبگان به کره دست می‌زند که این مسأله اصولاً جزو وظایف یک گروه موسیقیایی نبوده و نیست.



شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، گروه بی‌تی‌اس در عمل با فعالیت‌های جانبی خویش، دست به پردازش فضایی جذاب و زیبا از کره جنوبی می‌زند تا افراد متمایل به مهاجرت به این کشور شوند:

«- زندگی شخصی‌شون رو هم با مخاطبان به اشتراک می‌گذارند؟»

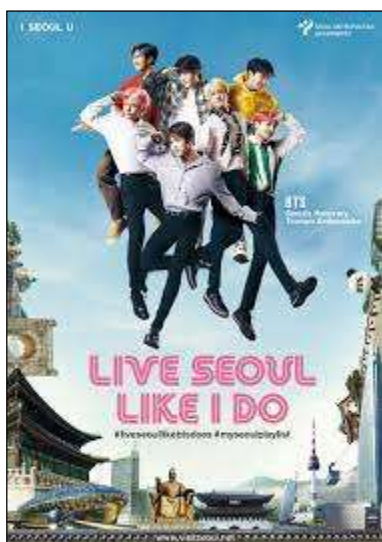
آره، حالت بلاگر لایف استایل هم دارن و از زندگی‌شون هم فیلم می‌گیرن، می‌ذارن. مثلاً غذا درست کردن شون یا کارای روزمره‌شون یا خرید، ولی خب یه مقدار فیکه چیزایی که نشون می‌دن. - یعنی چی؟

یعنی مثلاً خب کسی اول صبح ساعت ۶ که نمی‌ره خرید، بعدش بیاد با اونا صبحونه درست کنه، یعنی یه کم ایده‌آله چیزی که نشون می‌دن یا مثلاً بعدش تازه بره حموم و بیاد صبحونه بخوره، تو

زندگی واقعی، ما اول صبح فقط داریم می‌دوییم که به کارمون برسیم (باخنده) یا مثلاً هر جا می‌رن صف نیست، مگه می‌شه؟ همه جا خلوته، خب اونجا هم جمعیتش خیلی کم نیست، این جوری خیلی ایده‌آله در واقع.

- یعنی تبلیغ کشورشون رو می‌کنن؟

آره فکر می‌کنم یه کم این جوریه که مثلاً همه جا خلوته و صف نیست و کارها زود راه می‌افته و همه جا شیک و خوشگله و نو و زندگی‌شون لاکچریه، شاید کمپانی می‌خواد این جوری ایده‌آل نشون بشه، چون اینا هر کاری که کمپانی بگه رو می‌کنن دیگه».



الناز ۱۲ ساله، در بیانات خود خاطر نشان می‌سازد، وی تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، متمایل به مهاجرت به کره شده است و برای تحقق این عمل، یادگیری زبان کره‌ای را شروع کرده است، مضاف بر این، الناز با تأکید این که همه هم‌کلاسی‌های وی در صدد مهاجرت به کره هستند، عمق این مسأله را ترسیم می‌کند:

«- خوب به جز استریم زدن که خودت گفتی چه فعالیت‌هایی در زمینه آرمی بودن انجام دادی؟ من به خاطر اون‌ها در حال یادگیری زبان کره‌ای هستم، و این که به خاطرشون فن‌پیج (صفحه هواداری) زدم.

- خوب از کی شروع به خواندن زبان کره‌ای کردی؟

از ۸ مهر ۱۴۰۱ که می‌شه یک ماه و نیم.

- خوب توی این یک ماه و نیم پیشرفتی داشتی و چیزی یاد گرفتی؟

آره، همه حروف الفبای کره‌ای رو یاد گرفتیم و الآن داریم جمله‌سازی رو یاد می‌گیریم.
- در کلاس تون کسی مثل تو هست که طرفدار بی‌تی‌اس باشه و به خاطر اون‌ها بخواد این زبان رو یاد بگیره؟

آره، همه‌ی بچه‌های کلاس مون طرفدار بی‌تی‌اس هستن و همه‌شون هم به خاطر اون‌ها می‌خوان که این زبان رو یاد بگیرند.

- در کلاس تون چند نفرید؟

با خودم ۴ نفر.

- خوب یعنی همه‌ی ۴ نفرتون آرمی هستین و به خاطر اون‌ها می‌رید کلاس زبان کره‌ای؟

بله، ولی اون‌ها به خاطر مهاجرت هم زبان کره‌ای رو می‌خونن.

- یعنی هم کلاسی‌هات می‌خوان برن کره؟

آره.

- خوب تو چی تو نمی‌خوای بری؟

چرا منم می‌خوام برم.»

شب‌نم ۲۵ ساله نیز از قصد خود برای مهاجرت به کره یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، از ۱۹ سالگی در پی تحقق این امر بوده است و در طی این مدت به بسترسازی‌های لازم در این جهت دست زده است و در کنار یادگیری زبان کره‌ای، با یادگیری یک حرفه ارزشمند، دنبال اجرایی کردن هدف خویش است: «بین اون موقع که من شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، حقیقتش هیچ هدفی برای زندگی نداشتم. هیچی! اصلاً نمی‌دونستم چی کار می‌خوام کنم. اولش که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، ۱۹ سالم بود. بعد یه وقفه‌ای افتاد و دوباره از ۲۱ سالگی به صورت جدی ادامه دادم و هدفم این بود که برم کره. حتی پس‌انداز هم کرده بودم، ولی متأسفانه خورد به گرونی‌ها و دیگه نتونستم. البته استاد زبانم توی آموزشگاه بهم می‌گفت که تو از طریق زبان کره‌ای توی کره نمی‌تونی کار پیدا کنی و باید یه حرفه و هنر و مهارت دیگه‌ای داشته باشی که بتونی اون جا کار کنی که منم درباره رشته‌ام (طراحی فرش) بهش گفتم و ایشون هم خیلی تشویقم کرد و در نتیجه منم دوباره شروع کردم به فرش‌بافی و برای خودم این ددلاین رو گذاشته بودم که تو باید تا دو سال دیگه رفته باشی کره. ولی دیگه یه مشکلاتی پیش اومد توی زندگی‌م و تا الآن نتونستم به هدفم برسم.»

محسن ۲۲ ساله، از منظر دیگری به مقوله مهاجرت به کره فکر می‌کند و آن آزادی عملی است که گروه‌های دخترانه و پسرانه کی‌پاپ در کره از آن برخوردار هستند:

«- تا حالا به رفتن از ایران فکر کردی؟

هزار بار. وقتی می‌دونم اونور حالا هر جا که بری بهتر از ایرانه، مگه دیوونه‌ام که بمونم؟

- از کجا می‌دانی بهتر هست؟

نخوردیم نون گندم، ولی دیدیم دست مردم. این همه فیلم و کلیپ و اینا همه‌اش نشون می‌دن چه قدر اونا خوب دارن زندگی می‌کنن! همین بی‌تی‌اس و آزادی که دارن یا گروه‌هایی مثل بلک‌پینک که دخترای کی‌پاپر هستن. کجا تو ایران یه دختر می‌تونه آزادانه آواز بخونه و برقصه، شما باشی نمی‌ری؟»



گذشته از افرادی که علاقه‌مند به مهاجرت به کره هستند، افراد دیگری به دلیل جذابیت‌هایی که گروه بی‌تی‌اس برای آنان داشته است، در سطحی پایین‌تر برای دیدن گروه بی‌تی‌اس، سناریوی ادامه تحصیل در کره را برای خود مطرح کرده‌اند. راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش از معنای اخیر، چنین یاد کرده است:

«- فکر می‌کنم بی‌تی‌اس تأثیر زیادی برای مهاجرت دانشجویها به کره داشته. آره. نصف‌شون فقط برای این که بی‌تی‌اس رو ببینن رفتن.»



غزل ۱۶ ساله و مهشید ۲۱ ساله نیز از هدف خویش برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کره جنوبی، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- غزل زبان کره‌ای بلدی؟»

بلدم. نه خیلی عالی.

- در چه حد؟

به خاطر سریالایی که می‌دیدم و آهنگا، گوشم عادت کرده بود. ولی چون دوست داشتم جدی یاد بگیرم، می‌رم کلاس. الان بیش‌تر از این که بتونم حرف بزنم، می‌فهمم چی می‌گن.

- فقط چون دوست داری کره‌ای رو می‌خوای یاد بگیری یا هدف دیگه‌ای مثل مهاجرت رو داری؟
دوست دارم برم کره.

- برای دانشگاه، و تحصیلی می‌خوای بری یا برای چیز دیگه‌ای.

دوست دارم واسه دانشگاه برم.»

«- یعنی دوست داری فقط به عنوان گردشگر بری یا دوست داری مهاجرت کنی؟»

به عنوان یک طرفدار دوست دارم به عنوان توریست برم و در کنسرت‌شون شرکت کنم، ولی به عنوان کسی که با کره آشنایی خیلی بالایی داره. تصمیم دارم برای مقطع دکتری بورسیه بشم، حالا تا خدا چی بخواد و صلاح چی باشه (می‌خندد).»



با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، نباید گروه بی‌تی‌اس را صرفاً یک گروه محدود موسیقیایی دید و به نظر می‌رسد، این گروه به دلیل شهرت و اثرگذاری اجتماعی که به دست آورده است، به تدریج واجد برخی از نقش‌های فرعی و پنهان برای اعتلای خط‌مشی‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی جامعه‌اش (از جمله ترغیب نخبگان به مهاجرت به کره جنوبی) شده است.

۳-۸- دوست‌یابی حضوری و مجازی

افرادی که حول محور طرفداری از گروه بی‌تی‌اس گرد هم می‌آیند، به سبب نزدیکی دیدگاه‌هایی که دارند، یکدیگر را به عنوان دوست انتخاب می‌کنند. دوستان اخیر ممکن است حضوری یا مجازی باشند. در مواردی نظیر هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها، بالطبع دوستی افراد از شکل حضوری برخوردار است، اما در شرایط حضور افراد در تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها) و یا ایجاد صفحه‌های طرفداری و تعقیب این صفحه‌ها توسط دیگران، در این حالت دوستان فرد، دوستان مجازی خواهند بود.

البته در مواردی هم که فردی مسلط به زبان انگلیسی یا کره‌ای و مانند آن‌ها باشد، از این امکان برخوردار خواهد بود که دوستان مجازی بین‌المللی پیدا کند.

نگین ۱۳ ساله که به دلیل کمی سن، هنوز فرصت غور و تفحص زیادی در فضای مجازی و فندوم‌ها نداشته است، در مصاحبه خود بیان می‌کند که او با معرفی دوستان حضوری خویش با برخی از آرمی‌ها آشنا شده، و با آنان طرح دوستی ریخته است:

«- به چه صورت با سایر آرمی‌ها در ارتباطی؟»

ما با آرمی‌های غریبه در ارتباط نیستیم ما با دوستانمون در ارتباطیم و یا دوست‌هامون می‌بینن که یکی از دوست‌هاشون آرمیه و خیلی خصوصیاتش شبیه ما هست، اون آرمی را به ما معرفی می‌کنن، بعد دوست می‌شیم».

مریم ۱۸ ساله، ریحانه ۲۱ ساله و کوثر ۲۵ ساله که به اندازه کافی با فضای مجازی آشنایی یافته اند، در کنار دوستان حضوری، از طریق تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها)، با دوستان مجازی آشنا شده و طرح دوستی با آنان ریخته اند:

«- می‌تونی مثال بزنی که طرفداری از بی‌تی‌اس تاحالا چه نکات مثبت و منفی‌ای برات دربرداشته؟»

بهترین دوستی‌های من به خاطر علاقه مشترکی که در مورد بی‌تی‌اس داشتیم، ایجاد شده و این قضیه باعث شده حتی بتونم با افراد کوچیک‌تر یا بزرگ‌تر از خودم هم دوستی‌های عمیقی داشته باشم. فکر می‌کنم اطلاعاتی که در زمینه کی‌پاپ دارم، همیشه کمکم کرده که راحت‌تر تو اجتماع باشم. اگه آرمی و کی‌پاپ نبودم، خیلی سخت می‌شد که بتونم این قدر دوست‌های زیاد حتی تو فضای مجازی داشته باشم. به نظرم آیدول‌های کی‌پاپ خیلی الهام بخش ان و کسایی هستن که از سن کم برای زندگی خودشون برنامه داشتن، به توانایی‌های خودشون باور داشتن و به سمت هدف‌هاشون قدم برداشتن و از سختی‌هایی که توی مسیر بوده نترسیدند. تمرین‌های سخت با ساعات طولانی و دور بودن از همه نزدیکان‌شون رو تحمل کردند و با سخت‌گیری‌های غیرمنطقی کمپانی کنار اومدن و تلاش کردند. من از پشتکار و اراده‌شون الگو گرفتم همیشه. من به نظرم آرمی‌ها به جای این که حواس‌شون رو پرت

مسایل حاشیه‌ای و زندگی شخصی اعضاء بی‌تی‌اس کنند، باید از مصمم بودن و جدی بودن شون توی کاری که انجام می‌دن، الگو بگیرن».

«... از این گذشته، وقتی خودم رو طرفدار یک گروه محسوب می‌کنم، ناخواسته توی تلگرام، اینستاگرام یا توئیتر، با کسانی شبیه خودم آشنا می‌شم که توی همین مورد فندوم و خواننده‌ی مورد علاقه خودمون با همدیگه تفاهم و اشتراک داریم.

همین باعث می‌شه باز هم دوستای جدیدی پیدا کنم، دایره‌ی ارتباطیم گسترده‌تر بشه و با اشخاص جدید، دیدگاه‌های جدید، توانمندی‌ها و استعدادها و اخلاقیات مختلف روبرو بشم و این باعث شد روابط اجتماعی و مهارت‌های ارتباطیم خیلیی بهبود پیدا کنن و حالا علاوه بر اینا، باعث شد تایم‌های خالی و اوقات فراغتم رو با چیزای مثبت‌تری پر کنم».

«- بعد آیا در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس دوستی هم پیدا کردی؟

من اول که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، اصلاً هیچ دوست آرمی‌ای نداشتم. اون موقع که من طرفدار بی‌تی‌اس بودم، اصلاً تو ایران شاید صد نفر آرمی نبودن تو ایران. چون مثلاً می‌گم سال ۲۰۱۳ بی‌تی‌اس شروع به کار کرده بود، من ۲۰۱۴ طرفدارشون شدم. برای همین اصلاً گروهی نداشتم که با آرمیا بخوام دوست باشم. چند سال بعدش که خب اینترنت یه ذره سرعتش رفت بالا و مثلاً اینستاگرام اومد، خب آره چندتا دوست آرمی پیدا کردم که آره باهم این کارا رو می‌کردیم».

ترانه ۱۸ ساله هم در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، در روند یادگیری زبان کره‌ای، دوستان مجازی زیادی پیدا کرده و با آن‌ها طرح دوستی ریخته است:

«- عزیزم خودت رو معرفی کن و بگو چند سالته؟

ترانه هستم، ۱۸ سالمه و دانش آموز سال آخر رشته... هستم و ساکن شهر... و مترجم هستم.

- شاغل هم هستی؟

بله.

- شغلت چیه؟

من مترجم زبان انگلیسی و کره‌ای هستم و در شرکت ... کار می‌کنم و همین طور گاهی برای سفارت یه سری مطالب رو به صورت رندم ترجمه می‌کنم.

- برای سفارت چی ترجمه می‌کنی؟

یه سری مقالات می‌ده که بیش‌تر در مورد فرهنگ و این چیزا هست و براشون می‌فرستم و همون موقع دستمزد رو بهم می‌دن.

- مترجم زبان انگلیسی؟

هم زبان انگلیسی، هم زبان کره‌ای.

- به زبان انگلیسی مسلط هستی؟

بله.

– خوبه. حالا برای چی سراغ زبان کره‌ای رفتی؟

هم علاقه داشتم و هم به خاطر دوستای کره‌ای که داشتم و دوستانی که باهاشون آشنا شدم، در زمینه زبان کره فعالیت داشتند و این شد که منم شروع به خواندن زبان کره‌ای کردم.

– چه طور با دوستان کره‌ای آشنا شدی؟

به خاطر مسابقه‌هایی که توی سفارت شرکت می‌کردم، آشنا شدم اونجا ماها رو به گروه می‌کردن، با یه سری دیگه هم توی اینستاگرام یا کوکو تاک آشنا شدم. یه سری از اونا خودشون میان پی‌وی و ارتباط می‌گیرن، چون براشون جالبه که یه خارجی به زبان کره‌ای حرف بزنه».

فرشته ۱۹ ساله در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، در دوران کرونا محوریت دوستیابی وی، هواداران گروه بی‌تی‌اس بوده اند که از علایق مشترکی باهم برخوردار بوده اند.

«– خوب چی شد که فن‌شون شدی؟

اوایل دوران کرونا بود که من تیک‌تاک ریختم و اکانت ساختم. اونجا آهنگاشون رو خیلی می‌شنیدم و تیک‌تاک می‌دیدم. همون دوره هم بود که آهنگ پرمیشن تو دنس رو خوندم تقریباً. شاید یه کم بعد ترش. که خب این آهنگ امید می‌ده به دوران بعد از کرونا و زندگی عادی.

خب اصن یه جو عجیبی بود اون موقع. از همه چیز و همه کس دور افتاده بودم، من کنکوری هم بودم. بعد من خیلی روحیه‌ام داغون بود. نیاز به حواس پرتی داشتم واقعاً و چی بهتر از یه فن‌دومی که خیلی چیزای جانبی داره. فضای خوبی بود که چیزای مختلف بینم دوست پیدا کنم و اینا».



برخی از هواداران پسران بی‌تی‌اس، چنان شیفته گروه بی‌تی‌اس هستند که نسبت به غیر هواداران دارای موضع می‌شوند و آنان را به سبب عدم هواداری از گروه بی‌تی‌اس و یا فراتر از آن، نقد گروه، شایسته دوستی نمی‌دانند و دوستان خود را تنها و تنها از هواداران و آرمی‌های بی‌تی‌اس انتخاب می‌کنند:

«– پس لوازم التحریر بی‌تی‌اس هم ساخته شده؟

آره، هر چی دلت بخواد واسه آرمی‌ها می‌سازن. تا حالا لوازم مدرسه‌ام رو مامانم هر چی می‌دید، می‌خرید، ولی از این به بعد می‌خوام اینترنتی لوازم بی‌تی‌اس رو انتخاب کنم و بخرم، اگه هم نخره، پولم رو جمع می‌کنم و خودم یک جا همه رو واسه سال بعد می‌خرم.

- دوست داری همه بدونن که تو بی‌تی‌اسی هستی؟

بی‌تی‌اسی نه، بهتره بگی آرمی. من به آرمی بودنم افتخار می‌کنم. بعدشم این جور ی اون‌هایی که آرمی هستن، می‌فهمن که تو هم از خودشون هستی و هوات رو دارن. این جور دوستای خوب بیش‌تری هم پیدا می‌کنی و همیشه چندتا هم صحبت پایه داری که مثل خودت باشن. از همون اولش هم متوجه می‌شیم کی چی دوست داره و اون‌هایی که از بی‌تی‌اس خوش‌شون نمیاد سمت ما نمیان. بعد این که مثلاً دختر خاله‌ام سلیقه من رو می‌دونه و بهش احترام می‌ذاره. اگه همه این طوری بودن، عالی می‌شد.

- یعنی دوست نداری با کسی که آرمی نیست یا با بی‌تی‌اس مخالفه، دوست بشی؟

به هیچ وجه.

- خب این جور ی به نظرت دوست‌های زیادی رو از دست نمی‌دی؟

برام مهم نیست. ترجیح می‌دم چندتا دوست مثل خودم داشته باشم تا این که کلی دوست داشته باشم که باهام فرق دارن و همه‌اش باهام مخالفت می‌کنن.

- تا حالا چندتا دوست آرمی توی فضای مجازی پیدا کردی؟

اووه، خیلی زیاد. آرمی‌ها اون قدر با اخلاق و با احساس و با روحیه ان که با هر کی که حتی نمی‌شناسیش حرف بزنی، جوابت رو خیلی خوب می‌ده و اگه کمکی ازش بخوای، کمکت می‌کنه. گفتم که ما هوای همدیگه رو داریم. خیلی راحت آرمی‌ها دوست آدم می‌شن. البته آرمی‌های واقعی» (گلنوش، ۱۴ ساله).
مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است، وقتی روابط او با دوستش رفته‌رفته کم‌رنگ شده است، وی به مفاهیم مطرح در آهنگ‌های بی‌تی‌اس توسل جسته و با ارسال آهنگی از بی‌تی‌اس که به ضرورت عمق بخشیدن به روابط دوستی یاد می‌کند، روابط دوستی بی‌رمق شده خودش را به روابطی گرم‌تر و صمیمی‌تر بدل کرده اند:

«... یه زمانی بود که رابطه من و بهترین دوستم تو روزای خوبش نبود و برهه‌ی خوبی از دوستی خودمون نبود، کم‌تر از قبل باهم حرف می‌زدیم و داشتیم کم‌کم از هم دور می‌شدیم. من یه روز داشتم تو اینستا می‌چرخیدم که یه ویدیو دیدم تو اینستاگرام که صدای جونگ‌کوک روش بود و این رو بعداً متوجه شدم، نه همون موقع، تو همین ویدیو یه تیکه از یه آهنگی رو یه فردی که از قضا جونگ‌کوک بود، می‌خوند و یه ترجمه ازش زیرش نوشته می‌شد، من توجهم به متنش جلب شد، می‌گفت که ما دیگه باهمدیگه مثل قبل صحبت نمی‌کنیم، حداقل نه مثل قبل (شروع به انگلیسی خواندن آهنگ می‌کند):

we don't talk anymore
we don't talk anymore
we don't talk anymore
we don't talk anymore like we used to do.

و این جملاتی که می‌گفت خیلی شبیه احساسی بود که من اون زمان داشتم و حرفایی که من نمی‌تونستم به دوستم بزنم تو این آهنگ بود، پس رفتم تو گوگل زدم تا آهنگ کاملش رو پیدا کنم و بفرستم براش و این کار رو کردم و حالا این بخش زیاد مهم نیست، ولی با همون آهنگ دوستم متوجه من شد و دوباره دوستی مون به روال قبلی برگشت».

۳-۹- نوع دوستی

نوع دوستی، عبارت از رفتاری است که با هدف کمک به دیگران از فرد سر می‌زند. برای تبیین این که چگونه فردی به انجام کاری برای دیگری مبادرت می‌ورزد، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است.

اگر چه برخی از نظریات ارائه شده در صدد تبیین نوع دوستی برآمده اند، اما نظریات دیگری اصولاً مفهوم نوع دوستی را زیر سوال برده‌اند.

دیدگاه دینی هم نوع دوستی را به مثابه امری فطری می‌بیند که ظرفیتی بالقوه را در اختیار آدمی قرار داده، این ظرفیت با تأثیرپذیری از عوامل محیطی به فعلیت می‌رسد.

برخی از شواهد تجربی نشان می‌دهند، کمک به دیگران می‌تواند باعث کاهش آلام افراد شود. سیمنر^۱ در یک مطالعه، نوارهایی را برای نوزادانی که ۷۲-۶۶ ساعت از تولدشان بیش‌تر نگذشته بود، گذاشت. در این نوارها، صدای گریه یک کودک و چند صدای نامفهوم دیگر با همان درجه بلندی صدا ضبط شده بود. نوزادان با شنیدن صدای گریه کودک که از نوار پخش می‌شد، می‌گریستند، اما واکنش آن‌ها به صداهای نامفهوم که از همان درجه شدت برخوردار بودند، بسیار کم‌تر بود.

ساگی^۲ و هافمن^۳ در مطالعه مشابهی نشان دادند، حتی نوزادان کوچک‌تر که از تولد آن‌ها بیش‌تر از ۳۴ ساعت نمی‌گذشت، با شنیدن صدای گریه نوزادانی دیگر، گریه می‌کردند.

یافته‌های اخیر بیانگر آن است که انسان‌ها از نظر غریزی مستعد هستند با دیدن ناراحتی و تألم دیگران، متألم شوند.

1 Simner

2 Sagi

3 Haffman

کشف سلول‌های آئینه‌ای که نخست در میمون‌ها و سپس در انسان‌ها صورت پذیرفت، فهم اعمال نوع‌دوستانه در انسان‌ها و حیوان‌ها را ساده‌تر کرد. به این معنا که سلول‌های آئینه‌ای با بازنمایی عواطف طرف مقابل در آدمی، در شرایط دشواری و ضیق انسان‌ها، عواطف آنان را در افراد حاضر و ناظر در صحنه بازنمایی کرده، آنان برای رهایی از اندوه ناشی از مشکلاتی که شاهد آن‌ها بوده‌اند، باید گامی فراتر از چارچوب وجودی خود نهاده، در رفع محرومیت و حرمانی که شاهد آن شده‌اند، بکوشند، با رفع مشکل، در عمل احساس ناراحتی افراد حاضر در صحنه نیز خاتمه خواهد یافت، در غیر این صورت، احساس تکدر خاطر در آن‌ها باقی خواهد ماند، آنان را رنجیده خاطر خواهد کرد.

کمپانی بیگ‌هیت، در یکی از ابتکارهای خویش، با سوق دادن اعضای گروه بی‌تی‌اس به سمت انجام برخی از کارهای نوع‌دوستانه، در عمل جذابیت انجام اعمال نوع‌دوستانه را به گروه بی‌تی‌اس افزوده است. مه‌دیه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ایده‌های نوع‌دوستانه‌ای که گروه بی‌تی‌اس در سخنرانی خود در سازمان ملل داشته‌اند یا در جریان اجرای کنسرت‌های خویش به آن جامه عمل پوشانده‌اند، به قرار زیر یاد کرده است:

«- می‌تونم یه نمونه تلاش برای اصلاح این افکار رو از طرف کی‌دراما و کی‌پاپ رو بگی؟»

آره حتماً. گروه بی‌تی‌اس یه سخنرانی در این باره توی سال ۲۰۱۸ توی سازمان ملل انجام دادند و بعد از اون هم بارها و بارها آیدول‌های دیگه و به خصوص گروه بی‌تی‌اس در مورد این موضوع صحبت کردند. که توی اون سخنرانی سال ۲۰۱۸، لیدر گروه برمی‌گرده می‌گه که رنگ پوست شما، ملیت شما، سن شما، جنسیت شما، هیچ اهمیتی نداره. تنها چیزی که اهمیت داره اینه که به فکر خودتون باشید، خودتون رو دوست داشته باشید و در صلح و آرامش زندگی کنید.

حتی توی کنسرت‌هاشون هم که بری می‌بینی که همه مردم از سراسر دنیا، از نژادهای مختلف میان کنار هم جمع می‌شن، با هم رفیق می‌شن، رابطه خوبی برقرار می‌کنند، به همدیگه کمک می‌کنند. توی آهنگ‌هاشون هم دوباره در مورد همین تبعیض نژادی صحبت کردند. توی موزیک ویدیوی یکی از آهنگ‌های جدیدشون، بچه‌هایی از نژادهای مختلف که سرخ پوست، سفید پوست، زرد پوست و سیاه پوست بودند رو کنار همدیگه آوردند، تا نشون بدن که هیچ تبعیضی بین نژادهای مختلف نیست. چون این مسأله حتی خودشون رو هم خیلی اذیت می‌کنه. خیلی از آیدول‌هاشون هستند که که رنگ پوست سبزه یا زرد دارند و به خاطر این موضوع خیلی اذیت می‌شن. به خاطر همین هست که دوباره این موضوع توی کی‌دراما و کی‌پاپ خیلی صحبت می‌شه و ما از اونجا این چیزها رو یاد گرفتیم.»

۱ - اگر چه کمپانی بیگ‌هیت کوشیده است، صبغه نوع‌دوستانه‌ای به گروه بی‌تی‌اس بدهد، اما واقعیت این است که مواردی مانند برگزاری جشن تولدهای میلیاردی برای ستاره‌ها (که البته تبلیغی برای خود کمپانی نیز محسوب می‌شود) و تبلیغ برندهای فوق‌العاده گران که تهیه آن‌ها، حتی بعضاً برای برخی از اقشار مرفه جامعه میسر نیست (که البته انجام تبلیغات اخیر موجب کسب درآمد کمپانی بیگ‌هیت می‌گردند)، بسیاری از هواداران را متأسف و متألّم می‌سازد که در تعارض با گرفتن ژست‌های نوع‌دوستانه است.

احسان ۱۷ ساله هم در مصاحبه‌اش از برخی از اقدام‌های نوع دوستانه گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«چندتا از شعارهای گروه بی‌تی‌اس رو که تأثیرپذیری بیش‌تری روی هواداران داره رو می‌شه نام ببری؟»

حتماً، شعارهایی درباره سلامت روان، مشکلات زمان تحصیل و جوانی، از دست دادن کسی، سفر کردن، عاشق خود بودن، استقلال فردی و توانمندسازی خود است.
- اعضای گروه بی‌تی‌اس چه فعالیت‌های دیگه‌ای دارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه مثل کمک به پناهندگان و نیازمندان و بیماری‌های خاص، مبارزه با تبعیض نژادی، دفاع از حقوق کودکان، راه‌کارهایی برای جلوگیری از گرم شدن زمین و واکسیناسیون برای مبارزه با همه‌گیری کرونا».



رهای ۱۸ ساله و زهرای ۲۴ ساله، از کمک یک میلیون دلاری گروه بی‌تی‌اس به کمپین جورج فلوید، به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«خوب رها من یه سری چیزا دیدم از این که فندوم‌ها میان و یه سری هشتگ‌ها رو ترند می‌کنن، یه جورایی یه اتحادی با هم دارن و یه سری فعالیت‌ها که تهش یه سری اتفاقات مثبت رو رقم می‌زنن. می‌دونی دقیقاً چه جور فعالیت‌هایی انجام می‌دن؟»

آره. بین مثلاً اون موقع که جورج فلوید سیاه پوست رو توی امریکا کشتن، بی‌تی‌اس یک میلیون دلار اومد به اون کمپین مربوط به جورج فلوید کمک کرد. بعد آرمی‌ها اومدن هشتگ ترند کردن که بیاید ما هم مثل آیدول مون یک میلیون اهدا کنیم و واقعاً تو کل دنیا آرمی‌ها اومدن یک میلیون جمع کردن و به عنوان طرفدارهای بی‌تی‌اس از طرف خودشون اونام اهدا کردن».

«بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌دهد، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به شورای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی مالی ندارن. مثلاً گواردیولا^۱ یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد. - جورج فلویید.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلویید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نموندن. حتی کمک مالی هم انجام دادن، البته کمک‌های مالی که انجام دادن فک می‌کنم قبل از این اتفاق بود».

هواداران گروه بی‌تی‌اس هم تحت تأثیر الگوهای مورد علاقه خودشان، دست به انجام کارهای نועدوستانه مشابهی زده اند. مهشید ۲۱ ساله و احسان ۱۷ ساله از کپی‌برداری تشکل‌های هواداری یا فندوم‌ها، از کارهای خیرخواهانه گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- گروه کمپین هم برای کارهای خیریه برگزار می‌کنه؟

آره خیلی، این بین کره‌ای‌ها خیلی چیز عادی‌ای هست، اصولاً افراد معروف که پولدار هستن، بخشی از پولشون رو هر چند وقت یک‌بار، مخصوصاً در روز تولدشون برای یه بیماری یا رفاه یه گروه خاص یا ساخت یه مکان مثل مدرسه، اهدا می‌کنن. در سال حداقل یکی دوبار انجام می‌دن، تازه سعی می‌کنن مخفیانه باشه، ولی مردم خبرش رو پخش می‌کنن.



- فندوم‌ها چه نقشی توی ترویج اقدامات خیریه دارند؟

اصولاً گاهی اوقات فندوم‌ها تصمیم می‌گیرن توی روز تولد اعضا یا به اسم مثلاً آرمی بودن یا مثلاً طرفدار بی‌تی‌اس بودن، مبلغی رو جمع کنن و مثل گروهی که دوست دارن، بتونن کمک کنن به مردم

و گاهی مبالغه‌نگفتی هم جمع می‌شه و باعث یک کمک بزرگ می‌شه که همین امر سبب می‌شه خبرش پخش بشه».

«طرفداران بی‌تی‌اس به افتخار تولد جیهوپ به بازسازی بیمارستانی در چین کمک کردند. طرفداران چندین مؤسسه خیریه نیز در این طرح بازسازی بیمارستان به آن‌ها کمک کردند و برای تولد جیهوپ برای استفاده خانواده‌های کم در آمد کمک مالی به بیمارستان‌ها می‌شد و یک بیمارستان در استان آنهویی در چین به نام به نام جیهوپ نام‌گذاری شد و این بیمارستان پروژه‌ای بود که توسط هواداران بی‌تی‌اس مستقر در چین برای تولد جیهوپ در ۲۰۲۱ آغاز شد. این بیمارستان به ساکنان روستاها و خانواده‌های کم درآمد که دسترسی آسانی به امکانات پزشکی ندارند، کمک خواهد کرد».

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود به گزارشی از فعالیت فن‌دوم‌های ایرانی پرداخته است:
«- خوب حالا فن‌بیس‌ها معمولاً برای حمایت از آیدول‌های خودشون فعالیت‌های تبلیغاتی یا خیریه انجام می‌دن که احتمالاً به گوشت خورده، مثلاً جمع‌آوری و اهدای کمک مالی برای یک حرکت بشردوستانه «به اسم اون آیدول»، هر کدام از فن‌بیس‌ها این فعالیت‌های خیریه رو معمولاً توی کشورهای خودشون انجام می‌دن، تو این زمینه آرمی‌های ایرانی هم فعالیت می‌کنند؟

آره خیلی زیاده. علاوه بر کمک پسرا، کمک فن‌دومون هم قابل ستایشه، می‌تونم نمونه‌هایی ازش رو برات بفرستم، هالزی هم در این زمینه در مورد فن‌دوم آرمی گفته که اونم می‌فرستم و این که من عاشق کمک کردن به دیگرانم و یکی از دلایلی که باعث شد دید منفی از ابتدا به آرمی‌ها داشته باشم، از بین بره. همین این ویژگی‌شون بود. بعد از این که دیدم چه قدر مهربون و خوش قلب ان، جذبشون شدم و فعالیت‌های خیرخواهانه و روحیه شاد و سرزنده آرمی‌های بی‌تی‌اس واقعاً برام جالب بود و دوست داشتم منم یکی مثل اونا بشم.

- این حرکت‌ها غالباً در چه مناسب‌هایی انجام می‌شه و از چه طریقی این کمک‌های مالی جمع آوری می‌شه و هزینه‌های انجام شده از سوی فن‌دوم ایرانی غالباً به چه صورت بوده؟

بین هر سال به مناسبت تولد اعضاء چندین پروژه بین فن‌بیس‌های ایرانی و خارجی و فن‌پیج‌های بزرگ بزرگ راه می‌افتاد و از سه الی بیست میلیون پول جمع می‌شد و به مؤسسه محک یا نظایر اون اهدا می‌شد. من خودمم چند بار پروژه راه انداختم و همین‌الآنش هم یه پروژه دارم.

- در مورد پروژه‌هایی که خودت داری، می‌تونی توضیح بدی؟

پروژه‌های من کوچیک و غیررسمی بودن. افرادی که همکاری کردن دوست نداشتن پول جمع‌آوری شده به نهاد خاصی اهدا بشه... برای همین روز بیست و شش شهریور ماه و هفدهم اسفند ماه سال قبل یک‌سری بسته‌های مواد غذایی، لوازم التحریر و لباس عید به بچه‌های کار و خانواده‌های بی‌بضاعت

هدیه کردیم و پستش هم توی پیج بود و هفتاد و پنج کا ویو خورده بود. جدا از اون چندتا کار ریز ریزم کردیم.

– هزینه‌های انجام شده این کار چه قدر بود؟

یه بار سه تومن، یه بار پنج تومن. این گوشه کوچیکی از کمک اعضاء هست از پولای خورد خوردی که به نهادهای کوچک اهدا می‌کنن تا استفاده از گارد گوشی بازیافتی برای حمایت از محیط زیست.

– استفاده از گارد گوشی بازیافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جیهوپ و پست نامجون مشترکه، گارد گوشیشونه که توسط برند آرک ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات با استفاده از زباله‌های بازیافتی تولید می‌شه».



ریحانه ۱۷ ساله، نوعدوستی و اقدام‌های خیرخواهانه را محدود در کمک‌های مالی ندیده، در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، وی با زدن یک صفحه طرفداری، کوشیده است تا در جهت کاهش اختلاف انسان‌ها و ارتقای دوست داشتن آن‌ها نسبت به هم دیگر اقدام کند:

«– در مورد تأثیر گرفتن از شون گفتم، خودت تأثیری گرفتی که مثلاً کاری رو شروع کنی؟

شعار توی فندوم لاو یورسلف هست، همون دوست داشتن خود که واقعاً یاد گرفتم خودم رو دوست داشته باشم. یه جورایی نسبت به اطرافم دید بازتر شده، این که هر کسی هر هیتی داد، من زیاد به خودم نگیرم و ادامه بدم. این که حرفای آدما ارزش این رو نداره که ناراحت بشم و هر کسی قشنگی خودش رو داره و با همه مهربون باشم و رفتار خوب نشون بدم و برای همه ارزش قایل باشم. یکی از دلایلی که فن پیج زدم هم همین بود که این روزا همه باهم بد شدن تا یه چیزی می‌شه، به هم می‌پرن، حال همه خوب نیست، نه حال جسمی‌ها، حال دلی، حال دله که مهمه و سعی کردم کنار کسایی که هر روز میان حالم خوب باشه، بهشون بفهمونم دنیا هنوز هم قشنگیای خودش رو داره».



با توجه به آنچه در ذیل عنوان نودوستی گروه بی‌تی‌اس و دامن زده شدن نودوستی در میان هواداران بیان شد، می‌توان ضمن توجه به امور خیرخواهانه‌ای که از گروه بی‌تی‌اس و هواداران آن‌ها برمی‌آید، به لایه‌های زیرین رفتاری گروه نیز توجه داشت که بعضاً در جهتی عکس نودوستی عمل می‌کنند.

۳-۱۰- تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن

«- گلاره جان آیا بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت شما تأثیری داشته یا نه؟ آره داشته، البته من سعی کردم کنترل کنم که مثلاً هر چیزی روم تأثیر نگذاره، ولی مثلاً خب من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت (به روز رسانی) کرد» (گلاره، ۱۴ ساله).

از عصر حاضر با عنوان عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات یاد می‌شود. اگر چه جهانی شدن در درجه نخست معطوف به فرآیندهای اقتصادی بود، اما در ادامه، با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی جدید، افزایش کنش‌های متقابل جهانی، تسهیل جابه‌جایی و مانند آن‌ها، سایر ابعاد علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز پوشش داد و به مفهومی جامع‌تر بدل شد.

ابعاد مهم جهانی شدن را می‌توان در تحول‌های اقتصادی (نظیر جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد، جهانی شدن بازارهای مالی، جابه‌جایی گسترده کالاها در مرزها)؛ علمی (مانند انقلاب علمی، افزایش دانش فنی، مبادله نسبتاً آزاد اطلاعات، خدمات اطلاع‌رسانی سریع)؛ اجتماعی (نظیر اثرگذاری افراد و گروه‌ها بر حکمرانان در فضای ارتباطی جدید، تضعیف سانسور توسط حکومت‌ها، طرح گزینه‌های جایگزین به جای گزینه‌های مورد نظر و پیشنهادی دولت‌ها) و فرهنگی (مانند رشد فزاینده وسایل ارتباط جمعی که فشردگی زمان و مکان را در برداشته است، رخ نمودن فرهنگ مسلط جهانی، توفیق نسبی بعد فرهنگی بر ابعاد اقتصادی و سیاسی در عصر حاضر، پیش‌برد اهداف اقتصادی - سیاسی - اجتماعی سلطه‌گران جهان)، ردگیری کرد، اما اگر مرکز ثقل بحث، روی تحول‌های فرهنگی جهانی شدن قرار گیرد، مشاهده خواهد شد که غرب به عنوان صاحب فناوری‌های ارتباطی جدید، با گسترش فضای مجازی و سایه گستر کردن آن در جوامع مختلف بشری، از این شاخصه مهم جهانی شدن در عرصه فرهنگی سود برده، در عمل دست به تسری، گسترش و تحکیم ارزش‌های فرهنگی خویش زده و این در حالی است که دیگر مناطق جهان، به دلیل عدم برخورداری از امکانات مشابه، در عمل با متزلزل شدن و تضعیف فرهنگ بومی خویش مواجه شده‌اند.

در شرایط اخیر با تحقق اهداف صاحبان فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عرصه‌های فرهنگی، خود به خود دیگر اهداف اقتصادی، سیاسی، عقیدتی آنان نیز به میزان زیادی قابل حصول و دسترسی می‌گردد. از سوی دیگر با فراگیر شدن فضای مجازی، کاربرانی که تا پیش‌تر در محدوده سرزمین خویش محدود شده و غالباً در همان محدوده آگاهی داشتند، می‌اندیشیدند و به دنبال تحقق آرزوها و منویات درونی خودشان برمی‌آمدند، در عمل با فضای گسترده‌ای خود را مواجه می‌بینند که در آن کم و بیش از دیگر کشورهای جهان و اوضاع و احوال آن‌ها اطلاعاتی به دست می‌آورند و می‌توانند اطلاعات به دست آمده را با اطلاعات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - عقیدتی جامعه خودشان مقایسه کرده، به تفاوت‌های بعضاً قابل توجهی در موارد پیش‌گفته، دست یابند.

ماحصل فعل و انفعال‌های اخیر در عمل تفکری جهانی به کاربران فضای مجازی بخشیده به نوعی جهانی شدن و جهانی اندیشیدن را برای آنان به ارمغان می‌آورد. بالطبع در شرایط اخیر افرادی که در جریان کاربری از فضای مجازی با اهداف، آمال، آرزوها و علقه‌های متفاوتی مواجه شده‌اند، اهداف، افکار و عواطف پیشین خویش را مورد بازنگری قرار داده، با استانداردها و معیارهای جدیدی به قضاوت و ارزیابی اطراف و اکناف خویش پرداخته و بر همان مبنا دست به برداشتها و قضاوت‌هایی متفاوت از برداشتها و قضاوت‌های پیشین خود خواهند زد.

بررسی یافته‌های میدانی تحقیق حکایت از آن دارد که برخی از هواداران در جریان هواداری و طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، مجبور به رأی دادن‌های مختلف در فضای مجازی هستند که همین مسأله، نه تنها آنان را با فضای جهانی شده بیش‌تر آشنا می‌کند، بلکه ضرورت هماهنگی تشکلهای هواداری

در سطح بین‌المللی (بیس فندوم‌ها)، خودبه‌خود هواداران را با طرفداران بسیاری از کشورهای دیگر جهان در ارتباط قرار می‌دهد:

«- خوب من می‌خواستم بدونم چند هفته که صنعت موسیقی و سینمای کره جنوبی که به ۲ دسته کی‌پاپ^۱ و کی‌دراما^۲ تقسیم می‌شن رو دنبال می‌کنی؟

اممم، تقریباً از اوایل سال ۲۰۲۱ که تقریباً می‌شه ۲ سال که من کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و از سال ۲۰۲۰ هست که کی‌دراما رو دنبال می‌کنم، یعنی با کی‌دراما زودتر آشنا شدم.

- خوب، با توجه به این که این‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه‌مند هستی، چه فعالیت‌هایی در زمینه مورد علاقه خودت انجام دادی؟

اممع، خوب با گوش دادن کامل آهنگ‌هاشون یعنی استریم^۳ زدن، استریم زدن باعث می‌شه که کمک زیادی به اون‌ها در آهنگ‌هاشون بکنه.

- خوب چه طوری استریم می‌زنین؟

خوب در یوتیوب^۴ موزیک ویدیوهاشون رو کامل تا دقیقه آخر می‌بینم.

- خوب از کی‌دراما چه طور حمایت می‌کنی؟

خوب می‌رم از سایت‌های معتبر فیلم‌هاشون رو آنلاین می‌بینم یا دانلودشون می‌کنم.

- خوب از اون جایی که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنی، کدوم گروه از خواننده‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه داری؟

من اول از همه که گروه بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم و فن‌شون هستم و حالا گروه‌های دیگه که کم‌تر از بی‌تی‌اس می‌شناسمشون، این یعنی این که اطلاعات کاملی در موردشون ندارم، مثلاً گروه بلک‌پینک^۵ هست، ایتزی^۶ و استری کیدز^۷ این‌هایی که گفتم رو دنبال می‌کنم آهنگ‌هاشون رو که برام جالب هست و البته موزیک ویدیوهاشون رو» (الناز، ۱۲ ساله).

1 K pop (Korean pop)

2 K - drama (Korean drama)

3stream

۴- یوتیوب Youtube برنامه‌ای محبوب برای فیلم دیدن و موسیقی شنیدن است.

۵ - بلک‌پینک Black pink یک گروه دخترانه کره‌ای متشکل از جیسو، جنی، رزی و لیسا تحت لیبل وایچی انترتینمنت است. گروه در اگوست ۲۰۱۶ با آلبوم خود، به نام اسکوتر وان که شامل آهنگ‌های Whistle و boombayah که نخستین ورودی‌های شماره یک آن‌ها به ترتیب در چارت دیجیتال گائون کره جنوبی و فروش ترانه دیجیتال جهانی بیلورد بود، آغاز به کار کرد.

۶ - ایتزی ITZY یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است که سال ۱۳۹۷ توسط جی‌وای‌پی انترتینمنت تشکیل شد و اعضای آن متشکل از یچی، لیا، ریوجین، چه‌ریونگ و یونا است.

۷ - استری کیدز Stray kids یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی جی‌وای‌پی تشکیل شد و ۸ نفر عضو دارد.



«- آیا تا به حال از این طریق با مردم کره‌ای جنوبی صحبت کرده یا دوست شده‌ای؟
با فنای کره‌ای آره.

- می‌تونی با مثال توضیح بدی؟

بله، حتماً چیز خاصی هم نبود، حالا فقط در حد این که تو اینستا من به استوری‌هایی که فنا می‌داشتن، ری‌اکشن می‌دادم و اونا هم جواب می‌دادن همین در حدی که مثلاً همدیگه رو می‌شناختیم اون می‌دونست من یه فن‌گرل ایرانی‌ام و منم می‌دونستم اونم یه فن‌بویه و یه مسأله‌ای که هست، فن‌بوی ایرانی بی‌تی‌اس خیلی خیلی کم پیدا می‌کنی، ولی توی خارجی‌ها زیاده.



- خوب به نظرت چرا این طوریه و پسرای ایرانی کم‌تر فن این گروه هستند؟
نمی‌دونم واقعاً، یه ویدیو در این باره دیده بودم، اما کامل به یاد نمی‌ارم، ولی مفهوم کلیش این بود که اون معیارهایی از مردونگی که تو کشور ما جا افتاده رو خب این پسرای کره‌ای ندارن، پسرای کره‌ای کیوت‌ترن و پسرای ایرانی دنبال این هستن که خفن‌تر باشن.
- صمیمیت ایجاد شده بین فن‌دوم ایرانی و غیر ایرانی به چه صورته؟



صمیمیت بیشتر بین خود فنای ایرانیه، هنوزم خیلیا از فنای اینترنشنال خوششون نیامده، ولی با من که خیلی مهربون بودم و من خیلی دوسشون دارم» (مرضیه، ۱۹ ساله).
«من اگه وقتی دارم که می‌تونم بذارم، بهتره که واسه گروه خودم باشه تا بقیه گروه‌ها. بعدم من واقعاً فکر نمی‌کنم سرگرمی ان. اونا واسه من حداقل بیشتر از سرگرمیه. حتی اگه سرگرمی هم باشه. برای من مهمه. چون حالم رو خوب می‌کنن.
- این که ترجیحت اینه وقتی که داری رو بذاری برای بی‌تی اس. منظورت چیه؟

مثلاً استریم می‌زنم. خب هم اسپاتیفای هست، هم یوتوب هست، جاهای دیگه هم هست، ولی اینا اصلی‌ترین هاش هستن که بین خواننده‌ها مطرحه. بعدم پیج‌هایی که دارم. ترندینگ هست.

- نتیجه استریم زدن هاتون چیه، یعنی چه اتفاقی می‌افته؟

خب میاد صدر چارت‌ها. بعد تو بعضی اواردشو‌ها که مثلاً انتخاب مردمه، خب کار ما تأثیر داره. جایزه می‌برن. حتی اگه این جایزه‌ها نبوده، چون کاراشون خوبه، دوست‌شون دارم.

- استریم زدن چه قدر زمان می‌خواد؟

بستگی داره به خیلی چیزا. مثلاً اولش که می‌خوان کامبک (فعالیت هنری جدید یک آرتیست) بدن یا یه برنامه این طوری، قبلش ساعتش اعلام می‌شه. بعد قرار می‌ذاریم، از اون ساعت استریم رو شروع می‌کنیم. واسه رکورد. مثلاً رکورد ساعت اول بعد ریلیز^۳ (انتشار). روز اول ریلیز. هفته اول. بعد دیگه جاش که تثبیت شد، کم‌تر می‌شه. بعد مثلاً یه تایمی دیگه بین خود فن‌دوم (گروه طرفداران یک آرتیست) قرار می‌ذاریم، مثلاً فن‌دوم بی‌تی‌اس ایران و مثلاً هند و اینا یا فن‌دوم چین و تایلند یا مثلاً آمریکا، فیلیپین. فن‌دوما با هم هماهنگ می‌کنن (باخنده) بمب استریم می‌زنن. مثلاً استریمای یوتوب. حالا ممکنه مثلاً به خاطر تولد یکی شون باشه یا نزدیک اواردشو‌ها باشه یا تأسیس خود گروه یا سالگرد آل‌بوم‌ها باشه» (غزل، ۱۶ ساله).

شدت علاقه به گروه پسران بی‌تی‌اس، برخی از هواداران را برمی‌انگیزد که مهاجرت به کره را در دستور کار خویش قرار دهند:

«- بچه‌ها شما یه جا گفتین که همیشه میانین فرهنگ کره رو با فرهنگ ایران مقایسه می‌کنین. بعد از این مقایسه و پی بردن به این که احتمالاً تفاوت‌های خیلی زیادی وجود داره، رفتارتون یا روحیه‌تون تغییر می‌کنه؟ مثلاً ناامید بشین یا شکوه و گلایه بکنین؟

نگین: معلومه. خیلی زیاد. ما هر دفعه که نوع زندگی کردن و فرهنگ اونا رو می‌بینیم، فقط یه حسرت تمام وجودمون رو می‌گیره. چون فقط تو فیلم‌هاشون نیست که این طوری هستند. یه دختره هست، می‌شناسمش. یه سفری داشت به کره که اون سفر رو با تمام جزئیاتش تو پیجش گذاشته و همیشه می‌گه که کشور کره واقعاً مثل فیلم‌هاشه. برای همین من همیشه حسرت می‌خورم. چون ایران تو یه منجلابی گیر کرده که اصلاح بشو نیست. برای همین من همیشه فقط می‌تونم حسرت بخورم و بگم هی.

سعیده: من هم شکوه و گلایه که خیلی دارم. اصلاً راستش رو بخوای، اصلاً فرهنگ خودمون رو دوست ندارم. اصلاً احساس نمی‌کنم که ایرانییم. الان دیگه مقایسه نمی‌کنم. ولی اون اولاً که خیلی رفتم بودم تو فاز کره هی با خودم می‌گفتم، چرا من اینجا به دنیا اومدم، چرا من نباید تو کره به دنیا

۱ Stream: - در این جا به معنای تماشا و حمایت آنلاین است. همچنین معیار مهمی برای محبوبیت یک آهنگ است.

2 Award show

3 Release

اومده باشم. من که رفتارم مثل کره‌ای‌ها هست، قیافه‌ام هم که همه می‌گن شبیه کره‌ای‌ها هست. ولی الآن وقتم رو برای مقایسه کردن هدر نمی‌دم. همه تلاشش رو می‌کنم تمام رفتارام مثل کره‌ای‌ها باشه.

حرف زدنم، رفتارم، برخورد با مردا و همه مثل کره‌ای‌ها باشه. یعنی تو کوچیک‌ترین رفتارم هم رجوع می‌کنم به کره‌ای‌ها که اونا چه جورى ان. واقعاً دوست‌شون دارم. خیلی دوست دارم مثل اونا باشم و واقعاً این دست خودم نیست. و همه هم می‌گن که چه قدر مثل کره‌ای‌ها شدی. دقیقاً همین چند روز پیش دختر عمه‌ام و عمه‌ام به من می‌گفتن چه قدر شبیه کره‌ای‌ها شدی. اصلاً عمه‌ام انگار خوشش اومده بود. به دخترهاش می‌گفت، شبیه سعیده باشین. خدا رو شکر تغییر مثبت بوده. مثلاً من وقتی عصبانیم، فوراً به خودم می‌گم تو این قدر فیلم کره‌ای دیدی، هیچ وقت دیدی تو این فیلم‌ها یکی وقت عصبانیت یه کار اشتباهی انجام بده، پس خودت رو درست کن و رفتار اشتباه انجام نده! و واقعاً هم می‌تونم خودم رو کنترل کنم.

من یه مدتی سر یه مسایلی یه کم حالم گرفته بود، بعد این ایرانی بودن و کره‌ای نبودن هم مزید بر علت شده بود. هی با خودم می‌گفتم، چرا من باید ایرانی باشم. اصلاً می‌دونم، اون عرق ملی تو من خشکیده. دیگه هیچ تعلق خاطری به ایران ندارم. تنها مقصر این اتفاق هم خود ایران و مردمش و حکومتشه» (سعیده ۲۰ ساله و نگین ۱۹ ساله).

در سطحی پایین‌تر، برخی از هواداران موطن بی‌تی‌اس را به عنوان مقصد مورد نظر برای اخذ مدرک دانشگاهی خویش معرفی می‌کنند. به عنوان مثال، مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد:

«... پس می‌خواهی کره بری؟»

آره، برای ادامه تحصیل.

- راجع به فرهنگ کره اطلاعات زیاد داری؟

آره، خیلی.

- خوب این اطلاعات رو از کجا می‌دونستی؟

خوندم راجع به اونا، پیج‌های اینستاگرام که راجع به فرهنگ و تاریخ کره هست رو دنبال می‌کنم یا توی گوگل سرچ می‌کنم. با فیلم و سریال دیدن هم می‌شه اطلاعات به دست آورد.

- چرا کره‌ای‌ها برات جذاب‌ترین؟

چون الآن بیش‌تر پیج‌های فارسی یا دارن در مورد شخصیت کره‌ای‌ها می‌گن که افراد آرومی هستن یا دارن راجع به اعتقادشون می‌گن که بیش‌ترشون دین ندارن یا تاریخ و فرهنگ کره می‌گن و خیلی چیزای دیگه... همه اینا باعث شده ازشون خوشم بیاد، تازه من سبک زندگی‌شون، فیس (چهره) و زبان و خلاصه همه چی‌شون رو دوست دارم. هم کشور پیشرفته‌ای هست، هم مردم کره فرهنگ‌شون رو

حفظ کردن، کلاً وقتی باهاشون صحبت می‌کنی خیلی مؤدب هستن، من الآن حتی دارم یاد می‌گیرم، غذاهاشون رو درست کنم.

- چه جور می‌کنی؟

بعضی از پیجی اینستاگرام آموزش درست کردن غذای کره‌ای می‌ذارن، ولی بعضی موادش پیدا نمی‌شه، یه کم سخت می‌شه سفارش داد، ولی می‌شه پیدا کرد. من خودم از یه پیجی نودل‌های کره‌ای سفارش دادم، ولی برای درست کردن کیمچی، خیار و سس ماهی پیدا نکردم یا برای درست کردن سوشی، جلبک دریایی حتماً باید اینترنتی سفارش داد، وگرنه نمی‌شه حضوری خرید.

- پس غذاهای کره‌ای بلدی درست کنی؟

آره یه کم، الآن یه کافه‌ای هست، تازه پیچش رو توی اینستاگرام پیدا کردم. اسمش کافه سئوله، همه دیزاینش مثل کافه‌های کره هست، نوشیدنی و غذاهای کره‌ای داره، حتماً می‌خوام اون‌جا برم...». هواداران دیگری هستند که با وجود علاقه مفرط به گروه بی‌تی‌اس، به علت اطلاعات مختلفی که در فضای مجازی راجع به کشورهای گوناگون به دست آورده‌اند، با مقایسه کشورهای دیگر با کشور کره، دیگر کشورهای جهان را برای مهاجرت و یا درس خواندن بر کره ترجیح می‌دهند:

«- چه دلیلی وجود داره که کره جنوبی رو به عنوان یک کشور برای زندگی و مهاجرت کردن ترجیح

نمی‌دی و انتخاب نمی‌کنی؟

منظور من از این حرفم این نبود که کره کشور بدی باشه، ولی من به شخصه ترجیح می‌دم مثلاً برای زندگی به یه کشوری مثل آمریکا و کانادا برم که زبان‌شون رو یاد گرفتم و زبان‌شون هم زبان بین‌المللی‌ایه و من می‌تونم با بقیه ارتباط برقرار کنم. درسته که من اگه بخوام به کشورهای اروپایی برم، هم باید فرهنگ ایرانی رو توی درون خودم تغییر بدم و این رو باید نهادینه کنم که مردم این کشوری که من دارم بهش می‌رم یه مدل دیگه رفتار می‌کنن و من هم باید مطابق با رفتار اون‌ها باشم ولی حس می‌کنم، این کارهایی که باید انجام بدم توی فرهنگ اروپایی راحت‌تره و توی کره جنوبی فرایند سخت‌تری داره.

به طور مثال، من باید زبان‌شون رو یاد بگیرم و حس می‌کنم سازگار شدن با فرهنگ‌شون به زمان بیش‌تری نسبت به سازگاری با فرهنگ اروپایی احتیاج داره. البته یک سری چیزهای دیگه‌ای هم وجود داره که آدم درباره کره می‌شنوه یا تو فیلم‌هاشون می‌بینه، به طور مثال این که توی مدرسه‌هاشون قلدری زیاده و از این جور چیزها.

- به نظرت چه چیزی توی فرهنگ کره وجود داره که منطبق شدن باهاش رو سخت‌تر و زمان‌برتر

از فرهنگ اروپایی می‌کنه؟

کلاً ایرانی‌هایی که رفتن کره و توی یوتیوب ویدیو می‌گذارن، اون قدری از کره تعریف نمی‌کنن که شاید کسانی که به کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنن، از اونجا تعریف می‌کنن یا مثلاً یه یوتیوبری

بود که از فرهنگ کره حرف می‌زد و می‌گفت که کره‌ای‌ها رفتارهای خاصی دارند، مثل این که وقتی جلوی آسانسور باید صبر کنی، اون قدر دکمه آسانسور رو فشار می‌دن که ممکنه دکمه کنده بشه. هدفشون هم اینه که آسانسور سریع‌تر بیاد و کارشون زودتر انجام بشه. می‌دونی البته این مسایل شاید درست نباشن و خب ممکنه یه خارجی هم نسبت به ایران چنین فکری داشته باشه که درست نیست، ولی خب الان و در حال حاضر تاحدودی روی من تأثیر داشته و منی که از توی شبکه‌های اجتماعی این‌ها رو دیدم، فکر می‌کنم که مهاجرت به کشورهای اروپایی می‌تونه برام آسون‌تر باشه و من راحت‌تر باهاش انس می‌گیرم» (دیبا، ۱۵ ساله).

در فراز دیگری هواداران گروه بی‌تی‌اس، حتی اگر در اندیشه مهاجرت و یا ادامه تحصیل در کشور کره و یا دیگر کشورهای جهان نیز نباشند، اطلاعات گسترده‌ای که در فضای مجازی به دست آورده و از آنها تغذیه کرده اند، خود به خود آنان را به سوی اخلاقی نسبیت‌گرا (که اخلاق حاکم بر جهان معاصر است)، سوق می‌دهد:

«ما الان توی قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم و هر کس عقاید خودش رو داره و می‌تونه استایل خاص خودش رو داشته باشه. من زمانی که یک آدمی رو می‌بینم که با اکثریت جامعه از هر نظر استثناء و متفاوت، با خودم می‌گم به من چه ربطی داره که اون چه جوریه و من جای اون نیستم که احساسات و عقایدش رو درک بکنم برای همین درباره‌اش نظر نمی‌دم.

نظر اون شخصی که می‌گه کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن هم محترمه، ولی حتی اگر شبیه دخترها باشن هم به من و شما ضرر و صدمه‌ای نمی‌زنه و هر رفتار و ظاهری که دارن به خودشون مربوطه و به نظرم ما کسی نیستیم که بخوایم درباره کارهای اون‌ها اظهار نظری بکنیم، چون به ما ربطی نداره که اون‌ها می‌خوان چه لباسی بپوشن یا میکاپ بکنن. البته این نگاهی که نسبت به آرایش کردن پسرها وجود داره، صرفاً توی ایران هم نیست و بقیه کشورها و فرهنگ‌ها چون با ما فرق دارن هم شاید این مسأله رو داشته باشن، ولی فرهنگ ایران خیلی بسته‌تره و سخت‌گیری بیشتر نسبت به این چیزها داره» (دیبا، ۱۵ ساله).

۳-۱۱- الگوبرداری از ستاره‌ها

- «- خوب به نظرت آرایش چیز خوبییه یا نه؟
 اگه بد بود، بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کردن.
 - مگه بی‌تی‌اس هر کار انجام می‌دن درسته؟»

بی‌تی‌اس حامی آدم‌ها هس، مگه می‌شه یه همچین گروهی برای آدم‌ها چیز بد بخواد؟» (ریحانه، ۱۵ ساله).

برای بررسی نقش وافر الگوها در تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آدمی، می‌توان بحث را از جامعه‌پذیری آغاز کرد. جامعه‌پذیری فرایندی است که در جریان آن جامعه می‌کوشد تا مسایل مورد نظرش را به ذهن تمامی اقشار اجتماعی القا سازد.

در جریان فرایندی جامعه‌پذیری، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد. جامعه‌پذیری در دو مرحله کلی صورت می‌پذیرد:

جامعه‌پذیری نخستین، فرایندی است که میان فرد و گروهی که با وی در تماس نزدیک و صمیمی هستند، صورت می‌گیرد و غالباً در سال‌های اولیه زندگی، رخ می‌دهد. عوامل اصلی این مرحله خانواده و گروه هم‌سالان هستند.

جامعه‌پذیری ثانوی یا مجدد، فرایندی است که در وضعیت‌های رسمی‌تر روی می‌دهد و عوامل اصلی در آن، مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی هستند.

اغلب نظریه‌های موجود در مورد اثرات فرهنگی، بر این باورند که رسانه‌ها با عرضه کردن نقش‌ها و رفتارهایی که برای ثبات اجتماعی مطلوب هستند، به عنوان عاملی مهم در جامعه‌پذیری ایفای نقش می‌کنند و از آنجا که مردم مقدار زمان زیادی را صرف رسانه‌ها می‌کنند؛ بنابراین رسانه‌ها در زمره مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیرکننده قرار می‌گیرند.

عامل مؤثر در رسانه که در روند جامعه‌پذیری افراد مؤثر واقع می‌آید، الگوهای مطرح شده در آن است.

اقشار اجتماعی مختلف در روند شکل‌گیری شخصیتی خویش، نیازمند الگو هستند و الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راهنمای کشتی‌ها هستند، راهنمای کشتی وجودی انسان‌ها هستند. بنابراین اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه ویژه‌ای به مسأله الگوپردازی داشته، الگوهای مختلف علمی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی و مانند آن‌ها را فراروی اقشار مختلف (خاصه کودکان و جوانان) مطرح کنند، زیرا انتخاب یک الگو توسط یک فرد، سبب می‌شود، وی چگونه شدن خویش را بر مبنای معیارهای ارزشی که در الگوی خویش می‌بیند، رقم بزند.

قرآن در آیه ۲۳ از سوره نوح، در تحلیل بت‌پرستی (که توسط مستکبران جامعه ابداع و دامن زده شد) و جامعه توحیدی اولیه را به سمت کفر و شرک برد، بر استفاده آنان از اسوه‌ها تأکید اساسی دارد. با ملاحظه آرای دکتر علی شریعتی هم – که دارای تخصص جامعه‌شناسی دینی بود – مشخص می‌شود که تفسیر وی از به انحراف رفتن جامعه از توحید به سمت شرک، دقیقاً مشابه تفسیر اخیر است.

برخی از پژوهش‌های انجام شده، حتی اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان را مورد تأکید قرار داده‌اند (لئوناردو، ۲۰۱۷).

از این رو از مقوله الگوها به عنوان جدی‌ترین عامل تربیتی افراد نباید به سادگی گذشت. با بررسی نقش گروه بی‌تی‌اس در اثرگذاری در سطح نوجوانان و جوانان، مشخص می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی سازنده بی‌تی‌اس)، در معرفی و پردازش این گروه، دقایق و تمهیدات گسترده‌ای را به کار گرفته است که غالباً هم نتایج درخشانی در برداشته‌اند.

انتخاب چهره‌های بسیار جذاب، تنوع بخشی به محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، رمز آلود نمایان شدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس نزد مخاطبان، چند وجهی به نمایش کشیدن گروه، ارتقای گروه موسیقی و صنعت کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ایجاد تفاوت‌های معنادار بین گروه بی‌تی‌اس و گروه‌های پاپ غربی (مانند صرف وقت برای مخاطبان و احترام گذاشتن ویژه به آن‌ها)، تلاش برای پاسخ دادن به سردرگمی‌های مخاطبان جوان در مواجهه با فراز و نشیب‌های زندگی، شرکت در امور خیرخواهانه (که خود به خود برای نسل جوان این ویژگی مطلوبیت بسیار زیادی ایجاد می‌کند) و برخی از موارد دیگر، از جمله تمهیداتی است که مسوولان کمپانی بیگ‌هیت اندیشیده و اجرایی کرده‌اند.

انتخاب چهره‌های جذاب برای گروه موسیقی بی‌تی‌اس، تمهید مهمی است که کمپانی از ابتدا در دستور کار خود داشته است و بسیاری از افراد مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خود تأکید ورزیده‌اند که در ابتدا، آنان به دلیل جذابیت چهره اعضای گروه، جذب گروه شده و در ادامه دیگر ویژگی‌های گروه مورد توجه و عنایت آنان واقع شده است. مورد توجه قرار گرفتن جذابیت چهره اعضای بی‌تی‌اس در بیانات سحر ۱۵ ساله، سونی‌ای ۱۷ ساله، نرگس ۲۱ ساله، سایه ۲۱ ساله و تعداد قابل توجهی از مصاحبه شونده‌گان مورد تأکید قرار گرفته است.

تنوع موسیقی بی‌تی‌اس، مسأله مهم دیگری است که جایگاه گروه را در نزد جوانان ارتقاء داده و آنان را شایسته الگوبرداری نشان داده است. نوجوانان و جوانان بسیاری که در کوران بلوغ زیستی و اجتماعی خویش قرار دارند و غالباً به دلیل عدم فهم اقتضائات سنی آنان، مورد قضاوت اولیاء و اطرافیان و بعضاً تویخ آنان قرار می‌گیرند، در عمل خود را با گروهی مواجه می‌بینند که در صدد روشنگری در مورد سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان بوده، راه برون‌رفت از سردرگمی‌های آنان را بدان‌ها می‌نمایاند.

پرداختن به مسایل معمول نوجوانان و جوانان طی سال‌های بحرانی بلوغ، انگیزه دادن و امید بخشیدن به جوانان و پرهیز از مورد قضاوت قراردادن جوانان وجه مثبت و قابل توجهی است که گروه از آن برخوردار است.

رمزآلودگی محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، عامل جذاب دیگری است که گروه بی‌تی‌اس را شایسته الگوبرداری در نزد جوانان می‌نمایاند. محتوایی که بعضاً مبتنی بر آثار فکری- فرهنگی و متاخذ از کتاب‌های فلسفی، روان‌شناختی و مانند آن‌ها هستند، همچون یک پازل در کنار هم قرار می‌گیرند و کشف رمز و کشف ارتباط آن‌ها با یکدیگر، نوجوانان و جوانان را بیش از پیش درگیر محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس می‌کند.

نکته اخیر در مصاحبه بسیاری از جمعیت مورد بررسی، از جمله رخساره ۱۶ ساله، مه‌لقا ۱۹ ساله، بنفشه ۲۰ ساله و کوثر ۲۵ ساله قابل مشاهده است.

چندوجهی بودن اعضای گروه بی‌تی‌اس، نکته قابل توجه دیگری است که در الگو قرار گرفتن اعضای گروه برای جوانان مؤثر واقع آمده اند. مهشید ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش به صراحت بیان می‌دارد: «خوشحالم که طرفدار گروهی هستم که از هر چیز آن می‌توان یک درس گرفت».

فرشته ۱۸ ساله و زهرای ۲۴ ساله هم در مصاحبه‌های خود در همین ارتباط، به بیان اظهارات زیر پرداخته اند:

«- تو از کدوم یک از پسرا بیش‌تر خوشت میاد؟»

چونگ‌کوک بایسمه، دلیلش اینه که چون صداس خیلی خاص و باحال بود و خیلی هم با استعداد بود، تقریباً همه کار می‌کرد و می‌کنه و قیافه‌ی بامزه‌ای هم داره.



- مثلاً چه کارهایی بلده؟

نقاشی و طراحی‌های خیلی حرفه‌ای، بوکس، ورزش بدن‌سازی، طراحی رقص، آشپزی، ساخت و نوشتن آهنگ، نواختن بعضی سازها، کارگردانی موزیک ویدیو و...».

«- علاوه بر این تبلیغات که بیش‌تر جنبه تجاری برای بی‌تی‌اس و کمپانی‌هایی که برایشون تبلیغات انجام شده دارن، شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستند.

بله اون تبلیغات هم هستن که هدفشون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست میاد.

- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد- برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الان با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می‌دن».

ارتقای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، از گروه موسیقی به صنعت سرگرمی، تمهید مهم دیگری است که در جذابیت بخشیدن بیش از پیش به گروه در نزد هواداران مؤثر واقع آمده است. به این معنا که به دلیل فاصله ارایه آهنگ‌ها، غالباً هنرمندان در ذهن مخاطبان خودشان کم رنگ می‌شوند تا با آهنگ جدید دیگری هواداران معطوف به آنان شوند. اما با ارتقای گروه موسیقی بی‌تی‌اس به صنعت سرگرمی، در فاصله آهنگ‌های قبلی و بعدی، انبوهی از برنامه‌های سرگرمی توسط گروه اجرا و در فضای رسانه و فضای مجازی پخش می‌شود که گروه بی‌تی‌اس به این ترتیب، هرگز از ذهن هوادارانش پاک و زدوده نمی‌شود.

فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی گروه بی‌تی‌اس نظیر نمایندگی یونیسف، حضور در سازمان ملل متحد، دیدار با رئیس جمهور امریکا و نظایر آن‌ها، از دیگر مواردی است که گروه را از صرف یک گروه موسیقی بودن خارج کرده و وجه‌ای اجتماعی بدان بخشیده است که مسأله اخیر باز هم توسط هنرمندان اندکی در سطح جهان پی گرفته شده است. تأکیده‌های محمدرضای ۲۱ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌شان، متوجه همین معنا است.

اظهارات افرادی نظیر سونیای ۱۷ ساله و ره‌ای ۱۸ ساله، دال بر تفاوت گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس با گروه‌های پاپ غربی، وجه تمایز دیگری بین پسران بی‌تی‌اس و گروه‌های پاپ مشابه‌شان را به معرض دید می‌گذارد:

«- داخل فن‌میتینگ‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟»

تقریباً مثل همون لایوه، فقط اون مجازیه این واقعی. طرفدارا سوال می‌پرسن، اونا هم جواب می‌دن، مثلاً من داشتم یکی از فن‌میتینگا رو می‌دیدم، بی‌تی‌اس رفته بود ژاپن بعد یکی از فنا داشت می‌پرسید، نظرت در مورد کشور و مردم ما چیه از این جور سوالات. بعضی از فنا می‌رن عکس می‌گیرن باهاشون، بعضیا دسته گل می‌دن، می‌دونی این سوال جوابا زیاد مهم نیست، مهم اینه که میان برای طرفداراشون وقت می‌ذارن و به اونا اهمیت می‌دن.



- به نظرت دلیل این اهمیت دادن چیه که نشست‌های این طوری با طرفدارها برگزار می‌کنن و به سوال‌هاشون پاسخ می‌دن؟

من خودم اصلاً بین سلبریتیا ندیدم این طوری بیان یه برنامه ویژه و جداگونه برای دیدن فناشون داشته باشن. اصن یکی از دلایل دیگه‌ای که من دوس‌شون دارم، همینه. دلیل انجام این کارشون هم خب اینه که علاقه فنا به اینا خیلی زیاده و اینا هم می‌خوان علاقه‌شون رو به فنا نشون بدن و بگن که فنا چه قدر برای ما مهم ان و ارزش دارن.

- بقیه گروه‌های کی‌پاپ هم این برنامه‌ها رو دارن؟

معمولاً کارایی که تو کی‌پاپ انجام می‌دن، خیلی به هم شباهت دارن، آره، بعضی از گروه‌ها و خواننده‌های دیگه هم هستن که این برنامه‌ها رو داشته باشن، فقط و فقط مخصوص بی‌تی‌اس نیست.»

«- خوب من چندتایی تویت و مصاحبه از آیدول‌های کی‌پاپ دیدم که مدام به طرفدارهاشون می‌گفتن، دوستتون داریم، عاشقتونیم و کلی ابراز علاقه. فکر می‌کنی واقعی ان؟ یا برای جذب طرفدار و محبوبیت بیش‌تر تظاهر می‌کنن؟»

تظاهر نیست. ولی ببین یه چیزی هست توی کی‌پاپ به اسم فن‌سرویس^۱. که این بزرگ‌ترین تفاوت کی‌پاپ با آمریکا و اروپا و کلاً جاهای دیگه هست. حالا این چیه. اینه که کمپانی‌ها علاوه بر آموزش خوانندگی و نمی‌دونم رقص و حالا آهنگ سازی و اینا، به آیدولا می‌گن که شما باید این کار رو هم بکنید. مثلاً یه آیدول نمی‌تونه بیاد وقتی ناراحتی از فن‌ها بیاد بد بگه یا مثلاً وسط کنسرت پا شه بره. چون من دیدم توی امریکا اینا. که خواننده هه ناراحت می‌شه. وسط کنسرت ول می‌کنه می‌ذاره می‌ره. اینا اون فن‌سرویس‌ها رو می‌دن که حالا نحوه‌های مختلفی داره. به نظر من خیلی از این دوستت دارما فن‌سرویس‌ه. چون همه نمی‌تونن واقعاً آدم رو این قدر دوست داشته باشن».

مضاف بر موارد پیش‌گفته، انجام برخی از امور خیرخواهانه توسط گروه بی‌تی‌اس سبب می‌شود، هواداران (خاصه هواداران نوجوانی که به لحاظ ضعف تفکر انتزاعی، به لحاظ منطقی ضعیف‌تر از دیگران عمل می‌کنند)، با دیدن برخی از اقدام‌های نودوستانه گروه و چند ویژگی مثبت مشابه، دست به تعمیم ویژگی‌های اخیر در سطح گروه زده، تمامی مواضع فکری، فرهنگی، فلسفی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی آنان را مورد تأیید خویش قرار داده و از آن تأثیر بپذیرند.

نرگس ۲۱ ساله که از برخی از درگیری‌های خانوادگی خویش احساس تألم نیز داشت، پس از مواجهه با گروه بی‌تی‌اس و مشاهده ویژگی‌هایی که وصف برخی از آن‌ها رفت، از افراد این گروه با عنوان «خدای» خودش یاد کرده است:

«- بی‌تی‌اس از نظر اعتقادی چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟»

عام زیاد. یعنی کلاً اون اوایل راحت می‌تونستن من رو تحت تأثیر خودشون قرار بدن، دیگه برام اهمیتی نداشت که حرف‌شون درسته یا غلط، قبول می‌کردم بدون این که بخوام یا دست خودم باشه. خصوصاً شوگا. اولاً خیلی بود، اما رفته رفته کم‌تر شد، ولی در کل خیلی تحت تأثیرش قرار می‌گرفتم. یادم نیست خیلی که بخوام مثال بزنم، اما اونا بت من بودن انگار. خوب و بی‌نقص و عالی و پرفکت (کامل)، درک این که اونا هم ممکنه مثل بقیه اشتباه کنن، برام به شدت سخت بود.

دقیقاً برعکس خود بی‌تی‌اس که باورم این بود، قطعاً آدم‌های درستی هستن، کسایی که رقیب‌شون بودن رو کاملاً برعکس می‌دیدم. می‌گفتم اینا اصلاً استعداد ندارن، امکان نداره با مهارت خودشون بالا اومده باشن یا آدمای درستی باشن.

- چی باعث شده بود به اون‌ها این طوری نگاه کنی؟

نمی‌دونم، شاید چون تو ذهنم ازشون خدا ساخته بودم.

- چه قدر اون زمان با جو و محیط خود کی‌پاپ و مسایل پشت پرده اون آشنایی داشتی؟

چیزی نمی‌دونستم اون زمان. اگر هم کسی چیزی می‌گفت، باور نمی‌کردم. برام یه کم سخت بود پذیرفتن این چیزها که این قدر تحت فشار ان. یه کم هم به خاطر این بود که چون زندگی خودم اوضاع خوبی نداشت، و یه جورایی به اونا پناه می‌بردم، تا از غم و غصه‌های زندگی‌م راحت بشم، دیگه خب نمی‌خواستم قبول کنم که این اعضای بی‌تی‌اس هم شاید اون جوری نیستن که نشون می‌دن. خودم رو گول می‌زدم. چون می‌دونستم اگر با واقعیت این که چه قدر ممکنه فضای کی‌پاپ برای اونا سخت و آزار دهنده هست، روبرو می‌شدم، احتمالاً حالم بدتر می‌شد. برای همین خیلی نمی‌رفتم دنبال این چیزها که داره چه اتفاقی می‌افته و تا می‌تونستم از این خبرا دوری می‌کردم».

افراد دیگری نظیر شیدای ۲۰ ساله، با ملاحظه چند ویژگی قابل توجه گروه، آنان را الگوی خویش قرار داده است:

«الآن واقعاً پسرای بی‌تی‌اس الگوم هستن، به خاطر این که در برابر همه کسانی که قیافه‌شون رو مسخره می‌کردن و بهشون می‌گفتن چشم بادومی یا این که زبان‌شون رو مسخره می‌کردن، وایسادن و به بقیه هم گفتن که از سنگ‌های جلوی پاتون نترسید و همه حاشیه‌ها رو بزنید کنار و برید جلو و همه جوهره می‌تونید پیشرفت کنید. وقتی خودمم دیدم که خودشون این قدر پیشرفت کردن در عرض چند سال واقعاً شدن الگوم».

در ادامه، از چگونگی الگو قرار گرفتن گروه بی‌تی‌اس برای هواداران و سطوح تأثیرپذیری هواداران از اعضای گروه بی‌تی‌اس یاد خواهد شد.

– سطوح اثرگذاری الگوها در هواداران

کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر گروه بی‌تی‌اس، پس از مواجه شدن با گروه و ملاحظه ویژگی‌هایی که از برخی از آن‌ها یاد شد، با مطلوب طبع یافتن گروه و اعضای آن، ممکن است، برخی از افراد گروه را که از آن‌ها بیش‌تر خوشش آمده یا با آن‌ها احساس نزدیکی بیش‌تری می‌کند، به عنوان الگوی خویش انتخاب کرده و تحت تأثیر القاءات و ارزش‌های آنان قرار گیرد.

سطوح اثرگذاری الگوها در هواداران را می‌توان در سه سطح اثرپذیری‌های ظاهری، اثرپذیری‌های رفتاری و در نهایت اثرپذیری از ارزش‌های فرد مورد علاقه، طبقه‌بندی کرد.

همان‌گونه که از آن یاد شد، الگوها در سه سطح در مخاطبان خویش اثرگذار واقع می‌آیند. اثرگذاری در ظواهر هوادار، تأثیر در رفتارها و حرکات و سکنات مخاطبان و سرانجام اثرگذاری در نظام ارزشی افراد.

اثرگذاری الگوها در ظواهر فردی را می‌توان در موارد ظاهری، مانند چگونگی آرایش فرد (مدل موها، رنگ موها)، کاربری از زیور آلات مشابه، پوشش فرد (رنگ و طرح البسه مورد استفاده)، حرکات فرد (نشستن، برخاستن، راه رفتن، لبخند زدن و مانند آن) و احیاناً عمل جراحی‌های زیبایی که امکان تشبه-جویی بیش از پیش فرد به الگو را میسر سازد، ملاحظه کرد.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش از آرایش و رنگ کردن موهایش به سبک اعضای بی‌تی‌اس یاد کرده، گلنوش ۱۴ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله هم از مدل دادن موهایشان به سبک اعضای گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند. محمدرضا در ادامه مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که وی شبیه جونگ‌کوک با موهایش بازی می‌کند:

«- فن‌ها توی زندگی شخصی آیدول‌ها هم دخالت می‌کنن؟»

کلاً آیدول‌ها زیر ذره بین هستن دیگه، همه چی شون، رفتار شون، ظاهر شون، اخلاق شون، نوع برخورد شون، همه‌ههه چیز شون که فکرش رو کنی، توجه می‌شه بهش و دقت می‌شه، حتی اکسسوری که انداختن یا مدل لباس‌هایی که می‌پوشن، هر کدوم که خب متفاوته، هر کدوم استایل خاص خودش رو داره و ترندینگ هم هست، دیگه بعضیا از یه استایل خوش شون میاد، بعضیا از یه استایل دیگه.

- شادی شما خودت هم الگوبرداری از پوشش اون‌ها کردی؟

من آره تا حدودی، مثلاً رفتم موهام رو رنگ کردم و لباس‌های لش طور می‌پوشم، علاقه‌مند شدم رنگ‌های روشن بیش‌تر می‌پوشم».

«- حس می‌کنم مدل موهاش شبیه یکی از آیدول‌ها هست، درسته؟»

آره، همه بهم می‌گن که موهاش شبیه نامجونه. راحت یعنی همه از موهام می‌تونن بفهمن که آر‌می‌ام و بایسم نامجونه. حتی صورتم می‌گن شبیه اون.



- خودت عمداً این مدل رو زدی؟

مدل موهای من کلاً همین جور بود از اول. می‌تونستم تغییر بدم. خیلی‌ها هم بهم گفتن مدل موت رو عوض کن، ولی من جوروی کوتاه می‌کنم که بیش‌تر شبیه موهای نامجون بشه.

- حدس می‌زنم خیلی خوشحالی از این که شبیهش هستی. درسته؟

آره. من خودم رو خیلی دوست دارم. چی بهتر از این که شبیه آیدول‌های دوست داشتنی خودت باشی».

«- محمدرضا از لحاظ ظاهری از این آیدول‌ها الگوبرداری کردی؟ مخصوصاً این که گفتی برای برندهای مختلف هم تبلیغ می‌کنی، شده مثلاً شبیه اونا لباس بپوشی یا مدل موی اونا رو تقلید کنی؟ آره، من از لحاظ ظاهری این کار رو کردم، مثلاً لباس‌هایی که اینا می‌پوشیدن، خیلی گشاد بود، البته خیلی هم که نه، ولی گشاد بود نسبت به بدن خودشون، از این اندامی‌ها و جذبا نبود، اصلاً من خودم لباسای گشاد می‌پوشیدم مثل اینا.

مدل مو هم آره، من مدل موهام رو شبیه اینا کرده بودم، من موهام رو لخت کردم، بعدشم گذاشتم بلند بشه بعد فرق باز می‌کردم (باخنده)، بعد واقعاً شبیه‌شون شده بودم، بچه‌ها خیلی بهم می‌گفتن که چه قدر شبیه کره‌ایا هستی، البته خب من چشمام هم بادومی هست، اینم دیگه خیلی تأثیر می‌ذاره.»

«- جونگ‌کوک چه ویژگی داره که توجه تو رو به خودش جلب کرده؟
جیمین یه فیس کیوتی داره، بعد تو اجراهاش جذاب هم هست واقعاً از این لحاظ جذب جیمین شدم. البته خب تهیونگ و جونگ‌کوک هم واقعاً جذاب هستن.

- اعتقادات و رفتارهایی که این فرد داره، روی تو تأثیر گذاشته؟
نه (با تأکید)، البته رفتاراش چرا مثلاً ۲۴ ساعته دستش تو موهاش بود، مثلاً موهاش رو می‌داد عقب، این کار رو من خودم زیاد انجام می‌دم به خاطر همین جیمین هم هست، خب این رفتاراش به من هم داده شده انگاری، ولی در همین حد هست این که عقاید و ویژگی‌های اخلاقی رو بخوایم بگیم نه، واقعاً روی من تأثیری نداشت.»

شیرین ۲۲ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود از کاربری از زیورآلات و طلاجات به سبک بی‌تی‌اس در زندگی خود یاد کرده اند:

«- شیرین گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری روی پوشش و آرایش تو داشته؟
بیش‌تر تیپ اسپورت می‌پوشم و مدل لباس‌های اسپرت‌تم شبیه به آیدول‌های بی‌تی‌اس هست و نحوه آرایش هم شبیه به گروه بی‌تی‌اس هست و میکاپی مات و ملایم دارم. موهام رو هم همیشه عسلی رنگ می‌زنم و از طلاجات فقط به سبک بی‌تی‌اس استفاده می‌کنم. به نظر خودم برای یه خانم هیچ زنده نیست.»

«- عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران داره؟
دیگه با این شعار برابری زن و مرد، پسران هم مانند دخترها به خودشون اجازه می‌دن که آرایش کنند و گوش‌هاشون آویزون کنند و عمل‌های زیبایی صورت انجام بدن. برعکس، دخترها هم دوست دارن، لباس‌های پسرانه بپوشن و موهاشون رو کوتاه کنند و در اجتماع و ورزشگاه‌ها در کنار مردان بیش‌تر حضور داشته باشن.

- این که پسران به گوش‌هاشون گوشواره بندازن، در همه‌ی کشورها بین هواداران مد شده؟

بیش تر در کشورهای غربی مردها به یه گوش شون گوشواره آویزان می کنند و در کشور کره و بعضی کشورهایایی که طرفدار بی تی اس زیاد دارند، علاوه بر گوشواره انواع طلاجات رو به خودشون آویزان می کنند، مثل زن ها آرایش می کنند. ولی در کشور ما هوادارهای پسر گوشواره به گوش نمی کنند. مردم کشور ما گوشواره در گوش مردها رو نشانه همجنس گرایی می دانند. فقط هواداران پسر در کشور ما زنجیر طلا و یا دست بند و یا انگشتر استفاده می کنند و آرایش خیلی کم رنگ و محوی می کنند».

گلاره ۱۴ ساله، فرشته ۱۸ ساله و گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه های جداگانه خودشون از پوشیدن لباس های لش به سبک بی تی اس، پوشیدن لباس های سیاه رنگ به سبک جونگ کوک و تهیه کت وشلوار دخترانه به سبک البسه نامجون، سخن گفته اند:

– این که از لباس های جونگ کوک الگوبرداری می کنی برای تو خونه است یا بیرون از خونه هم این کار رو انجام می دی؟

همه جا این مدلی ام و حتی مراسم های رسمی تر هم که می ریم مثلاً پیراهن و این جور لباس ها رو نمی پوشم یا مثلاً پالتوهای زنونه اون مدلی نمی پوشم و بیش تر لباس های لش و گشاد می پوشم.



«– آیا از سبک های استایل مو و لباس که پسر می پوشند و دارند، استفاده می کنی؟

آره، خیلی جاها چون اونا با برنامه و صحبتای دقیق یک کارشناس استایلاشون رو انتخاب می کنن و استایلی ترندی استفاده می کنن پس آره، تا حدودی سعی می کنم استفاده کنم، تا جایی که ضرر نزنه. الان سبک و استایلی که می پوشم، خیلی نزدیک به سبک و استایل جونگ کوکه که شامل: استفاده از رنگ سیاه در بیش تر لباسای پوشیده شده، کلاه آفتابی و کپ و سیاه که یه مقدار سبکش راکه و از لباسای لش و اورسایز زیاد استفاده می کنه، هر کدوم استایل مخصوص به خودش رو داره – از استایل بقیه گروه هم استفاده می کنی؟

آره تا حدودی فقط از جیمین، چون اون از ترکیب پیراهن مردونه و شلوار جذب زیاد استفاده می‌کنه و منم نزدیک به هفت یا هشتا پیراهن مردونه تو رنگا و سایزای مختلف دارم، اون همچنین از یک لباس اضافه مثل جلیقه یا لباسای بافتنی و لی برای لباساش استفاده می‌کنه، مثل یک چیز رو کار. دیگه زبونم نمی‌کشه، تموم شدم کلماتم تموم شد، پس با عکس توضیح رو کامل می‌کنم».



- یک سوال دیگه برام پیش اومد تا حالا شده که از سبک لباس اعضای بی‌تی‌اس تقلید کنی؟
آره، من حتی لباس‌های مجلسیم رو همه رو به سبک نامجون می‌دوزم و می‌پوشم.
- یعنی لباس مجلسی پسرانه می‌پوشی؟

این سبک پسرانه و دخترانه نداره. من از لباس‌های پف پفی و دامن و این چیزا خوشم نمیاد. همیشه می‌ریم پیش خیاط برام کت و شلوار می‌دوزه با همون مدلی که خودم بهش بگم.



- مادر یا پدرت مخالفتی با لباس پسرانه ندارند؟
 گفتم که پسرانه نیست، فقط سبکش فرق می‌کنه، بعدشم مامانم خودش کت و دامن می‌پوشه، حالا چون من از دامن خوشم نیامد، می‌شه پسرانه؟ بعدشم اصلاً شلوار و کت پسرا فرق داره با اون جوری که من می‌دم خیاط طراحی کنه. مهم زیباییه و این که بهت بیاد چیزی که تنته.
 - می‌شه راجع به سبکی که معمولاً طراحی می‌کنی، بیش‌تر توضیح بدی؟
 کت رو مشکی با یقه‌ی سفید بلند با ظرافت خاص و متنوع، شلوار بلند مشکی، پیراهن رو با پارچه‌ی دانتل و گیپور می‌دوزه، پر از طرح‌های گل منگلی و توری سفید کار می‌شه معمولاً روی آستین یا یقه با یه ژیله‌ی مشکی اندامی. این یکی از مدل‌هاییه که خیلی دوست دارم.
 - تا حالا چند مدل دوختی؟
 یه دست از همین ست، ولی سر تا پا سفید هم دوختم. فقط اون پیراهنش ساده و یقه بازه، گیپور نیست، ژیله هم نداره. هردوشون رو هم به یه اندازه دوست دارم.
 - بیرون از خونه چی می‌پوشی؟
 هودی می‌پوشم بیش‌تر. چون لباس راحتیه، کلاًش و گشاده».





ریحانه ۱۵ ساله نر در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، در برابر مخالفت‌های خانواده دال بر عدم الگوبرداری وی از البسه گروه بی‌تی‌اس، وی به تهیه لباس‌هایی با نمادهای بی‌تی‌اس اقدام ورزیده است: «- تا حالا سعی کردی که شبیه به بی‌تی‌اس بشی؟ مثلاً از چه نظر؟

- از هر لحاظ، ظاهر، رفتار، اخلاق.

خب واقعیتش آره، مثلاً بعضیاش رو دوست دارم. مثلاً چند بار به مامانم گفتم موهام رو اجازه بده رنگ کنم، مثل جی‌کوک یا مثلاً وی که موهاشون رو رنگ آبی و بنفش اینا می‌کنن. تازه اش هم یه رنگایی هست موقته رنگ فانتزیه وقتی بشوری می‌ره و دائمی نیست، ولی مامانم می‌گه، بابام دعوا می‌کنه، اما خودشم خوشش نیامد یا مثلاً لباس‌هایی خریدم که مثلاً روش نوشته بی‌تی‌اس یا نمادشون روشه».



احسان در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، دوستان وی برای همانندجویی به اعضای گروه بی‌تی‌اس، به بوتیک‌هایی که انحصاراً آلبسه بی‌تی‌اس را در تهران به فروش می‌رسانند، مراجعه کرده و از آنجا خرید می‌کنند:

- بقیه دوستان چگونه لباس‌های مد بی‌تی‌اس رو تهیه می‌کنند؟
چندتا بوتیک لباس تو تهران هست که فقط کارشون آوردن لباس‌های مارک‌دار و ترند هستش، دوستام می‌رن و با قیمت‌های خیلی بالایی این لباس‌ها رو تهیه می‌کنند.



مرضیه ۱۹ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خویش از کپی‌برداری از حرکات و سکنات اعضای گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند:

«- خوب عزیزم بایست کیه؟»

مین میو،

- می‌تونی بگی چرا به عنوان بایست انتخابش کردی؟

خیلییی دلیل دارم براش، اول از همه شوگا بچه گربه‌مونه و اون ایموچی که برای شوگا تو بین فن‌دوم هست، ایموچی گربه هست و این بیش‌تر به خاطر لبخندهای لثه‌ای اونه و من خودم با دیدنش یاد گربه می‌افتم و من عاشق گربه‌هام و شوگا همون قدر که می‌تونه کیوت باشه، همون قدر هم می‌تونه هات و خفن باشه، بعد از همه‌ی این‌ها شوگا شاید در نگاه آدم سردی باشه و عاری از احساسات، اما خیلی مهربونه و همیشه هوای اعضای دیگه رو داره و شاید زبانی ابراز علاقه نکنه، ولی این علاقه خودش رو به بقیه همیشه تو رفتاراش نشون می‌ده و همه می‌گن شوگا خیلی کم حرفه و همیشه همه‌ی اطرافیانم به من می‌گفتن، تو خیلی کم حرف می‌زنی و یه سری هم با دیده منفی این حرف رو می‌زدن و یه دورانی بود که من سعی می‌کردم، خب این طوری نباش و کم حرف بودن رو یه ویژگی بد و منفی می‌دونستم و سعی می‌کردم یاد بگیرم بیش‌تر حرف بزنم، اما وقتی یونگی رو دیدم، فهمیدم این اصلاً

بد نیست، کم حرف یا پر حرف بودن، ترسو یا شجاع بودن هیچ کدام بر اون یکی برتری نداره که بد باشه و برای تغییرش این همه خودم رو اذیت کنم، بعد خیلی خوش تیپه و رکه و بازیگر خیلی خوبیه و اون قدر قشنگ جواب هیترا رو می‌ده که فن‌دوم می‌ترکه و لبخندهای لثه‌ایش که باعث شده، منم لبخندای لثه‌ایم رو دوست داشته باشم، دیگه حس بدی ازش نگیرم، تعداد کمی از افراد هستن که لبخند لثه‌ای داشته باشن و این منحصر به فرده!



- یعنی به سبب این که احساسات و رفتارها رو شبیه به اون می‌دونستی، به عنوان بایست در نظر گرفتیش؟
بله دقیقاً».

«- اشاره کردی که طرفداران بی‌تی‌اس جلسات یا دوره‌می‌هایی دارن که درباره گروه و آیدول‌هاشون صحبت می‌کنن. می‌خواستم اطلاعات بیش‌تری درباره‌شون بهم بدی.
یه عده از طرفدارها غیرت خیلی خاصی روی اعضای گروه دارن و تمام حرکتهای اون‌ها رو الگوبردای می‌کنن حتی مدل نشستن یا راه رفتن. هر چیزی که فکرش رو کنی».



البته در بحث اثرپذیری‌های صوری از الگوها، لازم به ذکر است که برخی از افراد ممکن است به شکل مرضی دست به تقلید از ظواهر الگوی مورد نظر خویش بزنند. نگین ۱۳ ساله، در اظهارات خویش با اشاره به یکی از هواداران جیمین، به طرح مصداقی در همین جهت پرداخته است:

«... اگر شما برین پیش یک آر می از اون بپرسین، اولی لاندن را می شناسین، یک قیافه عجیبی به خودش می گیره و یک دفعه شروع می کند به اخم کردن و فحش دادن به طرف به خاطر این که مثلاً باید برین داستان اولی لاندن را بخونین، چون یک پسری بوده که رفته کلی جراحی کرده تا شبیه به جیمین بشه، ولی یک چیز خیلی مزخرفی شده، یعنی خودش را کلاً تصور می کنه که کره‌ایه در صورتی که یک فرد امریکایی بریتیشه و فکر می کنه شبیه به جیمین شده، بعد از این همه عمل و دو، سه تا کلمه کره‌ای کلاً بلده و فکر می کنه داره درست حرف می زنه و به خود کره‌ای‌ها، کره‌ای یاد می ده».



شیرین ۲۲ ساله و شقایق ۱۹ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان از عمل زیبایی و سوزاندن خال‌های خودشان یاد می کنند که با هدف شبیه شدن هر چه بیش تر به آیدول‌ها بدان‌ها دست زده اند:

«- آیا تا حالا عمل زیبایی هم مثل آیدول‌ها انجام دادی؟

اوه، بله، هم دماغم رو عمل کردم، هم لب‌هام رو پروتز کردم و هم دندان‌هام رو ارتودنسی کردم. - شوهرت با این عمل‌های زیبایی مشکل نداشت؟

چرا، خیلی مشکل داشت، می دانست که خودم رو شبیه آیدول‌ها تغییر می دم، برای همین از دستم همیشه شاکی بود. من هرکاری می کردم، او از چشم بی تی اس می دید.

- دوستانت هم مثل تو عمل‌های زیبایی به تقلید از آیدول‌های مورد علاقه شون انجام داده‌اند؟

اوه، بله، بیش تر شون عمل چانه و یا عمل پلک بالا و عمل بینی داشته اند و خدایی همه‌ی ما با این تغییرات به شخصیت‌هایی دیگه تبدیل شدیم و این هویت جدیدمون رو دوست داریم و همه‌اش رو مدیون بی تی اس هستیم و تا پای جان دست از طرفداری بی تی اس نمی کشیم».



«- این قضیه آرایش یا ظاهرشون باعث نشده بود که شما به دنبال شبیه سازی تو خودت باشی؟
خب آره، ببین مثلاً من آرایش ساده و کم‌شون رو خیلی دوست داشتم و به خاطر همین سعی می‌کردم
خودم هم مثل اونا آرایش کنم، مثلاً رژ گونه کم یا رژ لبی که خیلی تابلو نباشه یا خط چشم کوتاه بزنم.
در خصوص رنگ موهاشون هم مال من رنگ نداشت تا قبل اون، ولی بعد این که فن‌شون شدم، مشتاق
رنگ کردن موهام شدم با این که می‌دونستم خب رنگ واسه مو خوب نیس، ولی تأثیر گذاشته بودن
روم. خیلی، الانم هر چند (می‌خندد) موهام مثل اونا رنگیه، ولی اون موقع هی می‌خواستم رنگ موم رو
عین اونا عوض کنم، آخه اونا یه دم سفید بود، یه دم بنفش یه‌هو، یه دم قهوه‌ای مثلاً هر دفعه عوض
می‌شد.

بعد خب رنگ کردن هم ارزون نیست الان تو آرایشگاهها و به خاطر همین مسأله من با خانواده درگیر
می‌شدم و اونا می‌گفتن، چه قدر رنگ می‌ذاری هی، آخه بسه، گروه، فلان.

بعد خب اونا اندام‌شون خیلی خوبه، کلاً رژیم دارن سخت یا مثلاً بینی‌شون خیلی کوچیکه، پوست‌شون
خیلی صافه و لباسون برجسته هست کلاً بعد منم که اون موقع می‌رفتم باشگاه، کارم تقلید از اینا شده
بود و مدل لباس پوشیدنم شبیه‌شون شده بود، مثلاً لَش طور می‌پوشیدم و بینیم رو رفتم عمل کردم،
الآن فکر می‌کنم مشکلی جدی هم نداشت، ولی خرج زیادی گذاشتم رو دست پدر مادرم و مثلاً هر روز
جلو آینه وایمیستادم و می‌گفتم، من چرا پوستم صاف نیست، چرا جوش دارم مثلاً یا خال دارم، رفتم
خالام رو سوزوندم، حتی خلاصه دایم با خودم درگیر بودم، سر همین چیزایی که گفتم (باخنده)».

سطح بعدی الگوبرداری، الگوبرداری از رفتارها، حرکات و سکناات الگو است که از الگوبرداری از
ظواهر صوری الگو عمیق‌تر است.

در مصاحبه‌های انجام شده مواردی مانند: پول جمع کردن برای مراکز خیریه، گذاشتن کلاس رایگان
برای دانش‌آموزان، الگوبرداری در سلامت و بهداشت، افزایش ظرفیت روانی در ارتباط با نفرت پراکنان،
مهارت آموزشی‌های جدید، سخت‌کوشی، صحبت در مورد مشکلات، تلاش در جهت ناراحت نشدن از
قضاوت دیگران، سریع عصبانی نشدن، کاهش وزن، پیش گرفتن برخوردهای رومانتیک‌تر با جنس

مخالف، کپی‌برداری از رقص بی‌تی‌اس و پرهیز از ازدواج کردن (همچون اعضای گروه بی‌تی‌اس)، از جمله مواردی هستند که توسط جمعیت مورد بررسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

غزل و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش بیان داشته‌اند که از پسران بی‌تی‌اس در زمینه پول جمع کردن برای مراکز خیریه و یا کمک کردن به هموعان (با گذاشتن کلاس تقویتی برای دانش‌آموزان ضعیف)، الگوبرداری کرده‌اند:

«- اصلاً چی شد که پول جمع می‌کنین برای خیریه‌ها؟»

اعضای بی‌تی‌اس همیشه کمک می‌کردن. مثلاً جیمین چندسال لباس مدرسه دانش‌آموزای همون مدرسه‌ای که قبلاً می‌رفته رو خودش می‌خرید براشون. فقط هم این نبوده. خیلی کمک می‌کنه. بیش‌ترم تحصیلیه. به بچه مدرسه کمک می‌کنه. دیگه... شوگا، آر ام، جیهوپ، جونگ‌کوک، همه. همه‌شون خیلی کمک می‌کنن. دیگه فن‌دوم هم الگوبرداری کرد و توی فن‌دوم ایران هم این طوری شروع شد.»

«- آیا تا به حال جیمین را الگوی خودت قرار داده‌ای؟»

توی مدرسه چند نفر از بچه‌ها پول خرید کتاب کمک درسی نداشتن من کتاب‌ها رو سفارش دادم که به آدرسی که داده بودن، ارسال شد.

- چه طور در این مورد از جیمین الگو گرفتی؟

به دانش‌آموزا خیلی کمک می‌کنه. به بچه‌های مدرسه خودش هم کمک کرده.

- یعنی مدرسه‌ای ساخته و به بچه‌های آن مدرسه کمک مالی کرده؟

نه مدرسه نساخته، مدرسه‌ای که خودش بچه بود اونجا درس می‌خوند، اون مدرسه رو می‌گم. منم دوست دارم مثل جیمین به بچه‌های مدرسه‌مون کمک کنم. دوست دارم هر کمکی از دستم بر میاد انجام بدم. درس خوبه، نمره‌هام بالاست و سعی می‌کنم به بچه‌های مدرسه‌مون کمک درسی هم کنم. هفته پیش امتحان ریاضی داشتیم، چندتا از بچه‌ها ضعیف بودن، متوجه شدم و رفتم به مدیر گفتم که می‌خوام کلاس تقویتی رایگان بذارم، چون خانم ریاضی هم موافق بود، مدیر هم گفت باشه بچه‌ها رو جمع کردیم و درس دادم بهشون. تقریباً نمره بچه‌ها خوب شد.»

الگوبرداری در سلامت و بهداشت، افزایش ظرفیت روانی در ارتباط با نفرت‌پراکنان، مهارت آموزشی‌های جدید و سخت‌کوشی از مواردی هستند که در مصاحبه‌های محسن ۲۲ ساله، نگین ۱۳ ساله، مهسای ۱۹ ساله و مسعود ۲۰ ساله آمده‌اند:

«- از وقتی بی‌تی‌اس را دنبال می‌کنی، تلاشت برای رسیدن به اهداف بیشتر نشده؟»

نه خیلی زیاد که بگم متحول شدم یا از این رو به اون رو شدم، ولی تأثیر داشتن. بیش‌تر توی هدف‌گذاری‌هام تأثیرگذار بودن.

- یعنی چه، اگر ممکن هست، لطفاً بیش‌تر توضیح دهید.

چین توی یه برنامه گفته بود که برای هر روزشون برنامه‌ریزی دارن و مثلاً بین ۷ تا ۱۰ ساعت کار می‌کنن یا این که صبح از خواب بیدار می‌شن ۱۰ دقیقه مدیتیشن دارن، ۳۰ دقیقه تا ۴۵ دقیقه پیاده‌روی و دوندگی دارن و برنامه‌های دیگه‌ای که یادم نمیاد.

- کدام‌ها را شما از بی‌تی‌اس الگوبرداری کرده و اجرا می‌کنید؟

۳۰ دقیقه هر روز پیاده روی می‌کنم. چون پام درد می‌کنه، نمی‌تونم بدوم. قبلاً صبح که بیدار می‌شدم، حموم نمی‌رفتم، ولی الان سعی می‌کنم ۳۰ دقیقه زودتر بیدار بشم و حموم هم برم».

«- منظورتون را از عذاب توضیح بدین؟»

شما ببینید اگر یک نفر ۲۴ ساعته به شما کامنت‌های هیت بده، خوب آدم کاملاً حالش گرفته است، مثلاً بگه چه قدر تو زشتی، چه قدر صدالت بده، چه قدر این، چه قدر اون، خیلی‌ها قدرت ندارند این هیت‌ها را تحمل بکنند، ولی وقتی می‌بینم که اون‌ها می‌تونن چرا من نتونم؟ هم هیت‌ها باهاشون بدن، هم کمپانی فقط تحت فشار قرار می‌ده».

«- قبل‌تر اشاره کردی که استایل‌شون خیلی برات جذاب بوده، هیچ وقت سعی کردی از استایل‌شون

الگو بگیری؟»

نه، من کلاً خیلی توی این مدل فن‌گرلی (نیستم که مثلاً بخوام شبیه‌شون بشم، ولی یه چیزی که من خیلی سعی کردم ازش یه جورایی الگو بگیرم، انجامش بدم این بود که دیدم یه سری از اعضاء با وجود برنامه کاری فشرده‌ای که داشتن، هنوز سعی می‌کردن که تو زندگی شخصی‌شون یه سری مهارت‌ها یاد بگیرن یا یه سری کارا رو انجام بدن و این که چیزای جدیدی رو امتحان کنن و بعد این جور بودم که خب، اوکی مثلاً طرف که این قدر آدم گنده و مشهوریه، داره هنوز وقت می‌ذاره و یه سری کارا رو انجام می‌ده و یه سری چیزا رو یاد می‌گیره و مثلاً تو هیچ کاری نمی‌کنی و این باعث شد یه کم تنبلی رو بذارم کنار و منم سعی کنم به جای این که هی بهونه بیارم و هیچ کاری نکنم، مهارت‌های جدید یاد بگیرم، رو مهارت‌های قبلیم کار کنم و این جور».

«- ملاک انتخاب همسر آینده‌ات چیه؟»

اگر هوادار بی‌تی‌اس باشه، خیلی بهتره، ولی اگر هم یه شخص عادی بود و من ازش خوشم اومد، اشکال نداره که هوادار بی‌تی‌اس نباشه.

- اگر هوادار بی‌تی‌اس نباشه، بی‌تی‌اس رو به اون معرفی می‌کنی؟

حتماً این کار رو خواهم کرد.

- چرا این کار رو می‌کنی؟

من معتقدم آشنایی با بی‌تی‌اس، هواداران رو قوی می‌کنه و اگر هر دو بی‌تی‌اس رو بشناسیم، قوی‌تر خواهیم شد و در برابر نامالایمات زندگی ناامید نخواهیم شد».

الگوبرداری در زمینه‌های صحبت کردن در مورد مشکلات، ناراحت نشدن از قضاوت کردن دیگران، تلاش در جهت سریع‌عصبانی نشدن، سخت‌کوشی و کاهش وزن، از دیگر موارد رفتاری است که در بیانات ثنای ۱۶ ساله، ریحانه ۱۵ ساله، زهرای ۲۴ ساله و نگین ۱۳ ساله آمده است:

«- رژیم سخت‌گیرانه اعضای بی‌تی‌اس روی شما و افرادی که می‌شناسید که از هوادارن بی‌تی‌اس هستند، تأثیر گذاشته؟»

دختر خاله‌ام هم مثل من وزنش زیاد بود، فکر کنم نزدیک ۸۰ کیلو و من هم حدود ۷۵ کیلو بودم، قدمون هم تقریباً هم قد هستیم. باهم تصمیم گرفتیم که وزنمون کم‌تر بشه، برای همین باشگاه بدنسازی ثبت نام کردیم و خیلی از تردمیل استفاده می‌کردیم. دکتر تغذیه هم رفته بودیم.

- بی‌تی‌اس چه طور بر این تصمیمی که گرفتید تأثیر گذاشته؟

می‌خواستیم روی فرم باشیم و جذاب‌تر باشیم، مثل جیمین و آ‌ام. اما من نمی‌خواستم که خیلی هم لاغر به نظر برسم برای همین وزنم رو رسوندم به ۶۹ کیلو و الآن هم همون حدود هستیم و راضی هستیم. جیمین به من انگیزه داد.

- یعنی با دیدن عکس‌های جیمین به این نتیجه رسیدی و انگیزه گرفتی یا این که در این مورد صحبت کرده بود؟

حرفی که زنده بود، خودم به این نتیجه رسیدم با دیدن وزن و قد جیمین. هم عکس و هم فیلم‌هایی که از جیمین پخش شده.»

«- تا به حال به خاطر حمایت از بی‌تی‌اس مسخره شدی؟»

من نه، ولی توی کامنت‌های اینستاگرام بی‌تی‌اس خیلی دیدم می‌نویسن، آهنگ‌هاتون محتوا نداره، یه سری چیزایی تکراری و چرت می‌خونید.

- موافقی با این که آهنگ‌ها محتوا ندارن؟

محتوا دارن، ولی بعضی‌ها به آهنگی می‌گن پر محتوا که مثل شاهنامه بیت به بیتش مفهوم داشته باشه. من می‌گم نه، یه آهنگ می‌تونه دو بیت بیش‌تر نداشته باشه، ولی همون دوتا بیت پرمفهوم باشه و هی تکرارش کنن تا تأکید کنن.

- مثلاً در مورد همین مایک دراپ می‌توانی مثال بزنی؟

Clap, clap, clap, clap all
This what I did to the haters

- خوب معنای این بیت چی هست؟

اینجا داره می‌گه که جوابی که من به آدمایی که ازم متنفر بودم دادم، این بود که واس‌شون دست زدم. یعنی نمی‌تونید تأثیر منفی روی من بذارید.

این آهنگ روی من خیلی تأثیر گذاشته. من و مامانم همیشه تقریباً با عمه‌ام و دختر عمه‌ام رقابت داشتیم و داریم و می‌دونم از من و مامانم بدش میاد. قبلاً خیلی زود جوش می‌آوردم و حرص می‌خوردم. الآن دیگه مثل قبل نیستم، خیلی اهمیت نمی‌دم چی می‌گن، چون چرت و پرت زیاد می‌گه عمه‌ام، دختر تحفه‌اش از خودش بدتر.

- یعنی این آهنگ تأثیر گذاشته روی تو؟

کلاً آشنایی با بی‌تی‌اس. چون می‌بینم اون قدر کامنت منفی می‌گیرن، ولی واکنش خاصی نشون نمی‌دن. آدمای با اراده خیلی به حرف‌های دیگران توجهی نمی‌کنن. آدمای ضعیف سریع تحریک می‌شن و به هم می‌ریزن. من این طوری بودم، ولی الآن خیلی سعی می‌کنم، عصبانی نشم».

«- وقتی ناراحتی دیگه چه کارهایی می‌کنی که بهتر بشی؟»

با دوستانم چت می‌کنم یا تماس تصویری باهاشون می‌گیرم، تو اینستا می‌چرخم و اینا. - می‌تونم برام یه مثال بزنی از این که به نظر بقیه اهمیت نمی‌دی یا خودت برای خودت تصمیم

می‌گیری؟

مثلاً من صورتم زیاد جوش می‌زنه، قبلنا هر کی بهم می‌گفت، چه قدر صورتت جوش داره یا تپلی، خیلی ناراحت می‌شدم و می‌رفتم تو اتاق گریه می‌کردم، بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیگه هر کی راجع به این چیزها بهم چیزی بگه، برام مهم نیست و اون قدر دیگه ناراحت نمی‌شم».



«یه چیزی که باعث جذب شدن به بی‌تی‌اس می‌شه و من خودم هم توی فن‌پیج‌ها خوندم و یا از دوستانم که این گروه رو دنبال می‌کنن شنیدم، اینه که از صفر شروع کردن و با تلاش رسیدن به اینجا. اولش یه گروه توی یه کمپانی ورشکسته درست می‌شه که هفت نفر توی یک اتاق می‌خوابیدن حتی برای کنسرت‌هاشون باید می‌رفتن توی خیابون خودشون تبلیغ می‌کردن این جالبه برام که با تلاش به جایی که هستن رسیدن. ولی بعضیا فک می‌کنن، این هفت نفر وارد کمپانی شدن دیگه فقط باید متمرکز می‌شدن روی تمرین‌های رقص و موسیقی، ولی اصلاً این طوری نیست».

«- میزان این که راجع به مشکلاتت با دیگران صحبت می‌کنی، فرقی کرده است؟»

خوب من قبلاً اصلاً راجع به مشکلاتم با کسی صحبت نمی‌کردم، ولی الآن خیلی از دوست‌های من راجع به ناراحتی‌ها یا مشکلات من خبر دارن، چون دیگه آدم بعد از یک مدت سوتی می‌ده که همه بفهمن. ولی در کل قابل تحمل‌تر شده مشکلات برام.

- چه طور؟

چون همه آیدول‌ها یک‌سری مشکلاتی دارن و خوب من می‌گم اگر اون‌ها می‌تونن، چرا من نتونم. اگر اون‌ها می‌تونن مشکلات را پیش بقیه قایم کنن، چرا من نتونم این کار را بکنم و خودم این کار رو انجام می‌دم».

شب‌نم ۲۵ ساله، ریحانه ۱۵ ساله، عرفان ۲۱ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خویش از برخورد رومان‌تیک‌تر با جنس مخالف، کپی‌برداری از رقص بی‌تی‌اس و پرهیز از ازدواج کردن (نظیر پسران گروه بی‌تی‌اس) یاد کرده‌اند:

«... مثلاً توی زمینه احساسات من قبلاً خیلی اهمیتی به احساسات عاشقانه و رومان‌تیک نمی‌دادم و خیلی مثلاً سخت می‌تونستم وارد یه رابطه عاطفی بشم. اما خب خیلی چیزا رو از شون یاد گرفتیم و روی احساساتم خیلی تأثیر داشت.

- یعنی چی روی احساسات شما تأثیر داشت، مثلاً چه تأثیری؟

(می‌خندد) من آدم سنگی بودم، مثلاً توی رابطه دوست پسر دوست دختری، ولی توی فیلم‌ها یه کم نرم شدم و این چیزا و بروز احساس و اینا برام عادی‌تر شد.

- یعنی سعی کردی مدل اون‌ها رفتار کنی؟

آره.

- مدل اون‌ها چه طوریه؟

خب این جوریه که خیلی احساسی و لطیف هستن.

- و شما تحت تأثیر این مدل، چه جور توی روابط خودت شروع به رفتار کردن کردی؟

قدیماً مثلاً برام حرفای عاشقانه زدن و ابراز احساسات لوس و مصنوعی بود و یا انجام نمی‌دادم و یا موقع‌هایی که سعی می‌کردم انجام بدم، برام یه حالت لوس و تمسخرآمیز داشت که حتی طرف مقابلم احساس می‌کرد، دارم مسخره‌اش می‌کنم و حس جدی بودن ازم نمی‌گرفت، حتی اگه ته دلم واقعاً احساسم جدی بود. اما خب وقتی دیدم اینا این قدر قشنگ و جدی ابراز احساسات می‌کنن، انگار روم تأثیر گذاشت و دیگه به نظرم لوس نبود».

«- خودت هم حرکات رقص بی‌تی‌اس رو اجرا می‌کنی؟

آره. واسه لاغری‌ام رقص خوبه.

- یعنی تو هم دوست داری مثل اون‌ها لاغر باشی؟

خب چون دخترم، خیلی دوست دارم مثل اعضای بلک‌پینک ظریف و لاغر باشم، خودت که می‌بینی، من یه کم تپلم.

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، اون قدر می‌رقصم که لاغر بشم. بعد از ظهرها هم تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جوری انرژی می‌گیرم».

«- عرفان آیا گروه بی‌تی‌اس تأثیری روی این که خودت ازدواج نمی‌کنی رو داشته؟

(با کمی مکث می‌گوید) خوب راستش من به عنوان یه هوادار بی‌تی‌اس وقتی می‌بینم آیدول مورد علاقه‌ام نمی‌تونه ازدواج کنه، منم که در همه‌ی مسایل زندگی‌م جین‌الگوی منه، نمی‌تونم به ازدواج فکر کنم. شاید یکی از راه‌های موفقیت منم در نوازندگی همین باشه.

- چرا فکر می‌کنی یکی از راه‌های موفقیتت در کار ازدواج نکردن است؟

چون من به عینه دارم می‌بینم که گروه بی‌تی‌اس چه قدر در کارشون موفق شدن و چه قدر محبوبیت و معروفیت جهانی دارن و همه‌اش به خاطر اینه که کمپانی سخت‌گیری می‌کنه و نمی‌ذاره ازدواج کنن و این قضیه داره برای خود منم تکرار می‌شه. منم مثل آیدول‌ها جوانم و جذابیت خاص خودم رو دارم، اگر ازدواج کنم، ممکن هست دیگه کم‌تر به خودم برسیم و از هدفم دور بشم».

«- این که گروه بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن، چه تأثیری روی هوادارها دارد؟

بیش‌تر هوادارها هم به تبعیت از بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن».

عمیق‌ترین سطح الگوبرداری، الگوبرداری از نظام ارزشی فرد مورد توجه و علاقه به شمار می‌آید، در این سطح از الگوبرداری، مخاطبان با ملاحظه ارزش‌هایی که الگو در خود به نمایش نهاده یا تبلیغ آن را می‌کند، ارزش یا ارزش‌های مزبور را پذیرفته و با درون‌سازی آن‌ها، بر همان نهج و منوال عمل می‌کند. به عنوان مثال، اندیشه اساسی بی‌تی‌اس دال بر جنسیت‌زدایی از آرایش پوشش و عشق، آزادی عقیده، شاد زیستن، فردگرایی افراطی، مصادیقی از فرهنگ غرب (نظیر هالووین) و مانند آن‌ها، از مواردی هستند که پذیرش و رفتار برهمان مبنا نمایانگر رسوخ ارزش‌های اخیر در هواداران، درون‌سازی شدن آن‌ها و معرفی آن‌ها به عنوان قسمتی از نظام ارزشی فرد به شمار می‌روند.

سارینای ۱۳ ساله و نسترن ۱۹ ساله، تحت تأثیر اندیشه جنسیت‌زدایی از آرایش اعضای بی‌تی‌اس، به اخذ این ارزش پرداخته‌اند و تجلی عینی آن را در خود به نمایش نهاده‌اند:

«- نگاه و دیدگاه خودت نسبت به آرایش کردن بی‌تی‌اس و آیدول‌های کی‌پاپ چه جوریه؟

از نظر خودم خیلی بامزه و کیوته. وقتی یه نفر رو قبول داشته باشی، همه چیزش رو دوست داری و فرق نمی‌کنه، چه کاری انجام بده، چون تا زمانی که اون کار بد نباشه، مشکلی نیست.

آرایش کردن هم این جوریه. زیبایی وجود داره هم برای مرد هم برای زن پس آرایش یا میکاپ جنسیت نداره.

از نظر من کارهای آدم‌ها تا وقتی آسیبی به بقیه نرسونه، باید بهشون احترام گذاشته بشه. من اولش که فهمیدم آرایش می‌کنن، به نظرم یه چیز جالب اومد و بعد با گذر زمان برام عادی شد».

«- این قضیه که دارن روش کار می‌کنن که لباس جنسیت نداره. چی؟ نظر خودت یا دوست‌هات راجع بهش چی هست و درباره‌اش چی فکر می‌کنی؟

من خودم قبلشم اوکی بودم. واقعاً خوشم می‌اومد.

- دوستان خودت چی؟

(می‌خندد) دختر عموم، نمونه زنده‌اش هست. کسی که تازه آشنا شده و می‌شناسم. برای همین می‌گم. همین دقیقاً چیزی که در مورد جامعه‌ال‌جی‌بی‌تی براش اتفاق افتاد، در مورد همین هم اتفاق افتاد. چون قبلش این طوری بود که خب اوکی توی جامعه ما مثلاً پسر باید سنگین باشه. تیره بیوشه. نمی‌دونم. دختر باید (با خنده) صورتی بیوشه، ولی خب از وقتی که با کی‌پاپ آشنا شد، خیلی براش نرمال و طبیعیه که هر کس هر جوری دلش بخواد لباس بیوشه».

صبای ۱۶ ساله و پریناز ۱۸ ساله نیز از پذیرش جنسیت‌زدایی در پوشش و به معرض دید نهادن آن در خودشان به شرح زیر یاد کرده اند:

«- بعد در زمینه مسایل اجتماعی هم موضع خاصی دارن؟

خب کلاً عقاید متفاوتی دارن، یعنی همه‌شون عقیده‌شون یکی نیست، ولی در نهایت هر چی کمپانی بگه همون رو می‌گن، یعنی خب کمپانی هم پولش رو از کشورهای غربی می‌گیره و طرف اونا هست و اینا هم طبعاً طرف سرمایه‌داری و غربیا هستن، همیشه عقایدشون مثلاً یه چیز مشترکه توشون اونم اینه که جنسیت‌مدار نیستن کلاً، یعنی این که بگن این لباس زنونه هست یا این کار زنونه هست، اصلاً این جور نیستن، می‌گم که میکاپ دارن، لباساشون فارغ از نگاه جنسیتی، رنگ‌شون متنوعه، مثلاً صورتی می‌پوشن یا گاهی موهاشون بنفش یا صورتیه. اکسسوری می‌اندازن، انگشتر و اینا، عمل زیبایی می‌کنن، چال می‌ذارن. این حرکت‌شون به نظرم خوبه تا حدی ولی افراط نه، مثلاً میکاپ خیلی اوکی نیست به نظرم یا چال گذاشتن یا عمل، ولی این که لباساشون هر رنگی هست خوبه و باعث شده، منم مثلاً خیلی اوقات رنگای تیره بیوشم یا موهام رو پسرانه کوتاه کنم حتی یا میکاپ نکنم اصلاً، چون که دخترا مجبور نیستن همیشه آرایش کنن یا موی بلند داشته باشن یا رنگای روشن بیوشن و از این چیزا، ولی خب در این حدش خوبه، نه افراط که گفتم».



«- به نظرت این گروه داره جنسیت‌زدایی رو ترویج می‌ده و دنبال عادی سازی این مسأله هست؟
 بین جنسیت‌زدایی الآن کاملاً یه مسأله عادیه بین جوون‌ها، دختر و پسر برابر هستن، لباس‌ها جنسیت ندارن، همجنس‌گراها هم آدم هستن و بیمار نیستند و از قبیل این موارد، حتی رنگ‌ها هم جنسیت ندارن این که یه پسر صورتی بپوشه یا یه دختر آبی و این که یه دختر موهاش مدل پسرانه باشه یا یه پسر موهاش بلند باشه و یه پسر از رقصیدن خوشش بیاد و همین طور برعکس که دختر از مسایل پسرانه خوشش بیاد و به نظرم این مسایل نه فقط در ایران بلکه در کل جهان عادی شده.

البته قدیمی‌ها موضوع همجنس‌گرایی رو تابو می‌دونستن و می‌گفتن ممنوعه و هنوز هم بیش‌ترشون این طوری هستن و خیلی سخت می‌شه نظرشون رو در رابطه با این موضوع عوض کرد و باید بهشون حق داد، چون اونا مدت زیادی با این عقیده زندگی کردن و عوض کردن اونا سخته، ولی خب جوون‌ها انعطاف‌پذیرترن در کل و توی دنیای مدرن دارن زندگی می‌کنن و خب برای ما دیگه عادی شده، اما بی‌تی‌اس با این موضوع موافقه که میان با کارهاشون نشون می‌دن که لباس‌ها جنسیت ندارن، همجنس‌گراها هم انسان هستن و این رو می‌خوان نشون بدن و هم حمایت می‌کنن و به نظر من کار درسته که هر فردی، با هر سلیقه و نظری و لباسی انسانه و حق زندگی داره، مهم نیست برندت چیه، رنگ لباست چیه، رنگ پوستت چیه یا دختری، پسری مهم اینه که تو انسانی باید عاشق خودت باشی و اعضاء یه آهنگ دارن که این موضوع رو بیان می‌کنه که تو با هر نقصی که داری حق زندگی داری، مهم نیست دیگران درباره تو چی می‌گن، مهم فقط و فقط خودت هستی».

پونه ۱۸ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از پذیرش اندیشه جنسیت‌زدایی از عشق بی‌تی‌اس یاد کرده و از پذیرش آن در نظام ارزشی خودشان سخن گفته‌اند:

«... در کل بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که آشنا شدم و آره همه چیزشون به چشمم ناآشنا و متفاوت و جدید بود و مجموعه‌ای از همه چیزشون بود که من دیدم و خوشم اومد و دیگه طرفدارشون شدم.

- پس در واقع بی‌تی‌اس باعث شد نگاهت نسبت به یک سری چیزها تغییر کنه؟

در واقع می‌تونم این طور بگم که بی‌تی‌اس نه تنها نگاه من رو، بلکه همه چیز من رو تغییر داد، نگاهم رو به همه چیز، نوع تفکراتم، سلیقه‌هام. خیلی چیزا. من تا قبل از بی‌تی‌اس همون طور که گفتم، من تا قبل از این که عکسای بی‌تی‌اس رو بینم و حالا با سبک آرایش و میکاپ و این چیزاشون آشنا بشم، اگر این چیزا رو می‌دیدم که یه خواننده‌ی دیگه مثل هری استایلز یا هر کس دیگه‌ای انجام می‌ده، می‌گفتم لازم نیست یا می‌گفتم، خب پسرا باید همچین حرکت‌هایی بززن، ولی خب وقتی بی‌تی‌اس رو دیدم، نگاهم به خیلی چیزا تغییر کرد. دیگه برام عجیب نبود این چیزا و دیگه به این کلیشه‌های جنسیتی اهمیتی نمی‌دم، نگاهم به ال‌جی‌بی‌تی خیلی تغییر کرد. البته اینا رو دارم می‌گم بهت، به خاطر اینه که خودت اولش گفتی هر چی بود رو بدون مخفی کردن و خجالت بگما. وگرنه یه کم خودم چیزم الان که اینا رو دارم می‌گم.

- راحت باش مشکلی نداره عزیزم. خب نگاهت به همجنس‌گراها هم تغییر کرد، قبلش این چیزا رو قبول نداشتی؟

نه این که قبول نداشتت باشم. چون دیده بودم تو مدرسه یکی از دوستانم این لژبینه و با رابطه‌ی دختر با دختر یه کم آشناییت داشتت و مشکلی باهاش نداشتت، ولی رابطه‌ی پسر با پسر و کاپلای گی رو خیلی درک نمی‌کردم. ویرد (عجیب) بود برام. اما بعدش که خب با بی‌تی‌اس آشنا شدم و دوستم در مورد گرایش پسرا و روابطشون باهام صحبت کرد، تازه دوزاریم افتاد و دیگه مثل قبل نبود که ناآشنا باشم با این روابط. بعد جدای از اون وقتی می‌دیدم که خود پسرا چه قدر به همجنس‌گراها احترام می‌ذارن و ازشون حمایت می‌کنن، خب من کی باشم که بخوام توهین کنم. متوجه شدم که یه چیز کاملاً طبیعیه که باید بهش احترام بذارم».

«- بین دوستان و هنرآموزهای تو گرایش‌های جنسی غیردگرجنس‌گرا چه طوریه؟

خیلی زیاد شده، ولی من حس نمی‌کنم به خاطر بی‌تی‌اس باشه. چون اتفاقاً تمام کسانی که من می‌شناسم و طرفدار بی‌تی‌اس هستن، دخترن و یه دختر دوست داره همون به چشم یه دختر به آیدولش نگاه کنه. می‌دونی چی می‌گم؟ یعنی اونا رو به چشم دوست پسرش می‌بینه.

- دخترهایی که طرفدار بلک‌پینک هستن، گرایش‌های همجنس‌گرایانه ندارن؟

نه، من ندیدم که همجنس‌گرا باشن. ولی توی جامعه خیلی می‌بینم که خیلی زیاد شده، بدون این که اینا طرفدار بی‌تی‌اس باشن. ولی کلاً خیلی زیاد شده و برای خودمم سواله که چرا حتی نسبت به دو سال پیش این قدر بیش‌تر شده!

- به نظرت یک عاملش رسانه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها و تمرکز بیش‌تر بر روی مسایل گروه‌های

اقلیت جنسی نیست؟

چرا. به نظرم هم به جور باعث جو شده. مثلاً دوستی که من داشتم تا همین چند وقت قبل دوست پسر داشته، الان به دفعه می‌گه من همجنس‌گرم یا یکی می‌گه من خودم رو عضو ال‌جی‌بی‌تی یا کوییر می‌دونم یا یکی دیگه می‌گه اصلاً من خودم رو مذکر یا مؤنث نمی‌دونم. این به بخشیش به نظرم جو هست. انگار مده. به چیز تازه هس. اما به بخش دیگه‌اش هم اینه که خب این تمایل‌ها وجود داشته و الان چون درباره‌اش آزادتر می‌شه حرف زد، انگار به رسمیت شناخته شده و طرف می‌تونه توی خودش بپذیردش. البته بازم سوال برای من هستش که این رسانه‌ها و تبلیغاتی که می‌گی دو سال پیش هم بودش، ولی این قدر این گرایش‌ها مثل الان زیاد نبود.

– نظر دوستان و هنرآموزان شما درباره کوییرها و ال‌جی‌بی‌تی چیه؟

همون حرف بی‌تی‌اس رو می‌زنن. یعنی بد نمی‌دونن و می‌گن اون چیزی باید باشه که خودت دوست داری».



به طبع پذیرش اندیشه جنسیت‌زدایی در عشق که گروه بی‌تی‌اس در عمل مروج آن است، مثبت شدن نظر برخی از هواداران نسبت به گروه ال‌جی‌بی‌تی کیو مثبت شده و به گزارش انعکاس عینی این معنا در جمع اطرافیان‌شان پرداخته اند.

شادی ۱۵ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط بیان داشته اند:

«– تأثیری که حرفاشون یا عقایدشون روی خودت گذاشته، چی بوده؟»

خب درباره ال‌جی‌بی‌تی‌ها نظرم مثبت‌تر شده، کلاً قبلاً این جووری نبود، البته شناخت زیادی هم نداشتم قبلاً از طریق اینا آشنا شدم بیش‌تر از لحاظ ظاهری که می‌بینی (اشاره به بینی و لب) و موهام (اشاره به موها) (خنده) و بحث این که لباس جنسیت‌نداره رو الان واقعاً باور دارم».

«– به نظرت گروه بی‌تی‌اس این گرایش‌ها و فرهنگ‌ها رو می‌خواد به کشورهای دیگه انتقال بده؟ می‌شه گفت آره زیاد تأثیر داره. الان توی افراد دهه ۸۰، متأسفانه من تو مدرسه حالا فهمیدم که خیلی روابط همجنس‌گرایانه زیاد شده. دلیلش بیش‌تر فضای مجازیه خب که این جور روابط رو عادی می‌کنه. نمونه‌اش همین گروه مثلاً و خب الان اکثر کشورها هم اینا رو عادی کردن و قانونیه. گاهی تو مدرسه می‌بینی دو به دو باهم رل شدن (خنده). ما دو نفر از بچه‌هامون که ته کلاس می‌شستن و

طرفدار این باندم بودن و فن پیچ داشتن براشون، باهم رل بودن! و حالا زنگای تفریح کلاسا خالی می‌شد باهم می‌رفتن تو کلاس رفتارای جنسی می‌کردن! خب این حالا یه نمونه‌اش هست که من می‌دونم، تو کلاس‌های دیگه هم زیاد بودن این جور دخترا که باهم بودن و حرکات جنسی می‌کردن. این جور رفتارها از کجا میاد؟ از همین گروه‌ها، از فضای مجازی از فیلم‌های پورن همجنس‌گرا که با یه سرچ تو گوگل میاد بالا یا فیلم‌هایی که هالیوودی هستن و همجنس‌گرایی هست توشون و مجوز پخش گرفتن و کلی ویو خوردن تو دنیا.

توی ایران هم که به طور صحیح تخلیه جنسی صورت نمی‌گیره، طرف رو در فضای مجازی توجیه می‌کنند و بعد روی هم‌جنس خودشون پیاده می‌کنند».

نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با بیان این اندیشه که از نظر اعضای گروه بی‌تی‌اس، باید به عقاید هر فرد (حتی اگر اشتباه باشد) احترام نهاد، از پذیرش این معنا توسط دوست و برخی از اطرافیانش یاد کرده است:

«- دین خودشون چیه؟»

خودشون یا مسیحی ان یا دینی ندارند.

- بین وقتی که بچه‌ها با این مواجه می‌شوند که دین با رابطه‌های همجنس‌گرایانه مخالفه و شعاری که توی بی‌تی‌اس هست، اینه که این روابط اشکالی ندارد، به نظر تو بعداً بچه‌ها با این تعارضات چه جور رفتار می‌کنن؟

اونا نمی‌دونن که موافق این هستند، اونا می‌گن که این مشکلی نداره، می‌گن که نباید از این اتفاق خجالت بکشین، برای ما مهم نیست که طرف با همجنس خودش وارد رابطه بشه، برای ما این مسأله اهمیتی نداره، چون هر انسانی به هر حال ارزش و شخصیت خودش رو داره.

- یعنی این مسأله با دستوره‌های دینی تو تضاد قرار نمی‌گیره؟

راستشو بگم خیلیا دینی ندارن، به نظر ما علم خیلی بهتر از دینه، علم مسایل اثبات شده هست، دین مسایل اثبات نشده هست، از کجا می‌توانیم مطمئن باشیم که درسته.

- الان شما همین عقیده را دارید؟

بله. بعد من خودم آدمایی رو دیدم که خیلی به نظرم عقاید سفت و سختی داشتند و در خانواده خیلی مذهبی به دنیا آمده بودند، ولی وقتی که آرمی شدن عقایدشون از بین رفته بود.

- می‌تونی برام مثال دقیق‌تر بزنی از بین دوستان کسی این طوری بوده؟

راستش بله، ولی عقایدش کامل از دست نرفته، اون زمان چادر می‌پوشیده، الان نمی‌پوشه.

- چه طوری تحت تأثیر قرار گرفته؟

البته ببین اون خیلی هم توجه به خانواده داشت. دیگه چون خانواده‌اش خیلی مذهبی بودند، وقتی خانواده به شدت مذهبی باشه، خوب شما هم دیگه مذهبی می‌شین دیگه، وقتی یک نفر تو جو مذهبی به دنیا میاد، تو یه جو مذهبی بزرگ می‌شه و بنابراین همون عقاید رو پیدا می‌کنه و به نظرش هر عقیده مخالفی اشتباهه، ولی بی‌تی‌اس یک چیزی که به ما یاد داد، اینه که شما می‌تونید هر عقیده‌ای داشته باشین و بایستی که بهش احترام بذارین.

- دوست تو تحت تأثیر این فکر یعنی قرار گرفت؟
بله.

- الان عقایدش چه شکلیه؟

الآن خدا رو قبول داره، این طوری نیست که دیگه کلاً دین نداره، ولی دیگه به شدت خانواده‌اش نیست».

فریبای ۴۶ ساله نیز در مصاحبه‌اش، از ضرورت آزاد بودن، شاد زیستن و کنار نهادن شرم و حیا در افراد یاد کرده، بر تحقق آن در رفتارهای خود و دخترش، صحه می‌نهد:

«- برگردیم به موضوع رقص، مگر نگفتید همسر اجازه نمی‌ده، پس چه طور در جمع مختلط می‌رقصید.

جراثم بیش‌تر شده، حس می‌کنم، توی اینستاگرام کلیپ رقص زیاد می‌بینم و وقتی می‌بینم دخترا و زن‌ها راحت می‌رقصن و فیلم می‌ذارن، پیش خودم می‌گم مگه اونا شوهر ندارن، از بی‌تی‌اس خیلی در مورد مقاومت برای رسیدن به خواسته‌ها یاد گرفتم. یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس فوق‌العاده هست، اگه گوش نداین حتماً گوش بدین، اسمش سیلور اسپونه. توی این آهنگ تشویق می‌کنن که قوی‌تر باشیم و مقابل مشکلاتی که روز به روز تعدادش بیش‌تر می‌شه، بایستیم. خود آیدول‌ها خیلی مصر هستن که به خواسته‌هاشون برسن و واقعاً توی این مدت خیلی ازشون یاد گرفتم...»

- باز هم مواردی بوده که بی‌تی‌اس باعث اختلاف بین شما شده باشه؟
بله، زیاد. همسر دوست نداره دخترم توی جمع برقصه، ولی من دوست دارم و اتفاقاً می‌گم که دختر باید آزاد باشه.

- خوب این چه ارتباطی به گروه بی‌تی‌اس دارد؟

نسل ما خیلی آزاد نبود، خب شما بهتر از من می‌دونید که نسل جدید الگوهای جدیدی هم داره. نسل من الگوهاش بدبخت و بی‌نوا بودن و مدام در حال گریه و زاری بودن. از وقتی چشم باز کردیم بدبختی دیدیم و مصیبت اما این نسل از بی‌تی‌اس الگو می‌گیره که بچه‌ها رو به آزادی و شادی و خوش بودن تشویق می‌کنه. به نظر من درست اینه که بچه شاد باشه، آزاد باشه، برقصه، بخنده چه ایرادی داره. بی‌تی‌اس رو به خاطر خیلی چیزا دوست دارم که اگه شما توی مصاحبه هم نپرسید خودم می‌گم».



تشویق به فردگرایی مفرط، غصه نخوردن، عدم ضرورت برخورد عقلانی در همه موارد، پذیرش ابعادی از فرهنگ غرب (نظیر هالووین)، از دیگر ارزش‌هایی هستند که جمعیت مورد بررسی از آن یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که ارزش‌های اخیر را از پسران گروه بی‌تی‌اس اخذ کرده اند. در همین ارتباط ریحانه ۱۵ ساله، مرضیه ۱۹ ساله، فریبای ۴۶ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خود به ارایه مصادیق زیر پرداخته اند:

«- سعی کردی که ویژگی‌های اخلاقی مثل اون‌ها رو هم داشته باشی؟»

تو این دو، سه سال که دنبال شون می‌کنم، یه سری چیزا از شون یاد گرفتم، مثلاً این که با آدما مهربون‌تر باشم یا مثلاً به نظر کسی خیلی اهمیت ندم و کاری که خودم دوست دارم، انجام بدم.

- یعنی دوست نداری تو کارهات نظر بقیه رو بدونی؟

بیش‌تر دوست دارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم، از این که یکی هی بهم دستور بده بدم میاد.

دوست ندارم چیزی تو دلم بمونه و برام عقده بشه.»

«- وقت‌هایی که ناراحتی یا اضطراب داری، دنبال گوش کردن آهنگ‌ها یا دیدن ویدیوهاشون

می‌ری؟»

آره، همیشه همین‌طور بود، این طوری اضطرابم کم می‌شه یا ناراحتیم رنگ می‌بازه.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟»

بین مثلاً من امتحان شهری رانندگی که داشتم خیلی اضطراب داشتم، بعد به خودم گفتم شد، شد، نشد، می‌رم بی‌تی‌اس می‌بینم و حتی به این فکر می‌کردم که اعضاء حتی وقتی کارهایی که قبلاً انجام ندادن و اولین دفعه‌شونه رو شجاعانه انجام می‌دن و نمی‌ترسن و به خودم می‌گفتم، تو هم این طوری باش یا موقع کنکور هم همین طور، می‌گفتم اگر هم نتونستی، دنیا که تموم نشده، بی‌تی‌اس هست غصه‌ی چی رو می‌خوری؟

یا وقتایی که تنهایی اذیت کننده می‌شه بهشون پناه می‌برم. من حتی یه پوشه دارم که تو سیو مسیج‌های اینستام سیوش کردم خوشحالی و پر از عکس و فیلم پسرا هست و هر زمان ناراحت و دماغ هستم، می‌رم اون پوشه رو باز می‌کنم و نگاهشون می‌کنم».

«... یک آهنگ جالب و پرمفهوم دیگه هم دارن به اسم «اجازه‌ای برای رقص» یه تیکه رو خیلی دوست دارم. می‌گه که من می‌خواهم برقصم، موسیقی باعث شد من پیش بروم، چیزی نیست که بتواند مانع از حرکت ما شود، بله بیاید خودمان را بشکنیم و مثل احمق‌ها برقصیم.

– منظورش چیه؟

می‌گه که پلن و برنامه و این چیزا رو بذاریم کنار، یه کم نفس بکشیم، برقصیم. نیاز نیست همیشه عاقل باشی و رقص و موسیقی باعث شده پیش برم یا بهتره بگم پیشرفت کنم.





- به نظر شما کار درستی هست که برنامه‌ها را کنار بگذاریم و صرفاً بزنیم و برقصیم؟
به نظرم پلن ریختن کار بیهوده‌ای هست، چون آخرش اون چیزی که می‌خوای درست اجرا نمی‌شه
و این آهنگ درست می‌گه.

- خوب شاید احتمالاً ایراد از برنامه شما باشه. یعنی هیچ برنامه‌ریزی را قبول ندارید؟
نه من به برنامه‌ریزی علاقه‌ای ندارم و مهم‌تر این که اون‌ها توی کره جنوبی که این قدر کشور
منظم و با حساب و کتابی هست، اعتقادی به برنامه‌ریزی ندارن بعد من تو ایران اعتقاد داشته باشم؟
- فکر نمی‌کنم منظور آهنگ این بوده باشه که هیچ‌وقت برنامه‌ریزی نکنید.
برداشت من این هست و این باورم رو دوست دارم.

- گوش دادن به آهنگ‌های این گروه چه حسی به شما می‌ده؟
حس خیلی خوب. آزادی. وقتی گوش می‌دم همین جوری که معنی یه متن رو برای شما خوندم،
حس می‌کنم که یکی هست که به فکر آزادی و راحتی و رها شدن من و دخترم از اسارت کسایی مثل
شوهرمه. خیلی خوشحال می‌شم».

«- باز هم در مورد ظاهر و زیبایی نظری داشتی که بعد از آشنایی با جیمین عوض بشه؟
از هالوین و جشن گرفتنش خوشم نمی‌اومد، چون می‌گفتم زشت و ترسناک می‌شه قیافه‌ها. تا این
که چند باری دیدم جیمین و دوستاش هالوین جشن گرفتن و گریم هالوین دارن که خوشم اومد.
- خوب مگه ترسناک نبود چهره‌های آن‌ها؟

ترسناک بود، ولی خوشم اومد، یعنی هم می‌ترسیدم و هم خوشم می‌اومد».



– عمق اثرگذاری الگوها

در بررسی سطوح مختلف اثرگذاری الگوها، از سه سطح اثرپذیری‌های ظاهری، اثرپذیری‌های رفتاری و اثرپذیری‌های ارزشی هواداران از الگوها، یاد شد.

مشاهدات انجام شده، در زمینه اثرپذیری هواداران از الگوها دلالت بر آن دارد که هواداران پس از جذب شدن به ظواهر الگوها و کپی‌برداری و تبعیت از این ظواهر، به تدریج به سمت الگوبرداری‌های رفتاری سوق یافته و به تکرار عملی رفتارهایی که در الگوی مورد نظر خویش می‌بینند، دست می‌زنند و در ادامه غالباً به الگوبرداری از ارزش‌هایی که الگوی مورد نظر مستقیم و غیرمستقیم مبلغ آن است، می‌رسند.

در حالت اخیر، طرفدارانی که ارزش‌های الگوهای مورد علاقه خود در گروه بی‌تی‌اس را در دستور کار خویش قرار می‌دهند، بعضاً تأثیرپذیری‌های عمیقی را از خودشان به معرض دید می‌گذارند که اسباب شگفت‌زدگی اطرافیان و ناظران را فراهم می‌آورند.

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، با عرضه یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس، او ۲۴ ساعت تمام برای آن در یوتیوب بازدید زده است.

رهای ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌اش بیان داشته است، وی و دیگر اعضای فندوم آن‌ها، با ارایه لایوهای بی‌تی‌اس، هم‌زمان دست به ترجمه لایو پسران زده، آن را در فضای مجازی منتشر می‌سازند.

پریناز ۱۸ ساله نیز در مصاحبه خودش یادآور شده است، وی با شوق رفتن به کشور کره برای آزمون دادن برای ورود در گروه‌های کی‌پاپ، روزانه ۵ ساعت تمام می‌رقصیده است تا در عین تکمیل مهارت خویش در این زمینه، وزن خود را هم به وزن مورد نظر کمپانی برساند:

«– بعد گفتید به خودتون اومدید و دیدید کام‌بک فلان اومده. بعدش چه کار کردید؟

من ۲۴ ساعت نخوابیدم داشتم بازدید یوتیوب می‌زدم».

«– بعد توی پیج چه چیزهایی می‌گذاشتین و حمایت‌هاتون چه شکلی بود؟

بین خب یه کانال خبری بودیم. یعنی یه کانالی که مثلاً صبح پا می‌شی خبرها رو می‌ذاری، اینا.

– خبرها رو از کجا چک می‌کردین و می‌آوردین؟

توییترو.

– آهان. چه صفحه‌هایی؟

فن پیج‌های توییترو.

– اکانت رسمی و اصلی‌ای در موردشون نیست؟

چرا هست. علاوه بر اکانت اصلی، خب روزانه جاهای دیگه هم میان. مثلاً آگه لایو بیان، اکانت‌های مترجم داریم که مثلاً لایو رو هم‌زمان ترجمه می‌کنن یا مثلاً اونا که کاندیدی قراره بشن توی مراسمی،

اعلام می‌کنن یا اگه ترندینگه، اعلام می‌کنن. از طریق این اکانت‌ها، خبرها رو پیدا می‌کردیم، ترجمه می‌کردیم و توی کانال‌های فارسی می‌داشتیم».

«- تا به حال به این فکر کردی که به کره سفر کنی و در این کمپانی عضو بشی؟

این سوال واقعاً خیلی قشنگ بود، طبیعتاً من بعد از این که با کره جنوبی و گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم و علاقه شدیدی هم پیدا کردم به گروه‌های اکسو و بی‌تی‌اس علاقه پیدا کردم، یکی از آرزوهایم این بود که سفر کنم به کره جنوبی و می‌خواستم در آینده یکی از اعضای این گروه‌ها باشم، یعنی برم و خواننده بشم. البته اینا در حد حرف نیست کلی تلاش کردم برای این موضوع. من یه مشکلی که داشتم این بود که وزنم زیاد بود و خب طبق شرایطی که این گروه داشت، باید وزنم طبق شرایط کمپانی ۵۹ کیلو بود. وزن من اون موقع ۶۹ کیلو بود، فک کنم من واقعاً تمام تلاشم رو کردم که وزنم رو برسونم به زیر ۵۹ کیلو و حتی یا ادمه که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای و الآن تقریباً بعد گذشت سه سال، می‌شه گفت کمی مسلط شدم به این زبان تا بتونم با آهنگ‌هاشون ارتباط بیش‌تری بگیرم و این که راحت‌تر حمایت‌شون کنم و خب خیلی کارا کردم که پیشرفت کنم تا بتونم عضو کمپانی بشم، روی رقصم کار کردم. من روزی تقریباً پنج ساعت بی‌وقفه توی خونه می‌رقصیدم و الآن این جوریه که مدل رقصیدنم کلاً شده مثل بی‌تی‌اس و همه اقوام رقص من رو به مدل‌های تیک تاک و کی‌پاپ می‌شناسن و من حتی رفتم ایمیل کمپانی‌ها رو گرفتم که بهشون ایمیل بزنم و توی آزمون‌هاشون شرکت کنم، چون یه زمانی بود که کمپانی‌ها کارآموز می‌خواستن و منم سنم به اون شرایطی که کمپانی گذاشته بود، می‌خورد و خب من می‌تونستم که آزمون بدم و واقعاً قصدم جدی بود، اما خب نکردم این کار رو، من خب اولش همون طور که گفتم من توی دو هفته بعد از این که مدام تمرین می‌کردم و پنج، شیش ساعت تو روز می‌رقصیدم، تونستم تو چهار هفته از وزن ۶۹ کیلو به ۶۰ کیلو برسم و تقریباً یه چیزی تو مایه نه کیلو لاغر کردم و واقعاً برای خودم و خانواده‌ام خیلی عجیب بود و جالب این بود که من واقعاً و عمیقاً با تمام وجودم این کار رو انجام می‌دادم و می‌رقصیدم و اصلاً خسته نمی‌شدم. یادمه از مدرسه که می‌اومدم موزیک ویدیوهاشون نگاه می‌کردم و باهاشون مدام می‌رقصیدم و متوجه گذر زمان نمی‌شدم، وقتی ناخواسته توی جاهای مختلف آهنگ پلی می‌شد، البته الآن هم همینم، اگه آهنگ ریتمش شاد باشه، بلافاصله بلند می‌شم می‌رقصم».

نکین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی برای تولد تک‌تک اعضای گروه روی موبایلش روز شمار تولد گذاشته است. ثنای ۱۶ ساله هم خاطرنشان ساخته است که وی از دوست پسر محبوبش به دلیل توهین به آیدول مورد علاقه خودش جدا شده است و پونه ۱۸ ساله اذعان می‌دارد، اگر یک روز از پسرهای بی‌تی‌اس بی‌خبر بماند، می‌میرد، زیرا که آن‌ها زندگی او شده اند:

«خوب یک خوبی‌اش اینه که دوتا از اعضاء سولو دارن و می‌رن سربازی، بعد آرمی‌هایی هم که تو کره زندگی می‌کنن، یک رسم هست که وقتی نامزد یا دوست پسر هر کسی می‌ره سربازی، یک کفش‌های خاص سفیدی هست که اون‌ها را می‌خرن می‌پوشن، به معنی این که در انتظار کسی هستن، حالا آرمی‌هایی که تو کره زندگی می‌کردن، رفتن رنگ کفش به رنگ بنفش خریدن.

- کدام اعضاء الان سرباز می‌شوند؟

همه‌شون، جین الان دقیق بخوام بگم، بذارید بینم آخه من برای تولد همه‌شون آلام گذاشتم (باخنده)، جین دقیقاً ۳۸ روز دیگه تولدشه، تهیونگ ۶۴ روز، جیهوپ ۱۱۴ روز، شوکو ۱۳۳، خود بی‌تی‌اس ۲۲۹ روز دیگه تولدشه، اون تایمی که ساخته شدن و گروه‌شون درست شد، جان هوب ۳۰۹، جیمین ۳۵۱ روز دیگه.

- برای تولد آیدول‌ها کاری انجام می‌دین؟

ما زنگ می‌زنیم به دوست‌هامون، کیک می‌خریم، کاپ کیک می‌خریم، کیک یزدی روش شمع می‌گذاریم. بعد چون ساعت داره ما از یک ساعت قبل‌اش پشت دوربین‌ها نشستیم اون یک ساعت را حرف می‌زنیم و یک ثانیه مانده دیگه شمع را فوت می‌کنیم و تولدش را جشن می‌گیریم.»



«... بلایی که توی چت روم سرم اومد رو تا آخر عمرم فراموش نمی‌کنم.

- چت روم بی‌تی‌اس؟

بله، یک سال پیش دوستم بهم پیشنهاد داد برای این که حوصله‌مون سر نره، وارد یه چت روم تلگرامی بشیم که همه بی‌تی‌اس آرمی بودن.

- خوب؟

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این من در اون گروه با یک پسری آشنا شدم، تقریباً همسن خودم بود و خیلی هم پسر خوبی بود. باهم در مورد بی‌تی‌اس صحبت می‌کردیم. گفته بودم بهش که جیمین رو خیلی دوست دارم، اونم می‌گفت که درک می‌کنه و مشکلی با این مسأله نداره.

- یعنی می‌خواستید باهم وارد رابطه بشوید؟

قصداً ازدواج داشتیم (بغض کرده و نمی‌تواند ادامه بدهد).

- راحت باش و هر زمان احساس کردی حالت بهتر شد، ادامه می‌دهیم.

مرسی (گریه می‌کند).

بعد از چند دقیقه:

خیلی دوستش داشتم، دست خودم نیست، این حسی که دارم. شاید بگید که این چه ربطی به بی‌تی‌اس داره، خب ما توی گروه بی‌تی‌اس باهم آشنا شدیم و اولش در مورد بی‌تی‌اس باهم حرف می‌زدیم و نظراتمون خیلی به هم نزدیک بود. در مورد بی‌تی‌اس و جیمین. من به کسی که به جیمین علاقه داره، بهش علاقه دارم و از کسی که از جیمین بدش میاد، ازش بدم میاد.



- حتی اگر فردی که جیمین را دوست ندارد، از اعضای خانواده شما باشد؟

دوست نداره که نداشته باشه، مهم نیست، اما نباید بد بگه از جیمین. حتی اعضای خانواده هم می‌دونن که من چه قدر علاقه به جیمین دارم، برای همین چیزی نمی‌گن.

- ماجرای ارتباطت با آن پسر به کجا رسید؟

یک روز باهم دعوامون شد، گفت برو به جهنم پیش همون جیمینت. منم زدم به سیم آخر و به مادرش فحش دادم، واقعاً دلم نمی‌خواست، شب قبلش اصلاً نخوابیده بودم، آخه خونه‌مون دعوا بود.

خواهرم داره طلاق می‌گیره تا صبح خونه‌مون دعوا بود، اونم گیر داده بود بیا چت کنیم، اونم نه که چت معمولی بخواد توی اون اوضاع می‌گفت، واسم عکس بفرست.

- نصفه شب؟

عکس با آرایش و نیمه باز می‌خواست ازم (بیش‌تر توضیح نمی‌دهد).

- خوب چی شد؟

هیچی منم براش نفرستادم و شروع کردم به بد و بیراه گفتن، اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

- به نظرت جیمین ارزش این را داشت که رابطات را تمام کنی؟

بله، اگه اون شعور داشت به کسی که دوشش دارم، احترام می‌داشت».

«- اون زمان که رفتی سمت کی‌پاپ و کره، هنوز طرفدار رپ فارسی بودی؟

نه دیگه، وقتی بی‌تی‌اس اومد، کلاً رپ فارسی رو کنار گذاشتم. دیگه دوست نداشتم.

- چرا؟

امم نمی‌دونم واقعاً. این جور نبود که یهویی بذارمشون کنار و دیگه رپ گوش ندم. اولاش که با پسرا آشنا شدم، هنوزم رپ فارسی رو دنبال می‌کردم، ولی اون قدر درگیر بنگتن شده بودم که فرصتی نمی‌شد برم دنبال چیزای دیگه. ولی کم‌کم سلیقه‌ام کلاً عوض شد. من یه تایمی خیلی خیلی زیاد دوست داشتم رپ‌های ایرانی رو. روز و شب دنبالشون می‌کردم، اما می‌گم، وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، انگار دیگه برام جذابیت نداشتن و یهو به خودم اومدم، دیدم خیلی وقته نه آهنگاشون رو گوش می‌دم و نه پیگیر خبراشون هستم. خب وقتی دیگه دنبال کننده‌ی چیزی نباشی، طبیعتاً علاقه هم از بین می‌ره دیگه.

- چی باعث شد که دیگه رپ فارسی برات جذاب نباشه؟ منظورم اینه که توی بی‌تی‌اس چی دیدی

که توی موسیقی ایرانی و رپ ایرانی ندیدی؟

همه چیزشون واقعاً جذاب‌تره. صداشون، آهنگاشون، کنسرتاشون، فندومشون، قیافه‌شون، ولی من مقایسه نکردم هیچ وقت رپ فارسی رو با بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ. اصلاً قابل مقایسه نیستن. واقعاً نیستن. خودم می‌دونم که پرپای ایرانی حتی تو کشور خودشون مجوز ندارن یا حمایت نمی‌شن. می‌گم اصلاً! برای من بحث این نبود که آره بی‌تی‌اس خیلی معروف‌تر و محبوب‌تر و موفق‌تره، پس دیگه رپ فارسی رو بذار کنار. ببین من حتی خودمم متوجه نشدم که دیگه به رپ فارسی علاقه‌ای ندارم. یهو به خودم اومدم دیدم دو ساله که آرمی شدم و دو ساله که باهاشون زندگی کردم و پسرا همه زندگی من شدن.

- توی این دو سال وقتی بوده که حس کنی علاقه‌ات بهشون کم‌تر شده یا چیزی باعث شده که

حس کنی دیگه به شدت اوایل طرفدارشون نیستی و مثل رپ فارسی کنار بگذاریشون؟

نه اصلاً. من شبم روز نمی‌شه اگر که از پسرا بی‌خبر باشم. اونا الآن جزئی از زندگی من هستند و صرفاً خواننده‌های مورد علاقه‌ام نیستن. می‌میرم بدون اونا».

شیدای ۲۰ ساله که معلم رقص بی‌تی‌اس است و قریب ۲۰۰ هنرآموز زیر دست او آموزش می‌بینند، با اذعان به این که بسیاری از کارآموزان وی کشته‌مرده بی‌تی‌اس هستند، یادآور می‌شود، جذابیت پسران گروه چنان زیاد است که حتی دختران طرفدار اقلیت جنسی (که مثلاً هم‌جنس‌گرایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند)، با انصراف از انتخاب‌شان، در آرزوی ازدواج با آیدول مورد علاقه‌شان، روابط با جنس مخالف را در دستور کار خود قرار داده‌اند. ثنای ۱۶ ساله نیز با بیان این که چنان اعضای گروه بی‌تی‌اس در قلب وی حک شده‌اند که وی به خودش اجازه نمی‌دهد به نکات منفی که در مورد آنان مطرح می‌شود، بیندیشد!

«- خودشون چی، گرایش جنسی خودشون چیه؟»

خیلیاشون همجنس‌گرا هستن. خیلیاشون هم هستن که مثلاً جنس مخالفشون رو دوست دارن.

- و این گرایش‌های جنسی به نظر تو ارتباطی با طرفداری از بی‌تی‌اس نداشته؟
نه. من ندیدم کسی به خاطر طرفداری از بی‌تی‌اس مثلاً همجنس‌گرا بشه. اتفاقاً برعکسش رو زیاد دیدم که مثلاً دخترا ال‌جی‌بی‌تی بودن، ولی تحت تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس که خب پسران، از این مسایل گذشتن، یعنی تایپشون کامل عوض شده».

«- خوب تو علاقه زیادی به بی‌تی‌اس و به ویژه جیمین داری. سوالم این هست که علاقه زیادی که به بی‌تی‌اس و جیمین داری، باعث شده که از بی‌تی‌اس و جیمین انتقاد نکنی، با وجود این که می‌دانی باید حتماً انتقاد بشه؟»

خیلی کار سختی می‌خواین به خدا. دقیقاً می‌خواین که به چیزی فکر کنم که تا حالا از فکر کردن به اون فرار کردم.

- قصد ندارم خدایی ناکرده شما را اذیت کنم. در صورت تمایل به سوال پاسخ بدهید.
عیبی نداره، یکیش اینه که حرف نمی‌زنن و اعتراض نمی‌کنن. خودم واقعاً بدم میاد از این که کسی بخواد بیاد عکس من رو با فتوشاپ و برنامه‌های ویرایش عکس دیگه، مصنوعی کنه، زشت کنه یا هر چیز دیگه‌ای. کسی با عکس من همچین کاری کنه، واقعاً ناراحت می‌شم. می‌گم خدایا ببین حتماً قشنگ و جذاب نیستم که هوادارام عکس‌های من رو برمی‌دارن و ویرایش می‌کنن. بازم این که اجازه نمی‌دن که زیبایی ذاتی آیدول‌ها رو ببینیم بده. همیشه به دستی بردن توی صورت و موهای آیدول‌ها. بیش‌تر از این نمی‌خوام فکر کنم. تا همین جا هم زیاده روی کردم».

۱ - پیش‌تر در بررسی اثرات روان‌شناختی گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، از برخی از انحراف‌های شناختی که در هواداران گروه پدید می‌آید، یاد شده است.

در انتهای بحث اثرپذیری از الگوها، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. نکته نخست وقوع پدیده اشباع است. به این معنا که اصل اشباع در روان‌شناسی حکایت از آن دارد که ارایه زیاده از حد محرک، اشباع شدن مخاطب از محرک مزبور را رقم می‌زند. با توجه به آن که گروه بی‌تی‌اس و دیگر گروه‌های کی‌پاپ و پاپ با تکیه بر ظواهر صوری و تحریک‌های رفتاری عاطفی در پی اثرگذاری بر مخاطبان خود هستند، وقوع پدیده اشباع در آن‌ها قابل پیش‌بینی است. گلاره ۱۴ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود با اشاره به مسأله اشباع شدن خویش از گروه‌های اولیه‌ای که بدان‌ها علاقه داشتند، از پیوستن خود به گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند: «چرا چنین تصور و فکری داشتی که هیچ‌وقت قرار نیست خودت هم مثل دختر دایی‌ات طرفدار کره‌ای‌ها بشی؟»



می‌دونی من توی سن یازده سالگی فقط یه کلمه خارج می‌شناختم که شامل آمریکا و کشورهای شیک و با کلاس بود (می‌خندد) و خب فکر می‌کردم کره‌ای‌ها و چینی‌ها و ژاپنی‌ها یه مشت آدم زشت هستن و اون‌ها رو مثل افغانی‌ها در نظر می‌گرفتم. کلاً توی اون سن بچه بودم و سلیقه‌ام بعداً عوض شد و بعد این کشورها رو شناختم.

- در ادامه چه چیزی باعث شد که شما به‌جای این که دنبال گروه بلک‌پینک بری، ترجیح دادی طرفدار گروه بی‌تی‌اس بشی؟

من اون اوایل نزدیک ۳، ۴ هفته فقط با بلک‌پینک آشنا بودم و حتی بایسم^۱ رو هم انتخاب کرده بودم. یک روز دوستم یکی از موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس منتشر شده بود را برای من فرستاد.

۱- بایس (bias) به فرد مورد علاقه یک طرفدار در یک گروه گفته می‌شود. اگر فردی بگوید که بایس من فلان شخص از اعضای گروه است، یعنی از بین اعضای گروه، آن فرد را بیش‌تر از سایرین دوست دارد.

اون ویدیو، اموی^۱ (موزیک ویدیو) بوی ویت لاور^۲ بود که با هالزی^۳ خواننده بودن. بعد دوستم که موزیک ویدیو رو برام فرستاده بود، بهم گفت که من از بی‌تی‌اس بدم میاد. منم اون زمان برای این که می‌خواستم ثابت کنم آدم پایه و باحالی هستم، گفتم که «آره، اصلاً اینا کی هستن»، «چه قدر زشتن» و از این جور حرف‌ها. بعد از یک مدت به خاطر این که از بلک‌پینک خسته شده بودم، رفتم سراغ همون موزیک ویدیوی بوی ویت لاور و چند بار نگاهش کردم و بعد سراغ بقیه اموی‌های بی‌تی‌اس رفتم.

من علاوه بر این توی گوگل هر چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس می‌بود رو سرچ و نگاه می‌کردم تا این که فن‌شون شدم یعنی فهمیدم آرمی^۴ معنی‌اش چیه و به فن‌هاشون می‌گن آرمی و اسم اعضاء رو فهمیدم و تونستم چهره‌هاشون رو از هم تشخیص بدم و بایس برای خودم انتخاب کنم. بعد از اون کلاً دیگه بلک‌پینک رو گذاشتم کنار.

«چی اون اجراها تو رو جذب کرد، صداشون، رقص‌شون، جلوه‌های بصری یا موارد دیگه؟ (با خنده) خب جلوه‌های بصری چون خب یک ویژوال^۵ (چهره‌ی گروه) داشتن. به اسم... البته فکر نمی‌کنم ویژوال بود. منتها به نظرم خیلی خوشگل بود. به خاطر اون رفتم دنبال کردم. بعد رفتم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم، خوشم اومد. تنوع جالبی بود و دیگه از اون موقع تاحالا درگیرم (می‌خندد). - پس اولین فن‌دومی که واردش شدی اکسو- ال^۶ (نام طرفدارهای گروه اکسو) بود؟ بله.

- خوب گروه‌های دیگه‌ای هم هست که فن‌شون باشی؟

بله، بله، الان دیگه اکسو- ال نیستم و فن یه گروه دیگه‌ام.

- چرا دیگه طرفدار اکسو نیستی؟

به خاطر این که به نظر من، بعد یه مدت گروه‌ها، سیر پیشرفت‌شون، نزولی می‌شه. یعنی هفت سال اینا یا اون قرارداد دوره‌ی اول‌شون رو که رد می‌کنن، حالا یا از کمپانی جدا می‌شن، یا دیگه موزیک

1MV (Music Video)

2 Boy with Luv (2019)

۳- هالزی (Halsey) خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را بست و پس از آن در همان سال اولین آلبوم چندآهنگه خود را منتشر کرد. هالزی برای صدای خوانندگی متمایزش برجسته شده است.

۴- آرمی (Army) در معنای اولیه به معنای ارتش یا گروه سربازان هست، ولی امروزه در فرهنگ عامه و در فضای مجازی، کلمه آرمی به عنوان اسم جمعیت هواداران گروه موسیقی بی‌تی‌اس تلقی می‌شود که به معنای لشکر بی‌تی‌اس نیز هست.

5 Visual

6 Exo- L

خوبی نمی‌دن یا پخش و پلا می‌شن، هر کدوم سولو^۱ (فعالیت انفرادی) دبیو (شروع رسمی یک فعالیت)^۲ می‌کنن و اینا و من هیجانی نداشتم.

- خوب یعنی تو صرفاً اون شخص یا گروه رو دوست نداستی.

اوهوم. اهوم. چرا. من خیلی آدم منطقی‌ای هستم. خیلی راحت هر موقع حال نکنم، یه گروه رو ول می‌کنم.

- یعنی کارشون رو دنبال می‌کنی، خودشون رو نه.

بله. دیگه آهنگاشون جذابیتی نداشت برام دیگه».

نکته بعدی که در ارتباط با الگوها باید متذکر آن شد، ضرورت تبیین تحولی رفتارهای نوجوانان طرفدار است. به این معنا که اگر چه در آغاز بلوغ، تحولات مغز بالایی نوجوان و واکنش‌های بعضاً شدید وی که اولیاء و اطرافیان را به مقابله نسبی با جوان وامی‌دارند و نوجوان در میان قضاوت‌های گوناگون و تهدیدهایی که متوجه وی می‌شود، به نوعی احساس سردرگمی می‌کند، اما در گذر زمان با تکمیل مغز بالایی جوان از سوپی و ورود فرد به جامعه و مواجه شدن با دغدغه‌های جدید، جوان ممکن است به سادگی دست از گروه مورد علاقه خود که راهنما و هادی وی در دوره سردرگمی بودند، بکشد و به گروه‌ها و یا مباحث دیگری رو آورد که احساس نیاز به آن‌ها را در خودش به تازگی کشف کرده است. کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش از تغییر دغدغه‌های نوجوانی خویش در دوران جوانی و ادامه زندگی، به قرار زیر یاد کرده است:

«- الان با توجه به این که دیگه به اون معنای قبل طرفدار گروه بی‌تی‌اس نیستی، چه چیزی رو جایگزین داری؟ یعنی به هر حال می‌گی اون موقع نقش خیلی مهمی رو داشتن. حتی یه جورایی انگار نگهت داشتن. الان چیه که نگهت می‌داره و چیه که جایگزین اون گروه و محتواهاش شده؟
حقیقتاً جای خالیش رو حس می‌کنم. یعنی با یه سری چیزا تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم... یعنی نه جای خالی بی‌تی‌اس رو. جای خالی همون چیزی که قبل از این که بی‌تی‌اس بیاد، خالی بود. یعنی بی‌تی‌اس اومد پرش کرد و بعد که دیگه بی‌تی‌اس نمی‌تونست پرش کنه و یه جورایی برام اون قالب کوچیک شده بود، الان با یه سری چیزای دیگه تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم. می‌تونه مثلاً... ارتباطاتی که توی دنیا ایجاد می‌کنم باشه، می‌تونه فلسفه باشه. چون همون اولشم چیزی که توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس من رو جذب کرد، محتواهای فلسفی‌اش بود. یکی از اصلی‌ترین چیزاش بود که مثلاً کارشون واقعاً ارزش نگاه کردن رو داشت و چیپ^۳ (بی‌ارزش) نبود، مثل اکثر آهنگایی که شنیده بودم یا موزیک ویدیوهایی که دیده بودم. یه جورایی انگار با چنگ و دندون خودم

1 Solo

2 Debut

3 Cheap

رو نگه داشتیم تو زندگی. توی لحظه. با لحظات خوب. با حس‌های خوبی که سعی می‌کنم تجربه کنم. و حقیقتاً جای خالی این که یه چیزی رو، یا یه کسی رو انقدر دوست داشته باشم که صرف وجود داشتن اون چیز، یا صرف وجود داشتن اون شخص برای اون که من دوست داشته باشم برام کافی باشه، جای اون واقعاً حس می‌شه، جای خالی‌اش و تا یه حدی با یه چیزایی که الان مقتضای سن الانمه. چون الان من اگه بخوام هم نمی‌تونم پیام یه آرتیست رو برای خودم در این حد مهم بکنم. می‌دونی، این مقتضای سن اون موقع من بود یا شخصیت اون موقع من. ممکنه یه نفر تو سن الان من همون شخصیت رو داشته باشه. ولی برای من توی اون بازه زمانی بود. مثلاً الان اگه بخوام هم نمی‌تونم به یه آرتیست یا یه هنرمند اون قدر اهمیت بدم که بشه دلیل زندگیم. ولی خب اون جای خالی رو پر کرد، اون زمان بی‌تی‌اس و الان تا یه حدی پر شده و نه به اندازه زمانی که بی‌تی‌اس جاش رو پر کرده بود حقیقتاً.

- اوهوم.

ولی خب با این که می‌دونم این چیزهایی که الان دوس شون دارم به اون اندازه جاش رو پر نمی‌کنه، ولی دیگه نمی‌تونم خودم رو قانع بکنم که یه آرتیست رو اون قدر دوست داشته باشم».

۳-۱۲- تحول‌های هویتی

تحول‌های هویتی، مقوله اجتماعی مهمی است که از سوی جمعیت مورد بررسی در هواداران گروه بی‌تی‌اس گزارش شده است. شکل‌گیری هویت ربات مانند (رباتیک)، هویت گروهی، هویت شبکه‌ای، هویت‌یابی افراد بدون هویت، هویت‌های سمی و سرانجام هویت گروهی سمی، از جمله مواردی هستند که در بیانات جمعیت تحقیق مورد اشاره قرار گرفته اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

- هویت ربات مانند (رباتیک)

هویت ربات مانند، رباتی یا برده‌وار، به هویت تابع، مطیع و سر به راهی اشاره دارد که در آن فرد یا افراد مورد نظر به شکلی یک‌طرفه و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، پذیرای مواردی هستند که به آنان تحکم می‌شود و به اجرای تام و تمام و دقیق موارد القاء شده به خودشان می‌پردازند. در این هویت، فرد پذیرای ارتباطی یک‌طرفه، از بالا به پایین و بدون داشتن کم‌ترین حق اعتراضی برای خویش بوده، در مواجهه با تعارض‌های شناختی نیز تعارض‌های پیش آمده را با توسل و تمسک به مواردی مانند قرار و مدارهای اولیه، رفع و رجوع می‌کند، حال آن که نمی‌توان به سادگی مسوولیت انسانی آدمی را به صرف یک قرار و مدار و قول پیشین، به سادگی فراموش کرد و به دست نیسان سپرد. به عنوان مثال، کمپانی از آیدول‌های خود می‌خواهد که آنان دقیقاً و بدون هیچ اعتراضی، طبق امر و نهی وی عمل کنند، به این معنا که در راستای خواست اخیر، گاهی کمپانی برای جذب مخاطبان عادی، از آیدول‌ها می‌خواهد تا

خود را متمایل به جنس مخالف نشان داده و گاهی برای جذب مخاطبان هم جنس‌گرا و مانند آن‌ها، از آنان می‌خواهد که روی سن، در برابر مخاطبان، یکدیگر را در آغوش گرفته و لب‌های یکدیگر را ببوسند که بالطبع نادیده گرفتن کلی‌گرایش خویش در این موارد، هم برای فرد و هم برای جامعه‌اش پرهزینه خواهد بود.

نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه خود با اشاره بر ایفای نقش توسط آیدول‌ها در برخی از مواقع، از مورد اخیر به قرار زیر یاد کرده است:

«- خوب بی‌تی‌اس الان محبوب‌ترین بندیه که تو بین بندها استن می‌کنی، بایس^۱ خاصی هم بین‌شون داری؟

نامجون^۲ آیدرشونه (رهبر).



- خوب حالا با توجه به حرفای خودت که گفتی آیدول‌ها توی کی‌پاپ کنترل می‌شن، چه طور می‌تونی اعتماد کنی و دوست داشته باشی، اگه حرفی می‌زنن، یا کاری می‌کنن. باورشون کنی؟
یه چیزی که هست من به هیچ‌کدوم از کسانی که دوس‌شون دارم، حتی با این که دوس‌شون دارم و براشون ارزش‌قایلیم که شاید مثلاً خیلی تأثیر داشته باشن توی زندگی‌م، اعتماد کامل ندارم. یعنی همیشه می‌گم اگه مثلاً یکی پس فردا بیاد بگه نامجون فلان کار رو کرده، من نمی‌گم نه چون فرشته هست، این کار رو نکرده، وایمیستم تا مثلاً بیاد با مدرک به من ثابت کنه یا بعد با مدرک بیاد ردش کنه، چون اصلاً نمی‌تونم به یکی اعتماد کامل داشته باشم. منم ندارم، ولی مثلاً حالا چون گفتی بی‌تی‌اس من بخوام فقط در مورد بی‌تی‌اس حرف بزنم، هر چه قدر گروه‌ها معروف‌تر می‌شن و خب جا افتاده‌تر می‌شن، دیگه به اون مردم کره نیاز نداشته باشن، مخصوصاً گروه‌هایی که توی اینترنشنال و بین‌المللی خیلی معروف بشن، رفتاراشون واقعی‌تر می‌شن. یعنی دیگه نیاز ندارن که خب بیست و چهار

۱ - شخصی که بیش‌تر از سایر اعضای گروه مورد علاقه هواداران است بایس Bias نامیده می‌شود.

۲ - نامجون لیدر و ریپر اصلی گروه بی‌تی‌اس است. او همچنین بسیاری از آهنگ‌های گروه را آهنگ‌سازی کرده است.

ساعته مورد تأیید قرار بگیرن بعد... یه کم بیش تر خودشون می شن در واقع بی تی اس رو دقیقاً من دیدم چون از آخر سال ۲۰۱۶ کنارشون بودم دیدم که از وقتی که خیلی معروف شدن رفتارشون تغییر کرد.

- دقیقاً چه تغییری؟

مثلاً نمی دونم... .

- الان دقیقاً کدوم تغییر رو یادت میاد، همون رو بگو.

چه قدر می تونم اوپن (باز) باشم؟ (می خندد).

- راحت باش. اصلاً ایرادی نداره. راحت باش.

او کی. امممم کی پاپ یکی از دلایل معروفیتش رفتارای صمیمی اعضاش باهمه. مثلاً اعضای گروهها باهم ان. چون مثلاً کلاً الان مثلاً توی همه صنعتا مثلاً توی فیلم سازی، نمی دونم ایفلوئنسرا مثلاً هر کسی و خوانندهها با گرایش مثلاً بایسکشوال^۱ (گرایش دوجنس گرایی) خیلی می تونن مخاطب جمع کنن دیگه. تو کی پاپ هم دقیقاً این اتفاق افتاده اصلاً از خیلی وقت پیش بود. به خاطر همین اکثراً نقش بازی می کنن، مثلاً صمیمیتای الکی نشون می دن».

رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه خویش خاطرنشان می سازد، اگر چه کمپانی خطاب به طرفداران و آرمیها اظهار داشته است که از شیپ کردن آیدولها دست بردارند، اما به اقدام خاص دیگری جهت ممانعت از این مسأله متوسل نشده است و آیدولها نیز در این ارتباط سکوت را پیشه خویش کرده اند، حال آن که مرتبط کردن اعضای گروه به صورت روابط هم جنس گرایانه و یا تهیه فن فیک (داستان سرایی)های صوتی که در آن بیانات تقطیع شده یک آیدول با بیانات تقطیع شده یک پورن استار به صورت یک مکالمه دو طرفه تهیه و تدوین و منتشر شده است، در عمل شأن انسانی هنرمند مورد نظر را زیر سوال می برد.

«- اوهوم. خب راجع به شیپ کردن هم برام می گی؟

شیپ کردن افراد هر کسی از اعضا را حداقل با یک نفر شیپ کردن، مثلاً یعنی محبوبترین شیپ بین اعضای بی تی اس وی کوکه.

- چه جور شیپ کردنی هست؟

یه جوری ثابت می کنن که انگار باهم هستن، مثلاً رل همدیگه ان، تو رابطه هستن.

- کی اینها رو شیپ می کنه با همدیگه؟

آرمیها.

- و خود آیدولها نظرشون چیه از این که شیپ می شن؟

والا آیدولها می دونین... خب آیدولها نظر خاصی ندارن به این واکنشی نشون نمی دن.

ولی کمپانی‌شون قبلاً به آرمی‌هاشون گفته که آره شیپ نکنید و همچین چیزا. ولی آرمی‌ها یه مدت ساکت شدند، ولی الان دوباره آرمی‌ها شروع کردند و آیدول‌ها اصلاً ناراحت یا مخالف این کار هم نیستن، واکنش خاصی هم ندارن».

سحر، ۱۵ ساله، نگین ۱۳ ساله و گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در توصیف هویت برده‌واری که آیدول‌ها در ارتباط با کمپانی از خویش به معرض دید می‌نهند، اظهاراتی به قرار زیر داشته اند:

«- با وجود این که شعار بی‌تی‌اس خودت را دوست داشته باش هست، به نظرت چه طور قبول کردند که مثل برده در خدمت کمپانی باشند و تمام اعمال و رفتار آن‌ها مثل ارتباط با جنس مخالف، غذایی که می‌خورند، عمل‌های زیبایی که انجام می‌دن و مانند آن‌ها، تحت کنترل کامل کمپانی باشه؟
خب این یه چیز فراگیره توی کی‌پاپ. یعنی همه کمپانی‌ها این فشارها رو به آیدول‌هاشون میارن و برای این که توی کره معروف بشی، مجبوری بعضی چیزها رو بپذیری، مخصوصاً در مورد ظاهره. اعضاء ممکنه خودشون با چهره و هیكل شون مشکلی نداشته باشند، اما برای حرفه‌ای که دوستش دارند، مجبورند یه سری تغییرات توی خودشون به وجود بیارن، اگه نیازه عمل کنند یا مراقب تغذیه خودشون باشن. البته فکر کنم فقط هم کره نیست، توی کشورهای دیگه هم وقتی می‌خوای معروف بشی، باید به ظاهره برسی. در رابطه با جنس مخالف هم به نظرم کمپانی می‌خواد اعصاب اعضاء آروم باشه و درگیر چالش‌های یک رابطه نشن، چون ممکنه این موضوع تمرکزشون رو بهم بزنه. به نظرم این چیزها رو کمپانی باید به شکل راهنمایی و مشاوره به اعضاء می‌گفت، نه این که اجبار کنه، ولی کلاً هم وقتی انتخاب می‌کنی که وارد این جور حرفه‌ها بشی، مجبور می‌شی کارهایی رو انجام بدی که دلت نمی‌خواد و به نظرم این ربطی به دوست داشتن خودت نداره، ربط به این داره که چه قدر هدف‌برات مهمه و حاضری به خاطرش سختی‌ها رو تحمل کنی».

«- مسأله جراحی بین خود آیدول‌ها به چه صورت هست؟

کمپانی‌ها معمولاً باید اجازه بدن آیدول‌هاشون جراحی کنن.

- من برعکس این را فکر می‌کردم؟

در یک‌سری شرایط خاص اگر خود آیدول موافق نباشه با صورتش می‌ره پیشنهاد را به کمپانی می‌دهد و می‌گه کمپانی من می‌خوام دماغ خودم را عمل کنم نظرتون چیه؟ اگر مشکلی نباشه کمپانی اجازه بده، می‌ده، اون هم انجام می‌ده، اگر اجازه نده که هیچی. یک‌سری عمل‌ها هستن که به خاطر خود آیدول انجام می‌شه به خاطر این که زنده بمونن. از اول که می‌رن تو کمپانی دیگه همه چیزشون زیر نظر کمپانی می‌ره، مجبور ان به حرفای کمپانی عمل کنن و با توافق اون‌ه کاراشون.

- چه عمل‌هایی؟

مثلاً خود نامچین یک مشکل تنفسی داشت برای همین مجبور شد دماغش را عمل کنه، اگر به خاطر مشکل تنفسی اش نبود، کمپانی اجازه عمل را بهش نمی‌داد اصلاً.
- یعنی اگر تصمیم بگیرند با بدن شون کاری انجام بدهند باید از کمپانی اجازه بگیرن؟
بله».

«- آیدول‌ها چه طور رژیم غذایی‌ای برای این که همیشه خوش اندام باشن، دارند؟
اونا که اصلاً داستان شون با ما فرق داره، زندگی شون روی نظم و مقرراته، همه‌چی شون کنترل می‌شه، هر غذایی رو نمی‌خورن مثل ما. برنامه‌های غذایی شون زیر نظر بهترین دکترها هست. حتی برنامه‌های ورزشی و مراقبت از پوست و مو دارن.»



- به نظرت این خوبه؟ یعنی دوست داری تو هم این طوری کنترل بشی؟
خب قطعاً. همین‌ها باعث شده که همیشه رو فرم باشن. همه حتی بی‌تی‌اس هم نیاز داره به این که بهشون کمک شه.

- یعنی به نظر تو اصلاً اذیت کننده نیست؟
خب همه‌ی کارای خفن نیاز دارن که براشون اذیت بشی، اما خب لازم ان قطعاً و چه قدر خوب که کسی باشه که کنترلت بکنه و حواسش بهت باشه.

- خب چیزی مثل کار پدر و مادر نیست؟ خودت گفتی که حرف شون برام مهم نیست.
اونا فرق دارن. اونا مثل کسایی نیستن که به بی‌تی‌اس کمک می‌کنن. قطعاً اونا خیلی بهتر می‌فهمن که برای موفقیت باید چه کار بکنن. قطعاً مثل مامان بابای من از نسل قبل نیستن که. هر چیزی که بگن لازمه».

نسترن ۱۹ ساله در قسمتی از مصاحبه خود یادآور شده است که برخورد برده‌واری که در کی‌پاپ مشاهده می‌شود، به شکل رقیق‌تری در هالیوود و دیگر مناطق غرب نیز قابل مشاهده است. وی در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«کلاً جامعه‌ی آمریکا رو نمی‌تونم با جامعه کره مقایسه کنی، حالا هر چه قدرم جامعه مزخرفی (باخنده) داشته باشه آمریکا، ولی نسبتاً بازتره دیگه. خیلی بازتره.

- نسبت به ظاهر گیر نمی‌دن، مثل کره‌ای‌ها؟

چرا بابا. مخصوصاً تو مدلینگ. ولی خب مدل مشخصه دیگه باید لاغر باشه. رژیم سخت بگیره متأسفانه. ولی در مورد آیدول‌هاشون کم‌تر. هستا. مثلاً فکر می‌کنم آریانا یا لیدی گاگا بود. که اومد گفت ما رو مجبور می‌کردن رژیم بگیریم. لباس آن چنانی بپوشیم.



ولی می‌دونم چیه دیگه. کمه. تعدادشون کمه».

«توی وان دایرکشن هم یه چیزایی دیده می‌شد، ولی هیچ وقت تأیید نشد خب. ولی مثلاً یه سری بازیگرایی خیلی معروف اومدن گفتن که کمپانی ما، منی که مثلاً گی بودم رو مجبور می‌کرد با یه آدمی مثلاً با یه دختر. حالا یه دختر بازیگری، برم سر قرار، مثلاً برم تو پابلیک دیده بشم. گفتم مثل قضیه هری و تیلور. البته این رو هری نگفته. آره. بعد می‌گفت برای این که خبر قرار ما پخش بشه، حالا اون بازیگر مثلاً آگه نمی‌دونم یه بازی انتخاب می‌کرده که مثلاً برای فروش فیلم یا فروش سریال‌شون اثر مثبت داشته باشه دیگه، از معروفیت هم دیگه انگار استفاده می‌کردن. می‌اومد می‌گفت کمپانی من رو مجبور می‌کرد با فلانی باید بری سر قرار با این که من گی بودم و مثلاً هیچ گرایشی به دخترا نداشتم، ولی مثلاً مجبور کردن دیگه. توی هالیوود هم هست، ولی مقدارش خیلی کم‌تر از کی‌پاپه».

هویت رباتیک و برده‌وار مورد اشاره، هواداران را بر آن می‌دارد که هر نوع تعارض رفتاری قابل مشاهده در رفتار آیدول‌ها را به کمپانی نسبت داده، آنان را در اعلی‌ترین تصور کنند، حال آن که نمی‌توان پذیرفت، به صرف امضای یک قرارداد در سنین نوجوانی آیدول‌ها، آنان حتی رعایت شأن انسانی خویش را نیز نکنند و به نمایش مواردی بپردازند که کمپانی بدون هر نوع ملاحظات اخلاقی و صرفاً جهت افزایش سود خویش، بدان‌ها دیکته کرده است.

۱- آریانا گراند خواننده، ترانه‌نویس و بازیگر آمریکایی متولد ۱۹۹۳ است.

۲- لیدی گاگا خواننده، ترانه‌نویس و بازیگر آمریکایی است. او برای بازآفرینی در تصویر عمومی خود و تنوع‌پذیری در خلق موسیقی معروف است. استایل‌های جشنواره‌های او اغلب جنجال برانگیز بوده است.

- هویت گروهی

اگر هویت فردی به این صورت تعریف شود که این هویت، در عمل پاسخ به پرسش «من چه کسی هستم»، است، هویت جمعی یا گروهی، پاسخ به این پرسش است که «ما چه کسی هستیم».

برخی از افراد مصاحبه شده در بیانات خویش خاطرنشان ساخته اند که آنان خود و دیگر طرفداران گروهی بی‌تی‌اس را یک مجموعه واحد تلقی می‌کنند، زیرا نه تنها از احساسات و عواطف یک‌سانی برخوردارند، بلکه در حمایت از گروه مورد علاقه خودشان، دست به فعالیت‌های تشکیلاتی منسجم و گسترده‌ای می‌زنند که هویت گروهی و سازمانی خاصی را برای آنان رقم می‌زند.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از فعالیت‌های متعدد خود و دوستانش در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- آیا این جزو تبلیغات کمپانیه یا یه انتخاب فردی یا فرهنگیه که جا افتاده؟»

فکر می‌کنم کاریه که کمپانی می‌کنه برای این که طرفدارا رو اینترستد (علاقه‌مند) نگه داره. چون مثلاً فاصله این آلبوم تا آلبوم بعدی برای این که اون طرفدار فراموش نکنه که این طرف رو دوست داره باید یه سری کانتنت^۲ (محتوا) بهش بدی. این کانتنت‌ها رو این وسط جا می‌دن که اون طرفدار حوصله‌اش سر نره. اعضاء هم دیگه به عنوان بخشی از کارشون پذیرفتن این رو و دیگه سعی می‌کنن لذت ببرن ازش یا حداقل چیزی که من حس می‌کردم، این نبود که این اجباریه براشون. مثلاً هفت‌تایی که می‌رفتن شهربازی ازش فیلم می‌گرفتن و انگار که یه سریالی بود که من مدام داشتم می‌دیدم و این هیچ وقت تموم نمی‌شد. مثلاً بعد خب این برنامه‌ها تموم می‌شد، کنسرت می‌داشتن. چند روز کنسرت بود و کنسرت‌ها رو هم معمولاً زنده می‌دیدیم. لینکش می‌اومد. یکی از آرمیا که خریده بود، لینک کنسرت رو شیر می‌کرد برای بقیه همه می‌دیدن. کنسرت رو زنده می‌دیدیم... خب خیلی حال می‌ده که تو فضای کنسرت رو زنده بخوای تجربه بکنی. بعد از اون جشنواره‌های آخر سال کی پاپ بود که همه‌ی گروه‌ها میان اجرا می‌کنن، بعد به یه سری‌ها جایزه می‌دن. مثلاً آرتیست سال، آهنگ سال، آلبوم سال که نشون می‌ده کدوم آرتیستا موفق‌ترین آرتیست سال بودن و... بعد رأی‌گیری‌های اون‌ها هست، خب طرفدارا رأی می‌دن به آرتیست مورد علاقه‌شون و برنده که می‌شد، احساس افتخار می‌کنی، چون احساس می‌کنی، خودت این موفقیت رو برای اون آرتیست به دست آوردی. یه جورایی حس می‌کنی، داری پی‌یک (بازپرداخت) می‌کنی بهشون اون حس خوبی که بهت داده رو. یه حالت انگار واقعاً یه

1. Interested

2. Content

دوستی دورا دوره که یه حالت گیو اند تیک (داد و ستد) داره. یعنی اون به تو گیو می‌کنه تو یه چیزی رو این ریترن^۲ (در مقابل) می‌دی.

- حالا تو آرمی‌های دیگه چه کارهایی برای بند مورد علاقه‌تون می‌کنید؟

اصلی‌ترینش گوش دادن به آهنگا و نگاه کردن به موزیک ویدیوهاست. توی پلتفرم‌ها که بازدیدش ثبت بشه. بعد رأی‌گیری‌ها هست. مثلاً اگه خبرش پخش بشه که مثلاً فلان رأی‌گیری باشه، می‌ری رأی می‌دی. رأی‌ها ثبت بشه، بعد نشون می‌دی که این آرتیست مثلاً چه قدر محبوبه. بعد جایزه برنده می‌شه طرف، خب جایزه می‌گیره خوشحال می‌شه، بعد تو حس می‌کنی خب تو یه کاری کردی برای اون طرف.

- بعد مثلاً این که می‌گی ویو بخوره برای اون ویدیو، مگه بیش‌تر از یه ویو می‌تونن بزنی؟
آره... راه داره. می‌تونن مثلاً چندتا اکانت داشته باشن.

- اوهوم.

با هر اکانتت بازدید بزنی. می‌تونن... یه چند ساعت وایسی بعد کلیر هیستوری^۳ (پاک کردن حافظه‌ی سیستم) بکنی، بعد دوباره بری بازدید بزنی. از این کارا زیاد می‌کردیم (خنده).

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از مواردی مانند: تقسیم کار بین‌المللی برای رأی دادن و استریم زدن هواداران، شرکت در رأی‌گیری‌های سایت‌ها و مجلات مختلف، تهیه طومار، ترجمه، ادیت و بارگذاری محتواهای جدید گروه بی‌تی‌اس و مانند آن‌ها، در گروه‌هایی که فقط ۳۰ مترجم داشته و ۲۴ ساعته برای حمایت از گروه مورد علاقه خودشان کار می‌کنند، یاد کرده است:

«- یه توضیحی راجع به کام‌بک می‌دید؟»

آره، کام‌بک یعنی مثلاً وقتی یه گروه یا یه خواننده بعد از یک مدتی یه آهنگ می‌دن، این می‌شه کام‌بک زدن. حالا اون مدته می‌تونه دو ماه باشه‌ها، ولی خب بالاخره بازگشت‌شونه و اینم هست که سیستم کی‌پاپ با باقی گروه‌ها فرق داره. طرفدارای باقی گروه‌ها این طوری اند که خب این گروهی که من طرفدارشم یه آهنگ داد. خب بعد می‌ری گوش می‌دی و تمام. ولی ما این طوری هستیم که می‌گیریم، مثلاً فلان ساعت قراره این آهنگ بیاد. ۱۲ ساعت اول ما می‌خوایم به این تعداد بازدید برسیم، ۱۲ ساعت دوم می‌خوایم به فلان مقدار برسیم و همین طوری. مثلاً این قدر بازدید برای کشورای بیداره، این قدر بازدید برای کشورای خوابه، مثلاً همه‌ی اینا مشخص می‌شه. مثلاً می‌گه این کشورا هست که باید در این ساعت بازدیدهاشون رو انجام بدن و یک‌سری کشورای دیگه هم هست که توی فلان ساعت باید بازدیدهاشون رو انجام بدن. مثلاً وقتی سینگل اومد، تونستیم تو ۷۰ تا کشور توی آیتونز اول

1 Give and take

2 In return

3 Clear history

باشیم، پس توی این کامبک توی ۸۰ تا آیتونز قراره اول باشیم، نه این که الزاماً قراره به اون برسه‌ها، مثلاً یه هدفی رو مشخص می‌کنه که وقتی افراد دارن بازدید می‌زنن، دارن آهنگ رو گوش می‌دن، دارن پلی‌لیست گوش می‌دن یا دارن هر کاری می‌کنن یه هدفی برای اون افراد مشخص باشه که خب مثلاً به اون برسن، مثلاً خیلی وقتا می‌شه که از اون هدفه رد می‌شن یا خب به اون هدفه نمی‌رسن.

- این هماهنگی کجا انجام می‌شه؟

این هماهنگی رو هر فن‌دومی داره. یعنی در واقع شما طرفدار هر کسی باشی، بالاخره به مرور یه سری پیجا یه سری فن‌بیس (پایه طرفدارها) بزرگ‌تر می‌شن، یعنی بیش‌تر و بزرگ‌تر از بقیه‌ی دیگه می‌شن و توی این فن‌بیس‌ها، هماهنگی و تعیین این هدف و اینا که گفتیم، اتفاق می‌افته... .

- این حالت که گفتی کجاها نمود بیرونی داره؟

مثلاً یه جایی که هست توی رأی‌گیری‌ها هست. من بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم که صنعت موسیقی چه قدر رأی‌گیری داره. خیلی رأی‌گیری هست. بیل‌بورد^۱ رأی‌گیری داره، فلان سایت رأی‌گیری داره، اون مجله رأی‌گیری داره، خیلی رأی‌گیری‌ها هست. بعد فن‌دوم‌های بی‌تی‌اس هم از دقیقه نودی‌ترین فن‌دوم‌ها هستن. مثلاً شما داری توی سر خودت می‌زنی که آقا عقب موندیم و بعد یک‌هوا کل فن‌دوم میاد و تو روز آخر کل رأی‌گیری رو جمع می‌کنه و یه فاصله بزرگی رو جبران می‌کنه. بعد آدم تأثیری که داشته رو حس می‌کنه و بالطبع بازخورد خویش رو هم می‌گیری.

- پس شما یک‌سره باید گوش به زنگ نظرسنجی‌های جدیدی که شروع می‌شن هم باشید، درسته؟ امم... الان نه. الان نه حقیقتاً چون فشار روانی جامعه هم خیلی زیاده و آدم به سختی حتی حوصله داره زندگی کنه. اما قبلاً... و این قبلاً که می‌گم یعنی حدوداً دو سال پیش، آره. حالا گوش به زنگ نمی‌شه گفت، ولی ما پیجیش رو داشتیم دیگه و خودمون رو آپدیت می‌کردیم و بعد مثلاً ری‌ماندرا^۲ (یادآور) داشتیم و فن‌دوم‌هایی هستن که ری‌ماندراهای روزانه دارن و وقتی شما توی توئیتر هستی مدام برات میاد که آره این رأی‌گیری هست، یادت نره. همین جوری داری اسکرول^۳ (تهیه طومار) می‌کنی یه لحظه می‌ری اون رأی‌گیری رو هم انجام می‌دی و می‌ای و آره خب یه رأی‌گیری هست به نام ماما که اون رو هر ۲۴ ساعت می‌تونن بری رأی‌بندی و یه بازه دو هفته‌ای هم رأی‌گیری انجام می‌شه و می‌تونن بری رأی‌بندی. اون رو مثلاً خودمون حواس‌مون بود که روزی یک‌بار بریم رأی‌بندیم. آره در این مورد، اون حالت گوش به زنگی رو داشتیم که بریم رأی‌بندیم و عقب نمونیم.

- کره‌ای بلدی؟

نه. از انگلیسی ترجمه می‌کردم. ما یه گروهی بودیم و همه ترجمه می‌کردیم و به مرور ناچار شدیم، یاد بگیریم. مجبور می‌شدیم ادیت ویدیو یاد بگیریم که بتونیم یک سری چیزهایی رو اوکی کنیم. من خیلی از این چیزها رو یاد گرفتم و همه رو هم از سر علاقه یاد گرفتم، به خاطر این که یه چیزی بود که دوست داشتم انجام بدم و ناخودآگاه با اینا پیش اومدم. به خاطر همین من در سن ۱۸ و ۱۹ سالگی یک وقت‌هایی پیش می‌اومد که در یک بازه‌هایی شبی ۴ یا ۵ ساعت داشتم روی اینا کار می‌کردم، چون این‌ها یک برنامه‌هایی دارند به نام بن وایاژ که یک‌هویی و ناگهانی منتشر می‌شه. مثلاً یک مرتبه ۸ ساعت ویدیو میاد و این به صورت عادی و رایگان هم در دسترس قرار نمی‌گیره‌ها. معمولاً خریداری می‌شه، ولی چون ما ایرانی هستیم و پول نداریم و اینا از فایل‌هایی که فن‌های مهربان در دسترس مون قرار می‌دن استفاده می‌کنیم. به هر حال وقتی این ویدیوها می‌اومد، ما در جا می‌شستیم پای ترجمه‌اش و می‌گم یه دوره‌هایی می‌شد که من شب‌ها ۳، ۴ ساعت می‌خوابیدم که بتونم به اینا برس و ترجمه رو کامل کنیم.



- چیه این برنامه؟

این مثل همون ران بی‌تی‌اسه، ولی یه کم فرق داره و مدلش این طوره که اینا رو سالی یک‌بار می‌فرستادن مسافرت که برای خودشون باشن یه یک هفته‌ای رو.

- بعد از شون فیلم می‌گرفتن؟

آره! با تیم می‌فرستادن شون! ولی خب چیز لازمی در کل چون وقتی شما فکر می‌کنی که یک سال یا دو سال پشت سر هم کار کردی و حتی پنجشنبه و جمعه‌ها هم خالی نیست، خیلی قضیه سختیه که حالا می‌فرستنت که یک هفته حداقل کار نمی‌کنی. البته اینا معتاد به کار اند. یعنی شما ببینید شون می‌بینید که یکی شون هست مثلاً تو همون تایم استراحتش نشسته یه گوشه داره برای خودش یه چیزی می‌نویسه، یکی شون هست نشسته یه گوشه داره برای خودش ملودی می‌سازه. کلاً یه اعتیاد به کار این جوریه هم توی کره هست.

خلاصه وقتی اینا می‌رفتند مسافرت و همچنین ویدیویی می‌اومد بیرون، ما می‌نشستیم به ترجمه کردن و یه تیم ترجمه هم که وجود نداره، چندتا هست و ما برای این که از اون یکی‌ها عقب نمونیم،

تند ترجمه می‌کردیم که شیفت‌مون رو برسونیم و یه گروه دیگه ادیت کنه، یکی دیگه ویراست کنه و همین طوری تا در نهایت ویدیو دربیاد و بره رو کانال.

- شیفت کاری داشتید؟

آره، می‌شه گفت. این مدلی بود که بچه‌های ترجمه تا این ساعت تموم کنند، بچه‌های ادیت تا اون ساعت تکمیل کنند و اینا که در نهایت مثلاً تا فلان روز ما ویدیو رو تحویل بدیم. بعد ما کار رو تحویل می‌دادیم و دیگه کارمون تموم شده بود دیگه. می‌گرفتیم می‌خواهیدیم، ولی کار بچه‌های ادیت تازه شروع شده بود.

- و این کار شما می‌تونست شب تا صبح طول بکشه؟

آره. شب تا صبح. با این که فقط گروه ترجمه‌اش که من توش بودم، ۳۰ نفر بود.

- و این بازه اوج شما در حمایت کردن بود؟

نه، این اوجش نیست. اوجش سر کامبک‌ها (اجرای جدید) بود.

- اونجا چه طوری بود، ۲۴ ساعت بیدار می‌موندید؟

آره خب شده. من برای کامبک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوریه هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم. یک هویتی بهت می‌دن و تو حس می‌کنی بخشی از یک جامعه‌ای هستی و توی این جامعه وقتی یک نفر داره بازی درمیاره و اینا، هیچ کس بهش اهمیت نمی‌ده و بهش می‌گن فکر کردی اگر تو بری چیزی از ارزش‌های اینا کم می‌شه؟ برو. و به ازای همون یک نفری که می‌ره هم یه غمی هست‌ها، ولی فندوم خوب بلده چه طور حساب همون یه نفر رو برسه.

- چه طور، چه کارش می‌کنند؟

ایگنور^۱ (نادیده گرفتن) می‌کنندش و تموم می‌شه. کسی اصلاً بالا نمیارتش. تموم شد. ولی برعکسش هم هست. وقتی شما داری یه کاری رو انجام می‌دی، یه شوری هم‌زمان داره اتفاق می‌افته که نمی‌دونم چه طور توصیفش کنم. نمی‌دونم برای سال کنکورتون اردوی عید رفتید یا نه. اون جا مثلاً یه حالت هویتی هست که باعث می‌شه بشینید بخونید یا نمی‌دونم مثالش رو چی بزنم. شما با خودت می‌گی، آره من بخشی از یک جامعه‌ام و وقتی نتیجه نهایی رو می‌بینی، حتی اگر بزرگ هم نباشه، حالا گاهی نتیجه‌هاش بزرگ اند، ولی حتی اگر بزرگ نباشه هم شما حس می‌کنی که... توی یه کاری به نتیجه رسیدی. به هدف دست پیدا کردی. به هدف جمعیت که باهم تلاش کردید تا بهش رسیدید و این

1 Comeback

2 ignore

بخشی از جامعه بودند، چیزی که توی هالیوود یا موسیقی ایران یا هر جای دیگه نیست. ولی توی فن‌دوم‌های بی‌تی‌اس هست».

به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت، اگر اعضای گروه با طرح نقطه نظرهایی که دارند، به شکل نظری، هویت جمعی خاصی را برای هواداران خودشان مطرح می‌سازند، هواداران آن‌ها در راستای حمایت از گروه، با پرداختن به کارهای تشکیلاتی منسجم و گسترده خویش، در عمل به تدقیق هویت جمعی پیش‌گفته می‌پردازند.

اطلاع‌رسانی هواداران به یکدیگر در زمان نشر آهنگ‌ها، چگونگی استریم زدن و شرکت در رأی‌گیری سایت‌ها، نشریات و جشنواره‌های گوناگون موسیقی، مقابله با گروه‌های رقیبی که ممکن است برای گروه بی‌تی‌اس توطئه‌چینی کنند و نظایر آن‌ها، از جمله مواردی است که مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش متذکر آن‌ها شده است و در عمل شکل‌گیری هویت جمعی پنهانی را به معرض دید می‌نهد:

«- آیا در جریان حمایت از بی‌تی‌اس، اعضای فن‌دوم باهم متحد می‌شند و نسبت به رأی دادن و

استریم زدن و این دست از موارد ترغیب می‌شند؟

آره، ببین، من خودم اون اوایل واقعاً نمی‌دونستم استریم و اینا چیه اصلاً و حالا فن‌پیجا یا چنلایی که دنبال می‌کردم در موردش حرف می‌زدن و مرحله به مرحله بهمون می‌گفتن باید چه کار کنیم و چه طوری حمایت کنیم و قوانین استریم رو می‌گفتن یا مثلاً لینک سایت‌هایی که برای رأی دادن و اینا بودن رو می‌داشتن که خیلی کار ما رو راحت می‌کرد و می‌کنه حتی هنوزم... و بعضی از فنا خودشون اشتراک اسپاتیفای برای بقیه آرمی‌هایی که نمی‌تونن تهیه کنن، تهیه می‌کردن و در اختیارشون می‌ذارن و حتی مراقبت‌های جسمی که موقع استریم زدن لازمه رو می‌گن، مثلاً میوه بخوریم، دمنوش بخوریم و نیم ساعتی یه بار به چشم‌مون استراحت بدیم و یه چیزی که خودم اولاً باهاش مواجه شدم، این بود که خب من تازه آرمی شده بودم، خیلی اصطلاحات رو نمی‌دونستم، نمی‌دونستم چه طور باید این کار رو انجام بدم، همون موقع بود که تو یه جا دیدم که نوشته بود، الآن تهیونگ به رأی‌های ما نیاز داره، اگر رأی ندید، اسم خودتون رو آرمی نذارید! اینجا من خیلی ناراحت شدم و فکر می‌کردم آرمی بودن همه‌اش تو این خلاصه می‌شه که بری استریم بزنی و اینا و غالباً هم می‌دیدم پیام‌هایی از بعضی بچه‌ها که می‌گفتن من بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی آرمی نیستم و وقتی می‌گفتم چرا مگه هر کی بی‌تی‌اس رو دوست داره، آرمی حساب نمی‌شه، می‌گفتن نه آرمی کسیه که از پسرا تو اسپاتیفای و... حمایت می‌کنه و... منم به خاطر این که خودم رو متعلق به این خانواده می‌دونستم و هی به بقیه می‌گفتم آرمی هستم، برای همین تا کام‌بک داشتن فیلترشکن خودم رو روشن می‌کردم، می‌رفتم تا از پسرا حمایت کنم و اگر فیلترشکنم وصل نمی‌شد یا بنا به هر دلیل دیگه‌ای یادم نیست، اعصابم خورد می‌شد و ناراحت می‌شدم خیلی و با خودم می‌گفتم من چه جور آرمی‌ای هستم که نتونستم کاری در جهت حمایت از آیدول مورد علاقه‌ام کنم و یه زمانی بود که یه عده اومده بودن اکانت فیک یا ساخته بودن یا خریده

بودن و پیج تهیونگ رو فالو کرده بودن و یک ماه یا دوماه هم نگه داشته بودن، چون طبق الگوریتم اینستا، اگر کسی فالوت کنه و یه مدتی فالورت بمونه، بعد بلاک و ریپورت و آنفالو کنه، هرزنامه تشخیص داده می‌شه و اکانتت رو می‌بندن، حالا اینا اومدن این کار رو کردن و بعد از یکی، دوماه، اکانت تهیونگ ریزش داشت و یکی از فن‌پیجا که از این قضیه مطلع بود، اطلاع‌رسانی کرد و ازمون خواست که اگر اکانت دیگه هم داریم و چندتا اکانت داریم حتماً بریم تهیونگ رو فالو کنیم و یه ایمیلی رو هم برای اینستاگرام بفرستیم و این طوری شده که ما نداشتیم اونا به هدفشون برسن و پیج تهیونگ بسته شه. - یعنی یه جورهایی از این طریق روی عواطف و احساسات تأثیر می‌گذاشتن تا بری تو رأی‌گیری‌ها شرکت کنی؟

بله.

- و اگر زمانی نمی‌تونستی ازشون حمایت کنی، دچار احساس عذاب وجدان می‌شدی؟
اوهوم و این همه‌اش به خاطر اون پیام‌هایی هست که بعضی از طرفدارا یا ادمین‌ها می‌دادن».



ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود هواداران بی‌تی‌اس را همچون دانه‌هایی جدا از هم ترسیم می‌کند که به قول تهیونگ، نخ بنفش بی‌تی‌اس آن‌ها را گرد هم آورده است.

رخساره ۱۶ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود، هواداران و اعضای گروه بی‌تی‌اس را یک خانواده واحد معرفی کرده، به روابط عاطفی عمیقی که بین آن‌ها شکل گرفته است، تأکید می‌ورزند.

شدت علاقه خانواده بی‌تی‌اس به یکدیگر چنان زیاد است که فن‌سرویس‌هایی برای خدمات‌رسانی به هواداران گروه تشکیل شده است و به آنان در زمینه‌های مورد نیازشان خدمات‌رسانی می‌کنند. بنفشه ۲۰ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«در باره فن‌سرویس بهم توضیح می‌دی، اگر اطلاعاتم درست باشه آرمی‌ها یک‌سری گروه تشکیل دادن برای خودشون که متشکل از وکیل و پزشک و نظایر اون‌ها هست که به مشکلات هم رسیدگی می‌کنند، می‌شه در این باره بهم توضیح بدی؟»

درباره فن‌سرویس باید بگم، یه سری فنا وجود دارند که سرویس‌های خاصی بهت ارایه می‌دن و همین طور که الان خودت گفتی، آره، آرمیا یه سری گروه تشکیل دادن که از وکیل و پزشک گرفته تا آشپز و نانوا در اون‌ها وجود داره که واقعاً به هم کمک می‌کنند و بیشتر تو تویتر این حالت هست، حتی یک بار یکی از آرمیا اگه اشتباه نکنم، خون نیاز داشت، نمی‌دونم برای پدر بزرگش یا یکی دیگه اعضای خانواده‌اش بود و یکی از اعضای بی‌تی‌اس اون توییتی که اون آرمی زده بود رو ری توییت می‌کنه و از آرمیا می‌خواد که اگه می‌تونن برن و به اون آرمی خون برسونن».

نفی ارزش‌های دیگر گروه‌های کی‌پاپ، از دیگر عواملی است که در شکل دادن به هویت گروهی هواداران گروه بی‌تی‌اس ذی‌نقش هست. گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌اش در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«... من یه آرمی واقعی‌ام.»

– آرمی یعنی چی؟

آرمی به طرفدارهای واقعی بی‌تی‌اس می‌گن. ما مثل یک خانواده هستیم، مثل یه ارتش.

– فقط طرفدارهای بی‌تی‌اس یا کلاً کی‌پاپ؟

نه، فقط اونایی که طرفدار بی‌تی‌اس هستن اسم‌شون آرمیه.

– به همه‌ی طرفدارهای بی‌تی‌اس می‌گن آرمی؟

همه اسم خودشون رو می‌ذارن آرمی، ولی همه‌شون آرمی واقعی نیستن. بعضی‌ها فقط ادعا می‌کنن که طرفدارن. هیچی از بی‌تی‌اس نمی‌دونن. آرمی بودن رو نمی‌فهمن. فقط واسه‌ی پز دادن از اسم آرمی استفاده می‌کنن.

– به نظرت آرمی واقعی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشه؟

یه آرمی باید توی هر شرایطی هوادار همه‌ی اعضای گروه باشه. تقریباً به یک اندازه همه‌شون رو دوست داشته باشه. خیلیا هستن که می‌گن ما فقط جونگ‌کوک رو دوست داریم یا می‌گن مثلاً ما جین

وی رو بیش تر از بقیه دوست داریم. اینا اصلاً معنی آرمی رو نفهمیدن. آرمی باید همه‌ی اعضاء رو دوست داشته باشه و از همه حمایت کنه.

- دیگه آرمی چه ویژگی‌هایی داره؟

دیگه... دیگه این که یه آرمی نباید طرفدار گروهی به جز بی‌تی‌اس باشه، ولی نباید متعصب هم باشه.

- چه طور می‌شه متعصب نباشه و فقط هم طرفدار بی‌تی‌اس باشه؟

متعصب کسیه که می‌ره همه جا توی گروه‌ها و کامنت‌ها به اونایی که بی‌تی‌اس رو دوست ندارن بد و بی‌راه می‌گه و فحش می‌ده و از این کارهای احمقانه می‌کنه. منظور من اینه که یه آرمی، هیچ وقت هیچ گروهی رو با بی‌تی‌اس نباید مقایسه کنه اگه واقعاً طرفدار گروهه. و این که اعضای گروه رو هم نباید باهم مقایسه کنه».

ایجاد رابطه دوستی با طرفداران گروه بی‌تی‌اس از سوئی و ابراز کراهت و فاصله گرفتن از غیر طرفداران از سوی دیگر، از دیگر موارد مهم در تدقیق و شکل‌گیری هویت گروهی در طرفداران پسران ضدگلوله است.

سحر و راضیه ۱۵ ساله، در اولویت برقراری رابطه با اعضای گروه بی‌تی‌اس، چنین بیان داشته اند:

«- سحر به نظرت آرمی بودن باعث شده که بین همسن‌ها محبوب‌تر بشی و بتونی دوست‌های

بیش‌تری پیدا کنی؟

از اون جایی که الان توی ایران آرمی خیلی زیاد شده برای دوست پیدا کردن این روش صددرصد جواب می‌ده. من خودم وقتی می‌خوام با یه نفر دوست بشم، اون اول که هنوز یخ‌هامون باز نشده برای این که بیش‌تر بتونیم باهم ارتباط بگیریم، سعی می‌کنم دنبال علایق مشترک با اون فرد بگردم که باهم در موردش حرف بزیم و یه کم بیش‌تر ارتباط بگیریم. برای همین آرمی بودن آره، خیلی تأثیر داره تو دوست پیدا کردن».



«- عزیزم گفتم دیگه توی بحث‌هایی که در مورد بی‌تی‌اس شکل می‌گیره، شرکت نمی‌کنی، یعنی

الآن هر بحثی پیش بیاد که مثلاً بگن گروهی که دنبال می‌کنن، برتر از بی‌تی‌اسه هم توی بحث شرکت

نمی‌کنی؟

نه، حقیقت واضح، نیازی به بحث نیست، بذار خودشون رو با حرفاشون گول بزنن». سحر ۱۵ ساله، درباره عدم برقراری دوستی و فاصله‌گیری از غیر طرفداران در مصاحبه‌اش، چنین می‌گفت:

«- به نظرت توی سن شما اگر کسی آرمی یا کی‌پاپر نباشه، توی پیدا کردن دوست به مشکل برمی‌خوره و روش فشار هست که باید حتماً طرفدارشون بشه؟»

بین نه همیشه. یه سری آرمی‌ها هستند که می‌گن تو اگه آرمی نباشی، من باهات حرف نمی‌زنم. من خودم این جور نیستم، می‌گردم دنبال بقیه علایق مشترک. ولی خب یه سری‌ها هستن که این فشار رو به غیرآرمی‌ها میارند. البته همه غیرآرمی‌ها از این موضوع احساس فشار نمی‌کنند، بستگی به شخصیت خودشون داره، مثلاً من یه دوستی دارم که نه کی‌پاپره، نه آرمیه و نه حتی اوتاکو هست، ولی با این حال اصلاً براش مهم نیست حرف بقیه و همچنان با همه دوسته».

دفاع از دوستان بی‌تی‌اسی که مورد هجمه دیگران واقع شده‌اند و یا اصولاً نشان دادن واکنش بسیار شدید نسبت به مخالفان، از دیگر شاخصه‌های شکل‌گیری هویت جمعی و گروهی در هواداران بی‌تی‌اس به شمار می‌رود.

شیدای ۲۰ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط چنین بیان داشته‌اند:

«- درباره نگرانی والدین از مشغولیت دایمی بچه‌هاشون با بی‌تی‌اس گفتم، برای خود شما چی این جور نبوده که یه درگیری عاطفی و خیلی شدید به خاطر بی‌تی‌اس داشته باشی؟ مثلاً وارد بحث با کسانی بشی که هیت می‌دن و باهاشون کلنجار بری و درگیری داشته باشی؟»

یه بار. یکی از دوستانم برگشت گفت، اینا خیلی چنندش ان و اینا. یعنی یه دوست دیگه‌ام داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، بعد اون این جور گفت. اون دوستم که می‌گم داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، خیلی هم انیمه می‌بینه و دوست داره. بعد این یکی که مخالف بود از انیمه هم بد گفت و گفت چیه من بدم میاد و چرته و از این حرفا و برای بچه‌ها هس. بعد من چون دوست ندارم به علایق کسی توهین بشه، با اون وارد بحث شدم و بهش گفتم، چون تو یه چیزی رو دوست نداری، دلیل نمی‌شه مسخره‌اش کنی. مثلاً منم تتلویی که تو دوست داری رو بدم میاد ازش، ولی به خاطر تو بهش توهین نمی‌کنم. بعد گفت، آخه چرا این قدر پیگیر اینا هستید؟ منم گفتم خب چون آهنگای ایرانی همه‌اش از غم می‌گن و مثلاً می‌گن گریه کن، گریه قشنگه. ولی اینا همه‌اش از امید می‌گن. یکی از آهنگاشون می‌گه، گریه نکن عزیزم. همه‌اش توی آهنگاشون به آدم انرژی مثبت می‌دن و مثلاً حتی از کلمات انجیل هم شنیدم که توی آهنگاشون استفاده می‌کنن. بعد اون رفیق مون هم قانع شد و دیگه چیزی نگفت».

«- فن‌پیج‌هاشون خیلی آدمای متعصبی هستن؟»

آره متأسفانه. ببین خوبه که آدم فن یکی باشه و دوش داشته باشه، ولی این تعصب مخربه و باعث می‌شه به هموطن خودت یا آدم دیگه که مثل تو هست، سر حالا یه خواننده کره‌ای! بی‌احترامی کنی و اصلاً حق نداری بگی فلانی چقد بد شده مثلاً یا فلانی قیافه‌اش رو از دست داده یا اصلاً اینا آدمای عادی ان، حالا چی هستن مگه. (با تعجب) این رو بگی از همه ور ریپورت و طرد می‌شی. یعنی اصرار دارن که اینا همیشه عالی هستن و کراش ان و می‌خوان به زور قانعت کنن که حرف‌شون رو قبول کنی و بگی غلط کردم، اصن خیلی عصبی می‌شن، به خصوص اونا که سن‌شون کم‌تره و این خیلی بده که در این حد اثر گذاشتن روشن».



تأکید نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌اش برای به کار بردن فعل جمع به جای فعل فرد، ناظر بر شکل‌گیری «مای» جدیدی است که همان هویت گروهی تعبیر می‌شود:
«- مثل این که دوست داری به شکلی به گروه کمک کنی؟
بله.

- فکر می‌کنی چه چیزی باعث می‌شه بنخواهی به آن‌ها کمک کنی؟
می‌دونید ما، می‌دونید جمع می‌بندم، چون همه ما آرمی‌ها همین شکلی هستیم، یک‌سری چیزهای خیلی خاص‌شون ما را جذب می‌کنه، وقتی ما دیدیم یک نفر داره همه تلاشش را می‌کنه و باعث خنده چند میلیون آدمه، برامون جالبه دیگه خودمون دوست داریم باعث خوشحالی چند نفر بشیم. این که مثلاً همه‌مون این طوری هستیم دیگه هر کسی توی جمع می‌بینه، اون یک نفر داره می‌خنده، شروع می‌کنه به خندیدن بی‌دلیل، حتی اگر که ندونه که چیه، این چیزی که بی‌تی‌اس یا کلاً گروه‌های کی‌پاپ داره به من یاد می‌ده که تو هر شرایطی هم باید تلاش کرد که به یک جایی رسید، بالاخره هر چیزی یک تایمی داره که تمام بشه، همیشه که قرار نیست دنیا همین طور بمونه».



– هویت شبکه‌ای

«... ماها معتقدیم که همه‌مون یه خانواده‌ایم، بنابراین وقتی آرمی‌ها از رکورد آهنگ‌های بی‌تی‌اس باخبر می‌شن، به خصوص آرمی‌های کره‌ای که از رأی‌گیری‌ها خبردار می‌شن و آرمی‌های اینترنشنال، این خبرها رو پخش می‌کنن، مدام استوری می‌کنن، پست می‌کنن توی آپ‌های مختلف، بعد همه آرمی‌ها باخبر می‌شن و می‌دونن که چه طوری باید توی یوتیوب و یو‌یو‌بزن یا به چه صورت باید توی رأی‌گیری‌ها شرکت کنن برای آرمی‌هایی که تازه کار هستن هم بقیه آرمی‌ها آموزش می‌ذارن که طریقه رأی‌گیری چه شکلیه یا چه طور باید استریم بزنن. همین که آرمی‌ها نشر دادن، مثلاً می‌گن فلان روز، فلان ساعت همه می‌رن و یو‌یو‌می‌زنن و آرمی‌های دیگه سعی می‌کنن این خبر رو پخش کنن به خاطر جمعیت زیادشون و خب اکثراً چون اعضاء و کمپانی رو دنبال می‌کنن متوجه خبرها می‌شن سریع.»

با گسترش و فراگیر شدن فضای مجازی، انسان‌هایی که پیش‌تر در برخورهای رویاروی در جهان واقعی، به شناخت یکدیگر نایل می‌آمدند، در فضای مجازی از این امکان برخوردار شدند که با افرادی که برخورد رویارویی با آنان ندارند، اما از علایق و سلیق مشابهی با یکدیگر برخوردارند، آشنا شده و با آن‌ها به تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های مختلف اقدام ورزند و به این ترتیب در عمل به ایجاد و شکل‌دهی هویت جدیدی نایل آیند که از آن می‌توان با عنوان هویت شبکه‌ای یاد کرد.

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به هویت شبکه‌ای جدیدی که یافته است، خاطرنشان می‌سازد، وی و دیگر هواداران گروه بی‌تی‌اس، حتی اگر یکدیگر را هم نشناسند، هوای همدیگر را دارند:

«– پس لوازم التحریر بی‌تی‌اس هم ساخته شده؟»

آره، هر چی دلت بخواد واسه آرمی‌ها می‌سازن. تا حالا لوازم مدرسه‌ام رو مامانم هر چی می‌دید، می‌خرید، ولی از این به بعد می‌خوام اینترنتی لوازم بی‌تی‌اس رو انتخاب کنم و بخرم، اگه هم نخره، پولم رو جمع می‌کنم و خودم یک جا همه رو واسه سال بعد می‌خرم.

- دوست داری همه بدونن که تو بی‌تی‌اسی هستی؟

بی‌تی‌اسی نه، بهتره بگی آرمی. من به آرمی بودنم افتخار می‌کنم. بعدشم این جواری اون‌هایی که آرمی هستن، می‌فهمن که تو هم از خودشون هستی و هوات رو دارن. این جواری دوستای خوب بیش‌تری هم پیدا می‌کنی و همیشه چندتا هم صحبت پایه داری که مثل خودت باشن. از همون اولش هم متوجه می‌شیم کی چی دوست داره و اون‌هایی که از بی‌تی‌اس خوش‌شون نمیاد سمت ما نمیان. بعد این که مثلاً دختر خاله‌ام سلیقه من رو می‌دونه و بهش احترام می‌ذاره. اگه همه این طوری بودن، عالی می‌شد.

- یعنی دوست نداری با کسی که آرمی نیست یا با بی‌تی‌اس مخالفه، دوست بشی؟
به هیچ وجه.

- خب این جواری به نظرت دوست‌های زیادی رو از دست نمی‌دی؟
برام مهم نیست. ترجیح می‌دم چندتا دوست مثل خودم داشته باشم تا این که کلی دوست داشته باشم که باهام فرق دارن و همه‌اش باهام مخالفت می‌کنن.

- تا حالا چندتا دوست آرمی توی فضای مجازی پیدا کردی؟
اووه، خیلی زیاد. آرمی‌ها اون قدر با اخلاق و با احساس و با روحیه ان که با هر کی که حتی نمی‌شناسیش حرف بزنی، جوابت رو خیلی خوب می‌ده و اگه کمکی ازش بخوای، کمکت می‌کنه. گفتم که ما هوای همدیگه رو داریم. خیلی راحت آرمی‌ها دوست آدم می‌شن. البته آرمی‌های واقعی». مهتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، آن‌ها برای استریم زدن و ربات تشخیص داده نشدن، در هماهنگی بین المللی که فن‌های پایه و بزرگ انجام می‌دهند، تقسیم کار می‌کنند تا گروه بی‌تی‌اس در رأی‌گیری‌های مختلف، حایز اکثریت آرا شود:
«- آیا طرفدار گروه یا هنرمند غیر کره‌ای دیگه‌ای هم هستید؟

آره هستیم، مگه می‌شه نبود؟ این قدر هم ذهنم فقط با بی‌تی‌اس پر نشده! هری استایلز مثلاً یا کیتی پری^۲ رو هم دنبال می‌کنم و آهنگ‌هایی دارن که من خوشم میاد ازشون، ولی قطعاً تو مدل طرفداری و اینا فرق هست و اون فرق هم به نظرم این هستش که طرفداری از آیدول‌ها یک طورهایی اساسی‌تر و سنگین‌تره.

1 Harry Styles

2 Katy Perry



بعد من نمی‌دونم چرا این طوریه، ولی مثلاً خودم چندین ساعت از خوابم ممکنه بزنم که تو اسپاتیفای یا یوتیوب ویوی^۱ (بازدید) این‌ها رو بالا ببرم یا مثلاً تو گروه‌های مختلف تلگرامی عضو باشم یا فن‌پیج‌های مختلف توی اینستاگرام رو فالو کنم، ولی برای اونا این طوری نیست. حمایت آن چنان سنگینی از شون نمی‌کنم، بلکه از آهنگ‌هاشون لذت می‌برم فقط و بعضی وقتا بهشون گوش می‌دم و خوب هم هستند. ولی این که مثلاً اون طوری جمع بشیم با فن‌های دیگه و حمایت‌های این شکلی کنیم یا مثلاً حتی پیگیر اخبار لحظه به لحظه شون باشم نه. این شکلی نیست.

- چرا حمایت از گروه کی‌پاپ به نوعی بسیار شدیدتر از گروه‌های غیر کی‌پاپ هست؟ و مسأله استریم زدن آرمی‌ها بسیار پررنگ‌تر از فن‌های گروه‌های مثلاً غربی است؟

اتحاد طرفدار کی‌پاپ خیلی بیش‌تره، به خاطر این که نشان دهنده قدرت و اقتدار یک فن‌دومه. هر چه قدر که این استریم زدن بالاتر باشه هم نشان دهنده معروف‌تر بودن اون گروه کی‌پاپ و بعد قوی‌تر بودن اون فن‌دومه. این وسط برخی از فن‌ها هستند که تمام زندگی شون رو مثلاً می‌ذارن پای استریم کردن موزیک ویدیو. این باعث می‌شه که به جنبه‌های دیگه زندگی شون خیلی ضربه بخوره، مثل این که به خاطر استریم کردن شب‌ها بیدار می‌مونن، چون نوبت استریم کردن فلان آهنگ یا موزیک ویدیو شب‌ها هست یا این که درس نمی‌خوندن، چون که می‌خوان استوری بذارند و با فن‌دوم همراه باشن، به خاطر همین ممکنه زندگی درسی و اجتماعی شون ضربه بخوره.

- چرا معمولاً زمان این استریم زدن‌ها برای ایرانی‌ها به شب می‌افته، به خاطر تفاوت زمانی ما با کره هست؟

نه حتماً شب‌ها نیست. ولی مثلاً یه فن‌دوم ممکنه تصمیم بگیره که همون شبش که میاد استریم بزنه و این وسط یک‌سری اکانت‌ها هستند، مثل اکانت توییتری که اینا فن‌دوم رو هدایت می‌کند که باید چه کار کنیم که فلان آهنگ به فلان تعداد بازدید برسه. بعد بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات

تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

- خوب در این زمان بندی به روز یا شب بودن اون کشور توجه نمی‌کنند؟
چرا، ولی ممکنه که یکی بیدار بمونه و شب استریم بذاره، چون دلش می‌خواد تا صبح مثلاً سریع حمایتش رو کرده باشه و تمام. مثل خود من.

- آیا این قضیه که حتماً به اون تعداد بازدید برسه فلان ویدیو و این‌ها برای فن‌ها مشکلی غیر از این هم ایجاد می‌کنه؟

آره، گاهی ممکنه که اضطراب پیش بیاد واقعاً برای فن‌دوم به خاطر این که وقتی به اون هدفی که مشخص کرده اند و مثلاً گفته اند، ما باید تا فلان موقع به فلان اعداد بازدید برسیم، نرسند گروه به هم می‌ریزه و برای شخصی که مثلاً خیلی وانش این استریم کردن مهمه، باخت حساب می‌شه و از لحاظ روانی ضربه می‌خوره».

آنچه مهتاب از آن یاد می‌کند، شکل‌گیری یک هویت شبکه‌ای بین المللی در میان طرفداران گروه بی‌تی‌اس است.

- هویت یابی افراد بی‌هویت

«- کلاً فکر می‌کنی این روحیه جمعی آرمی‌ها باعث جذب افراد می‌شه؟
قطعاً عضو از یه چیزی بودن خیلی لذت‌خشه، اونم واسه نوجوونایی که خیلیاشون تو دنیای واقعی دوست خوب زیادی ندارن. واسه من که این طوری بود یه زمانی» (مریم، ۱۸ ساله).
اریکسون در نظریه‌پردازی خودش در زمینه هویت، خاطرنشان می‌سازد، افرادی که به هویت مطلوب طبع خویش دست نمی‌یابند، در عمل ممکن است به گروه‌های مختلف (حتی گروه‌های افراطی) بپیوندند و با آن‌ها همراهی کنند تا به نوعی، هویت نداشته خویش را در پرتو همکاری و همگامی با گروه‌های اخیر به دست آورده و تجربه کنند.

مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش یادآور می‌شود، وی و دوستانش پس از طرفداری و حمایت از گروه، وقتی که بی‌تی‌اس جایزه‌ای را به دست می‌آورد، به سبب طرفداری پیشین‌شان، احساسی از غرور و افتخار را احساس می‌کردند و به تعبیری در پرتو گروه، احساس هویت می‌کردند.

مهتاب ۱۸ ساله و کوثر ۲۵ ساله هم از هوادارانی یاد می‌کنند که به سادگی خود را مدافع آیدول‌ها دیده، به خود اجازه می‌دند که با نفی و انکار و برخورد شدید با کسانی که تعریفی به آیدول آن‌ها دارند، از آیدول خویش (که به نوعی هویت بخش آن‌ها است) دفاع کنند:

- این حس مقبولیت که می‌گی، توسط گروه ارضاء می‌شد یا از این جهت که افراد دیگه‌ای هم هستن که فن باشن؟

هر دوش. وقتی که او نا از طرفداراشون حرف می‌زدن و تشکر می‌کردن یا جایزه‌ای می‌گرفتن باعث افتخارمون می‌شد. از طرفی هم دوست داشتیم همیشه پیش همه درباره‌شون حرف بزیم و بهشون نشون بدیم که طرفدار چه کسانی هستیم و وقتی بقیه هم تحت تأثیر قرار می‌گرفتن دوباره اون حس افتخار بود و ارضای مقبولیت».

«- من شنیده‌ام که یک‌سری از طرفداران هستند که روی گروه یا یک عضو خاص تعصب زیادی دارند و گاهی بین طرفداران یک گروه هم حتی دعوا می‌شه. درسته؟ (می‌خندد) آره خب، اینا پیش میاد.

- طرفدارهای متعصب بی‌تی‌اس چه فعالیت‌هایی برای حمایت ازشون انجام می‌دن؟
وقتی بهش فکر کنی، در نگاه اول چندان فرقی آن چنانی‌ای با طرفدارای غیرمتعصب ندارن. او نا هم به موقع استریم^۱ می‌کنن، تویت^۲ می‌زنن و توی رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کنن. ولی جای دیگه‌ای هم فعال هستن. کافیه تا یه نظر منفی ببینن و اون موقع هست که شروع می‌کنن تا به هر روش ممکن، بقیه رو متقاعد کنن که اون نظر درست نیست و این بیش‌تر با فحاشی و توهین همراهه. حتی ممکنه به یه انتقاد درست بر بخورند، ولی باز هم چون به نظرشون آیدول و گروهی که دنبال می‌کنن، بی‌نقصه، نمی‌تونن قبول کنن. به نظرشون این هم برخوردهای پرخاشگرانه هم یه جور حمایت از آیدوله. مهم هم نیست اون انتقاد از طرف کیه، چه هم فندومی باشه، چه از یه فندوم دیگه و حتی از یه لوکال^۳ او نا به هر صورت باید اون نظر و انتقاد رو بی‌ارزش نشون بدن.

مورد بعدی هم که در همین رابطه باید توضیح بدم یه کلمه‌ای هست توی کی‌پاپ^۴ به اسم بایس^۴. یعنی کسی که توی یه گروه کی‌پاپ، بیش‌تر از همه تو دوستش داری. گاهی یه فن ممکنه به قدری روی یکی از اعضای گروه تعصب داشته باشه که به همین دلیل بقیه اعضای گروه رو نادیده بگیره و فقط وقتی پای بایس خودش درمیونه، شروع به حمایت کردن بکنه. حتی با کسانی که بایس‌شون باهاش یکیه، دعوا کنه. چون به نظرش اون عضو گروه فقط برای خودشه».

«من قبلاً خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشتم. در حدی بود که کل زندگیم این بود که مثلاً خبرای او نا رو بخونم و این حرفا... . ولی از محیطی که طرفدارا باهم بودن، توی چند سال اخیر فاصله گرفتم. دلیلش هم این بود که محیط، محیط سمی‌ای شده بود. وقتی می‌گم سمی یعنی چی؟ یعنی مثلاً کسی حق اظهار نظر نداشته باشه و کوچک‌ترین حرف اشتباهی که یکی می‌زنه، یک عالمه آدم هستن که...

1 stream

2twit

3Local

در کی‌پاپ به آدم‌های معمولی لوکال می‌گویند. این افراد عضو هیچ فندومی نیستن و هیچ چیزی از آن‌ها نمی‌دانند.

4Bias

همین مثل الآن که فضای مجازی تاکسیک شده یا مثلاً توی اینستا یا جاهای دیگه می‌بینی، یه نفر یه چیزی می‌گه، یک عالمه کامنت هیت می‌گیره که تو بی‌خود کردی حرف می‌زنی، تو کی هستی، توی محیط طرفدارای کی پاپ هم همین طور شد.

یعنی وقتی که فضای مجازی تاکسیک شد، اونم تحت تأثیر قرار گرفت و دیگه اون محیط صمیمانه و دوستانه که قبلاً بود، دیگه نبود. مگر بین خودت و دوستای خودت که از قبل همدیگه رو می‌شناختید. یعنی خیلی دایره‌ی دوستی کوچیک‌تر شده بود نسبت به قبل. مثلاً حالا در مورد این که می‌گم کمپانی‌ها سخت‌گیری می‌کنن، مثلاً بر فرض یه اتفاقی پیش میاد. مثلاً یه آرتیستی، سلبریتی‌ای حرفی می‌زنه که اشتباهه یا اشتباه نیست، ولی این طوری برداشت می‌شه که اشتباهه و یهو کل طرفدارای کی‌پاپ، نه طرفدارای اون گروه‌ها، طرفدارای اون گروه معمولاً چیز بدی نمی‌گن، دفاع می‌کنن، ولی بقیه‌ی طرفدارای گروه‌های دیگه میان، همه یک دفعه حمله می‌کنن به این آرتیست و میان می‌گن تو اصلاً برای چی، برای چی آرتیست شما این حرف رو زده؟ بعد به طرفداراشون حمله می‌کنن. شما برای چی طرفدار این خواننده‌ی فلان فلان شدی؟ این طوری».

با ملاحظه جدال‌هایی که در بین طرفداران گروه‌های مختلف کی‌پاپ به وقوع می‌پیوندد، نقش بارز افرادی که در صدد کسب هویت نداشته خویش، در پرتو آیدول یا گروه خاصی هستند، بسیار هویدا است.





گلنوش ۱۴ ساله، در گزارش خویش از برخورد خود و دوستانش با افراد ناقد و سحر ۱۵ ساله، در گزارش خود از برخورد فن‌دوم‌های بلک‌پینک و بی‌تی‌اس (که از این درگیری‌ها با عنوان فن‌وار یاد می‌شود)، می‌گویند:

«- چندتا دوست آرمی داری؟»

زیاد هستن، ولی اصلی‌هاشون که خیلی باهم دوستیم پنج نفر ان.

- با این پنج نفر ارتباط حضوری داری یا مجازی؟

یکیشون دوست دوران بچگی‌مه، از پیش دبستانی دوستیم، یکیشون دوست مجازیمه و سه‌تای دیگه هم مدرسه‌ای‌های من هستن.

- تا حالا شده به خاطر آرمی بودن با کسی دوست بشی؟

آره خب، همه‌ی دوستای من یا آرمی هستن یا دست به دست هم می‌دیم و اونایی که آرمی نیستن

رو آرمی می‌کنیم. پس قطعاً همه‌ی دوستای من مثل خود من هستن.

- چرا همه رو آرمی می‌کنید، چی به شما می‌رسه؟

آخه ما هر چی بیش‌تر باشیم برامون بهتره. یه ارتش قوی باید پرتعداد باشه. وقتی کسی پشت سر

بی‌تی‌اس حرفی می‌زنه، همه باهم می‌ریزیم سرش که دیگه یه وقت فکر نکنه بی‌تی‌اس بی‌کس و کاره.

- چه طور می‌ریزید سرش؟

یعنی پشت همدیگه در میایم. اگه یکی به یکی از ما یا به یکی از آیدول‌ها توهین کنه، خصوصاً راجع

به بایس‌هامون مزخرف بگه، همه باهم می‌ریم سراغش.

- می‌رین سراغش که چه کار کنید؟

اگر حضوری باشه یا قانعش می‌کنیم که دیگه از این حرفا نزنه، اگه هم مجازی باشه همه باهم بهش

پیام می‌دیم و تهدیدش می‌کنیم و قدرت خودمون رو بهش یادآوری می‌کنیم. بعضی‌هاشون که مرض

دارن از قصد می‌خوان آرمی‌ها رو آزار بدن؛ این جور آدمای نفهم رو ریپورت و بلاک می‌کنیم تا پیجش پاک بشه و تنبیه بشه که دیگه با ارتش بی‌تی‌اس در نیفته».

«می‌تونی یه نمونه از این فن‌وارها که باعث شد بعضی‌ها از فن‌دوم خارج بشوند رو مثال بزنی؟ مثلاً یه زمانی بلک‌پینک حتی مطرح‌تر از بی‌تی‌اس بود، ولی یه سری آرمی‌ها شروع کردند هیت دادند و اون قدر این کار رو ادامه دادند تا جایی که خیلی‌ها دیدشون کلاً نسبت به بلک‌پینک بد شد.

– چه چیزهایی گفتند که باعث شد دید مردم نسبت به بلک‌پینک تغییر کنه؟
اومدن گفتن بلک‌پینک ویوهای واقعی نیست و ویوهایش رو می‌خره یا مثلاً جنی با همه بوده تو کی‌پاپ و کلاً یه سری دروغ بستن به هم تا بلک‌پینک رو بکشن پایین.
– به نظرت دلیل این کارشون چی بود؟

نمی‌دونم. شاید از سر حسادت بوده، آخه کلاً آرمی‌ها همین ان و همیشه خدا سرشون درد می‌کنه واسه دعوا و کلی تفرقه ایجاد می‌کنن بین فن‌دوم‌های مختلف و من نمی‌فهمم واقعاً دلیلش چیه».



تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش از افرادی یاد می‌کند که مثلاً به صرف آن که میزان مشارکت‌شان در رأی دادن در سایت‌های موسیقی بالا بوده است، از این دست موارد به عنوان سند افتخار خویش یاد می‌کنند:

«... یکی از دوستای دیگه من هم هست که حالا خودش هم آرمیه. اون اتفاقاً خیلی از من بیش‌تر گوش می‌ده و استریم می‌زنه. چون که... نه استریم البته نمی‌زنه‌ها... ولی اون خیلی بیش‌تر از من گوش می‌ده. مثلاً من کم‌تر گوش می‌دم، حتی آهنگای بقیه رو. اون خیلی بیش‌تر تو این قضیه هست، بعد در حدی بود که مثلاً این اسپاتیفایش^۱ واسه آخر ۲۰۲۲، بهش گفته بود که تو جزو نیم درصد اول کسانی هستی که به بی‌تی‌اس گوش دادن. بعد خب خیلی چیز وحشتناکیه دیگه. بعد اون اسکرین شاتش رو به عنوان یکی از دستاوردهاش گرفته بود و اینا».

همان‌گونه که از گزارش اخیر پیدا است، برخی از افراد بی‌هویت، با یافتن کم‌ترین بهانه‌ای از این موارد به عنوان سندی برای هویت نداشته خود سود می‌برند.

نیکوی ۱۵ ساله نیز در گزارش تقریباً مشابهی خاطرنشان می‌سازد، افراد بی‌هویت که با تمسک به آیدول‌ها یا گروه‌شان هویتی برای خود دست و پا کرده اند، حتی به آیدول‌ها یا گروه مورد نظرشان نیز تعهد عمیقی احساس نمی‌کنند و با دست زدن به اقدام‌هایی که به چشم بیابند (حتی اگر این اقدام‌ها در تعارض و تخالف با آیدول یا گروه مورد علاقه‌شان باشد)، سعی در مطرح کردن خویش می‌کنند تا درد هویت نداشته خویش را تخفیف دهند:

«من هیچ وقت دلم نمی‌خواست که شیپ باشم، چون به نظرم به نوع توهین به بی‌تی‌اس بود، البته به مدت تحت تأثیر یکی از دوستانم یونمین رو شیپ می‌کردم، ولی بعد از به مدت منصرف شدم، چون شاید اعضاء بیزار باشن از این که شیپ می‌شن، نه تنها بی‌تی‌اس، بلکه گروه‌های دیگه هم همین طور. اون‌ها هم ممکنه آسیب ببینن و حتی تهیونگ توی یکی از مصاحبه‌هاش گفته بود، به سری از فن‌فیکشن‌ها رو خونده در مورد خودش و جونگ‌کوک و خیلی اعصابش به هم ریخته و خیلی خواهش می‌کرد که این‌ها رو ننویسن و شیپ نکنن. وقتی خودشون هم دارن این رو می‌گن، برام عجیبه که هنوز خیلی از آرمی‌ها شیپ می‌کنند و فن‌فیک می‌نویسن یا می‌خونن به نظرم وقتی طرف خودش راضی نیست، دیگه حتی خوندن فیک‌ها هم جذابیتی نداره».

احساس مالکیت بر آیدول، از دیگر تبعاتی است که در افرادی که در صدد کسب هویت نداشته خویش، به گروه‌هایی مانند بی‌تی‌اس روی آورده اند، قابل مشاهده است. این دست از هواداران، به صرف آن که از آیدول خویش در برابر چند ناقد دفاع کرده اند و یا در جنگ فندوم‌ها (فن‌وار) به نفع گروه مورد علاقه‌شان شرکت داشته و به طرفداران گروه‌های دیگر تا حد امکان ناسزا گفته اند، خود را محق می‌دانند که در خصوصی‌ترین و جزئی‌ترین مسایل زندگی آیدول مورد علاقه خودشان دخالت کنند.

حدیث ۱۴ ساله، صوفیا و ره‌ای ۱۸ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خود از هواداران یاد می‌کنند که به صرف هواداری از یک آیدول، احساس مالکیت نسبت به وی کرده، خود را مجاز می‌دانند که در دقایق زندگی آیدول مورد نظر مداخله کرده و دست به اظهار نظر بزنند:

«من شنیدم همون جور که شدت علاقه فندوما زیاده و تاحدی اکثراً تعصبی، از اون ور هم هیتا خیلی شدید ان. به کم درباره تأثیری که این هیت دادن‌ها روی روند فعالیت یا کارهای گروه داره برام بگو.»

بیش‌تر هیتا رو، همین فن‌ای تعصبی می‌دن که تعصب خیلی بی‌جا روی آیدول‌شون دارن، مثلاً همون اولاً که بی‌تی‌اس اینستاگرام نصب کرده بود، تهیونگ دستش می‌خوره اشتباهی جنی رو فالو می‌کنه، بعد از به طرف فن‌ای بی‌تی‌اس میان به جنی بی‌دلیل هیت می‌دن، از به طرف هم فن‌ای بلک‌پینک میان به تهیونگ هیت می‌دن. از اون طرفم میان باهم شیپ‌شون می‌کنن، عکساشون رو فوتوشاپ می‌کنن،

بعد آیدول بیچاره بی‌خبر از همه جا این وسط کلی هیت می‌گیره. بعد دقیقاً توی همچین شرایطی که آیدول این همه هیت می‌گیره و تحت فشاره، کمپانی هیچ حمایتی نمی‌کنه و حتی آتیش شایعات رو تندتر می‌کنه، چون به نفعشه و باعث معروف‌تر شدن آیدول می‌شه و بعد پول بیش‌تر برای کمپانی در میاد. یعنی دقیقاً این وسط تنها چیزی که برای کمپانی اهمیت نداره، شرایط روحی آیدولشه. چون حتی گاهی شدت هیتا اون قدر زیاد بودن که چندتا آیدول رو به خودکشی رسوندن».



«... تو کره مصاحبه کرده بودن، همه می‌گفتن من اگه آیدولم ازدواج کنه آن استنش می‌کنم. خیلی عجیبه دیگه. انگار من مخاطب دارم از آیدولم مثل یه کالا استفاده می‌کنم و اون واسه ارضای نیازها و لذت‌های ذهنی من اون کارا رو انجام می‌ده».

«- خوب نظرت راجع به زندگی شخص آیدول‌ها مثل خبر ازدواج کردن شون چیه؟ تو نسبت به این قضیه حساس نیستی؟»

نه، (باخنده) به من ربطی نداره، زندگی شخصیش چیه. ولی نمی‌تونم بگم سورپرایز نمی‌شم. یعنی من آمادگی این رو ندارم که این آقا فردا مثلاً این آیدولی که دوستش دارم، فردا بیاد بگه، من فالانی رو دوست دارم. مبارکه. خوش‌حالم می‌شم براش. منتها به نظر من دوست داشتن یه سری از آیدول‌ها مثل کراش می‌مونه، یعنی رو یه نفر کراش داری، بعد مثلاً وسطش می‌ره با یکی دیگه مثلاً رل می‌زنه. می‌دونم که قرار نیست بیاد من رو بگیره (باخنده) ولی اولش یه جوریه دیگه. منتها این جوریه نیست که بگیریم نمی‌شه باهاش کنار اومد. این فن‌های کره‌ای واقعاً به نظر من دیوونه ان (می‌خندد). که آیدول‌ها رو به خاطر این مسأله طرد می‌کنن یا مثلاً خبر دوباره بچه‌دار شدن چن اومده بود. چن عضو اکسوئه. توپیتش به کره‌ای بود. و من تمام کامنت‌های کره‌ای رو که می‌خوندم، شامل خودت رو بکش، چرا بچه‌دار شدی؟ مایه ننگ مملکتی که توی سربازی به فکر این کارا بودی که بچه‌دار شدی،

و این حرفا بود. و به نظر من جامعه‌ی کره، یه جامعه‌ی فوق‌العاده بسته به لحاظ انسانی، در عین حال فوق‌العاده پیشرفته بودنش به لحاظ فنی هست».

- هویت سمّی

«خطرناک‌ترین ساسنگ‌فن بی‌تی‌اس هم یک دختر ۲۵ سال بود که به جونگ‌کوک گیر داده بود و یه بار تو فرودگاه لخت خودش رو می‌انداخت جلوی جونگ‌کوک، بعد بهش از تو وی‌ورس پیام‌های تهدید می‌فرستاد و بهش می‌گفت، تو باید با من ازدواج کنی، وگرنه می‌کشم. نمی‌دونم تفنگ دارم، چی دارم و گفتم برات، اعضاء رو شیپ می‌کنن و از اونجایی که بعضی‌ها ته‌کوک یعنی جونگ‌کوک و ته‌یونگ رو باهم شیپ می‌کنن برا جونگ‌کوک پیام فرستاده بود که تو اگه واقعاً با ته‌یونگ رابطه داری، من ته‌یونگ رو می‌کشم» (زهرا، ۲۱ ساله).

فضای مجازی به سبب ویژگی‌های خاص خود، نظیر مجازی بودن، امکان ناشناس ماندن، امکان شانه خالی کردن از تبعات حقوقی رفتارهای فرد در این فضا و نظایر آن، عرصه جدیدی را برای تخلیه روانی افرادی پدید آورده است که سرشار از ناکامی‌ها، تنش‌ها و عقده‌های ناگشوده هستند. به همین ترتیب فضای مجازی امکان تخلیه هیجانی افراد نامتعادل به لحاظ روانی را فراهم آورده است و برخی با اتکاء به همین مسأله، فضای مجازی را عرصه تخلیه هیجان‌های سرکوفته خویش می‌کنند.

از این دسته از افراد در عرف هواداران گروه‌ها مختلف کی‌پاپ، با عنوان هواداران سمّی یاد می‌شود. بنابراین می‌توان در توصیف هویت سمّی بیان داشت، برخی از افراد سالم و برخی از افراد نامتعادل، با انتخاب فضای مجازی برای تخلیه روانی خویش، در عمل فضای مسمومی را پدید آورده و ایجاد می‌کنند که از این دسته از افراد، می‌توان با عنوان افراد دارای هویت سمّی یاد کرد.

افرادی که دارای هویت سمّی هستند را می‌توان از منظری به سه دسته هواداران «عادی» که بیش‌تر جوّ گرفته بوده یا به دنبال تخلیه هیجانی و ترضیه روانی خویش هستند، «هیترها یا نفرت‌پراکنان» و «ساسنگ‌فن‌ها» تقسیم کرد.

گروه نخست یا هواداران «عادی»، افرادی هستند که در سلک هواداران گروه بی‌تی‌اس قرار دارند، اما یا دچار جوّ گرفتگی هستند و یا عرصه گروه و طرفداری خویش را معطوف به ارضای نیازهای درونی و هیجان‌های فروخته خویش می‌سازند.

برخی از هواداران در آغاز هواداری خویش، خود را موظف می‌دانند که با تمام توان با شور و حرارت از گروه بی‌تی‌اس دفاع کنند و در نفی و انکار گروه‌های رقیب بکوشند. این دسته از افراد جوّ گرفته، غالباً در اقدام‌های خویش از جاده انصاف خارج شده، در فضای نسبتاً آزاد و بدون کنترل فضای مجازی، دست به پرخاش به گروه‌های رقیب می‌زنند، اما در گذر زمان، تاحدودی تعدیل شده، دست از رفتارهای نامناسب و سمّی خویش برمی‌دارند.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از هواداران تازه کاری یاد می‌کند که در آغاز طرفداری خویش، دست به نفی و انکار افراد و گروه‌های رقیب می‌زنند:

«- توی دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که تعصبی باشه و توی فن‌وارها شرکت بکنه؟ آره، کلاً این جور موارد توی آرمی‌ها زیاده، البته نه آرمی‌های قدیمی، کسایی که تازه آرمی شدن و هنوز حتی آرمی واقعی به حساب نمیان، معمولاً آتیش‌شون تندتره چون تازه وارد فن‌دوم شدن و با این فضا آشنایی ندارن فکر می‌کنند، هر کی، هر چی درباره گروه مورد علاقه‌شون می‌گه، باید جوابش رو بدن و روش رو کم بکنند، در صورتی که یه کم که تو فن‌دوم می‌مونی و دعوایا رو می‌بینی، می‌فهمی جواب دادن کاملاً بی‌فایده هست و فقط باید واکنشی نشون نداد تا طرف مقابل بفهمه حرفاش واست اهمیتی نداره و چیزی از ارزش گروهی که دوستش داری، کم نمی‌کنه. کسی که به دیگران یا علاقه‌هاشون توهین می‌کنه، در واقع داره خودش رو کوچیک می‌کنه، چون این موضوع نشون می‌ده که شعور اجتماعی پایینی داره و هنوز به این درک نرسیده که آدم‌ها باهم متفاوتند و علایق متفاوتی هم دارند و تا وقتی که این علایق به کسی آسیب نمی‌زنه، حق دخالت و توهینی هم وجود نداره. اگه بخوای تو فن‌وارها شرکت کنی و همه‌اش جواب بقیه رو بدی، باید قبلش بدونی که این بحث‌ها هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسه و هیچ وقت هم تمومی نداره. در نهایت هیچ طرفی از موضع خودش پایین نیاد و حرف فن‌دوم مقابل رو نمی‌پذیره، فقط مدام توهین‌ها بیشتر و سنگین‌تر می‌شه تا جایی که دو طرف خسته می‌شن و در نهایت بی‌خیال دعوای می‌شن. مثلاً یکی از دوستانم بود که هر دعوایی پیش می‌اومد، این یه عالمه استوری تو فن‌پیجش می‌داشت و جواب همه رو می‌داد، من کلی بهش می‌گفتم بابا تو این قدر واکنش نشون می‌دی، در واقع داری به حرف‌هاشون توجه می‌کنی و بهشون اهمیت می‌دی، حتی حرف‌هاشون رو استوری می‌کنی که جواب بدی و همین کار پیج‌های اون‌ها رو مطرح‌تر و معروف‌تر می‌کنه و این وسط یه سودی هم بهشون، می‌رسونی مگه تو این رو دلت می‌خواد؟ ولی بازم گوش نمی‌داد متأسفانه...»



- مریم، آیا آرمی بودن استعداد و توانمندی خاصی می‌خواد؟

البته که می‌خواد. این همه تنش و دعوایی که فندوم آرمی با بقیه فندوم‌ها داری فکر می‌کنی به خاطر چیه؟ به خاطر همین دسته‌ایه که تازه آرمی شدن و فکر می‌کنند خبریه دیگه، همه جوره می‌خوان با همه دعوا کنند، خب این کارها آبروی آرمی‌های واقعی رو می‌بره، چون کسی که مدت زیادی کی‌پاپ باشه، دیگه این فهم و درک رو پیدا کرده که تو فن‌وارها شرکت نکنه و به گروه‌های دیگه احترام بذاره، ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزنند پاره‌اش کنن.

- قبل‌تر گفتم بعضی‌ها بعد از یک مدت کوتاه از آرمی بودن خسته می‌شن و از فندوم می‌رن، به نظرت دلیلش چیه؟

دلیلش اینه که از اول به خاطر علاقه واقعی به بی‌تی‌اس آرمی نشدن، به خاطر این که جدیداً همه جا حرف از بی‌تی‌اسه جذبش شدن. می‌بینند اکثریت آرمی شدن تحت تأثیر دوستاشون و فضای اینستاگرام هیجان زده می‌شن فکر می‌کنند خوش‌شون اومده میان یه مدت خیلی شدید بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنند و آتیش‌شون هم از آرمی‌های قدیمی‌تر تندتره، بعد از یه مدت که هم موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو صدفبار دیدن و یه فن‌پیچ نصفه نیمه زدن و چندتا دوست مجازی آرمی پیدا کردن خسته می‌شن و علاقه‌شون کم می‌شه».

هواداران دیگری با عطف توجه به هیجان‌های درونی خویش، می‌کوشند تا در فضای مجازی، دست به تخلیه روانی خویش بزنند، از این رو این دسته از افراد مثلاً ممکن است، دست به تهیه داستان‌هایی (فن‌فیکشن‌هایی) در مورد روابط خودشان با اعضا یا اعضای گروه با یکدیگر بزنند که این داستان-سرایی‌ها بیش‌تر از آن که معطوف به یک دوستی پاک و بی‌آلایش باشد، ترسیم‌کننده روابطی مبتنی بر مسایل جنسی متعارف و یا غیر متعارف است و در مجموع بیانگر هویت سمی است که این دسته از هواداران از خود به منصفه ظهور نهاده‌اند. نگین ۱۳ ساله، در نمونه‌ای در این جهت، در مصاحبه خود بیان می‌دارد:

«- به نظر شما هر فن‌فیکشنی ارزشمند هست؟

من خودم معمولاً بستگی داره چه فن‌فیکشنی را خوانده باشم. کلی فن‌فیکشن هست که خیلی خوشحال‌کننده است، مثلاً اگر شما آیدول باشین، اصلاً مشکلی باهاش ندارین یک‌سری فن‌فیکشن‌هایی هستن که خدایی ضربه روحی به آدم وارد می‌کنند و اگر یکی چنین داستانی را حتی اگر خیالی باشه، از زندگی شما بیاره بیرون، شما کاملاً روحیه‌تون نابود می‌شه».



«هیترها یا نفرت پراکنان»، افرادی هستند که طرفدار گروه‌های دیگر کی‌پاپ بوده و یا اصولاً طرفدار هیچ گروهی نیستند، اما برای تفریح و تنوع خویش و شاید تخلیه روانی خود، به سادگی با به دست آوردن هر بهانه‌ای، به اعضاء یا گروه بی‌تی‌اس (و دیگر گروه‌ها)، حمله کرده و با اهانت به آنان، به نوعی سعی در تشفی هیجان‌های آزارنده درونی خویش می‌کنند، ماحصل اقدام این دسته از افراد، مسموم شدن فضایی است که آیدول‌ها و دیگر هواداران در آن قرار دارند.

ترنم ۱۸ ساله، رخساره ۱۶ ساله و الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نفرت پراکنان به عنوان افرادی با هویت سمی یاد کرده اند:

«در مورد هیتهایی که به اعضاء دادن: مثلاً به چهره نامجون خیلی هیت می‌دادن اوایل دبیر و می‌گفتن که این آدم چهره خوبی برای آیدول شدن نداره، بعد این که یک رپر زیر زمینی بود، بهش می‌گفتن تو لیدر خوبی نیستی، تو هنوز نمی‌تونی جمله بسازی، چه طوری آهنگ می‌نویسی، خیلی زشتی و کلی توهین دیگه، یونگی خیلی پوستش سفیده اون قدر که می‌تونم بگم از شیر هم سفیدتره، اولای دبیر بهش می‌گفتن رنگ پوستت خیلی سفیده، انگار یک روحی یا می‌گفتن مثل گربه‌ها چندشی، به جیهوپ می‌گفتن، نخند، اصلاً لبخند بهت نمباد، دندون‌هات خیلی بزرگ ان، زشتی با این قیافه می‌خواهی آیدول بشی؟ به جین می‌گفتن، خیلی لاغر، خیلی قدش بلنده برای آیدول شدن پیره، چون اون موقع‌ها ۱۸ یا ۱۹ سالش بود، به جیمین که اون موقع‌ها یه کم تپل بود، می‌گفتن چاق، می‌گفتن لب‌هات خیلی بزرگه، بی‌استعدادی، شبیه دخترها هستی، به تهیونگ می‌گفتن تو دوست رو فروختی، برای این که بتونی آیدول بشی، می‌گفتن بی‌احساسی، تو لایق این هستی که همیشه تو روستا زندگی کنی و کارهای روستایی‌ها رو انجام بدی و به جونگ‌کوک می‌گفتن خیلی بچه‌ای برای آیدول شدن، چرا نمی‌ری مشق‌هات رو بنویسی و کلی هیت دیگه. هنوز هم هیته‌ها هستن، البته به این شکل نه، ولی هیترها با چیزهای جدید، هر روز بهونه دارن برای هیت دادن، مثلاً هیترهایی که سولو استن هستن، یعنی فقط طرفدار یکی از اعضاء گروه یا یک شیپ هستن، هیت می‌دن، اونم این جوریه که مثلاً بیان جین و نامجون رو شیپ کنن. نامجون تو یه برنامه به جونگ‌کوک یا جیهوپ نزدیک بشه به شونه‌اش

دست بزنه اون رو بغل کنه، دستش را بذاره رو دستش، می‌گن چرا جیهوپ این کار رو کرد، شاید می‌خواد بین نامجون و جین دعوا راه بندازه با این که اصلاً تأیید شده نیست که همچین رابطه‌ای هست یا نه و همه این‌ها در حالیه که بی‌تی‌اس همیشه برای هر دین و اعتقادات و نژاد و زبان و رنگ پوستی ارزش قایل هست، اما درست با همین رنگ پوست و چهره و این جور چیزا بهشون کلی هیت دادن.

در کل اوایل دیبو، هیت‌ها خیلی بیش‌تر بود و بین اعضاء نامجون و جیمین خیلی هیت می‌گرفتن، اما الان بی‌تی‌اس بزرگ‌ترین بوی بند جهان و صاحب بزرگ‌ترین فن‌دوم جهان هست و کسی نمی‌تونه که بهشون خیلی هیت بده».

«... مدل دیگه‌اش هم که فن‌نیست، هیتره، بدش میاد از آیدول‌ها و دل‌شون می‌خواد کلاً نباشن، بمیرن و آنتی فن هم کلاً هم از فن، هم بی‌تی‌اس هر دو مورد بدش میاد اونام بدن جز بدترین‌هان.

- این‌ها چه گروهی اند؟

اینا همین گروهی هستن که بی‌تی‌اس رو تهدید می‌کنن و فن‌هاشون و بعضی وقتا به بعضی از فن‌ها واقعاً آسیب می‌رسونن و بعضی فن‌ها رو واقعاً می‌کشن.

- تا حالا موردی پیش اومده؟

تا حالا یه مورد ایرانش هم داشتیم که یه دختره و رفیق‌هاش لباس بی‌تی‌اس تن‌شون بوده، بیرون بودن چهارتا پسر اومدن تیکه انداختن بهشون از سر بی‌تی‌اس و اونام از طبیعی اومدن جواب‌شون رو دادن، واسه همین درگیری شد و این پسر هم اومدن با سنگ کله دختره رو شکوندن که هشت تا بخیه خورد سرش.

- اون جزو آنتی فن‌ها بودن؟

جزو کسانی بوده که از بی‌تی‌اس بدشون می‌اومده، یک جوری آنتی فنه.

- بعد فکر می‌کنی چرا یک نفر این قدر از دیگران بدش میاد. یعنی این میزان دوست داشتن و این

میزان تنفر چه جوری ایجاد می‌شه؟

به هر حال بعضی از آرمی‌ها واقعاً جنبه ندارن، میان بعضی از خواننده‌های دیگه را هم مسخره می‌کنن، می‌گن بی‌تی‌اس از اونا بهتره، بعضی‌ها هم می‌گن بی‌تی‌اس بهتره. یه گروه دیگه هم که از آرمیا هستن، اونایی که آنتی فن‌را دوست دارن مسخره می‌کنن. که این باعث درگیری بیش‌تری می‌شه.

- یعنی همیشه یه دعوایی خیلی جدی در جریانه؟

آره.

- بعد کجا باهم دیگه دعوا می‌کنند؟

بعضی وقتا رودر رو می‌کنند، بعضی وقتا داخل توئیترها، داخل کامنت‌ها، هر جایی».

«- گفتم کمپانی گفته می‌خوایم با هیترها مقابله کنیم، خب این مسأله فقط در حد حرفه یا عمل

هم بهش کرده؟

مثلاً گفته که با اون‌هایی که هیتر خیلی بدی اند، ازشون شکایت می‌کنیم و یه هیتری بود که می‌اومد قیافه اعضا رو خیلی ترسناک می‌کرد که اسم پیچش رو هم گذاشته بود: بان کوک و خیلی از آرمی‌ها گفتن که اینو بلاکش کنیم و به بیگ هیت گزارشش رو هم بدیم که شکایت ازش بکنن، حتی در این حد بودن می‌اومدن ورد و کلمات مرگ می‌خوندن و می‌گفتن برای جونگ کوک و وقتی هم دلیل این کاراشون هم می‌پرسیدن می‌گفتن حوصله‌مون ازش سر رفته».

سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، ساده‌ترین بهانه‌ها (نظیر آسیب خوردن یک آیدول در حین اجرای برنامه)، مستمسک نفرت پراکنی هیترها واقع می‌شود. نرگس ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خودش از مهار ناشدنی بودن هیترها یاد کرده، یادآور می‌شود، این افراد حتی کارهای خلاف خویش را که در تعارض با رهنمودهای کمپانی یا اعضای گروه است، به نحوی توجیه کرده و به نفرت پراکنی خویش ادامه می‌دهند:

«- در اجراهاشون احتمال آسیب دیدگی هم وجود داره؟»

حتماً وجود داره، البته اینا خیلی تمرین می‌کنن، ولی احتمالش هست. همون طور که ورزشکارای حرفه‌ای مصدوم می‌شن اینا هم ممکنه براشون آسیب دیدگی ایجاد بشه.

توی کی پاپ هم تقریباً همین جوریه، اما گروه‌های بزرگی که خیلی موفق و معروف ان، هیتر هم زیاد دارن، اگر وسط اجرا همچین اتفاقی بیفته، هیترها براشون کلی چیزای خنده‌دار درست می‌کنن و اونا رو مسخره می‌کنن، مخصوصاً تو اینستا.

- چرا بعضیا از گروه خوش شون نمیداد و اون‌ها رو مسخره می‌کنند؟

هیت کردن تو کارای هنری کلاً زیاده، مخصوصاً کی‌پاپ. مثلاً طرف یه گروه دیگه رو خیلی دوست داره، بعد به بقیه گروه‌ها و خواننده‌ها هیت می‌ده که مثلاً اینا رو بیاره پایین و گروهی که دوستش داره بره بالا یا مثلاً تو زندگی روزمره هم شده که از یه نفر احساس خوبی دریافت نمی‌کنیم، سعی می‌کنیم طرفش هم نریم، این هم ممکنه باعث هیت کردن گروه‌ها بشه».

«- چه وقت‌هایی از دعوا کردن با دیگران حس خوب می‌گرفتی یا برعکس عصبی می‌شدی؟»

کلاً اون دعواها و درگیری‌ها من رو عصبی می‌کرد. یعنی خب وقتی می‌رفتی و به یک آرتیستی بی‌احترامی می‌کردی، طرفدار اون آرتیست میاد به تو و آرتیست مورد علاقه‌ی تو بی‌احترامی می‌کنه، خب این آزار دهنده هست و معلومه آدم عصبی می‌شه. اما خب اون حس تخریب و عصبی کردن طرف مقابل یه کم از شدت خشمم کم می‌کرد. ولی کلاً اذیت کننده بود، اگر نبود شاید همچنان تو فندوم باقی می‌موندم. می‌دونم یه جواری دیگه همه می‌دونن که بی‌تی‌اس طرفدارای تاکسیک (سمی) داره. من دیر فهمیدم. چون خودمم جزئی از همون طرفدارا بودم. کلاً فضای مسمومی داره. هیچی هم نباشه، خود طرفدارا داستان درست می‌کنن و جو می‌دن و دعوا راه می‌اندازن. نمی‌گم همه‌ی طرفدارا این جواری

ان، خلیا سعی می‌کنن فضای فندوم رو آروم کنن و نذارن دعوایی بشه. مدام می‌گن فقط از آرتیست حمایت کنید. با رفتارتون باعث می‌شید چهره اون‌ها خراب بشه. اما یه درصد زیادی از فنا تاکسیک و متعصب بودن.

- خودت هیچ وقت سعی نکردی مثل اون درصد کم باشی؟

نه، چون فکر می‌کردم دارم کار درستی می‌کنم که به خاطرشون با زمین و زمان دعوا می‌کنم، اون درصد کم، نوع نگاهشون این بود که آیدول ما بهمون می‌گه به هم دیگه احترام بذارید، سعی می‌کردن به حرف پسرا گوش بدن. یه جورایی خودشون رو نماینده می‌دونستن که وظیفه دارن با رفتار خوبشون به دیگران بفهمونن که پسرا چه طرفدارایی رو تربیت کردن. ولی نوع نگاه من و امثال من، این نبود. ما می‌گفتیم خب پسرا نمی‌تونن از خودشون دفاع کنن. پس ما باید بیایم و ازشون در برابر حرف‌هایی که بهشون می‌زنن، حمایت کنیم».

«ساسنگ‌فن‌ها»، هوادارانی هستن که آشکارا دچار عدم تعادل روانی هستن و با تجاوز به حریم خصوصی آیدول‌ها، آگاهی از اطلاعات محرمانه آنان و افشاگری آن‌ها، دست زدن به اقدام‌های غیرمعتارفی که سلامت جسمی یا روانی آیدول‌ها را به خطر می‌اندازد و یا حتی تهدید به قتل رساندن آیدول‌ها، به ترضیه روانی خویش دست می‌یابند.

حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف ساسنگ‌فن‌ها چنین می‌گوید:
«- ساسنگ چیه؟»

ساسنگ‌فن کسیه که می‌خواد به زندگی خصوصی آیدولا وارد بشه و مثلاً آیدول رو تعقیب می‌کنه و براش شایعه در میاره که مثلاً این با من ازدواج کرده و یه دونه بچه داریم و اینا. بعد فقط همین نیست بعضیاشون به آیدولا آسیب جدی وارد می‌کنن.
- منظور از آسیب جدی چیه، جسمی یا روحی، بعد آیا این شایعه درست کردنای ساسنگ‌ها به نفع کمپانی نیست؟

هم آسیب روحی هم جسمی. روحی مثلاً همین شایعه‌ها و یه چیزای دیگه مثلاً یه ساسنگ یه بار رفته بود از زیر دامن یه آیدول دختر عکس گرفته بود. با این کار هم می‌تونه آیدول رو تهدید کنه که مثلاً فلان کار رو بکن وگرنه عکست رو پخش می‌کنم یا اصلاً بدون تهدید عکسش رو پخش کنه. گاهی هم مثلاً توی فرودگاه می‌رن محکم به آیدول تنه می‌زنن، کلاً ساسنگ‌ها خیلی خطرناکن به نفع هیچی نیستن حتی کمپانی.

- یعنی ساسنگ همون هیتره؟

نه، بین هیتر کسیه که مثلاً توی فضای مجازی به یه آیدول بی‌احترامی می‌کنه و فحش می‌ده مثلاً. ولی ساسنگ جدی جدی می‌ره آیدول رو تعقیب می‌کنه و آسیب جدی می‌زنه».

رخساره ۱۶ ساله، سونییای ۱۷ ساله و ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود از ساسنگ‌فن‌هایی یاد می‌کنند که در آرزوی به قتل رساندن اعضای گروه بی‌تی‌اس هستند:

«- شده تا حالا درخواست‌های غیرمعمول هم از شون داشته باشن یا سوال‌های خاصی از شون بپرسن؟ اوم اینا ساسنگ‌فن ان، یعنی فن‌هایی هستن که خیلی اشتباه آیدول‌هاشون رو دوست دارن، مثلاً یه طوری خیلی دوست داشتنشون رو به آیدول‌ها نشون می‌دن که باعث می‌شن آیدول‌ها ضربه‌های خیلی بدی بخورن. اونا معمولاً داخل هر گروهی هستن داخل هر گروه کی‌پاپی و همین اینا باعث می‌شن که کی‌پاپ‌ها آسیب ببینن.

- می‌گی چه جور فن‌هایی هستن؟

مثلاً داخل فرودگاه که بی‌تی‌اس می‌ره، داخل فرودگاه اونا لخت می‌رن جلوشون یا مثلاً تعقیب‌شون می‌کنن که آدرس خونه‌شون رو در بیان و کلاً کارای خطرناک. بعضی وقت‌ها حتی تهدیدشون می‌کنن.

- تهدید به چی؟

تهدیدشون می‌کنن که آره من اطلاعات خیلی شخصیت رو گیر آوردم، اگه نیای من رو از نزدیک ببینی اون رو پخش می‌کنم. یا بعضی وقت‌ها، بعضی از اعضای بی‌تی‌اس با تفنگ تهدید شدن که می‌گن آره من میام داخل کنسرت و با تفنگ کارت رو تموم می‌کنم».

«... یه دونه ساسنگ‌فن هست که بهش می‌گن خطرناک‌ترین ساسنگ‌فن کی‌پاپ. این خیلی شدید طرفدار اکسو بوده بعد لقب اصلیش قاتل آیدول‌است. تا حالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خوامم اکسو رو از شر اونا راحت کنم».



«- در مورد ساسنگ‌فن‌ها هم یه توضیحی بهم می‌دی؟»

ساسنگ‌فن‌ها، همون فن‌هایی هستن که علاقه‌ی اون‌ها بسیار شدید و ناسالم هست و این احساسات شدید، باعث می‌شه این افراد حتی بدون توجه به رضایت خود آرتیست، دائماً برای جلب توجهش تلاش کنن، خودشون رو بهش نزدیک کنن، از تمام افعال و تحرکاتش خبردار بشن و از زندگی شخصی اون

هنرمند سر دربیارن و حتی امنیت اون رو به خطر بندازن و به حریم شخصیش تجاوز کنن. این افراد تعداد کمی هستن که اکثراً هم بعد مدتی شناخته می‌شن و حتی از سمت آرتیست و کمپانی هم از اون‌ها شکایت می‌شه و به هر شیوه‌ای، تلاش می‌شه که تحت کنترل در بیان.



(تصویری از یک سسانگ‌فن در یکی از لایوهای گروه بی‌تی‌اس با طرفدارانشان که به صورت مخفیانه توانسته بود وارد اتاقشان در هتل شود).

- توی این درگیری‌ها توی توئیتر و اینستاگرام معمولاً فن‌ها چه کار می‌کنن؟ این درگیری توی فحش دادن و نظرات منفی محدود می‌مونه یا کارهای بدتری هم هست؟
گاهی این درگیری‌ها، خود آیدول‌ها رو هم نشونه می‌گیره و آسیب روحی و روانی به آرتیست وارد می‌کنه. حتی گاهی به تهدید کردن آرتیست هم ختم می‌شه و البته باید اشاره کنم که این تهدیدها هیچ وقت عملی هم نمی‌شن. اما در حد تهدیدهای مجازی هم آسیب زنده هستن و امنیت آرتیست رو به خطر می‌اندازن. مثل زمانی که جیمین در یکی از تورهای کنسرت در توئیتر تهدید به حمله با اسلحه و قتل شد و مشکلات زیادی ایجاد کرد و تعداد زیادی از فن‌ها و حتی خود اعضای بی‌تی‌اس رو مشوش کرد».

رخساره ۱۶ ساله، در فرافرد دیگری از مصاحبه خودش از زن هواداری یاد می‌کند که از شوهر خودش طلاق گرفته است تا امکان احتمالی ازدواج با آیدول مورد علاقه‌اش را پیدا کند:
«- فن‌هایی که گفتی اینا رو دوست دارن و می‌خوان باهاشون دوست بشن، همونایی هستن که از شوهرشون هم طلاق می‌گیرن؟
بعضیاشون آره، ولی کلاً اینا معمولاً جزو خطرناک‌ترین فن‌ها هستن که آیدول‌ها اصلاً از دست‌شون امنیت ندارن.

- مدل‌های مختلف فن هست، این جور که گفتی، می‌گی این‌ها خطرناک ان.
بله.

- لطفاً برام بگو؟

اوم اسمشون رو؟ اسم این جور فن‌هایی که گفتم ساسنگ‌فنه».

فرشته و مهتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌های خود، دست به توصیف ابعاد دیگری از ساسنگ‌فن‌ها زده اند:

«نظرت در مورد ساسنگ‌فن‌ها یا اون دسته از افراد و فن‌هایی که موجب اذیت اعضاء می‌شن، چی هست؟»

ساسنگ‌فن‌ها یک دسته از منفورترین آدم‌های توی دنیا هستند، به خاطر این که این‌ها آدم‌های بی‌خود و بی‌کاری هستند که قصدشون اذیت کردن آیدول‌ها هست و این‌ها بعضیاشون دیوونه و روانی‌ان، چون وقتی تو یک شخصی رو بیش از اندازه دوست داشته باشی، دیوونه می‌شی، روانی می‌شی و هر کاری واسش می‌کنی. می‌ری جلب توجه می‌کنی، می‌ری اذیتش می‌کنی و کلاً از حالت نرمال می‌ای بیرون که بعضی از ساسنگ‌فن‌ها جزو همچین افرادی هستند که اونا این قدر عشق و علاقه‌شون بالا می‌زنه که دست به همچین کارای دیوونه‌واری می‌زنند، میان پیام جنسی می‌ذارند میان آزار و اذیت انجام می‌دند، حتی این ثابت شده که اعضاء بی‌تی‌اس خیلی تماس‌ها داشتند از ساسنگ‌فن‌ها چون می‌دونستند، شماره‌شون کجاست، خونه‌هاشون کجاست، لوکیشن‌شون کجاست و بهشون زنگ می‌زدند تا مثلاً بهشون بگند، آره ما شماره شما رو داریم و می‌تونیم اذیت‌تون کنیم، بعضی‌ها هم می‌رفتند کارای وحشتناکی می‌کردند مثلاً تئوری و شایعه‌اشون می‌ساختند





- این اذیت‌ها بیشتر شامل چی می‌شوند؟

شامل پیام‌های جنسی، رفتارها جنسی، اذیت کردن از لحاظ روحی روانی، فرستادن پیام‌های اذیت کننده، کارهایی که باعث می‌شود، آیدول‌ها احساس امنیت نکنند، مثلاً میان می‌گن، من می‌دونم تو الان کجایی، توی چه هتلی هستی، شماره اتاقت چنده و خب اون آیدول اون لحظه روانش بهم می‌ریزه که هر لحظه مورد حمله قرار نگیری و از کجا معلوم این فردی که این همه اطلاعات داره، نقشه‌ی قتل رو نکشیده باشه؟ برای همین باعث می‌شه هم خود اون ساسنگ‌فن که گویا از قبل مورد آزار روحی روانی بوده بقیه رو هم آزارهای روحی روانی بده».





«- حالا که به این مسأله طرفدارهای سرسخت اشاره کردید، می‌خواستم درباره ساسنگ‌فن‌ها ازتون

بپرسم. چه کسی یک ساسنگ‌فن حساب می‌شه؟

ساسنگ به کراهی یعنی زندگی شخصی و ساسنگ‌فن یعنی فن زندگی شخصی. این‌ها فن‌هایی هستند که مثلاً همه زندگی و پول و انرژی‌اش رو می‌ذاره تا اطلاعات شخصی یا محرمانه بی‌تی‌اس رو دربیاره. مثلاً کلی وقت می‌ذاره و پول خرج می‌کنه که شماره صدلی یکی از اعضای بی‌تی‌اس توی یه هواپیما که فلان روز داره از فلان جا می‌ره به فلان جا رو پیدا کنه که بتونه یه صدلی بغلش بخره و طی زمان پرواز باهاش حرف بزنه. چون اینا دیوونه هم هستند و فکر می‌کنند که اگر برن و با آیدول شون صحبت کنند، اون عاشق شون می‌شه و میاد با اینا ازدواج می‌کنه و می‌رن باهم زندگی می‌کنند و بچه‌دار می‌شن. تا این حد و بعد این‌ها اطلاعات هم می‌فروشند و از این راه درآمد کسب می‌کنند.

- جداً اطلاعات می‌فروشند و فن‌ها هم ازشون می‌خرند؟

آره خب، یک عده هم هستند که بخرند. مثلاً می‌خوان بفهمند، آیدول محبوب شون فلان روز از کجا رد می‌شه. همین چند وقت پیش بود که یه ساسنگ ایرانی برای تهیونگ توی فرودگاه مزاحمت ایجاد کرد و رفته بود اونجا و دوربینش رو کرده بود توی حلق تهیونگ و لباسش رو می‌کشید و سریع هم البته رفت و سوار ماشینش کردند و بردنش... .

- کمپانی هم دست روی دست می‌گذاره که این ساسنگ‌ها این کارها رو بکنند؟

نه کمپانی هم کارایی می‌کنه که جلوی این ساسنگ‌ها رو بگیره. مثلاً یه کاری که می‌کنه، اینه که ساسنگ‌ها رو شناسایی می‌کنه و دیگه بهشون اجازه نمی‌ده بیان کنسرت. می‌ذارت شون توی لیست کنسلی‌ها. همین خانوم ایرانیه هم بعد از این کارش رفت توی همین لیست کنسلی‌ها و آبروی نداشته ایران رو برد یا مثلاً یه ساسنگ‌فن دیگه هم بود به نام لین یائو اگر اشتباه نکنم که این یک‌بار بدون شلوار توی فرودگاه دنبال این‌ها راه افتاده بود و باهاشون سعی می‌کرد حرف بزنه و کلاً طرف هم معروف شد، چون چندین بار همین طوری با انواع آرایش و این‌ها اومده بود اون جا که مثلاً تلاش کنه دل یکی

از این‌ها رو ببره. واقعاً نمی‌دونم چه طور می‌تونند این کارها رو بکنند. وقتی بعدش بادیگارد‌ها قراره بیان و هل‌شون بدن و خود آیدول‌ها هم از این قضیه ناراحت می‌شن. یکی هم بود یک‌بار که از روی این حفاظ‌های اونجا پرید و می‌خواست یکی‌شون رو به زور ببوسه. چه طور یه کسی می‌تونه این قدر احمق و خوار باشه؟ حال آرمی‌ها رو بد می‌کنه کارهای این ساسنگ‌ها واقعاً. من که دلم می‌خواد بزخم‌شون».



- هویت سمی گروهی

هویت سمی گروهی عبارت از هویت گروهی است که برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار، خشونت و پرخاشگری و اصولاً برخوردهای سمی در دستور کار افراد آن گروه قرار دارد و ماهیت گروه با برخوردهای نامناسب و خارج از عرف آن‌ها شناخته می‌شود. دلایلی که در شکل‌گیری هویت سمی گروهی مؤثرند، در درجه نخست اهمیت، ناشناس ماندن در فضای مجازی و تهدید اندکی که متوجه افراد خاطی در آن است، هست. در درجات بعدی اهمیت پرهیجان بودن فضای کی‌پاپ و همین‌طور حاکمیت برخوردهای هیجان‌مدار در گروه بی‌تی‌اس است که مجموعه این موارد، سبب می‌شوند، هواداران بی‌هویت یا هوادارانی که با هویت‌های سمی حول گروه بی‌تی‌اس گرد هم آمده‌اند، برخوردهای گروهی پرخاشگرانه، ستیزه‌جویانه و شخصیت‌شکن را در دستور کار خود قرار دهند و بر همان منوال عمل کنند.

پونه ۱۸ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خود، شواهدی از هویت سمی گروهی را به دست داده‌اند:

«- توی توئیتر برای چی رأی‌گیری می‌کردید؟»

یه سری رأی‌گیری بود بین بند و گروه‌های مختلف که یه سری برنامه‌ها و رادیوهای معروف امریکا برگزار می‌کردن. مثلاً بین طرفدارای بی‌تی‌اس و بلک‌پینک یا وان‌دایرکشن یا بین آرتیستای مختلف. بعد خب همه باهم متحد می‌شدیم که رأی بدیم که بی‌تی‌اس برنده بشه. بعد شیفی کرده بودیم. سه‌تا شیفت می‌شدیم. یه سری از شب تا صبح، یه سری از صبح تا ظهر و یه سری هم از عصر تا شب و همیشه‌ی خدا هم برنده می‌شدیم. فندومای دیگه جوری حرص می‌خوردن و فشار می‌خوردن و بد و بیراه می‌گفتن به ما و پسرا که باورت نمی‌شه. ولی ما هم ایگنورشون (نادیده گرفتن) می‌کردیم و کارمون

رو می‌کردیم. دو، سه بارم یه دعوای خیلی شدیدی شد، بین طرفدارای وان دایرکشن و آرمیا تا چند روز به هم فحاشی می‌کردن. ولی خب تموم شد رفت خاطره‌هاش موند.

- بیش‌تر دعوها سر چی بود؟

بین کلاً توی توئیتر هر جا اسم بی‌تی‌اس رو دیدی، بدون که یه دراما و دعوایی هم هست، آرمی‌های اینتر و خارج رو کاری ندارم، ولی تو همین ایران همیشه‌ی خدا دراما بوده تو فن‌دوم. آرمی‌ها با طرفدارای اولیویا^۱ رودریگو دعو دارن سر قضیه‌ی گرمی.



اولیویا گرمی رو برد و خیلیا گفتن حق بی‌تی‌اس بود. بعد از این قضیه‌های گرمی و بیل‌بورد همه‌اش دارن به این دختر هیت می‌دن. و تازه اسمش رو هم مسخره می‌کنن، بهش می‌گن اولویه با طرفدارای وان‌دی سر خیلی چیزا درگیری دارن. نمونه‌اش همون که گفتم سر رأی‌گیری تا چند وقت هر دو تا طرفدارا به هم بد و بیراه می‌گفتن. البته هستن کسانی که هم طرفدار وان‌دایرکشن باشن، هم طرفدار بی‌تی‌اس، اما خب خیلی زیاد نیستن یا سر این که بزرگ‌ترین بوی بند دنیا بی‌تی‌اسه یا وان‌دایرکشن باهم دعو دارن. آرمیا می‌گن وان‌دی دیگه رفته برنمی‌گرده و شروع می‌کنن به مسخره کردن. از اون طرف هم طرفدارای وان‌دی می‌گن که بی‌تی‌اس در برابر وان‌دی چیزی نیست و وان‌دی اون زمان تونست این قدر بیاد و بدون تبلیغ زیاد، بزرگ بشه، اگر الان بودن دیگه بی‌تی‌اس حرفی برای گفتن نداشت. اینم از درگیری با طرفدارای وان‌دایرکشن.

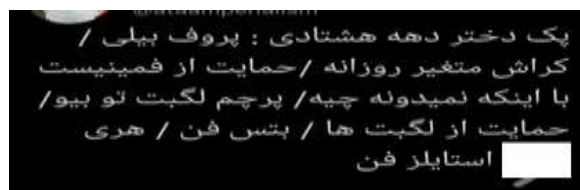


۱ - اولیویا رودریگو بازیگر، خواننده و ترانه‌سرای اهل ایالات متحده آمریکا است. وی از سال ۲۰۱۵ میلادی تا اکنون مشغول فعالیت بوده است.

بعد بزرگ‌ترین دشمن بی‌تی‌اس و آرمی‌ها بلک‌پینکه. کاش می‌تونستم بگم با کلمه‌ها اون میزان تنفر و نفرت آرمی‌ها از اعضای بلک‌پینک چه قدره. سر خیلی از قضیه‌ها هم درگیرن باهم. مثلاً آرمی‌ها می‌گن که جنی داره از تهیونگ سوءاستفاده می‌کنه که خودش رو بکشه بالا یا مثلاً چندین بار سر رأی‌گیری‌هایی که داخل خود کره بود، هر دوتا طرفدارا ریختن سر هم.



جدای از این طرفدارا، کلاً توی توئیتر هم خیلی از خود ایرانیا از طرفدارای بی‌تی‌اس و خود پسرا متنفران و روزی نیست که فحش ندن به ما و پسرا. از پسرا به معنای واقعی متنفران و خیلی ببخشید که این کلمه رو می‌گم، اما بارها شده به پسرا گفتن ک... و حرفای این جور زدن. گفتن اینا ک... هستن که آرایش می‌کنن و شبیه دخترا هستن و کلی هم به طرفدارا فحش می‌دن. یعنی نفرتی که ایرانی جماعت از بی‌تی‌اس و آرمی داره، قابل وصف نیست.



«- عزیزم چرا از آرمی‌ها بدت می‌اومد، دلپیش رو می‌توننی بگی؟»

چون که خیلی و خیلی و خیلی شنیده بودم که آرمی‌ها متعصب ان و بچه‌های چهارده، پونزده ساله ان، بعد اینا اکثراً تو گپای زیادی اند و کلی فرندز (دوست) دارن و بعد من دیده بودم وقتی یکی‌شون با اون یکی‌شون به مشکل می‌خوره یا اصلاً با یکی خارج از اون گروه، آیدی اون فرد رو می‌ذاره تو گروه بعد به دوستاش می‌گه برید مثلاً فحش بدید و بد و بیراه بگید و بلاک و ریپورت و بعد من پشمام ریخت و جرأت نمی‌کردم باهاشون صحبت کنم، نمی‌شد هیچی بهشون گفت و این طوری هم نبود که بگم می‌ترسما، نه، حوصله نداشتم یه سیل عجیبی از حرف‌های چرت و پرت ببینم.

- این مسأله برای خودت پیش اومده بود که یکی از آرمی‌ها آیدی تو رو بگذاره تو گروه؟
برای خودم نه، برای دوستم آره، یکی‌شون با دوست من رو دور لچ افتاده بود و بعد این کار رو کرد و من اینا رو از دوستم شنیده بودم و تا مدت‌ها ازشون خوشم نمی‌اومد تا این که خودم واردشون شدم و نظرم عوض شد... .

- مرضیه تو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تعصب خاصی داری؟
تعصب که آره (می‌خندد). خب تعصب روی آیدول چیزیه که همه‌ی ما داریم اما به اندازه‌اش.
- این اندازه چه قدره؟

به نظر من این مهمه که اون قدر متعصب نباشیم که با تعصب خودمون به بقیه یا حتی به فندوم آسیب بزنینم و دید بقیه رو نسبت به خودمون بد کنیم و این تعصبه باعث بشه دعوا کنیم، هیت بدیم، دلی رو بشکونیم، من اگه بخوام متعصب بشم، هی هر روز دعوا کنم به فندوم‌های دیگه پیرم که خودمم آرامش ندارم، به خاطر همین اوکی، من تعصب دارم من حتی روی خانواده و دوستام تعصب دارم، اگر کسی بهشون هیت بده، ازشون دفاع می‌کنم و پشتت‌شون در میام و این در مورد علاقه‌ام به بی‌تی‌اس هم صدق می‌کنه، ولی این طور نیست که دعوا کنم و گیس و گیس‌کشی، نه آخرش به خودم می‌گم، این این قدر می‌فهمه و بیش‌تر از این باهاش بحث نکن.

- یعنی تا این حد اوکیه و بیش‌تر از باشه موردی داره؟
اوهوم.

- فن‌های متعصب چه طوری رفتار می‌کنن؟

خیلی، خیلی سریع بلاک و ریپورت می‌کنن، ممکنه حتی فحش‌های رکیک هم بدن، بعد آها یه چیزی که هست فقط خودشون بلاکت نمی‌کنن که، به دوستاشون هم می‌گن آیدیت رو برای بقیه هم می‌فرستن و بلاکت می‌کنن و پیجت یا اکانت تلت (تلگرامت) به فنا می‌ره، به همین دلیل اصلاً نباید باهاشون وارد بحث شد و یه حجم عظیمی از پیام‌های منفی دریافت می‌کنی که آرامشت رو به فنا

می‌ده، من خودم که آرمی هستم، اصلاً جرأت ندارم به این دسته افراد چیزی بگم، چون اصلاً اون بخش از مغزشون که باید بفهمه و با حرف زدن یه مشکلی رو حل کنه سوخته، حتی برای همین یه اکانت فیک دارم که اگر یه موقع خواستم حرفی بزنم با اکانت اصلیم نزنم که اون اکانت رو از دست بدم.

- تو خودت از دریافت اظهارنظرهای منفی از سمت این گروه می‌ترسی؟
اوهوم (می‌خندد).

حالا فکر کن خود آیدول‌ها چه قدر اذیت می‌شن و وقتی کلی هیت می‌گیرن، حال روحی‌شون بد می‌شه.

- می‌توننی برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟

حالا دوستانم که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من یه روزی می‌رم کره و باهش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا!؟

یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراه ... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا تهکوکرا که خیلی بین‌شون دعواست».



نرگس ۲۱ ساله، در بیانات خود ضمن شرح مصداقی از هویت سمی گروهی، خاطرنشان می‌سازد، پرخاشگری بی‌حد و حصر گروهی که وی در آن قرار داشت، کار را به جایی رسانده بود که وی در خانه نیز در برخورد با هر مسأله جزئی‌ای دست به پرخاش زده و به تعبیر خودش، به یک «انسان وحشی» تبدیل شده بود:

«- چی شد که فاصله گرفتی از کی‌پاپ؟»

عام بعد از کنکور و رفتن به دانشگاه به کم اون حس و حال کم‌تر شد به سری اتفاق افتاده بود که بی‌تأثیر نبود تو این که دیگه پیگیرشون نباشم.

- چه اتفاق‌هایی؟

من یک مدت توی توئیتر اکانت داشتم و با بقیه‌ی آرمی‌ها در ارتباط بودم، توئیت می‌زدم و بیش‌تر هدفم از این که توئیتر رو نصب کردم، این بود که ویدیوهای دنسی که با آهنگای بی‌تی‌اس می‌رم رو اونجا با بقیه شیر کنم و خود اکانت بی‌تی‌اس رو منشن (ذکر) کنم، شاید که به روزی ویدیوهای من رو دیدن. اون اوایل اون قدری اعتماد به نفس نداشتم، اما یکی از دوستای مدرسه‌ام من رو تشویق کرد که حتماً این کار رو انجام بدم و من هم انجام دادم. ویدیوهایم بین آرمی‌ها خیلی ویرال شد. منظورم فن‌دوم ایرانه، نه خارج. دوست داشتن و همه‌اش ترغیب می‌کردن من رو که برم ویدیو بذارم، بعد از یک مدت خب به سری دوست پیدا کردم توی توئیتر و باهاشون صمیمی شدم و چون ارتباطمون مجازی بود، خیلی راحت‌تر بودم. حضوری به کم سختمه همیشه، با این وجود کلاً از فضای توئیتر خوشم نمی‌اومد. همه‌اش دعوا و درگیری بود و منم که از نظر روانی خیلی حال خوبی نداشتم، این اتفاقاً باعث می‌شد، حالم بدتر بشه.

- دعوا سر چی؟

سر همه چی دیگه. فضای توئیتر به فضای خیلی آزاد و نامحدوده که هر کسی می‌تونه هر چیزی که دلش می‌خواد رو بگه. راحت به هم توهین می‌کردن. دعوا بود. طرفدارای گروه‌های مختلف می‌اومدن و به هم دیگه می‌پردن. سر همه چیز باهم دعوا می‌کردن و منم به آدمم و طبیعتاً تحت تأثیر جو قرار می‌گیرم. منم بعد از چند وقت قاطی این دعواها و ماجراها شدم. خودتم احتمالاً متوجه شدی که من به طرفدار افراطی بودم. جوری که به زمانی یونگی رو فقط متعلق به خودم می‌دونستم. خب تصور کن با همچین زمینه‌ای من برم توی توئیتری که این قدر این افراطی‌گری‌ها توش زیاده.



اون تایم توی توئیتر خیلی اذیت شدم. یعنی شاید یکی از دلایلی که باعث شد علاقه‌ی من به بی‌تی‌اس کم‌تر بشه، همین فضای توئیتر بود که هیچ فرقی با باغ وحش نداشت. بعد بزرگ‌ترین اشتباهم این بود

که رفتم توی توئیتر و با یه اکپ که خیلی تاکسیک (سمی) و افراطی بودن دوست شدم. این اکپ جزو افراطی‌ترین‌های توئیتر بودن. به شدت تعصبی و بی‌منطق. مثل یه آدم کور که هیچ چیزی جز اون چیزی که خودش می‌خواد رو قبول نداره. روز و شب به آرتیستایی غیر از بی‌تی‌اس فحش می‌دادن و اصلاً کسی رو جز بی‌تی‌اس، لایق موفقیت و پیشرفت نمی‌دونستن. من متعصب با رفتن به توئیتر تعصبی‌تر شدم. دیگه یه کم هم منطق نداشتم. کافی بود یکی بگه بالای چشم پسرای بی‌تی‌اس ابرو هست. طرف رو نابود می‌کردم. حالا این تو مجازی بود. این پرخاشگری و تعصبم به زندگی واقعیتم رسید جوری که مدام تو مدرسه و خونه عصبی بودم. مدام با مامانم دعوا می‌کردم، خواهر کوچیک‌ترم به دنیا اومده بود، گریه می‌کرد، عصبی می‌شدم. قشنگ مثل وحشی‌ها شده بودم. واقعاً روزای مزخرفی بودم».

۲-۱۳- تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران

فضای کی‌پاپ، فضایی هیجان‌زده است و به نظر می‌رسد، فضای گروه بی‌تی‌اس در مجموعه گروه‌های کی‌پاپ، فضایی به مراتب هیجان‌زده‌تر باشد، زیرا در کنار تمهیدات کمپانی بیگ‌هیت در پردازش هیجانی کنسرت‌های بی‌تی‌اس و تولید انبوهی از برنامه‌های جانبی پرهیجان (نظیر ران بی‌تی‌اس، بن‌ویاژ، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، فن‌میتینگ، فن‌ساین، جشن فستا و مانند آن‌ها)، طرفداران پسران بی‌تی‌اس نیز وارد صحنه شده، با ایجاد صفحات، سایت‌ها و تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها و بیس فندوم‌ها)، از سویی حداکثر سعی خود در برتری یافتن گروه موسیقایی مورد علاقه‌شان در جشنواره‌های مختلف موسیقی را دارند و از سوی دیگر خود را موظف به ستیز و حتی درگیری با افراد ناقد و نفرت‌پراکنان احتمالی می‌دانند که بعضاً در پی هویت نداشته خویش، کوشیده‌اند تا با توسل به این گروه و آن گروه، برای خود هویتی دست و پا کنند.

از این رو به نظر می‌رسد، قرار گرفتن نوجوانان و جوانان طرفدار در فضای اخیر، در درجه نخست اهمیت، به تسهیل روابط اجتماعی هواداران هم‌سو با یکدیگر بینجامد و در درجه بعدی اهمیت، به تحدید روابط اجتماعی هواداران بی‌تی‌اس با افراد غیرهوادار و در سطحی فراتر ناقد گروه بی‌تی‌اس برسد. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، تشکل هواداری وی و دوستانش در مدرسه، قانونی دال بر این که «اگر فردی از هواداران، تمامی هفت عضو بی‌تی‌اس را دوست نداشته باشد، خیانت‌کار است!» را تصویب کرده است. به تعبیر دیگر، برخی از هواداران با تدوین مقرراتی با معیار قرار دادن عشق‌ورزی به گروه بی‌تی‌اس، شخصاً به استقبال تسهیل و یا تحدید روابط اجتماعی خویش با دیگران می‌شتابند:

«- چرا نمی‌توانی ابراز علاقه کنی؟»

به این دلیل که می‌گه هر کی فقط یکی از آیدول‌ها رو دوست داشته باشه به گروه خیانت کرده.

- یعنی یک هوادار وفادار باید همه اعضای گروه را دوست داشته باشه؟
بله، بذارید این طوری بگم که ما توی مدرسه گروه هواداری از بی‌تی‌اس زدیم و سارا قلدره هم شده
لیدر گروه.

- یعنی در مدرسه فن‌دوم دارید؟
بله و این فن‌دوم هم مثل باقی فن‌دوم‌ها قوانینی داره. مهم‌ترین قانون فن‌دوم ما اینه که هیچ کس حق
نداره به یک آیدول خاص علاقه‌مند بشه و باید همه رو هم اندازه دوست باشه.

- ولی اگر این طور باشه تو خائن محسوب خواهی شد.
بله، ولی من این طور فکر نمی‌کنم، این رو گفتم، چون گفتید نظر بقیه دوستان چیه، بقیه دوستای
من به جز یکی، دو نفر خیلی بدتر از من هستن. به جز سارا هیچ کس حق نداره قانون بذاره.

- چرا از فن‌دوم خارج نمی‌شوید؟
یکی که از ترس سارا و یکی هم این که دارم به بی‌تی‌اس کمک می‌کنم.
- چه کمکی؟

برای بی‌تی‌اس یه گروه تشکیل دادیم و داریم عضو می‌گیریم و الان گروه‌مون تازه رشد کرده.
- حتی اگر این تعهدت به گروه باعث بشود که تحقیر بشی؟
تا الان تحقیر شدم، تحمل کردم اینم روش. هر آرمانی، دردسرهای خودش رو داره».

نیکوی ۱۵ ساله و پرنیاز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش اظهار داشته اند که مبتنی بر معیار
مهرورزی به گروه بی‌تی‌اس، آنان دوست انتخاب کرده و به روابط و تعامل‌های اجتماعی خویش، نظم
و نسق می‌بخشند:

«- به نظرت بی‌تی‌اس باعث شده راحت‌تر بتونی دوست پیدا کنی؟
آره، صددرصد، مخصوصاً توی سن ما خیلی این قضیه رایج هست و من خودم بهترین دوستم رو از
همین طریق پیدا کردم. مثلاً یه جا که می‌ری می‌بینی که طرف کیف بی‌تی‌اس داره، می‌ری جلو و
می‌گی تو طرفدار بی‌تی‌اس هستی؟ و اونم می‌گه آره و باهم دوست می‌شین سر همین قضیه، من
خودمم خیلی از دوستانم رو همین شکلی پیدا کردم. هم توی کلاس زبان هم توی مدرسه که خیلی
زیاده و هم کلاس‌های تقویتی بیرون».

«اگه همه این آرمی‌ها چه شیپر، چه غیر شیپر، چه تعصبی، چه غیر تعصبی، همه‌شون، اگه متوجه بشن
که بی‌تی‌اس مشکلی داره، اگه متوجه بشن جریانی باعث ناراحتی اعضا می‌شه، چنان اتحادی باهم
دارن که می‌تونم بگم برای هرکسی می‌تونه ترسناک باشه. آرمی‌ها همدیگه رو خانواده هم می‌دونن،
اگه یه آرمی رو یه جا ببینی و جفت طرف آرمی باشن، چنان صمیمیتی باهم دارن که انگار خواهر و
برادرن و این خیلی قشنگه اتحادی که بین شون هست».



برخلاف تسهیلی که طرفداری از بی‌تی‌اس در ایجاد روابط اجتماعی بین هواداران بی‌تی‌اس پدید می‌آورد، عدم هواداری و در سطحی فراتر، نقد گروه بی‌تی‌اس، روابط اجتماعی هواداران بی‌تی‌اس را با دیگران مخدوش ساخته و اسباب تحدید آن را فراهم می‌آورد. در حالت اخیر انتظار می‌رود، در صورت کم بودن سن هواداران، واکنش‌های هیجانی آنان شدیدتر بوده و با افزایش سن آن‌ها، واکنش‌های مخالف آنان از شدت و حدت کم‌تری برخوردار باشد. به عنوان مثال، الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، او در جریان بحث با افراد مخالف، حتی به کتک زدن آن‌ها رسیده است و یا ثنای ۱۶ ساله، هر کسی را که هم‌سو و هم‌جهت با خودش نباشد، فردی افراطی خوانده، اظهار می‌دارد، نسبت به افراد منتقد بی‌تی‌اس، دست به فحاشی می‌زند، در حالی که شبنم ۲۵ ساله، در واکنشی خفیف‌تر، تنها به دلیل این که به زعم وی، پشت سر مخالفان بی‌تی‌اس قضاوت وجود دارد، رابطه اجتماعی با آنان را نمی‌پذیرد:

«- تاحالا شده به خاطر بی‌تی‌اس که مثلاً فلان خواننده بهشون توهین کرده، دیگه اون خواننده رو

دنبال نکنی؟

آره بعضی آدم‌ها که اومدن به اینا هیت دادن و با اینا بد رفتاری کردن، دیگه احساس می‌کردم که اون

آدم مرده برام.

- تاحالا در مورد دوستان خودت هم همچین اتفاقی افتاده که اون‌ها هم هیت بدن؟

آره شده و من باهاشون قطع ارتباط کردم.

- مابقی دوست‌هات که آرمی اند، هم همین کارها رو می‌کنن؟

آره، همین طوری اند....

- در جریان آرمی بودنت تاحالا شده که به خاطر فن بودنت، مجبور به جرّ و بحث و دعوا با کسی

بشی؟

آره خب خیلی از آدما بودن که گفتن این چینی، مینیا، چیه می‌بینی، این چشم بادومیا رو، چرا داری این‌ها رو دنبال می‌کنی و این‌ها چی دارن که ایرانیان ندارن و منم مجبور شدم که باهاشون دعوا کنم و جرّ و بحث کنم باهاشون و خب اعصابم خیلی خورد شد.

- خوب می‌شه یه مثال از بحث‌هایی که تا الآن داشتی، بگی؟

خب یکی از فامیلامون وقتی بهشون گفتم که از خواننده‌های کره‌ای خوشم میاد، از اون به بعد بهم می‌گه، کره‌ایه کثیف و هر وقت خواستم متقاعدش کنم که اونا خوب ان، مثل این می‌مونه که انگار دارم با دیوار صحبت می‌کنم.

- یعنی این جور موارد باعث می‌شن که اعصابت خورد بشه؟
آره همینه.

- دوست داری که با اون فامیلتون قطع ارتباط کنی؟

آره، ولی چون نزدیکه نمی‌شه.

- خوب در مورد بحث‌هایی که کردی به جز اون موضوع کلاً در مورد هر چیزی که بحث بشه، همین کار رو می‌کنی؟

آره، همون طوری مثل بحث‌های بی‌تی‌اس برخورد می‌کنم و حتی اگه خیلی عصبانی بشم می‌زنم».

«- هر کسی با نظرت مخالف باشد افراطی هست؟

دقیقاً، چون افراطی نیستم، هر کی تو خط من نباشه، افراطیه.

- تاحالا با کسی هم سر این موضوع، قطع رابطه کردی؟

آره، با دختر خاله‌ام قهر کردم. اون به جیمین فحش داد، منم به آیدول مورد علاقه اون و بعد تا چند هفته قهر بودیم تا این که خاله و مامانم آشتی دادن.

- باز هم همچین موردی بوده؟

یکی از دوستانم هم خیلی دوست داشت بی‌تی‌اس رو الآن ولی خیلی علاقه نداره.

- خوب چرا ارتباطات قطع شد؟

در مورد جیمین چرت و پرت گفتم، منم باهاش دعوا کردم.

- چی گفت؟

گفت جیمین شبیه میمونه، منم گفتم خودت شبیه میمونی، واسه چی فحش می‌دی، دیگه بقیه

حرفامون زشته نمی‌تونم بگم (باخنده).

- الآن باهم حرف می‌زنید؟

بله حرف که می‌زنیم، ولی دیگه نه در مورد بی‌تی‌اس چون دعوا مون می‌شه، اون پررو شده اوایل خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشت، گفتم که ولی یه دفعه نظرش عوض شد و من از آدمایی که هی تغییر جهت می‌دن، خوشم نمیاد.

- یعنی هیچ کس حق ندارد نظرش را تغییر بدهد؟

نمی‌دونم. می‌شه بی‌خیال این بحث بشید (باخنده)».

«- خوب به نظر شما این مسأله باعث نمی‌شه از روابطت با آدم‌های واقعی فاصله بگیری و این هزینه سنگینی نیستش که باز هم بابت این علاقه‌مندی داری پرداخت می‌کنی؟
خب اگر آدم‌ها به عقاید همدیگه احترام بذارن، این اتفاق نمی‌افته. مهم اینه که اونا به عقاید من احترام نمی‌ذارن.

- به غیر از کسانی که تمسخر یا توهین می‌کنن، اما دیگرانی که از شما سوال می‌پرسن که هدف‌شون و رفتارشون نامحترمانه نیست. در واقع اون‌ها هم دارن نظر خودشون رو ابراز می‌کنن که در این موضوع متفاوت از نظر شما هست.

شاید. ولی همونا هم پشت حرف‌شون و لحن‌شون و نگاه‌شون قضاوته. یه جور نگاه از بالا به پایین و این من رو اذیت می‌کنه.

- تو هم با بی‌توجهی یا واکنش تند نشون دادن و یا طرد کردن‌شون همین نگاه از بالا به پایین رو به اون‌ها نداری؟

اوم... آره. این تعصبه شاید باعث شده که خیلی جاها خودم رو تنها کنم و از آدمایی که شبیه من فکر نمی‌کنن، فاصله بگیرم».

احسان ۱۷ ساله، تحت تأثیر برخوردهای کم‌تر هیجانی مردان، در مصاحبه خود اذعان می‌دارد، وی ارتباطش با هم‌کلاسانی که نسبت به بی‌تی‌اس نقد دارند، به همین سبب تاحدودی مخدوش شده است، اما به دلیل ارزشمندی آن افراد، آنان را کلاً کنار نگذاشته و از دست نمی‌دهد:

«- رابطه تو با بقیه دوستانت که مخالف بی‌تی‌اس هستند، چگونه هست؟

هر روز با من کلنجار می‌رن و سعی می‌کنن من رو از هواداری بی‌تی‌اس منصرف کنن. اون‌ها تلاش‌شون رو می‌کنن و بی‌نتیجه می‌مونه. برای همین کم‌تر همدیگر رو می‌بینیم جز توی مدرسه.

- چه طور سعی می‌کنن تو رو منصرف کنن؟

از بدی‌ها و معایب گروه بی‌تی‌اس می‌گن. از انحراف جنسی و همجنس‌گرایی گروه می‌گن. از زن‌سان بودن و مخنث بودن بی‌تی‌اس می‌گن.



– عکس العمل تو چگونه هست؟

من این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو باور نمی‌کنم. اکثر مردم کره کوسه هستند و ریش ندارند و چهره‌هاشون شبیه دخترها می‌مونه، دلیلی نداره که مذکر نباشن و انگ همجنس‌گرایی رو بهشون بززن. برای همین سعی می‌کنم کم‌تر باهاشون در ارتباط باشم. ولی دوستان ارزشمند و باسوادی هستند از دست نمی‌دم‌شون».

۳-۱۴- احساس تعهد به حمایت از گروه

«– خوب محمدرضا تو استریم کردن و حمایت‌هاها هم شرکت داشتی؟

من واقعاً یه زمانی استریم بودم اصن (با هیجان زیاد)، یه استریم حرفه‌ای، من واقعاً اون زمان خیلی فعال بودم تو استریم کردن ۲۴ ساعت دنبال اینا بودم اصلاً. چون قبلاً من زیاد وقتم پر نبود، خب برا همین آره من خیلی حمایت می‌کردم استریم هم که دیگه نگو و نپرس (باخنده) من فقط منتظر بودم اینا یه چیزی ازشون بیاد بیرون حمایت کنم دیگه (باخنده)» (محمدرضا، ۲۱ ساله).

هواداران گروه بی‌تی‌اس به دلیل توجهاتی که گروه پسران بی‌تی‌اس روی مسایل نوجوانی و جوانی داشته اند و بعضاً در نقش یک مرجع امیدبخش و انگیزه بخش برای جوانان ظاهر شده و بدون قضاوت کردن نوجوانان و جوانان، نسبت به آنان پذیرش نشان می‌دهد، غالباً با نگاهی سرشار از قدردانی و ابراز امتنان به پسران گروه می‌نگرند و به سهم خود می‌کوشند با به عمل آوردن هواداری از آنان، به شکل متقابل ادای دین کنند.

هواداران مصاحبه شده، در گزارش‌های خود در توصیف چگونگی به عمل آوردن هواداری خویش از مواردی مانند: شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای ارتقای آن‌ها در رتبه‌بندی‌های جهانی (استریم زدن)،

رأی دادن به گروه بی‌تی‌اس در جشنواره‌های مختلف موسیقایی، رأی دادن به لایوها، تلاش برای شکستن رکوردهای موجود در فضای مجازی (مانند کم‌ترین زمان رسیدن به یک میلیون لایک، بیش‌ترین بازدید از پست‌های گذاشته شده در فضای مجازی، بیش‌ترین تعقیب‌کننده و نظایر آن‌ها)، خرید آلبوم‌ها، فتوبوک‌ها، نورافشان الکترونیکی لایت استیک و سایر اقلام منتسب به بی‌تی‌اس، جشن تولد گرفتن برای آیدول‌ها در جمع خودشان، برگزاری دورهمی و صحبت در مورد اعضای گروه و موارد دیگری مانند تلاش برای سورپرایز کردن آیدول‌ها و یا ایجاد زنجیره انسانی در فرودگاه‌ها برای جا به جایی بی دردسر آیدول‌ها، صحبت به میان آورده اند.

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خود از ضرورت ادای دین به پسران بی‌تی‌اس یاد کرده و بنفشه ۲۰ ساله، با تذکر این که گروه بی‌تی‌اس با آهنگ‌هایش به او که به شدت تحت فشار بود، امید بخشیده است، از ضرورت قدردانی از گروه پسران یاد کرده اند:

«- کنجکاوم بدونم بی‌تی‌اس چه کار کرده که این قدر دوستش دارید و براتون مهمه که به خاطرش با دیگران درگیر می‌شید؟»

ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست نداریم که، اونا هم ما رو همون قدر دوست دارن، وگرنه برامون این همه آهنگ نمی‌خوندن و این همه تو صفحه هاشون واسه آرمی‌ها وقت نمی‌داشتن؛ تنها دلیل جنگیدن و ادامه دادن شون عشق به ما آرمی‌ها هست. همون قدر که اونا به ما انگیزه می‌دن، ما هم به اونا انگیزه می‌دیم.»





«- درباره کمکی که به بهبود عواطفت کردن توضیح می‌دی؟»

واقعیتش من سال دهم اصلاً از لحاظ روحی اوکی نبودم، یعنی تو شرایطی قرار داشتیم که نه به خودم اهمیت می‌دادم، نه نظر دیگران برام مهم بود، نه شرایطی که توش بودم رو دوست داشتم و می‌تونستم تحمل کنم و اصلاً برام موضع جالبی نبود، چون چیزی که می‌خواستم نبود، کاری که می‌خواستم بکنم، انجام نمی‌شد و تو همه این مشکلاتی که داشتم، نیمه دوم سال دهم هم که مثلاً از دیماه به بعد دیگه از ترم دوم به بعد متوجه شدیم که مامان من سرطان داره، کلاً من خیلی شرایطم بد شد، چون می‌گم پدر و مادرم درگیر دوا و درمان بودن و من و خواهرم بودیم فقط و من باید خواهرم رو هندل می‌کردم و می‌گم اصلاً شرایط خیلی بدی بود برام و خیلی بد من اون قدر روم فشار بود که دست به کارهایی می‌زدم که الان که بهش فکر می‌کنم، واقعاً ناراحت می‌شم، ضمناً شروع کردم به سیگار کشیدن و الان که بهش فکر می‌کنم، ناراحت می‌شم، می‌گم دهم هم که تموم می‌شه و یازدهم که می‌خوام برم، تابستون یازدهم من باهاشون آشنا شدم، به آهنگاشون گوش می‌دادم و معنیاش رو می‌خوندم و حرفاشون برام جالب بود که مثلاً می‌گفتن خودتون رو دوست داشته باشید

یا مثلاً این که مهم نیست دارید چه کار می‌کنید، مهم نیست گذشته‌ات چیه، مهم اینه که الان داری چه کار می‌کنی یا مثلاً یه حرفی بود که جیمین زده بود، می‌گفت، حتی اگه کسی درک‌تون نکنه، این رو بدونین که یه نفر تو کره‌ی جنوبی همیشه شما رو داره درک می‌کنه و خب این خیلی رو من تأثیر می‌گذاشت و خیلی حرف‌های دیگه بود، نه فقط اینا، چیزهای دیگه هم بود که برای من خیلی بولد شده و گذشت و من تا دوازدهم سیگار می‌کشیدم، تو دوازدهم خیلی رو خودم کار کردم و من به خاطر یکی از اعضاء سیگار کشیدن رو گذاشتم کنار و الان دوساله که اصن نکشیدم»^۱».

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود بین کلمات «فن» (هوادار) و «آرمی» تفاوت قایل شده، فن را هوادار عادی، اما آرمی را (همان‌گونه که از اسمش پیدا است) به سان یک ارتش محافظ برای گروه بی‌تی‌اس می‌بیند:

«- آیا فن همون آرمیه یا تفاوت دارند؟»

نه، نه، آرمی خیلی رادیکال‌تره.

- یه آرمی چه ویژگی‌ای داره که یه فن نداره؟

ببین، یه مثال می‌زنم. من خودم قبل از این که آرمی بی‌تی‌اس بخوام بشم از ۴، ۵ سالگی تا ۹، ۱۰ سالگی طرفدار مایکل جکسون^۱ بودم. بعدش طرفدار کیتی پری^۲ شدم بعدش طرفدار سیروان خسروی بودم بعدش اومدم طرفدار بی‌تی‌اس شدم. ولی تو تمام اون بازه‌های قبلی، این جور نبود که الزاماً یه بخش بزرگی از زندگیم باشه. بیش‌تر این جور بودم که خب آره آهنگ‌های قشنگی دارن یا موزیک ویدیوهای قشنگی دارند و در همین حد بود، در حالی که برای بی‌تی‌اس اصلاً این طور نیست».





ترنم ۱۸ ساله نیز در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«می‌دونی معنی اسم بی‌تی‌اس و آرمی چیه و چرا این اسم روشن گذاشته شده؟»

بی‌تی‌اس مخفف بنگتن سونیاندن^۱ به معنای پسران ضد گلوله و آرمی هم به معنای ارتش هست. تئوری این دو اسم اینه که بی‌تی‌اس با آرمی هاش ضدگلوله هستن و وقتی هیترها به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، آرمی‌ها از اونا دفاع می‌کنن. وقتی هم که آرمی‌ها هیت می‌گیرن، بی‌تی‌اس از ما دفاع می‌کنه. تو فوتوکانسپت آلبوم آخرشون هم به عکس هست بهشون گلوله اصابت کرده و گلوله‌ها خوردن زمین^۳ که دقیقاً به تصویر کشیدن معنای اسمشون هست. یه بار یک سلبریتی آمریکایی گفته بود که آرمی‌ها وحشی هستن، بعد نامجون در جواب به اون سلبریتی گفت که آرمی‌های ما خیلی باهوش هستن، وقتی می‌فهمن یکی می‌خواد به ما توهین کنه یا با حرف‌هاشون ما را ناراحت کرده و آزارمان بده، از ما دفاع می‌کنن، همون طور که ما هم این کار رو در مورد اون‌ها انجام می‌دیم. در واقع تئوری اصلی اینه، همه آرمی‌ها تو زندگی شون مثل هر آدم عادی سختی می‌کشن و بعضی‌ها در جنگیدن با این سختی‌ها خسته می‌شن و از خودشون متنفر و با حرف‌های مردم دور و برشون احساس کم بودن می‌کنن، اما آرمی‌ها با

۱- پسران پیش آهنگ ضدگلوله Bangtan sonyeondan

۲ - واژه کانسپت به معنای تصور کلی از چیزی است. معمولاً هنگام انتشار آلبوم یک ستاره یا گروه بیشتر گفته می‌شود. مثلاً کانسپت آلبوم یک گروه می‌تواند دارک، کیوت، جذاب و یا گرل کراش باشد و به عکس‌هایی که با آن مضمون کلی گرفته می‌شود، فوتو کانسپت می‌گویند.



وجود بی‌تی‌اس و آیدول‌هاشون می‌تونن از حق خودشون دفاع کنن. یاد می‌گیرن که قبل از همه چی باید خودشون را ببینن و یاد می‌گیرن باید خودشون رو دوست داشته باشن».

مسعود از ۶۵ میلیون تعقیب کننده اینستاگرامی بی‌تی‌اس یاد می‌کند که این حجم قابل توجه، در کنار تعقیب کنندگان بی‌تی‌اس در توئیتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی، دورنمایی از خیل عظیم هواداران بی‌تی‌اس را به ذهن متبادر می‌کند:

«- یکی از دلایل موفقیت گروه بی‌تی‌اس نقش تبلیغات گسترده برای آن‌ها بوده، در این باره چه نظری داری؟»

اعضای بی‌تی‌اس خیلی خوب می‌دانند که چگونه از رسانه‌های اجتماعی به نفع خودشون استفاده می‌کنند. این گروه در توئیتر خیلی فعال بودن و از همان ابتدا با هواداران خود در تماس بودند و در اینستاگرام بیش از ۶۵ میلیون دنبال کننده دارند و هواداران شون برای تبلیغ گروه احساس وظیفه می‌کنند و هر کدام به نحوی و از هر راهی که بتونند برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کنند».

ریحانه ۲۱ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، از هوادارانی یاد می‌کند که در جریان هواداری و طرفداری از گروه مورد علاقه‌شان، غرق شده و در این مسیر، حتی متحمل افت درسی، خسران مالی یا حتی آسیب جانی گردیده اند:

«- خودت تونستی درست این قسمت از زندگی رو مدیریت کنی یا کسی رو می‌شناسی که نتونسته باشه؟»

من فکر می‌کنم خوب از پشش براومدم. دنیای کی‌پاپ خیلی بزرگ و پر از رنگ و هیجان و تنوعه و اگه کنترلی روش نداشته باشی، کاملاً می‌تونه فرد رو غرق خودش کنه. من به شخصه، ذاتاً شخصیت هیجانی و احساسی و تنوع طلبی ندارم و می‌تونم حدودی که برای خودم تعیین کردم رو همچنان حفظ کنم. دیگه چی بگم... حدود هر شخص با منطق خودش متفاوت. با معیارها و حد و حدود ذهنی خودم، بله، هستن کسانی که با توجه به خط قرمزهای من، حس می‌کنم که شاید دچار زیاده‌روی شده باشن. - می‌تونی بگی زیاده روی از نظرت یعنی چه کارهایی؟

وابستگی‌های بی‌مورد به خواننده. رؤیای پردازی‌های بیش از اندازه و فراموش کردن شرایط حقیقی‌ای که شخص درش قرار داره. بی‌خیال شدن نسبت به امور عادی و روزمره‌ی زندگی. ضعیف عمل کردن در درس و یادگیری و وظایف دیگه. آسیب رسیدن مالی یا جسمی به خاطر وقت گذاشتن‌های بدون کنترل و هیجانی احساسی. اینا همه‌شون از نظرم، از علاقه‌ی افراطی، تنوع طلبی و عدم برنامه‌ریزی بودن هر شخص نشأت می‌گیره».

۱- معنای لغوی آیدول بت است، اما در کی‌پاپ به خواننده یا اعضای گروه گفته می‌شود. در متن حاضر این کلمه معادل ستاره در نظر گرفته شده است.

ارتش هواداران بی‌تی‌اس، در فرازی از فعالیت‌های حمایتی خویش می‌کوشند تا با شنیدن آهنگ‌های جدید (یا قدیمی) بی‌تی‌اس، رکورد تازه‌ای زده یا رکوردهای بازدید قبلی را بهبود ببخشند، بنابراین افراد این ارتش می‌کوشند تا با استریم زدن در پلت‌فرم‌های مختلف (نظیر اسپاتیفای، سوندکلود، یوتوب و مانند آن‌ها)، رکوردهای جدیدی برای بی‌تی‌اس ثبت کنند. از این رو برخی از هواداران خود را موظف می‌دانند که به جای یک بار گوش کردن به آهنگ مورد نظر، ده‌ها و یا صدها بار آن آهنگ را بشنوند تا به این ترتیب میزان بازدید آن آهنگ بالا و بالاتر برود. کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود از صرف ۶-۵ ساعت وقت در روز برای استریم زدن خویش یاد کرده، رهای ۱۸ ساله در مصاحبه خود، از هوادارانی یاد می‌کند که برای استریم زدن ۴۸ ساعت نمی‌خوابند و ترنم ۱۸ ساله، گزارش می‌دهد، وی برای افزایش تعداد استریم‌هایش، با گوشی خودش، تبلت، لپ‌تاپ، گوشی مادر بزرگش و هر وسیله‌ای که به اینترنت وصل می‌شود، استریم می‌زند و در این مسیر حتی مادر بزرگش را نیز به کار گرفته است تا به وی در افزایش استریم زدن‌هایش کمک کند:

«- اوهوم. حالا یه سؤال در مورد خودت. اون موقع که طرفدار شدید بی‌تی‌اس بودی، مثلاً در طول روز چه قدر وقت می‌گذاشتی برای دنبال کردنش یا مثلاً برای بالا بردن بازدیدهاش؟ فکر می‌کنم، ...، بین بستگی داشت، مثلاً اون سالای اولی که تازه باهاشون آشنا شده بودم و هنوز اون ارتباط عمیق ر و خیلی باهاشون برقرار نکرده بودم، شاید مثلاً در حدی که روزی مثلاً نهایت یکی، دو ساعت مثلاً آهنگاشون رو گوش بدم. همون جور که الان مثلاً روزی یکی دو ساعت آهنگ گوش می‌دم، ولی خب آهنگای اونا رو گوش می‌دادم. این طوری بود. ولی بعد از یکی، دو سال که اون ارتباط عمیق رو باهاشون برقرار کردم و یه جورایی حس کردم که بودن شون توی زندگی من باعث شده که زندگی من کیفیتش بالاتر بره و امید به زندگی من بیش‌تر بشه، حس کنم یکی داره از من مراقبت می‌کنه، و خصوصاً می‌گم، بعد از اون آهنگش که در مورد دوست داشتن خودت بود، لاو یورسلف بود که من بعدش حس کردم که خب خیلی خودم رو بیش‌تر دوست دارم، بعد از اون آلبوم، اون تأثیر رو روی من گذاشت، خب حس می‌کردم که یه جورایی دلم می‌خواد اون خوبی، اون حس خوبی که از شون گرفتم رو، منم به اونا بدم. برا همین دیگه مثلاً شروع کردم به این که بخوام چیز بکنم، ویو بزنم و اینا، اون موقع شاید مثلاً روزی پنج، شش ساعت از وقتم رو می‌گرفت.





- اوهوم. بعد چه مدت این قدر... .

من تقریباً سال ۲۰۱۴ باهاشون آشنا شدم و تا سال ۲۰۱۸ خیلی زیاد درگیرش بودم. بعد دیگه کم‌کم، کم شد. هر چه قدر که بزرگ‌تر شدم و مثلاً انگار با دید بالغانه‌تری به قضیه نگاه می‌کردم، یه مقدار فاصله‌ام باهاشون بیشتر شد. ولی از دوست داشتنه کم نمی‌شدها. صرفاً دیگه حس می‌کردم اون کاری که باید می‌کردم رو کردم. مثلاً همون قدر که حس خوب گرفتم، همون قدر حس خوب هم دادم».

«- من یه سری از فن‌پیج‌ها رو می‌دیدم که مثلاً قرار می‌داشتن از فلان ساعت بیدار باشن و استریم

بزنن تا فلان ساعت. بین دوست‌های کی‌پا پر تو هم همچین چیزی هست؟

اینا آدمای بی‌کاری ان که از این کارا می‌کنن. من بی‌کار نیستم. وقتم ندارم. بین دوست‌های خودمم

خداااا رو شکر همچین چیزی نیست.

- حالا این افراد بین فن‌دوم‌ها زیاد ان؟

آره. زیادن. خیلیا این کار رو می‌کنن. مثلاً طرف ۴۸ ساعت نمی‌خوابه. با چندتا اکانت و گوشی و

کامپیوتر هم‌زمان استریم می‌زنه. مسخره ان (می‌خندد)».

«- گفتمی برای استریم زدن هم وقت می‌گذاری، لطفاً از شرایط استریم زدن هم بگو.

۱ - تلاش شبانه روزی هواداران ایرانی برای استریم زدن در حالی است که شائبه عدم محاسبه استریم زدن ایرانیان به دلیل

تحریم‌های ایران وجود دارد. سحر ۱۵ ساله در مصاحبه خودش با اشاره به این معنا، بیان می‌داشت:

«- معمولاً چه قدر زمان برای استریم زدن می‌گذاری؟

بخوام راستش رو بگم به شخصه یک دقیقه. یعنی حتی سه دقیقه کامل یک موزیک ویدیو رو هم وای نمی‌ایستم. من خیلی خلاف‌کارم، می‌رم تو یوتوب کی‌پا لینک می‌کنم می‌رم دانلود می‌کنم ویدیو جدیدشون رو. چون اینترنتم ضعیفه اعصابم خورد می‌شه وسطش هی بخواد قطع بشه، واسه همین دانلودش می‌کنم، راحت می‌بینم. شاید استریم هم نیفته کلاً. خیلی دوست دارم براشون استریم بزنم، ولی توی آمارهای استریمی که کمپانی‌شون نشون داد، ایران نبود و من با خودم گفتم چرا ما وقت بذاریم این همه زحمت بکشیم و اون‌ها آخر حتی اسم ما رو نبرن به خاطر چندتا تحریم مسخره. برای همین گفتم پس من دیگه این کار رو انجام نمی‌دم. البته خود اعضای بی‌تی‌اس خیلی تاحالا اسم ایران رو بردن مثلاً جیمین یه بار گفت من ایران رو دوست دارم. در کل خود اعضا این جور نیستند، ولی کمپانی‌شون به خاطر تحریم‌های ایران استریم‌ها رو حساب نمی‌کنه برای همین من وقت نمی‌ذارم».

آره استریم می‌زنم، وقتی کار و بار مهمی ندارم می‌شینم ام‌وی‌ها (موزیک ویدیوها) شون رو که جدید منتشر شده تو یوتیوب می‌بینم، وقتی کاری، چیزی هم دارم، آهنگ پلی می‌کنم و پلی لیستی که از قبل آماده کردم رو گوش می‌دم. حتی شب وقتی می‌خوابم، آهنگ باز می‌کنم و با هندزفری گوش می‌دم. وقتایی که کلاً کاری ندارم هم می‌شینم، هم با گوشی خودم هم با گوشی مامان بزرگم هم با کامپیوتر هم با تبلت هم با لپ‌تاپ، کلاً با هر وسیله‌ای که به اینترنت وصل می‌شه و زیره دستمه، استریم می‌زنم. حتی جوری شده مامان بزرگ هم بهم کمک می‌کنه، مثلاً ام‌وی رو هم‌زمان تو گوشی هر دومون که باز می‌کنم، یکیش رو می‌دم اون نگاه کنه. اونم می‌شینه همراهی می‌کنه با من. شرایطش هم اینه که باید ویدیو رو با صفحه کامل ببینی، نباید تو پلی لیست ببینی، باید یه گزینه‌ای که بالای صفحه یوتیوب هست، اون رو بزنی. بعد از هر ویدیو خود به خود یعنی اتوماتیکی یه ویدیو دیگه پلی می‌کنه، باید اون رو خاموش کنی، باید با صدای بلند ویدیو رو ببینی، البته با هندزفری هم می‌شه، ولی باید بالای نصفه باشه، باید هر بار اسمش را سرچ کنی و به جز چنل بنگتن تی‌وی، جای دیگه‌ای رو تماشا نکنی. راستی باید اکانت یوتیوب هم به ایمیل وصل باشه. ویدیو حداقل حدود ۵ دقیقه پلی بشه، بعد لایک کنی، باید نور صفحه گوشی بالای ۱۵ و کیفیت بالای ۳۸۰ باشه. اگر همه اینا رو رعایت کنی، می‌تونی با یک اکانت، یک میلیون بار هم استریم بزنی، اما اگر حتی یکی شون رو رعایت نکنی، استریم به حساب نمیاد. یه چیز دیگه هم هست، باید بین هر ۱۰ بار که ویدیو را دیدی، یه ویدیو دیگه هم از کانال‌های دیگه که یوتیوب فکر نکنه رباتی، ببینی. اگه این جوری بشه ۱۰۰ استریم رو حذف می‌کنه. برای استریم زدن روز اول خیلی مهمه، اگر روز اول آهنگ صدر نشین بشه، اون موقع یوتیوب ویدیو رو برای همه دنیا پیشنهاد می‌کنه که ببینن، این جوری همه می‌بینن و ام‌وی محبوب‌تر می‌شه و تو رأی‌گیری‌ها نامزد دریافت جایزه می‌شه».

گلاره ۱۴ ساله نیز در مصاحبه خویش، خاطرنشان می‌سازد، وی با گذاشتن آهنگ‌های مورد نظر، دنبال کار خودش می‌رود تا در عمل ضمن استریم زدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس از کار خودش باز نماند: «بعد می‌دونی، استریم زدن یه سری شرایط داره مثلاً صدا از یه حدی نباید پایین‌تر باشه، چون اون جوری استریم به حساب نمیاد. بعد این‌هایی که من می‌شناسم حواس شون هست، حتماً صدا رو زیاد بکنن یا حتی خیلی وقت‌ها پیش اومده که همین جوری موبایل شون رو می‌گذارن که آهنگ یا موزیک ویدیو پلی بشه، بعد خودشون می‌رن کارهاشون رو انجام می‌دن و این فقط برای اینه که استریم حتماً انجام بشه (می‌خندد)».



زهرای ۲۴ ساله، از استریم زدن برای لایوها و ره‌ای ۱۸ ساله، از شرکت در رأی دادن در جشنواره‌های مختلف موسیقی برای گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«- استریم کردن‌ها به چه شکلی هستند؟»

وقتی که بی‌تی‌اس یه آهنگ جدید می‌ده بیرون، طرفدارها اون آهنگ رو حمایت می‌کنن داخل پلتفرم‌های مختلف مثلاً یوتوب^۲، اسپاتیفای^۳ و سوندکلود^۴ هر کدوم از طرفدارا چندبار آهنگ رو گوش می‌دن تا تعداد ویوها بالا بره. البته فقط هم آهنگ‌ها نیستن، کلاً در مورد هر چیزی می‌تونه باشه، مثلاً وقتی که توی توئیتر یا اینستا پست می‌ذارن، هوادارها می‌رن لایک و کامنت می‌ذارن که مثلاً رکورد لایک و کامنت برای بی‌تی‌اس بشه. لایو هم همین طور. در مورد تمام محتواهایی که گروه به اشتراک می‌ذاره، این استریم کردن‌ها وجود داره.»

«- خوب فن پیج برای کی پاپ داری؟»

من توی توئیتر هستم. منتها فن پیج نه. تاحالا نداشتم.

- خوب بعد حمایت‌هاتون از آیدول‌ها توی توئیتر بیش‌تر چه شکلی هست؟

هر فن‌دوم^۵ (مجموعه طرفداران یک آرتیست) با فن‌دوم دیگه فرق داره. مثلاً آرمی^۶ (هواداران گروه بی‌تی‌اس)‌ها بیش‌تر، دایماً در حال رأی‌گیری ان. یا هشتگ ترند^۹ (گسترده کردن) کردن، برای چیزی مختلف. اونا هم به خاطر این که الآن مراسم‌های آخر ساله، رأی‌گیری می‌کنن توی توئیتر یا اونا هم مثلاً یه نفر توئیست می‌زنه می‌گه، این هشتگ رو ریپلای کنید برای رأی‌گیری و اینا. این جوریه. البته بقیه گروه‌ها به معروفی بی‌تی‌اس نیستن.

- رأی‌گیری تأثیری داره؟

- 1 Platform
- 2 You Tube
- 3 Spotify
- 4 Sound cloud
- 5 View
- 6 Live
- 7 Fandom
- 8 Army
- 9 Trend

مثل امریکن میوزیک اواردرز و بیلبورد و گرمی و اینا. خب کره هم اواردر شو (مراسم‌هایی برای اهدای جوایز) داره. ماما، ملون،^۲ و یه دونه دیگه که الان حضور ذهن ندارم و چندتای دیگه. منتها اصلیش ماما و ملونه. بعد یه دونه دیگه که گفتم یادم نمیداد. خب برای اینا یه سری رأی‌گیری‌هاش توسط خود فن‌ها توی توئیتره. اونا رأی می‌دن. یه سری‌ها هم داورا انتخاب می‌کنن. اونایی که توی توئیتر ان رو ما رأی می‌دیم.

- خوب پس تو هم این کار رو اونجا انجام می‌دی؟

من اون قدر جدی که خیلیا می‌کنن نیستم. چون یه سری‌ها خیلی مسأله رأی‌گیری اینا رو جدی گرفتن. و کسی که این کارها رو نکنه رو فن نمی‌دونن. منم موقعی که کوچیک‌تر بودم این جور بودم. که هرکسی این کار رو نکنه، فن نیست. ولی الان مثلاً رفته رفته می‌بینم که نه. خب فن بودن فقط صرفاً به این چیزا نیست، اینا. اون قدر جدی که تمام زندگیم رو بذارم توی توئیتر، نه. نیستم. ولی آره. مثلاً آگه قراره روزی یه دونه رأی بدیم، دیگه یه دونه توئیته دیگه. کاری نداره. پنج دقیقه یه دونه توئیتمون رو می‌زنیم و به زندگی‌مون می‌رسیم (می‌خندد).

غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از تلاش دیگر هواداران دال بر کوشش برای ثبت رکوردهایی نظیر سریع‌ترین یک میلیون رکورد لایک یا بیش‌ترین رکورد بازدید پست یا دیدن لایو و نظایر آن یاد کرده است: «... الانم که دیگه چنده روزه اومدن اینستا، آپدیت‌های اینستا شون هم هست.

- یعنی تا الان نبودن؟

نه. اینستا نبودن (با خنده)، ببین یهو اتمک زدن. اومدن اینستا (با هیجان) بعد همون روز خیلی از رکوردای اینستا رو شکوندن. ببین اون روزی که پسرا جوین (وصل) شدن. خود صفحه گینس توی توئیتر اومد گفت، بی‌تی‌اس اومدن و یه گیفم گذاشت که مثلاً منظورش این بود. کارکنای گینس دیگه مشغول ثبت رکوردن امروز دیگه. بعد اومدن رکورد سریع‌ترین یک میلیون لایک رو تهیونگ گرفت که قبلش دست بیلی آیلیش بود... تو چهار دقیقه فقط. یه میلیون لایک گرفت. بعد کم‌تر از یه ساعت اکانتش یه میلیون شد. رکورد بیش‌ترین لایک یه کامنت. چندتا رکورد رو که قبلاً دست بقیه سلبریتی‌های هالیوود هم بودن شکوند. الان چند روزه اومده، بیست و شیش، هفت میلیون داره (می‌خندد). بقیه اعضاء هم رکوردهای فالوورا رو شکوندن. هر هفت‌تاشون. ولی تهیونگ بیش‌تر از بقیه».

1 Awards show

۲- ماما Mama یکی از مراسم‌های مهم اعطای جوایز موسیقی در کره‌ی جنوبی. که هم اکنون در سطح بین‌المللی پخش می‌شود.

۳- ملون میوزیک اواردرز Melon music awards یک برنامه مشهور موسیقی در کره جنوبی به عنوان تنها محاسبه‌کننده فروش دیجیتال و رأی‌های آنلاین برای تعیین برندگان شناخته می‌شود.

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش از افرادی یاد می‌کند که دست به خرید آلبوم‌های بی‌تی‌اس به دلار می‌زنند تا به این ترتیب از گروه مورد علاقه خود حمایت به عمل آورده باشند.

ریحانه ۱۷ ساله، از جشن تولد گرفتن هواداران برای آیدول‌های خودشان سخن به میان آورده و نگین ۱۳ ساله، از تشکیل دوره‌هایی با محوریت بی‌تی‌اس در جمع دوستانش یاد کرده است:

«- به نظر شما میزان تأثیرگذاری بی‌تی‌اس چه قدر هست؟

من زیاد خودم رو طرفدار نمی‌دونم، خیلی معمولی اما علاقه‌ی شدید به این گروه رو توی دوستانم دیدم، مثل استریم^۱ زدن‌های پشت سرهم، خرید آلبوم به دلار برای حمایت و چیزهای دیگه از این قبیل. به خاطر همین می‌گم اثرگذاری و جذب‌شون به شدت بالا هست.»

«- عزیزم من توی پیجت دیده بودم که برای یکی از اعضاء حالت تولد گرفته بودی. با وجود این

که اونا پیشت نیستن، می‌شه بگی چرا این کار رو انجام می‌دی؟

من نگرفته بودم، بچه‌های پیج می‌فرستن منم استوری کردم، ولی کلاً این بستگی به طرف داره که بیش‌تر به بایس‌شون توجه می‌کنن. خیلی پیش میاد که آرمیا مخصوصاً اونایی که خارج از کشور ان، بخوان برای اعضاء جشن تولد بگیرن و تولدشون دور هم جمع بشن.»



«- با چه اپلیکیشنی باهم در ارتباط هستین؟

الآن که اینترنت نیست، گوگل میت، ولی در حالت عادی داخل واتساپ بودیم.

- راجع به چه چیزهایی در زمان یک ساعت صحبت می‌کنید؟
راجع به روزمون، هفته‌مون چه جوری گذرانیدیم، حال مون چه طوره، از چی ناراحتیم، از چی خوشحالیم
از این جور چیزها.

- فکر کرده‌ام شاید راجع به کسی که تولدش است صحبت می‌کنید؟ وان‌شات‌ها و چنین مسایلی.
نه، ببینید وان‌شات موضوعی نیست که ما راجع بهش صحبت کنیم، چون در وان‌شات هر کسی
سلیقه‌ای داره و سلیقه‌اش متفاوته برای همین موضوعی نیست که بخوایم در موردش صحبت کنیم،
ولی مثلاً راجع به خود اعضاء حرف می‌زنیم، راجع به همان فردی که تولدش حرف می‌زنیم.
- مثلاً راجع به چه چیزهایی؟

بگیم که خوشحالیم که تولدش، یادته که فلان موقع فلان کار را کرد، فلان تولدش یادته، اعضاء
براش فلان کار را کردن از این جور چیزها».

رخساره ۱۶ ساله و باران ۲۰ ساله، از اقدام‌های دیگری توسط هواداران کره‌ای سخن گفته اند که به
مناسبت هم جواری با گروه بی‌تی‌اس، از برخی از امکان عمل‌های خاص نیز برخوردارند:
«... فکر می‌کنی آرمی‌ها دیگه چه کارهایی در ارتباط با آیدول‌ها انجام می‌دهند؟
آرمی‌ها مثلاً بی‌تی‌اس را سورپرایز می‌کنن داخل کنسرت.

- چه طوری؟

مثلاً داخل یکی از کنسرت‌ها که به ترتیب داخل استیج هفت تا صندلی بود، بی‌تی‌اس داخل هفت تا
صندلی نشسته بود و می‌خواست شروع کنه پشت پرده‌اش تاریک بود، آرمی‌ها با کمک کسی که اون
گروه را ساخته بود، هماهنگ بودن، مثلاً پشت پرده‌اش کاملاً سیاه بود، کنسرت بود هیچ نوری نبود،
اون‌ها هم رو استیج نشسته بودن می‌خواستن شروع کنن، یهو استیج روشن شد پشت پرده‌اش یه عالمه
تصویر که اکثراً تصویر آرمی‌ها بود که چسبونده بودن بهم که آرمی‌ها داشتن براشون موزیک می‌خوندن،
البته اون‌ها خیلی سورپرایز شده بودن».

«حتی سر یه قضیه بود که حالا این قدیمیه، من خیلی خوب یادم نیامد، ولی فکر می‌کنم توی
فرودگاه بود که آرمیا یه نوار بنفش درست کرده بودند که بی‌تی‌اس از اون جا رد بشه به راحتی و
مزاحم نداشته باشه و کسی به اون صورت حمله نکنه بهشون برای عکس و امضاء و اینا».

۳-۱۵- تلاش در جهت افزایش هواداران

گروه بی‌تی‌اس، هواداران قابل توجهی را جذب خویش کرده است. برخی از هواداران به دلایل سطحی‌تر
نظیر جذابیت چهره آیدول‌ها، جذابیت آرایش و پوشش آن‌ها و برخی به دلایل جدی‌تری نظیر تغییری

که گروه در زاویه دیدشان نسبت به مسایل اطرافشان پدید آورده است، طرفداری از گروه بی‌تی‌اس را در دستور کار خود قرار داده اند.

بررسی آرای طرفداران جدی‌تر، بیانگر آن است که این هواداران، از آن رو که گروه با ایجاد افق دیدی جدید، به زندگی آنان رنگ تازه‌ای بخشیده است، غالباً خود را موظف می‌دانند که از پسران بی‌تی‌اس حمایت به عمل آورده، به این ترتیب به گروه بی‌تی‌اس ادای دین کنند. پیش‌تر از برخی از اقدام‌های هواداران نظیر استریم زدن، رأی دادن به گروه در جشنواره‌های مختلف موسیقی، تلاش در جهت ارتقای رکوردهای آیدول‌ها در فضای مجازی (تعداد تعقیب‌کنندگان، بازدید کنندگان، شرکت کنندگان در لایوها و مانند آن)، یاد شد.

هواداران بی‌تی‌اس در فراز دیگری از حمایت‌های خویش از گروه مورد علاقه‌شان، تلاش در جهت افزایش تعداد هواداران را در دستور کار خویش قرار داده اند و مستقیم و غیرمستقیم در صدد افزایش تعداد طرفداران گروه بی‌تی‌اس هستند.

این افراد تلاش‌های خویش را غالباً از خانواده خود شروع کرده، در ادامه دوستان، هم‌کلاسی‌ها و افراد فامیل و آشنایان خود را به طرفداری از بی‌تی‌اس فرا می‌خوانند و سرانجام برای ترغیب مردم جامعه به هواداری از گروه، با به نمایش درآوردن ارتش هواداران در برابر دیگران، سعی در ترغیب غیرمستقیم آنان در روآوردن به گروه بی‌تی‌اس می‌کنند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش، به این نکته اشاره کرده است که وی برای افزایش جمعیت هوادار گروه بی‌تی‌اس، در صدد آرمی کردن اعضای خانواده‌اش برآمده است:

«... دوستم کل خانواده‌اش آرمی هستن، مادر، پدر، برادر، خواهر همه آرمی ان.

- چه جور می‌کنن کل خانواده آرمی شدن؟

یک‌سری خانواده‌ها هستن خوب خیلی گارد ندارن نسبت به همه چیز و این که کم کم خودشون تو نماوا این‌ها دور هم برنامه‌ها را دیدن، اون موقع هنوز همه‌ی خانواده با گروه آشنا نبودن ولی این برنامه‌ها را می‌دیدن، می‌خندیدن یا مفهوم شعرهاشون یک جور می‌ان که مامان بابا و کلاً همه وقتی شنیدن و فقط به ظاهر اینا توجه نکردن و گارد بگیرن، متوجه شدن که اینا واقعاً آدمای خوبی ان و کلی کارهای خوب می‌کنن، دیگه خانواده‌اش هم آرمی شدن.

- خانواده‌های دیگه به چه صورت واکنش نشان می‌دهند؟

من خودم با مامان بابام در موردشون حرف می‌زنیم، آیدولا را می‌شناسن، می‌دونن وسایل و لباس پوشیدن من چه جوریه ولی همیشه دل‌شون می‌خواد یک چیز بدی را در موردشون به من بگن. ولی تقریباً اکثر مامان ما آرمیا می‌شناسنشون. این قدر که دیدن ماها علاقه‌مندیم و تو هر فرصتی داریم به چیزی ازشون می‌بینیم، دیگه آشنا شدن. من فکر کنم الانا دیگه اغلب مامان‌ها تاحدی هم همکاری می‌کنن، یعنی دیگه تو مدل لباس پوشیدن و وسایلی که می‌خریم یا تو اتاق عکس‌هایی که آویزون

می‌کنیم، یا مثلاً وقتی قاطی نیست اعصاب‌شون یه ویدیو را می‌بینن، ماها الآن راحت‌تریم، البته بعضی‌ها هم کلاً مخفی می‌کنن از خانواده. الآن دیگه خانواده‌ها مشکلی ندارند که دوست‌شون داشته باشی، فقط باید از کار و زندگیت نیفتی. من خودم پدرم اصلاً اهل آهنگ نیست به مامانم که آهنگش رو با زیرنویس نشون دادم خوشش اومد، منظور من از معنا و مفهوم آهنگ چیه رو تازه فهمید. کلاً پدر و مادر من مشکلی ندارند که طرفدار کسی باشم که یکی از دوستانم زنگ زد گفت دویی کنسرت گذاشتن گروه بلک‌پینک، بابام گفت می‌خوای بریم، حالا قرار شده با همدیگه بریم.



در کل این چند سال فکر می‌کنم مشکل خانواده‌ها کم‌تر شده.

- خود پدر مادرها هم آرمی شدن؟

توی ایران هنوز خیلی پدر مادرا آرمی نشدن، ولی توی خارج خیلی زیاده.

- از کجا این رو می‌دونی؟

مثلاً برای مثال، یه ویدیو هست (باخنده) مادری طرف داره می‌ره کنسرت بی‌تی‌اس و بچه‌اش رو

مجبور می‌کنه که ببردش فرودگاه برای این که برسه به کنسرت».

فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، به قول خودش به شکلی موزیانه، با یافتن نقاط مشترک اطرافیان با گروه بی‌تی‌اس، روی نقاط مشترک مورد اشاره، دست نهاده و مانور می‌دهد تا به این ترتیب افراد بی‌تفاوت نسبت به گروه بی‌تی‌اس را به این گروه علاقه‌مند سازد:

«- در معرفی بی‌تی‌اس چه توضیحی از خصوصیات این گروه را می‌دی؟

خب زمانی که بهشون موزیک ویدیو یا ویدیوی مورد نظر رو نشون می‌دم، خودشون متوجه با استعداد بودن گروه می‌شن (می‌خندد) و من یه روشی برای تحت تأثیر قرار دادن بقیه دارم، مثل گوشزد کردن علایق یا کار مشترکی که بین اون شخص با بی‌تی‌اس هست یا سعی می‌کنم چیزایی رو در موردشون یادآوری کنم که نظر اونا رو عوض کنم، مثلاً چی؟ اون لیدرشونه، تونسته تو یک سال انگلیسی یاد بگیره یا مثلاً اونا کتاب می‌خونن یا! مثلاً کارگردان مورد علاقه‌ی بابام کریستوفر نولانه و اینا رو به هم ربط می‌دم. چه طوری؟ کارگردان مورد علاقه‌ی شوگا کریستوفر نولانه‌ها، تمام فیلماش رو دیده. این

جوری مثلاً پدر من متوجه می‌شده، سبک فیلم دیدن اونا سطح بالا هست یا تاحدودی هم عقیده‌ان، در واقع روی نقطه ضعف‌شون دست می‌ذارم، همین قدر کلک و مودنی (می‌خندد)».

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش از تلاش برای آرمی کردن خواهر و هم‌کلاسی‌های خودش یاد کرده است. مسعود ۲۰ ساله و شیرین ۲۲ ساله هم از تلاش‌های خودشان برای ترغیب هم‌کلاسی‌ها و فامیل برای طرفداری از بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند:

«- در اعضای خانواده کسی هست که مثل خودت آرمی باشه؟

خواهرم رو دارم آرمی می‌کنم و الآن اون یه نیوآرمی هستش.

- خوب چه طوری اون رو آرمی کردی؟

اون رو با دیدن فیلم‌ها و عکس‌های بی‌تی‌اس تبدیل به یک آرمی‌اش کردم.

- به جز خواهرت کس دیگه‌ای رو آرمی کردی؟

خب من قبلاً کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم که یه دختره هم‌کلاسی‌ام بود که اون رو آرمی کردم.

- اون رو چه طور آرمی کردی؟

بهش در مورد بی‌تی‌اس گفتم، اون نمی‌شناختشون ولی وقتی من گفتم رفت و در موردشون سرچ

کرد و آرمی شد».

«- مسعود تو سعی نکردی که بی‌تی‌اس رو به بقیه بشناسانی؟

چرا، این کار رو خیلی کردم. من وقتی سال دوم دبیرستان بودم، به دوستان و هم‌کلاسی‌هام بی‌تی‌اس

رو معرفی کردم و بعداً که وارد بازار کار شدم، باز دوستان جدید پیدا کردم، به اون‌ها هم بی‌تی‌اس رو

معرفی کردم. وقتی هم که تعطیلات عید به شهرستان زادگاهمان می‌رفتیم، به پسر خاله‌ها و پسر عموها

و دختر دایی‌ها بی‌تی‌اس رو معرفی کردیم، وقتی می‌گم کردیم، یعنی خانوادگی برای بی‌تی‌اس تبلیغ

می‌کردیم. مثلاً خواهرام به دخترای فامیل می‌گفتند و من و برادرم به پسرای فامیل بی‌تی‌اس رو معرفی

می‌کردیم.

- چرا این قدر برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردین؟

آشنایی خانواده ما با بی‌تی‌اس باعث شد تا از یأس و نوامیدی و تنهایی غربت و غریبی لحظات شادی

رو با خواهرها و برادرم داشته باشیم و احساس مسوولیت در قبال همدیگه رو داشته باشیم و تازه از انجام

هیچ کاری احساس ننگی نداشته باشیم. بی‌تی‌اس به من حس کمک و احترام به والدین و بزرگ‌ترها

رو آموخت. پس من هم در قبال این همه لطف بی‌تی‌اس، به عنوان یه هوادار، وظیفه دارم بی‌تی‌اس رو

به دیگران معرفی کنم تا هواداران بیشتری داشته باشه و دیگران نیز این حس من را تجربه کنن.

- از تبلیغ کردن برای گروه بی‌تی‌اس چه احساسی داشتی؟

حس خوب و احساس مسوولیت و ادای دین نسبت گروه رو وظیفه خود می‌دانستم».

«- تو هم سعی کردی گروه بی‌تی‌اس رو به دوستانت معرفی کنی؟

بعد از آشنایی کاملم با گروه بی‌تی‌اس تا جایی که خودم قانع شوم که این گروه رو کاملاً می‌شناسم و دوست‌شون دارم، این گروه رو به هم‌کلاسی‌هایم و بچه‌های فامیل معرفی کردم و تاحدی هم در این جهت موفق بودم.

- واکنش دوستان و هم‌کلاسی‌ها در این رابطه چگونه بود؟

وقتی برای اولین بار اعضای بی‌تی‌اس رو دیدند و خیلی خوش‌شون اومد. وقتی باهم آهنگ‌هاشون رو گذاشتیم، کلی لذت بردیم و از یه کلاس ۲۵ نفره، حدود ده نفر از بی‌تی‌اس خوش‌شون اومد و مرتب پیگیر آهنگ‌ها و ویدیوهای جدید بی‌تی‌اس می‌شدند».

طرفداران گروه بی‌تی‌اس در فراز دیگری از اقدام‌های خویش برای ترغیب دیگران به گرایش یافتن به گروه بی‌تی‌اس، کوشیده‌اند تا با به‌نمایش‌گذاردن سمبل‌ها و نمادهای گروه بی‌تی‌اس در جامعه، به نوعی توجه افراد غیر هوادار را معطوف به خود کنند.

نگین ۱۳ ساله، از اقدام هواداران کره‌ای در پوشیدن کفش بنفش (رنگ گروه بی‌تی‌اس) و ریحانه ۱۵ ساله، از الزام دوستان هوادارش در کاربری از وسایل بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند. ریحانه، در گزارش خود تأکید می‌کند، دوستان هوادار او خاطرنشان ساخته‌اند، کسی که از وسایل منتسب به گروه بی‌تی‌اس سود نمی‌برد، آرمی واقعی به حساب نیامده و آرمی الکی است:

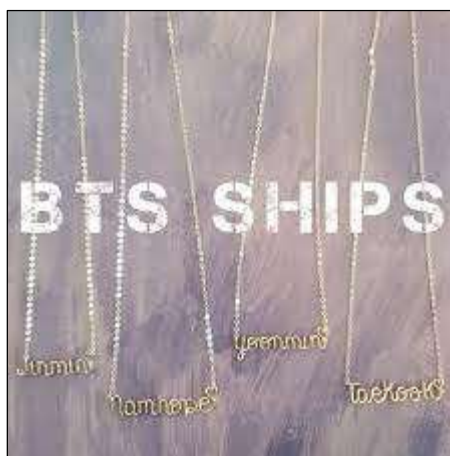
«- گفتم آرمی‌ها قرار گذاشتند که کفش بنفش بپوشند؟»

الآن پوشیدن دیگه، هر کسی تو کره زندگی می‌کنه، الآن پوشیده آرمی بوده و الآن دیگه این جوریه که خیلی قشنگ هر کسی کفش بنفش بپوشه، یعنی منتظر چیزی هست، البته تو کره، نه تو ایران.

- منتظر چه چیزی هستند؟

منتظر این که دو سال سربازی اعضای بی‌تی‌اس تمام بشه».

«... من اون پیج رو تازه فالوش کردم، هنوز ازش چیزی سفارش ندادم، اما یه سری فتوکارت‌هایی دیدم، عکس هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس رو که بخوای برات روش می‌زنن و می‌تونن سفارش بدی و باهاشون قاب گوشی درست کنی. می‌خوام با عکس جیمین سفارش بدم. بعد یه چیز جالب این که هر کدوم از آیدول‌ها برا خودشون یه بالم لب مخصوص خودشون رو دارن، مثلاً یه نوعش مال جیمینه، یکی مال جانگ‌کوک و می‌تونن سفارش بدی، برات بفرستن. آلمانیه. یه سری گردنبندهایی هم هست اسم آیدول‌ها روشه به هر کدوم علاقه داشته باشی می‌اندازی گردنت، دوستان خریدن، می‌گن هر کی طرفدار بی‌تی‌اسه باید تو گروه‌مون بخره، وگرنه، نشون می‌ده که الکی می‌گه طرفداره.



- یعنی دوستان تو گردن بند بی تی اسی رو نشونه طرفدار واقعی بی تی اس بودن می دونن؟



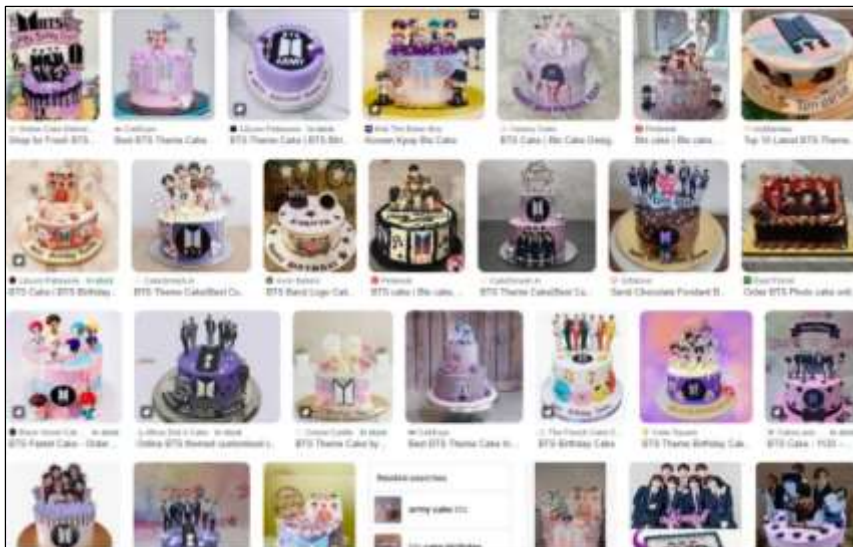
آره، منم باید بخرم. می خوام مال جیمین رو بخرم. دوستانم حتی کیف بی تی اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم من هم باید بخرم، مامانم گفت کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستانم دعوا کردیم. منم قول دادم سال دیگه می خرم.

- خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می کنن؟

آره، ممکنه.

- یعنی فقط به خاطر این که کیف بی تی اس رو خریدی؟

خب می گن نشونه یه آر می واقعی هستش. کسی رو هم که آر می واقعی نباشه، از گروهشون بیرون می کنن. حتی اگه تو آلد یکی شون باشه، می رن بیرون باهم جشن می گیرن و کیک اینا می گیرن. اکثر وسایلشون رو هم دارن.



- از همون پیجی که گفتی می‌خرن؟
آره، اینم عکسشه».



مریم ۱۸ ساله، از رخداد اخیر با عنوان «مد شدن کی‌پاپری بودن در بین تین ایجرها» یاد کرده است. تبلیغ غیرمستقیم گروه بی‌تی‌اس، مورد دیگری است که در تشویق افراد به کاربری از گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود.

از آنجا که دوستان هم‌کلاس و هم‌مدرسه، غالباً گروه‌های هم‌سالان افراد را نیز تشکیل می‌دهند، افراد هوادار، هم‌سالان غیر هوادار را مستقیم و غیرمستقیم وادار به هم‌نوایی با گروه می‌کنند. از این رو برخی از افراد مصاحبه شده خاطرنشان ساخته‌اند که فشار غیرمستقیم دوستان از سویی و فضایی که دوستان در ارتباط با بی‌تی‌اس در کلاس و مدرسه ایجاد کرده بودند، از سوی دیگر، مشوق آنان در هوادار شدن‌شان گردیده است:

«- از چه زمانی با گروه‌های کی‌پاپ آشنا شدی؟

بلک‌پینک را من ۱۰ سالم بود که لینک شدم تا ۱۲ سالگی هم لینک موندم، ولی بعد یکی از دوستانم بحث را در مورد بی‌تی‌اس باز کرد و بهم معرفی کرد، من هم اولش نمی‌دونستم بی‌تی‌اس چیه و فکر نمی‌کردم مثل همون بلک‌پینک باشه، فقط فکر می‌کردم تعداد اعضای اون بیش‌تره و پسر هستند، دختر نیستند و خوب بعد من دوستانم معمولاً یک کاری می‌کنن آدم مجبور بشه بره سمت یک چیزی» (نگین، ۱۳ ساله).

«- چی باعث شد تو بیش‌تر از همه گروه‌های کی‌پاپ، جذب بی‌تی‌اس بشی؟

اول این که زودتر از همه باهاش آشنا شدم و خب گروهی بود که باعث شد من با کل کی پاپ آشنا بشم و بعد این که موقعی که من کی پاپ شدم، معروفترین و محبوبترین گروه کی پاپ بی تی اس بود. اسمش هم بین دوستانم و توی مدرسه خیلی بولد بود و دربارهشون بیشتر از همه صحبت می شد» (حدیث، ۱۴ ساله).

«- عزیزم چی شد که طرفدار گروه بی تی اس شدی؟»

خب من ۱۵ سالم بود و مدرسه می رفتم و تو مدرسه می دیدم که بچه ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره ای آهنگای بی تی اس رو می نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبونشون رو، ولی من نه. خودشون می گفتن آهنگ اون ها هست و بعد از کنسرتشون، بهم دیگه در این باره می گفتن و دایم در مورد اون احرف می زدن. من خب تا اون موقع به جز اسمشون که خب بعضاً به گوشم خورده بود، اصلاً نمی شناختمشون، و آهنگاشون و یا حتی خودشون رو ندیده بودم. وقتی خب دیدم بچه ها این قدر طرفدارشون هستن، منم گفتم برم ببینم کلیپشون رو که کی هستن و اینا. بعد رفتم حالا تو فن پیج هاشون، توی اینستا و تیکه تیکه آهنگاشون رو گذاشته بودن و کنسرتاشون. یه چندتاش رو دیدم، حالا یادم نیس کدوم آهنگاشون بود. رفته رفته حس کردم، به نظرم آره، چه قدر باحال ان. بعد رفتم بقیه آهنگاشون رو هم در آوردم و گوش دادم، ولی خب از حق نگذریم من اول بیشتر به خاطر ظاهرشون جذبشون شدم. یعنی آهنگاشونم قشنگ اومدن به نظرم، ولی تیپ و قیافه های کیوت و حالا اون موهای رنگی شون و اینا جذبم کردن و دیگه از اونجا بود که در واقع استارت جذب شدن من به سمت اونا زده شد.

من کم کم آهنگ کنسرتاشون رو می دیدم، البته بچه ها هم تو تشویق من برای فنشون شدن بی تأثیر نبودن، اونا تو مدرسه گوش می آوردن و همه زنگای تفریح می شستیم می دیدیم و حتی همخونی می کردن اونا، چون زبونشون رو یاد گرفته بودن و منم کنار اونا، خورد خورد یاد گرفتم، البته تو خونه هم هی تکرار می کردم باخودم ریتم آهنگا و تلفظشون رو تا این که کم کم دیگه منم زبونشون رو البته دست و پاشکسته یاد گرفتم، کامل نه» (شقایق، ۱۹ ساله).



پدیده جدید دیگری که با سایه گستر شدن فضای مجازی و پیشرفت هوش مصنوعی در این زمینه ملاحظه می‌شود، کاربری هواداران از محتواهای مربوط به گروه بی‌تی‌اس در مثلاً شبکه اجتماعی اینستاگرام است.

از آنجا که اکسپلور اینستاگرام مبتنی بر هوش مصنوعی عمل می‌کند، هوش مصنوعی اکسپلور با توجه به این که دوستان فردی کاربر محتوای بی‌تی‌اس هستند، برای آن فرد ثالث (که هوادار بی‌تی‌اس نیست) هم محتواهای مرتبط به گروه بی‌تی‌اس را ارسال می‌کند (زیرا دوستان وی کاربر این محتواها هستند و طبق منطق هوش مصنوعی، وی نیز منطقاً باید همچون دوستانش، تمایلی به این گروه از خود نشان بدهد). مواجهه افراد غیرهوادار با محتواهای پیشنهادی اکسپلور اینستاگرام، ممکن است به علاقه‌مندی و گرایش آنان به گروه پسران بی‌تی‌اس بینجامد.

صبا ۱۶ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، اکسپلور به دلیل کاربری دوستان وی از پست‌های مربوط به بی‌تی‌اس، آن قدر برای وی پست‌های مشابه آورد که وی سرانجام به گروه بی‌تی‌اس علاقه‌مند شد:

«- خوب نحوه آشنایی شما با گروه بی‌تی‌اس چه جور بود؟»

خب می‌شه گفت تو مدرسه که حدوداً از دو سال پیش فکر کنم آشنا شدم. نحوه آشنایی من هم این طوری بود که تو مدرسه بچه‌ها چندتاشون بودن که دنبال شون می‌کردن و بعضاً راجع بهش زنگای تفریح حرف می‌زدن باهم یا گوشی می‌آوردن و آهنگاشون رو سر کلاس گوش می‌دادن. این مسأله باعث شد منم از این طریق یه آشنایی کلی باهاشون پیدا کنم، ولی قضیه فن‌شون شدن این جور بود که من تو اینستا می‌چرخیدم، بعد تو قسمت اکسپلور بعضاً چون حالا بچه‌ها لایک می‌کردن، واسه منم پستاشون می‌اومد حالا یا کلیپ بود یا عکس‌شون و اینا. منم چشمم می‌خورد به قیافه‌هاشون، به نظرم با اون موهای رنگی‌شون، خیلی گوگولی می‌اومدن (باخنده) و به نظرم شبیه نقش‌های کارتون می‌شدن. بعد دیگه کم‌کم هی عکساشون می‌اومد و منم می‌دیدم و بعضاً می‌رفتم تو فن‌پیشاشون و بقیه چیزاشون رو دنبال می‌کردم، مثلاً کلیپاشون یا کنسرتاشون. دیگه این جور شد که کم‌کم فالو کردم فناشون رو و شدم کی‌پاپر».



۳-۱۶- تعصب ورزیدن در طرفداری

یافته‌های میدانی گردآمده از طریق مصاحبه‌های انجام شده حکایت از تعصب ورزیدن افراطی اقشار قابل تأملی از هواداران بی‌تی‌اس (خاصه طرفداران سنین پایین‌تر) دارد.

از مجموعه فضای هیجانی پدید آمده از طرف کمپانی، برخوردهای هیجانی اعضای گروه بی‌تی‌اس، برخوردهای هیجانی هواداران و شکل‌گیری عشق تخیلی در اقشار قابل توجهی از هواداران در ارتباط با آیدول‌ها و کلاً برخوردهای هیجانی نوجوانان و جوانان، می‌توان انتظار داشت که حاصل برخورد هواداران با گروه بی‌تی‌اس، بیش‌تر از هواداری منطقی، یک هواداری کور و متعصبانه باشد.

کمپانی بیگ‌هیت با ارتقای صنعت موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی و طراحی انبوهی از برنامه‌های سرگرمی، طنز و هیجان‌آمیز، در عمل فضای پر هیجانی را برای گروه بی‌تی‌اس رقم زده است.

آیدول‌های گروه بی‌تی‌اس نیز در جریان حمایت‌های شعارگونه‌شان (شعارهایی مانند این که «اگر کسی به شما توجه ندارد، بدانید که یک نفر در سؤال به فکر شما است»، «ما عاشق شما هستیم و عاشقانه شما را دوست داریم»، «ما را همواره پشت خودتان احساس کنید» و نظایر آن)، فضایی عاطفی و هیجانی بین خود و هواداران‌شان پدید می‌آورند و با اجراهای توأم با نورافشانی و رقص، هیجان اخیر را مضاعف می‌سازند.

پیش‌تر در مورد عشق تخیلی نیز گفته شد که ذهن جوان تازه به بلوغ رسیده، آماده تجربه عشق و عشق ورزیدن است که با یافتن بهانه‌هایی نظیر آیدول‌های جذاب، خندان، صمیمی و مهربان، عشق بین هواداران (دختر) و آیدول‌ها به سادگی شکل می‌گیرد و دختران حتی ممکن است برای سال‌ها، عشق پرشوری را که در ذهن‌شان نسبت به آیدول‌ها احساس می‌کنند، با خود نگاه دارند.

برخوردهای هیجانی تشکل‌های هواداری در جریان نفی دیگر گروه‌های رقیب و اثبات گروه بی‌تی‌اس، شرکت در جنگ فندوم‌ها (فن‌وارها)، استریم زدن برای آهنگ‌های بی‌تی‌اس، رأی دادن به آیدول‌ها در جشنواره‌های مختلف، تلاش برای افزایش لایک پست‌ها و بازدید لایوهای فردی و جمعی اعضای بی‌تی‌اس و مانند آن‌ها، بر هیجان صحنه می‌افزایند.

سرانجام ویژگی برخوردهای هیجانی و به شدت هیجانی نوجوانانی که مراکز هیجانی مغزشان سریع‌تر از مراکز شناختی مغز به ثمر رسیده‌اند، و نوجوان و رفتارهایش را همواره در التهاب نگاه می‌دارند، در تشدید برخوردهای متعصبانه هواداران‌ذی‌نقش و مؤثرند.

بررسی اطلاعات میدانی دلالت بر آن دارد که اگر چه معدودی از هواداران، دست به تحلیل‌هایی واقع‌نگر و منطقی در ارتباط با گروه مورد علاقه خودشان می‌زنند، اما بیش‌تر تحلیل‌های هواداران نوجوان و جوان، متعصبانه و جهت‌گیرانه است.

شقایق ۱۹ ساله که هوادار بی‌تی‌اس محسوب می‌شود، به خود اجازه نقد برخی از رفتارهای گروه را می‌دهد:

«- ترانه‌های انگیزشی هم می‌خونن؟»

آره، از این راه زیاد طرفدار جمع می‌کنن با همون مضمون که خودت رو دوست داشته باش، ولی خودشون مخالف همین ان، یعنی همه جاشون تغییر می‌کنه. باید از رژیم سخت و موی رنگ کرده و... اینا تبعیت کنن. می‌گم که رفتاراشون، برخلاف حرفاشون هست.»



اما همان‌گونه که آمد، غالب هواداران به دلیل فضای پر التهاب حاکم بر کمپانی، گروه بی‌تی‌اس و هواداران، با چشم بستن بر روی نقدهای وارد بر پسران بی‌تی‌اس، حمایت قطعی و متعصبانه از آنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خویش تأکید می‌ورزد «ما تحت هر شرایطی از آیدول خودمان مراقبت می‌کنیم»:

«- گفتمی یک‌سری خبر بد و یک‌سری خبر خوب بوده؟»

آهان ببینید خبر بدی نیست، چیز خاصی هم نیست، یعنی مثلاً برای نسل ما کاملاً یکی اون طوری باشه اصلاً مهم نیست می‌دونید، اوکییم ما باهاش.

- چه چیزی هست؟

مجبورام بگم دیگه شرمنده، ولی نمی‌دونم شاید شنیده باشین بایوسکچوال، مثل این که جیمین یک‌سری عکس‌هایی را منتشر کرده که تم خانواده‌ال‌جی‌بی‌تی را دارد و رنگ آبی و صورتی وقتی کنار هم بیاد یعنی بایوسکچوال و طراح لباس‌های جیمین هم یک طراح ایرانی گی هستش و (خنده) جیمین قبل از منتشر کردن عکس‌ها توییت کرده که من این‌ها را از صمیم قلبم و با توجه به زندگی‌ام این عکس‌ها را گرفتم و انتخاب خودم بوده و کسی مجبورام نکرده، حالا ما نمی‌گییم قطعاً، ولی بعضی‌ها می‌گن شاید بایوسکچوال باشه.

- این چه معنایی برای شما و دوستانتون دارد؟

خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اولش هم می‌دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که ارمی بشیم، همه دوست‌های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت‌شون می‌کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش‌شون چی باشه، چه جواری زندگی می‌کنن، با صورت و قیافه و این‌هاشون چی کار می‌کنن».



سونیای ۱۷ ساله، دلیل حمایت متعصبانه از آیدول‌ها را عشق و علاقه هواداران به آنان می‌داند:

«- این افراط و تعصب رو چه چیزی می‌تونه به وجود بیاره؟»

علاقه خیلی زیاد باعثش می‌شه، مثلاً من اگر ببینم یکی خیلی داره به دوست پسر من نزدیک می‌شه، اصلاً خوشم نمیاد و قطعاً به چیزی بهش می‌گم (با صدای بالاتر)، چون دوست پسر من خیلی دوست دارم، از علاقه زیاده. فقط دوست دارم من با اون باشم و ببینم که حالش خوبه. علاقه زیاد می‌تونه هیت کردن بقیه رو داشته باشه».

بررسی مواضع هواداران متعصب، حکایت از آن دارد که در برخی از موارد این افراد دست به دفاعی بی‌منطق از آیدول‌های مورد علاقه خودشان می‌زنند.

برخی از هواداران دیگر، با زیر سوال بردن فرد ناقد، در عمل بدون ارایه هیچ پاسخی، از کنار نقد مطرح شده، به سادگی عبور کرده و می‌گذرند، ولی غالب هواداران در اکثر مواقع با توسل و تمسک به توجیه کردن، سعی می‌کنند، نقدهای وارد به ستاره‌ها را رفع و رجوع کنند.

در حالت اخیر نیز گاهی هواداران متعصب، با زیر سوال بردن فرهنگ کره جنوبی به توجیه خویش سامان می‌دهند و گاهی با زیر سوال بردن کمپانی بیگ‌هیت کار خویش را به انجام می‌رسانند، اما آنچه که در این میان مهم هست، دفاع جانانه از ستاره‌ها، پس از ارایه پاسخ‌های نصفه نیمه به نقدهای وارد شده به اعضای گروه است.

نگین ۱۳ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خود، آشکارا به دفاعی بی‌منطق از آیدول‌ها می‌پردازند:

«... خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اولش هم می‌دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که آر می بشیم، همه دوست‌های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت‌شون می‌کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش‌شون چی باشه، چه جوری زندگی می‌کنن، با صورت و قیافه و این‌هاشون چی کار می‌کنن.

- اون سری که مثل شما فکر نمی‌کنن، طرز تفکرشون به چه صورت است؟

نوع دیگه یک‌سری کامنت‌ها روی این عکس‌ها هست، روی این شایعه‌ها که مثلاً می‌گه نه خیر، جیمین پاک‌تر از این حرف‌ها هست و اصلاً از این کارها نمی‌کنه».

«یک کار دیگه که بی‌تی‌اس کرده و می‌کنه اینه که این پیام رو به طرفداراش می‌ده که اون کاری که دلت می‌خواد یا الآن توی فکرته یا به قول خودمون توی جوش هستی رو انجام بده، بدون این که فکر کنی عاقبتش چی می‌شه و بدون این که بترسی که چه کسی در برابرت می‌ایسته و می‌خواد جلوت رو بگیره. یه جورایی می‌گه برو توی دل ماجرا. مثلاً درباره کسایی که تصمیم گرفتن عمل تغییر جنسیت انجام بدم من خیلی بدم میاد که یه سریا می‌گن بیایم باهاشون حرف بزیم یا مثلاً بفرستیم‌شون پیش مشاور که شاید نظرشون عوض بشه. به نظرم نباید کسی جلوشون رو بگیره».

شیدا در اظهار نظر خویش، تجربیات علمی را نیز نفی کرده، مدافع هواداری ظاهر شده است که (شاید به شکلی احساسی) در صدد تغییر جنسیت خویش برآمده است.

در موارد دیگری هواداران به جای ارایه پاسخ مستدل، می‌کوشند با زیر سوال بردن فرد ناقد، اصولاً زحمت پاسخ دادن به نقد را متحمل نشوند:

«- به نظرت چرا بعضی‌ها از گروه بی‌تی‌اس متنفرند؟

به خاطر این که نمی‌خوان ببینن که چه انسان‌های معروف و چه شخصیت‌های خیرخواهی در این کره زمین از خودشون برتر و بالاتر وجود دارد. اعضاء هر چه جذاب‌تر و معروف‌تر باشند، دشمنان بیش‌تری خواهند داشت و دشمنان به دنبال تخریب اون‌ها، دست به هر تهمتی می‌زنند.

– می‌شه چندتا از این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو با مثال بگی؟
مثلاً اگر دوتا از اعضاء باهم برای وقت گذراندن به کافه شاپی برن، عکاسانی در کمین اون‌ها منتظرند تا شاید عکس‌های جنجالی بگیرن و ممکنه این دوتا دوست که عین برادر سال‌ها هست باهم زندگی می‌کنند، هیجانی بشن و دست همدیگر رو بگیرن و یا جوکی تعریف کنن و از خنده بر روی شونه‌های هم بزنن و یا همدیگر رو برادرانه درآغوش بکشند و یا همدیگر رو ببوسند. در اینجاست که عکاسان کمین کرده و یک عکس‌های جنجالی و عاشقانه با فتوشاپ براشون تهیه می‌کنند و به روزنامه‌ها و مجلات کره می‌فروشند و به این ترتیب، آبرویی برای آیدول‌ها نمی‌ذارند و انگ همجنس‌گرایی پهبشون می‌زنند.



– اثر گذاری این تهمت‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟
هوادارانی که چند سالی می‌شه بی‌تی‌اس رو می‌شناسند، باور نمی‌کنند که این گروه با این همه که دست‌شون تو کار خیر هست و برای نیازمندان پیام‌های خیرخواهانه بر سر زبون‌شونه، این تهمت‌ها درباره‌شون درست هست. ولی هستند هواداران تازه وارد و یا هوادارانی که هنوز اطلاعات کاملی از گروه رو ندارند که این تهمت‌ها رو باور می‌کنند و در نتیجه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن و یا با تردید به هواداری خودشون ادامه می‌دن».

توجیه نقدهای مطرح شده، شایع‌ترین شکل برخورد هواداران متعصب با انتقاداتی است که بی‌تی‌اس را خطاب قرار داده اند.

نگین ۱۳ ساله، رخساره ۱۶ ساله، زهرای ۲۴ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش کوشیده‌اند تا با توجیه نقدهای وارده به گروه، به حل و فصل مسایل مطرح شده در ارتباط با گروه و آیدول‌های آن بپردازند:

«بی‌تی‌اس در مورد محیط زیست دغدغه‌ای دارد؟»

خیلی (با تأکید)، از حیوانات حمایت می‌کنند، جایی از این که خودشون حیوون خونگی دارند، توی خونه‌شون به شدت همه‌شون عاشق حیوانات هستند و خیلی براشون مهمه که به حیوان آسیبی نرسه.

– چه کارهایی مثل انجام می‌دن؟

مثلاً به یک سری چنل‌هایی که برای حفظ محیط زیست هستند، کمک مالی کردند.



– این‌ها رو خودت دیدی که به چه کمپینی کمک کردند؟

کمپین خاصی نه، ولی خبرش تقریباً همه جا بوده.

– خوب دیگه چه کارهایی؟

حمایت راستش خیلی زیاد کردن، اگه بخوام الآن بشینم، دونه، دونه، بگم، یه لیست بلند بالایی می‌تونم بگم از این جور کارا هست دیگه.

- اون دفعه که با همدیگه صحبت می‌کردیم به من گفتم که این‌ها لباس خیلی زیاد دارن، کسی که می‌خواد از محیط زیست مراقبت کنه، چه جوری این همه لباس متنوع و جدید خرید می‌کنه؟
اینا رو که خودشون نمی‌خرن، کمپانی می‌خره، یعنی خودشون نقشی ندارد و مجبورند که هر لباس کمپانی می‌گه بپوشند.

- یک نفر به من می‌گفت که خیلی ناراحته به خاطر این که نمی‌تونه مثل اونا لباس بخره و لباس بپوشه؟

خوب آخه شما باید ببینید کی داره اینو بهترن می‌گه، خوب اینا میلیاردن دیگه، وقتی یکی میلیارده، آره خوب معلومه که باید بخره و بپوشه.

- یعنی پس لباس زیاد می‌خرند؟

اونا خودشون نمی‌خرند، از پولی که در میارن، کمپانی براشون لباس می‌خره. به غیر از لباس‌های خونه‌شون، بقیه لباس‌هاشون مال کمپانیه، بعد تازه اینا اصلاً لباس نمی‌خرند، اینا خیاط دارن معمولاً می‌رند و یه خیاط براشون لباس می‌دوزه و پارچه‌هاشون معمولاً پارچه‌هایی نیستن که به محیط زیست آسیب بزنه.

- این رو از کجا می‌گی؟

راستش من اون اول که یکی از دوستانم قرار بود من رو آرمی بکنه، ویکی پدیا خوانده بود و گفتش که اونجا اینا رو نوشته، ولی ببینید، به هر حال وقتی تو اون شرایط و جایگاهی مجبوری که متنوع بپوشی، باید این طوری باشی راه‌گیزی نیست».

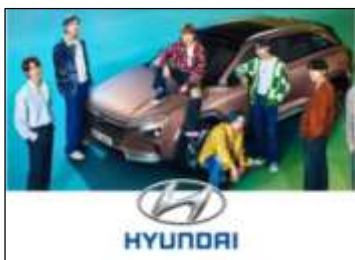
«- چرا اعضای گروه با برنامه وایت واشینگ عکس و فیلم‌های خودشون را سفید می‌کنند و در عمل از نژاد خودشون فاصله می‌گیرند؟

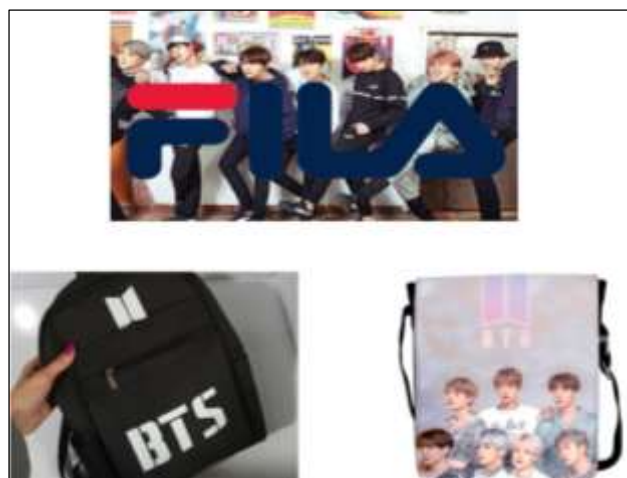
این مسأله ربطی به نژادپرستی توشون نداره، نه اصلاً اونا نژادپرست نیستند، اونا سعی کردن توی همون کاخ سفید هم در مورد نژادپرستی حرف بزنن، به خاطر همین صحبت‌هاشون ازشون تشکر می‌شه. این می‌تونه معیار زیبایی باشه تو کره، نه به خاطر نژادپرستی. این کاری که کمپانی می‌کنه کاری نیست که خودشون بخوان، یعنی اصلاً این برنامه همه اینا زیر نظر کمپانی ساخته شده و به هر حال آیدول ان دیگه، باید یه جوری دیده بشن که کمپانی تأیید می‌کنه و طرفداراش رو زیاد می‌کنه.



- اگر با رنگ پوست خودشون دیده بشن، طرفدارهاشون کم می‌شه؟
راستش رو بخوای این طوری فکر نمی‌کنم برای من و دوستانم اینا هر رنگی باشن، هر شکلی باشن، همون قدر ارزش دارن، ولی نمی‌دونم چرا کمپانی دلش خواسته که سفیدتر دیده بشن، فکر کنم به خاطر همون معیارهای خود کره هست، خود اونا این جور دوست دارن.
- به نظرت به هر حال این به این معنی نیست که خودشون یه جور دوست دارن رفتار می‌کنند که با نژاد خودشون مسأله دارند؟

نه، به نظرم این طوری نیست که با نژادشون مسأله دارن، نژاد که فقط تو رنگ پوست معنی نمی‌شه، به نظرم اینا همه وجودشان معلومه که کره‌ایی ان، میکاپ و این یه ذره این برنامه‌ها که سفیدتر نشون می‌ده، همه اینا به خاطر کمپانیه، به خاطر این که تو اجراها بهتر دیده بشن، به نظرم دلیل دیگه‌ای نداره.
- و مثل این که به هر حال کمپانی سعی داره که سفیدتر از اون چیزی که هستن، نشون بشون بده؟
نمی‌دونم شاید می‌تونه به این برگرده که خوب اینا دیگه همه جای دنیا طرفدار دارن و همه نگاهشون می‌کنن، خوب شاید اگه یه ذره سفیدتر دیده بشن آدمای بیش‌تری ازشون خوششون بیاد، شاید کلاً تو کشورشون اعتماد به نفس خودشون پایینه، این طوری خواستن چه می‌دونم شاید اعتماد به نفسشون را یه جور بالا ببرن، ولی باز می‌گم، این مسأله به نظرم به نژادپرستی ربطی نداره، این همه کار برای نژادپرستی می‌کنن، حالا یه ذره سفیدتر دیده بشن، کاراشون رو نقض نمی‌کنه».
«- تبلیغاتی که گروه دارن معمولاً برندهای مشهور و بسیار گرون قیمت رو پوشش می‌ده و تعداد قابل توجهی شاید نتونن اونا رو بخرن، این چه طور سیاستی هست که کمپانی در نظر می‌گیره.







گرون قیمت بودن شون بله، برای همه اقشار جامعه نیستن اونا. شاید تعداد کمی هم بتونن اونا رو خریداری کنن، ولی می‌تونن فیکش رو بخرن.

– خرید فیکش همون لذت خاص رو بهشون می‌ده؟

قاعدتاً نه، ولی دنبال کردن مد هزینه زیادی رو نیاز داره. فک می‌کنم هر کسی دنبال مد نره، شاید

تقلید کنن از نوع لباس پوشیدن شون، ولی تعداد زیادی نمی‌رن که همون لباسای برند رو بخرن.»

«– شبهم یه موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینکه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت

می‌کنن با قوانین شرکت طرف قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دل شون می‌خواد رو

انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای این‌ها سنگین و سخته که حتی حق نداشتن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای بدن شون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع نداشتن. همین طور در مورد اظهار نظر آزاد و حق ازدواج هم هیچ گونه تصمیمی بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون یه موقع یه حرفایی می‌زنن که به نظر بر ضد کمپانیه. ولی خب یه جورایی انتخاب بین محبوبیت و موفقیت و پول و اینم چیزیه که بابتش می‌پردازن».

در روند توجیه کردن نقدهای مطرح شده در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس و آیدول‌های آن، برخی از هواداران، فرهنگ کره را مسوول شکل‌گیری نقد مطرح شده دانسته، بعضی از هواداران دیگر، کمپانی بیگ‌هیت را مسوول اصلی ماجرا قلمداد کرده، آیدول‌های مورد علاقه خودشان را در این میان تیرئه می‌کنند.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش فرهنگ کره را زیر سوال برده، آن را مسوول پذیرش فشار کمپانی از سوی آیدول‌ها می‌داند:

«اگه بخوام به صورت کلی بگم فشار روی آرتیستای کی‌پاپ نسبت به مثلاً آرتیستای هالیوودی، خیلی بیش‌تره. ولی این صرفاً به خاطر فرهنگ کره‌ایا هست. یعنی من فکر می‌کنم که بیش‌تر ریشه توی فرهنگ‌شون داره. این که مثلاً چرا توی هالیوود همچین قضیه‌ای نیست. این که چرا مثلاً وقتی یه گروهی توی بر فرض هالیوود تشکیل می‌شه، مثلاً مثل گروه وان‌دایرکشن یا بعضی گروه‌های دیگه، چرا اونا یه همچین فشارهایی رو تجربه نمی‌کنن؟ چرا مثلاً اونا سعی نمی‌کنن خودشون رو باب میل طرفداراشون تغییر بدن؟ چرا مثلاً اونا هر جور خودشون می‌خوان هستن و طرفدارا بازم همون جوری دوست‌شون دارن؟ به این دلیل که کره‌ایا فکر می‌کنن که مثلاً تمام آدمای دنیا مثل خودشون ان و سعی می‌کنن اون پیپل پلیزینگ^۱ بودن، این که مثلاً باب میل مخاطب‌شون باشن، این رو کامل به همه القا می‌کنن و یه جورایی طرفدارای کی‌پاپ، طرفدارا خودشون رو عادت می‌دن به این قضیه.

- اوهم.

یعنی به طرفدارها این رو القا می‌کنن که آره ما مثلاً میایم آرتیستامون رو با میل شما مثلاً چیز می‌کنیم. در صورتی که خب واقعاً طرفدارهای کی‌پاپ دیگه کره‌ایا صرفاً نیستن و از کل کشورای دنیا هستن و خیلیا اصلاً مخالف ان با این که کمپانیا این طوری رفتار می‌کنن. ولی خب اونا اصلاً دست خودشون نیست، یعنی طرز تفکریه که توی فرهنگ‌شون وجود داره. یکی احترام خیلی زیاده به مافوق و یکی این که رضایت مثلاً طرف مقابل رو جلب کردن. این دوتا آیتم خیلی توی فرهنگ کی‌پاپ، یعنی

کلاً خود فرهنگ کره‌ایا و تو کی پاپ خیلی بلده. یعنی اگه دقت کنی مثلاً توی سریالاشون هم محیط- های کاری شون که نشون می‌ده خیلی بر اساس اینه که مثلاً کارمند رضایت مافوقش رو جلب بکنه، برای همین من فکر می‌کنم این یه چیز ریشه‌ای توی فرهنگ‌شونه و این توی کی پاپ هم بروز کرده». مسعود و شیدای ۲۰ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود، با فراموش کردن مسوولیت انسانی آیدول‌ها، کمپانی بیگ‌هیت را زیر سوال برده، سعی می‌کنند به این ترتیب تخطی آیدول‌های محبوب‌شان را از مسوولیت انسانی خویش، نادیده بگیرند:

«- تا حالا با دوستانت درباره بی‌تی‌اس به اختلاف نظر برخورد کردی؟
آره، خیلی.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً چند وقت پیش یکی از دوستانم از آرایش و قیافه زنانه‌ی گروه بی‌تی‌اس ایراد می‌گرفت و می‌گفت اینا خودشون که هیچ عیبی ندارند، دیگه چرا آرایش می‌کنند و خودشون رو خوشگل‌تر می‌کنند. چه دلیلی داره جز تحریک کردن دیگران و من هر چه بهش می‌گفتم که کارای گروه بی‌تی‌اس دست خودشون نیست و رؤسای آن‌ها به گریمورها دستور می‌دن که مثلاً فلان آیدول آرایشش صورتی باشه یا قرمز و دوستم این حرف‌های من به کله‌اش نمی‌رفت و می‌گفت با این که دوست‌شون دارم، ولی نباید آرایش کنند، باید مثل بیشتر پسرها ساده باشند.



- تونستی دوستت رو قانع کنی؟

در حد توانم بهش فهماندم که پسران بی‌تی‌اس حق اعتراض ندارند، چون از شون تعهد گرفتن و باید انجام بدن و او می‌گفت اون‌ها نباید کاری رو با زور انجام بدن، این همه استعداد دارند، پس بیان بیرون و خودشون برای خودشون کار کنند و ما هم پشتیبان‌شون خواهیم بود.

- به نظرت در این میان حق با چه کسی هست؟

درسته همه‌ی حرف‌هاش حقه، ولی گروه بی‌تی‌اس به خاطر هزینه‌های تحصیل و آموزش و خرج خوابگاه بدهکار کمپانی هستند و تا زمانی که بدهی خودشون رو به کمپانی تصفیه نکنند، باید همچنان ادامه بدن. این حرف‌ها رو هم به دوستم گفتم او هم مثل خود من قانع شد.»

«- تاحالا شده احساس کنی فعالیتی انجام دادن که نمی‌خوام بگم بد، چون همون طور که گفتی اون قدر شهرت دارن که خیلی دقت می‌شه رو کاراشون، بهتره بگم خاکستری تاحالا احساس کردی کاری انجام بدن که خاکستری باشه؟»

آره به نظرم هست مثلاً این برندای جهانی مثلاً استارباکس یا مک‌دونالد خب اینا جفتش برای آمریکا هست، ولی همه جای دنیا اینا شعبه دارن و پول اصلیش برای خود آمریکاست، ولی تو کشورهای مختلف کلی آدم با حقوق کم دارن برای این برندا کار می‌کنن.

بی‌تی‌اس هم برای مک‌دونالد، هم برای استارباکس تبلیغ کرده، برندای دیگه هم هستن مثل کوکا ولی همون مک‌دونالد و استار باکس رو در نظر بگیریم، بهتره، چون بیش‌ترین سود داره تو جیب کشور مبدا می‌ره، ولی کسانی که تو کشورهای دیگه دارن کار می‌کنن، برای این برندا خب نه حقوق‌شون خوبه، نه مزایا، نه امنیت شغلی بی‌تی‌اس، فقط میاد تبلیغ اون برندا رو انجام می‌ده و کاری به اینا نداره، البته اگه دست خودشون بود، خب شاید اعتراض می‌کردن به اوضاع این کارگرا، ولی باید کاری که کمپانی می‌گه رو انجام بدن، دیگه به نظر من این نوع کارهایی که انجام می‌دن دقیقاً مثال همون واژه خاکستریه که گفتی، خب اینا به کسی آسیبی وارد نمی‌کنن اصلاً، ولی از حق اون کسانی که گفتم هم دفاع نمی‌شه خب.»



عرفان ۲۱ ساله، در بیانات خودش پس از محکوم کردن کمپانی، نتیجه می‌گیرد، باید از آیدول‌ها که به دلیل قرار گرفتن زیر فشار کمپانی، رو به افسردگی آورده‌اند، حمایت کرد و بدون توجه به نقدهای وارد بر آنان، به دفاع بی‌چون و چرا از آن‌ها پرداخت:

«- این همه دخالت و فشار کمپانی روی آیدول‌ها چه تبعاتی برای آیدول‌ها دارد؟ آیدول‌ها برخلاف ظاهر شاد و خندون‌شون، روحی افسرده و ناآرام دارن. گاهی برای تحمل این همه محدودیت به قرص‌های اعصاب روی میارن.

- خوب چرا ادامه می‌دن؟

چون از ابتدا از شون تعهد گرفتن که مثلاً حق ازدواج ندارن و باید کاملاً مطیع کمپانی باشن و اگر پا پس بکشن، باید کلی خسارت به کمپانی بدن. از طرف دیگه آیدول‌ها می‌دانن اگر کمپانی نبود، الان یه شخص عادی مثل بقیه هم کلاسی‌هاشون بودن و دیگه خبری از این همه معروفیت و محبوبیت در سطح جهان نبود... بنابراین دچار دو حس ضد و نقیض در وجود خودشون شدن، هم این موقعیت رو دوست دارن، هم از فشارهای کمپانی منزجر شدن. نه راه پس دارن، نه راه پیش. پس ادامه می‌دن.

- این رفتار دوگانه آیدول‌ها روی طرفداران بی‌تی‌اس چه تأثیری دارد؟ طرفداران آگاه و با معرفت درک‌شون می‌کنن و حتی بیش‌تر از قبل برای گروه تبلیغ می‌کنن». چه فشار سختی روی گروه هست و بیش‌تر از قبل برای گروه تبلیغ می‌کنن». با توجه به آنچه گذشت، دفاع متعصبانه بسیاری از هواداران در غوغای هیجان‌آفرینی‌های کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران پر شرّ و شور بی‌تی‌اس، امری عادی و معمول می‌نماید.

۳-۱۷- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی

«- این موضوع که به بی‌تی‌اس خیلی هیت می‌دن فکر کنم شامل حال آرمی‌ها هم بشه. برای تو تا به حال پیش اومده؟

مثلاً توی کامنت‌ها و اینا میان بهمون می‌گن هارمی (باخنده)، نه خدا رو شکر برای من پیش نیومده، چون زیاد درگیر این موضوعات نمی‌شم.

- هارمی؟

آره، چون آرمیا هر کی هیت می‌ده رو با خاک یک‌سان می‌کنن و با این که این وسط خودشون دعوا راه انداختن می‌گن آرمیا وحشی و هارن» (ریحانه، ۱۷ ساله).

در عنوان قبل از فضای پرهیجان تمهید شده از سوی کمپانی بیگ‌هیت، برخوردهای هیجان‌مدار گروه بی‌تی‌اس، سیطره روش‌های هیجان‌مدار در تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها) و سرانجام حکایت برخوردهای هیجان‌مدار در نوجوانان و جوانان به سبب تحول‌های مغز بنیان و همین‌طور غلبه عواطف عاشقانه در جوانان (خاصه دختران که عاطفی‌تر از پسران هستند)، یاد شد.

قرار گرفتن هواداران در مجموعه فضاهای هیجانی که آنان را در بر گرفته است، سبب می‌شود، خود به خود افراد روش‌های هیجان‌مدار^۱ را در تعامل‌های اجتماعی خویش مدنظر قرار داده و با شیوه‌های هیجانی به حل مسایل فراروی‌شان بپردازند. شاید از همین رو است که سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد که خیلی‌ها می‌گویند: «آرمی‌ها وحشی‌ان».

بسیاری از هواداران گروه بی‌تی‌اس، نه تنها با طرفداران گروه‌های کی‌پاپ دیگر و افراد منتقد گروه بی‌تی‌اس، با روش هیجان‌مدار برخورد می‌کنند، بلکه ممکن است با افراد هم مسلک خودشان نیز با شیوه‌های هیجانی و مبتنی بر نفی و انکار و پرخاش برخورد کنند.

غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش در توصیف دعوایی که بین گروه‌های مختلف کی‌پاپ (فن‌وار) صورت می‌پذیرد، می‌گوید:

«- ... حالا بین خود کی‌پاپرا هم دعوا می‌شه؟»

زیایااااا. زیایااااا (می‌خندد)، بیش‌تر دعوها بین خود کی‌پاپرا هست.

- مثلاً سر چه اتفاق‌هایی؟

بین فن‌وار^۲ (دعوی بین فن‌دوم‌ها) همیشه هست. هر چه قدرم فن‌دوم بزرگ‌تر باشه، دعوها بیش‌تر می‌شه. مثلاً فن‌وارای آرمی و بلینک^۳ (نام طرفداران گروه بلک‌پینک) و اکسو ال^۴ (نام طرفداران گروه اکسو) زیاده نسبت به بقیه‌شون. چون تعداد فنا زیاده. بین شون قطعاً نخاله پیدا می‌شه که بیاد فتنه به پا کنه. چون به خودی خود، آیدول‌ها خودشون هیچ وقت باهم مشکل ندارن... داشته باشن هم، نشون نمی‌دن. دیگه حالا این فن‌وارا سر بعضی چیزای... مسخره حتی، فن‌وار می‌شه. این طوری هم نیست که همه‌ی فن‌دوم، یعنی همه فنا با فنای فن‌دوم دیگه دعواشون بشه. یه سری فنا فقط که عشق دعوا ان و اصلاً منطقی ندارن. هی دعوا می‌کنن. این وسط فحشش رو هم به آیدول می‌دن. تو همین دو، سه هفته، بین آرمیا و بلینکا دوتا فن‌وار بدم شد. خدایی تقصیر ما آرمیا هم نبود هیش (هیچ) کدومش. ما نه سر پیاز بودیم، نه ته پیاز. اونا شروع کردن. همش عادت دارن خودشون شروع می‌کنن. خودشونم میان مظلوم‌نمایی (باخنده)، بعد می‌گن آرمیا وحشی‌ان. بیا برو سرچ کن. بز ن تاکسیک‌ترین فن‌دوم، بلینک رو برات میاره. آقا اینا اومدن... نه وایسا بگم چی شد. پسرا که تازه اومده بودن اینستا، خب خیلی بلد نبودن با اینستا کار کنن. اینستا یه قسمت داره که مثلاً آکانت‌های دیگه رو بهت پیشنهاد می‌ده، که فالو کنی.

۱ - در ادبیات روان‌شناسی از شیوه‌های حل مسأله، با عناوین روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل منطقی مسأله و روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل هیجانی مسأله یاد شده است. افراد در حل مسأله‌مدار مشکلات فرارو، به شکل عقلانی و مستدل در پی یافتن راه حلی مناسب برای رفع مشکل برمی‌آیند، اما در حل هیجان‌مدار مسایل، افراد با توسل به برخوردهای هیجان‌زده، با مسایل روبرو مواجه می‌گردند.

2 Fan war

3 Blink

4 Exo-L

همون قسمت سجسشنا^۱ (پیشنهادها). بعد اعضای بلک‌پینک که از قبل توی اینستا اکانت داشتن. خب جزو سجسشنا میان واسه تهیونگ. تهیونگ هم همون شی که میاد اینستا، اون سجسشنا میاد برایش. دستش می‌خوره، فالوش می‌کنه. چون بعدش اومد وی‌ورس، گفت (باخنده)، بچه ترسیده بود. اومد گفت، اینستا خیلی ترسناکه. کسی می‌دونه، چه طوری این پیشنهادها رو حذف کنم، دیگه برام نیاره؟ بچه‌ام خودش می‌دونست داستان می‌شه. اومد زیرپوستی توضیح داد، جریان چیه. بعد باورت نمی‌شه. در حد چند ثانیه، تهیونگ بلافاصله آنفالوش می‌کنه. ولی تو همون چندثانیه، چون ملت چادر زده بودن تو پیج تهیونگ (می‌خندد)، می‌بینی که جنی تو فالوینگای تهیونگه. بین اون شب جننگ بود (می‌خندد). بلینکا می‌گفتن، شما آیدول تون استاکره. تو کف آیدولای ماست. بعد خود سولو استناشون^۳. یعنی مثلاً... بین طرفدارهای بلک‌پینک معروف ان که یه تعداد زیادی شون به جای این که کل گروه رو استن کنن، یکی دو تا از اعضا رو استن می‌کنن. بین خودشونم، خودشون به آیدول‌های خودشوووون توهین می‌کنن (می‌خندد). بعد همین اومده بودن... بیش‌تر همین اومده بودن تو پیج جنی. تو کامنتا بهش هیت می‌دادن. که حتماً تو و تهیونگ باهم هستین. دست از سرش بردارین. در حالی که این کار آرمیا نبود. ممکنه چندتا نخاله از آرمی‌ها هم گفته باشن. ولی بیش‌تر سولو استنای خودشون بود. دیگه این اومده بودن تویتتر. مظلوم‌نمایی. بعد فحش‌های خیلی... خیلی بدی می‌دادن به تهیونگ. ما آرمی‌ها هم واسه دفاع از تهیونگ اومدیم وسط. بین مون دعوا شد. البته من خودم دخالت نکردم. فقط در همین حد که نشون دادم، این هیت‌ها که می‌دن، کار خود سولو استناشونه. نه ما. ولی توهینی نکردم. چند روز بعدشم شوگا کرونا گرفت بچه. نمی‌دووونی اینا چه قدر بی‌شعور بودن، تویتت می‌زدن این کار مائه. آخه چه کاری احمق؟ شما چه قدر احمقید که با یه ویروس که کلی آدم کشته، و خیلی‌ها رو عزادار کرده، این طوری شوخی می‌کنین. نمی‌گین اینا می‌بینن؟ مثلاً می‌گفتن، آره هنوز مونده. هنوز شیش نفرشون مونده. امیدوارم هر هفت‌تاشون کرونا بگیرن بمیرن. تا کی پاپ مال ما بشه. منظورشون بلک‌پینک بود. زبون‌شون لال شه ایشالله (می‌خندد). آره. این طوری. اون قدر به شوگا هیت دادن. چه فحشا که ندادن. حالا خوبه لیسا چند وقت پیش که کرونا گرفت، اون کار ما نبود. مال ما کار اونا بود و اون قدر فحش داشت. شاید فکر کنی الکی می‌گم، ولی، سر کرونای لیسا هم باز سولو استنای خودشون اومدن، به لیسا هیت دادن که چرا کرونا گرفته (می‌خندد)، خلاصه خیلی آدمای مسخره‌ای بین شون هست. من دوست اکسوال زیاد دارم. استی (نام طرفداران گروه استری کیدز) دارم. دوست اگاسه (نام طرفداران گروه گاتسون) هم دارم. از فندومای دیگه، دوست زیاد دارم. ولی هیچ وقت نمی‌تونم با یه بلینک دوست باشم. خیلی خراب و نفهم ان. همه از دم نخاله. یعنی هر چی بلینک تو این چند سال دیدم یکی از یکی بدتر بوده».

1 suggestions

2 stalker

3 Solo stan

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از برخورد هیجان‌مدار خویش با برخی از سلبریتی‌های داخلی که تعریضی به گروه بی‌تی‌اس داشته‌اند، به قرار زیر یاد کرده است:

«- نیکو جان آیا تو فن‌وارها شرکت می‌کنی؟»

توی سه‌تا از دعوا شرکت کردم، چون واقعاً لُج آدم در می‌اومد.

- می‌تونوی پیش‌تر در مورد دعوایی که داشتی، توضیح بدی؟

مثلاً ساسی مانکن این طوری بود که رفته بود کنسرت‌شون توی لس‌آنجلس و ویدیو گرفته بود از خودش و دقیقاً هم ردیف جلو نشسته بود، چون از جیمین که داشت ویدیو می‌گرفت قشنگ جلو بود. بعد از خودش ویدیو گرفت که اینا کی ان اصلاً و دارن چرت و پرت می‌گن و چی دارن اصلاً می‌خونن که من سر این مسأله واقعاً عصبانی شده بودم، چون داره حق آرمی‌های دیگه رو می‌خوره، چون یه سری آرمی‌ها هستن از کشورهای مختلف پدرشون درمیاد پول درمیارن و می‌کوبن می‌رن اونجا برای کنسرت، این یعنی داری حق دیگران رو می‌خوری وقتی طرفدارشون نیستی، بشین تو خونوات نرو، سر همین کلی از آرمی‌ها رفتن تو پیج ساسی مانکن براش کامنت گذاشتن، منم دلایل اشتباه بودن کارش رو براش نوشتم.

مورد بعد دعوای حمید هیراد و بی‌تی‌اس هم سر این بود که حمید هیراد، سال ۲۰۱۸ تیزر کنسرت جدیدش رو دقیقاً از روی تیزر آلبوم وینگز کاملاً کپی کرده بود و دقیقاً همون ویدیو بی‌تی‌اس بود، فقط به جای اعضاء حمید هیراد بود و هیچ تغییری نداده بودن، سر اون بود که فندوم خیلی شاکی شده بودند و حتی این رو توی شبکه من و تو هم نشون داد و آخرش هم حمید هیراد هیچ عذرخواهی‌ای نکرد. از اونجا به بعد آرمی‌ها خیلی از حمید هیراد متنفر شدن.

مورد آخر دعوای بین مهراد هیدن و فن‌های آرمی هم این بود که می‌خواست برای خودش یه نماد درست کنه که نماد فندومش باشه و دقیقاً از روی نماد بی‌تی‌اس کپی کرده بود و دقیقاً یه چیزی شبیه به همون بود، واسه همین بعدش فندم آرمی خیلی شاکی شدن و اومدن دعوا و گفتن این نماد بی‌تی‌اس هست. مهراد هیدن هم کلی استوری گذاشت و کلی فحش داد به بی‌تی‌اس و عکس‌شون رو استوری کرده بود و حرف‌های زشت و رکیک زده بود بهشون، بعد از این که کلی استوری‌های توهین‌آمیز گذاشت، نمادش رو عوض کرد و نماد بعدیش هم باز شبیه نماد آرمی‌ها بود و دیگه آرمی‌ها به شدت عصبانی شدن و خیلی اوضاع بد شد، آخرش هم یه آهنگ دو دقیقه‌ای داد بیرون و باز به بی‌تی‌اس فحش داده و توهین کرده بود و حرف‌های بدی زده بود. من خیلی ناراحت و عصبانی شدم، دوستم بهم می‌گفت که ما اصلاً این یارو رو نمی‌شناختیم و اسمش رو هم نشنیده بودیم، مخصوصاً این کار رو کرده که معروف بشه و حالا به خاطر این کارش، ما همه اون رو می‌شناسیم، منم دیدم راست می‌گه ما الکی

داریم این همه جوش می‌زنیم و اون یارو داره در واقع تبلیغ منفی می‌کنه برای خودش. توی این جور دعوها شرکت کردم و مثلاً آگه قرار بود یه هشتگی علیه حمید هیراد ترند شه، سعی می‌کردم خیلی اون هشتگ رو کامنت کنم».

برخوردهای هیجان‌مدار هواداران با طرفداران گروه‌های دیگر، از برخوردهای نسبتاً ملایم شروع شده به دعوا و کتک کاری نیز می‌رسد.

راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، با نفرت پراکنان، در ابتدا بحث می‌کرده است تا آن‌ها را به جاده استدلال بکشاند، اما با مشاهده عدم انعطاف‌پذیری آن‌ها، آنان را رها ساخته است:

«- عزیزم دیده بودم که به آرمی‌ها هم خیلی توهین می‌شه، تو تاحالا با همچین مواردی مواجه شدی؟

آره، شدم. مثلاً می‌گن این چینی مینیا چیه گوش می‌دی، چه جور یه قیافه‌شون رو تشخیص می‌دی، اینا که همه‌شون یه شکل ان، این دخترا رو دنبال می‌کنی، واقعاً خنده‌داره و این بخش کوچیکی از چیزاییه که روزانه می‌شنوم.

- حتماً خیلی ناراحت می‌کنه.

اولاً آره، ولی الان برام مهم نیست، عادی شده.

- بعد شده که باهاشون بحث کنی و سعی کنی متقاعدشون کنی که طرز فکرشون اشتباهه؟
اولش آره، سعی می‌کردم بهشون بفهمونم که این جور نیست، ولی بعدش حرفای بیش‌تری خوردم و مسخره کردن که بعدها دیگه اهمیت ندادم».

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، در اختلاف پیش آمده با دوستش، وی با او دعوا و قطع رابطه کرده است:

«- سر چه موضوعی باهم دعواتون شد که بعدش قطع رابطه کردین؟

خب اون زمان خیلی سن‌مون کم‌تر بود و کلاً اون شخص از اولش دوست صمیمی من نبود و فقط اوایل که تازه گوشی‌دار شده بودم، تنها کسی بود که می‌تونستم باهاش چت کنم. بعد یک مدتی اون دوستم به من پیام داد و من بهش گفتم آره من آرمی شدم و اون گفتش که نه، نباید طرفدار بی‌تی‌اس بشی و اون‌ها خوب نیستن و منم از بی‌تی‌اس طرفداری کردم و گفتم چرا خوب ان و من طرفدارشون هستم و به تو چه. خلاصه اون هم گفت نه فقط بلک‌پینک خوب هستن و این یکی از دلایلی بود که باعث شد من از بلک‌پینک زده بشم و تهش هم همون شد که گفتم».

حدیث و گلاره ۱۴ ساله، در بیانات خویش از طعنه و کنایه و تحقیری که برخی از هواداران در برخورد با هواداران گروهی که به تکرار (کاور) آهنگ یا رقص بی‌تی‌اس پرداخته‌اند، دارند، به قرار زیر یاد می‌کند:

«- رقص‌شون با موزیک‌های خودشونه؟

آره، ولی نمونه کارای پرفورمنس و رقص با آهنگای غیر خودشون هم دارن. بعد اون آهنگا وایرال (گسترده) می‌شن و همه خیلی خوششون میاد یا مثلاً به گروه میاد دنس به گروه دیگه رو کاور می‌کنه. - بعد اعتراض نمی‌کنن به این کار؟

بین مثلاً آکسو میاد به دنس با آهنگ بی‌تی‌اس رو کاور می‌کنه، بعد فنایی که هم طرفدار بی‌تی‌اس هستن هم آکسو، خیلی خوشحال می‌شن و استقبال می‌کنن، اما مثلاً فنای متعصب بی‌تی‌اس میان می‌گن، آره چه می‌دونم آکسو اومده این کار رو کرده که خودش رو بچسبونه به بی‌تی‌اس و معروف‌تر بشه یا برعکس فنای آکسو میان می‌گن، نه آکسو خیلی از بی‌تی‌اس سرتره و بی‌تی‌اس اصلاً لیاقتش رو نداره که آکسو بخواد رقصشون رو کاور کنه. اما در کل فنای آکسو خیلی منطقی‌تر و آروم‌ترن. حمله نمی‌کنن به نظر مخالف. بعد آخه سنشونم از بقیه فندوما بالاتره. فنای بی‌تی‌اس اکثراً تینیجران».



«... یا مثلاً توی پینترست زیر یکی از پست‌های یه آرمی که راجع به بی‌تی‌اس و کاور آهنگ وی دونت تاک انی‌مور^۱ بود که جیمین و جونگ‌کوک کاورش کرده بودن، یکی نوشته بود که به نظرم کاور این آهنگ خیلی قشنگ‌تر از اصلیشه. بعد بقیه اومده بودن نوشته بودن که چی می‌گی این آهنگ تو دنیا رتبه چی آورده و سلنا^۲ پرنسسه و ملکه است، چارلی^۳ خیلی صداس قشنگه، اصلی‌اش خیلی

1 We Don't Talk Anymore (2016)

۲- سلنا گومز (Selena Gomez) خواننده، ترانه سرا، بازیگر و تهیه‌کننده تلویزیونی اهل آمریکا است.

۳- چارلی پوث (Charlie Puth) خواننده، ترانه سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل ایالات متحده آمریکا است.

قشنگ‌تره و شما و بی‌تی‌اس برین گم شین و اینا. بعد آرمی‌ها هم نوشته بودن اگه بحث مقایسه است که بی‌تی‌اس اولین در جهان و از این مدل حرف‌ها و کلاً به هم فحش می‌دادن».



مرضیه و مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان به ارایه نمونه‌هایی از تعریض و کنایه هواداران بی‌تی‌اس برای طرفداران گروه‌های دیگر یاد کرده اند:

«- در زمینه استریم و... بین هواداران گروه‌های مختلف یک نوع رقابت هیجانی وجود داره؟ قطعاً که این طوره، هر فندومی دوست داره رکورد بزنه و کسی رو که استن (هواداری) می‌کنه رو بالا بالاها ببینه، پس رقابت هست.

- این نوع رقابت‌ها باعث درگیری هم بین شون می‌شه؟ بعضی وقتا و البته حسادت هیترا و طرفدارای گروه‌های دیگه رو هم بر می‌انگیزد (می‌خندد). - می‌تونن نمونه‌هایی از این مورد رو برام مثال بزنی؟ مثلاً می‌گن رأی خریدن و از این حرفا یا فشار می‌خورن و می‌گن، فلانی اصلاً استعداد نداره و رأی‌هاش رو خریده.

- درباره بقیه طرفدارها چی اون‌ها چه جوری رفتار می‌کنن؟ خلاصه‌اش رو بخوام بگم، می‌شه فن‌وار (جنگ فن‌ها) میان به همدیگه و آیدولای هم توهین می‌کنن و تمام توانایی‌ها و دستاوردها و شخصیت اون سلبریتی رو زیر سوال می‌برن و می‌گن آیدول ما بهترینه.».



سارینای ۱۳ ساله و حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خود، از فحاشی و توهین هواداران بی‌تی‌اس در مواجهه با طرفداران دیگر گروه‌های کی‌پاپ یاد کرده اند:

«- عزیزم به طور کلی واکنش آرمی‌ها در مقابل هیترهای بی‌تی‌اس چیه؟
دسته اول فاقد اهمیت می‌دونن، یعنی اصلاً براشون مهم نیست هیترها چی می‌گن و کار خودشون رو می‌کنن. دسته دوم اون‌هایی هستن که جواب هیترها رو می‌دن و ثابت می‌کنن اعضاء خوبن. دسته سوم تعصبی‌ها هستن که خودشون رو می‌کشن و فقط دعوا می‌کنن.»



- خود شما جزو کدام دسته به حساب می‌ای؟

اولی‌ها. جواب ابلهان خاموشی است.

- کسی رو توی دور و برت دیدی که جزو دسته دوم یا سوم باشه؟

بله خیلی. تو دوست‌هام زیادن که معمولاً دهن به دهن می‌کنن و عصبی می‌شن.

- مثلاً توی این دهن به دهن گذاشتن‌ها چه حرف‌هایی بین آرمی‌ها و هیترها رد و بدل می‌شه؟

هیترها تیکه می‌اندازن و از بدی‌های بی‌تی‌اس و اشکالات نداشته اون‌ها حرف می‌زنن و آرمی‌ها همه رو تکذیب می‌کنن و از اعضاء حمایت می‌کنن، مثلاً تو همین بحث همجنس‌گرایی آرمی‌ها هم مثل من می‌گن گرایش‌شون به خودشون مربوطه و ما هم علایق‌مون به خودمون مربوطه».

«- توی مدرسه درباره‌شون چی می‌گفتن و آیا نظر مخالف هم داشتن یا نه؟

درباره ویدیوهایی که می‌دادن و دنس و لباس‌شون بیش‌تر حرف می‌زدیم یا اتفاقی که توی کی‌پاپ می‌افته. نظر مخالفم داشتیم، ولی خب آرمیا به شدت تعصبی بودن توی مدرسه و اگه کسی هیت می‌داد، خیلی باهاش بد برخورد می‌کردن. حتی به فحش و توهینم می‌رسید. ولی خب این واسه اول وارد شدن به دنیای کی‌پاپه که همه خیلی جوگیرن و فکر می‌کنن این دیگه ته خفن بودن و دیگه هیچی مخالفش نباید باشه».

غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد که وی بعد از ناسزاگویی به افراد نقاد، از دوستانش می‌خواهد تا به صورت جمعی علیه وی گزارش داده، اسباب مسدود شدن او در فضای مجازی را فراهم آورند:

«- کی پاپ تلاش می‌کنه نشون بده لباسا جنسیت ندارن. تو هم همچین فکری می‌کنی؟
آره. الان همه همین طور ان. به نظر من فقط هم توی کی پاپ نیست. همه جا دارن سعی می‌کنن این طوری باشن. اصلاً چرا باید توی عصری که ما داریم زندگی می‌کنیم، قانونی باشه که به من بگه چون دختری باید این طوری بیوشی... که متأسفانه این جا این طوره.
- حتماً می‌دونی خیلی از هیتهایی که غیر کی پاپا به کی پاپ می‌دن، به خاطر همین قضیه است. همین که می‌گن پسرهاشون مثل دخترها لباس می‌پوشن. یا این که قیافه‌شون شبیه دخترها هست. وقتی همچین هیتی‌هایی رو می‌بینی، واکنشت نسبت بهشون چیه؟
بین عزیز من اینا شدت سوزش شونه (می‌خندد). وگرنه قبل این که کی پاپم معروف بشه، اینا ریشای کم پشت داشتن. همین شکلی بودن. خیلییییم خوشگل بودن. اینا از موفقیت‌های اینا هست که بهشون فشار اومده، دارن می‌ترکن. بذار بترکن.
- یعنی تو واکنشی نشون نمی‌دی؟

چرا؟!... هر کی این طوری بیاد جلو یه دور می‌ریم*م بهش. خیلی معذرت می‌خواها (می‌خندد). بعدم خودم بلاک و ریپورتش می‌کنم. می‌ذارم بقیه بچه‌ها بلاکش می‌کنن. اکانتش حذف شه. دیگه از این غلطاً نکنه».

سرانجام دعوا و کتک کاری، فراز آخری است که در تعامل‌های هواداران گروه بی‌تی‌اس و طرفداران گروه‌های دیگر ملاحظه می‌شود:

«بعضی از بچه‌ها بعد از آن که سرتاپای طرفداران گروه‌های دیگه رو به فحش می‌بندند، به اون‌ها می‌گن، اگه مردید بیاید فلان جا دعوا» (مسعود، ۲۰ ساله).

اگر از برخوردهای هیجان‌مدار طرفداران بی‌تی‌اس در مواجهه با گروه‌های رقیب بگذریم، ملاحظه می‌شود که هواداران پسران بی‌تی‌اس، گاهی با خودشان نیز با شیوه‌های هیجان‌مدار و مبتنی بر دعوا و پرخاش مواجه شده و برخورد می‌کنند.

عرفان ۲۱ ساله، در مورد درگیری‌های لفظی طرفداران دو آیدول بی‌تی‌اس با هم در کلاس‌شان می‌گوید:

«- بین هم کلاسی‌هات به خاطر طرفداری از بچه‌های گروه بی‌تی‌اس بحث و مشاجره بود؟

آره خیلی باهم بحث می‌کردن.

- مثلاً چه بحث‌هایی می‌کردن مثال بزن؟

مثلاً چندتاشون طرفدار یکی از آیدول‌ها به اسم جین بودن و هر روز راجع به جین حرف می‌زدن و دو، سه تاشون طرفدار تهیونگ بودن و این جور می‌شد که هر کی از آیدول خودش تعریف می‌کرد و کلاً بحث‌شون می‌شد دیگه.

– مثلاً طرفداران جین چی می‌گفتن؟

مثلاً می‌گفتن جین لقب جذاب جهانی داره و یا می‌گفتن اعضای گروه بی‌تی‌اس جین رو مادر گروه می‌نامند. زیرا جین برای بچه‌های گروه بی‌تی‌اس بعضی وقت‌ها آشپزی می‌کنه و یا حتی نظافت محیط زندگی‌شون رو انجام می‌ده و این طوری منزلت جین رو بالا می‌بردن و دو دستگی بین طرفدارهای جین با تهیونگ در کلاس ما ایجاد می‌شد».

ترانه ۱۸ ساله و ریحانه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌های خودشان از دعوای هواداران که سر آیدول‌ها صورت گرفته و گاهی کار افراد در آن به گیس و گیس‌کشی می‌رسد، یاد کرده اند:

«– با فن‌های متعصب برخورد داشتی؟

بله، مثلاً اگر خودشون به یکی از آیدول‌ها علاقه‌مند بودند و می‌فهمیدند که تو هم به همون آیدول علاقه‌مندی، یک جوری در برابرت گارد می‌گرفتن که برام عجیب بود و من باید توضیح می‌دادم که بابا این هنرمنده و می‌تونه علاقه‌مندهای زیادی داشته باشه. کم‌کم باید بهشون نزدیک می‌شدم تا بتوانم باهاشون ارتباط بگیرم. معمولاً کسانی که به طور مشترک به یک آیدول علاقه‌مند بودند، باهم یک اکیپ می‌شدند و اگر کسی به بی‌تی‌اس توهین می‌کرد، واقعاً با او برخورد می‌کردند. اما خب به دلیل این که همیشه بی‌تی‌اس به آرمی‌ها می‌گه مهربون رفتار کنید، حتی با هیتراها، به خاطر همین الان آرمی‌ها بخوان از بی‌تی‌اس دفاع کنند، سعی می‌کنن مؤدبانه صحبت کنن و دلایل منطقی بیانند. ولی اگر هیترا خیلی بد برخورد کنه و بد وارد عمل بشه، آرمی‌ها هم ادب و تربیت رو کنار می‌ذارن و تند برخورد می‌کنند».

«– گفتی با دوستان باهم کل می‌اندازین. می‌شه بیش‌تر راجع بهش بگی که در مورد چه چیزی کل

می‌اندازین؟

مثلاً دُرسا عاشق نام‌جونه، ولی من جیمین رو خیلی دوست دارم و سرشون با همدیگه رقابت داریم. یکی، دوبار هم بین فاطمه و دُرسا سرشون در مدرسه گیس و گیس‌کشی شده. مدیر مدرسه مون هم خبردار شده و بهشون تذکر داده. ما هم دیگه بیش‌تر تو گروه مدرسه مون باهم در موردشون حرف می‌زنیم. یه دختره هم تو کلاس‌مونه کلاً تو این فازا نیست، همه‌اش می‌گه دیوونه‌اید، ما هم رابطه‌مون رو باهاش قطع کردیم. دُرسا دیگه حتی عکس پروفایلش رو هم نامجون و بی‌تی‌اس می‌ذاره یا رفته موهاش رو مِت اونوا کوتاه کرده، در کل از دُرسا خوشم نیامد، همه‌اش با فاطمه دنبال یه راهی هستم که

حرصش رو دربیاریم، خیلی حال می‌ده، یه دوستای دیگه‌ام هلم‌ها که انگار تو توهم سیر می‌کنه، می‌گه آرزوشه با جیمین ازدواج کنه و باه‌اش بره تو کنسرتش، (باخنده) ولی نمی‌دونه که اونا ازدواج نمی‌کنن». مه‌لقای ۱۹ ساله، در بیانات خویش گزارش می‌دهد، وی پس از آن که از گروه اکسو به طرف گروه بی‌تی‌اس آمد و طرفدار این گروه شد، در تشکل‌های هواداری این گروه، آن قدر شاهد برخوردهای عصبی و تعصب‌مدار بود که از تغییر طرفداری خود پشیمان شده، دوباره به طرف گروه اکسو رفته است. «- منظورت چی بود که گفتی یه وقت کوتاهی طرف بی‌تی‌اس اومدی؟»

اولین گروهی که من استن می‌کردم، دابل اس بود، بعدش شد اکسو و اون وسطا آره، مثلاً گروه‌های مختلف باه‌اشون آشنا می‌شدم یا یه ذره می‌رفتم تو فندوم‌شون و این داستانا، ولی اممم حالا از فنای بی‌تی‌اس خیلی چیزای بدی دیدم، مخصوصاً نسبت به اکسو و فنای اکسو که چه قدر با تعصب خیلی بیش‌تری رفتار می‌کردن و این من رو خیلی زده کرد و همه‌اش باعث می‌شد که برگردم و چون هیچ‌کسی واسه من اکسو نمی‌شد، هر چه قدر جلوتر می‌رفتم و با هر گروهی که آشنا می‌شدم، دوباره برگشتم و تنها گروهی که همیشه استن می‌کردم، اکسو بود».

راضیه ۱۵ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، با طرح سربازی رفتن اعضای گروه بی‌تی‌اس، هواداران الکی، از گروه بی‌تی‌اس جدا شده‌اند و به این ترتیب فندوم‌های بی‌تی‌اس، با رفتن افراد ناخالص، پاک‌سازی شده است:

«... بعد این خبر سربازی و حضور سولو اعضاء توی صنعت موسیقی، باعث شده که فندوم یه پاک-سازی بشه.

- یعنی چی پاک‌سازی بشه؟

یعنی هر چی آرمی الکی توی فندوم بود، رفت.

- یعنی این افرادی که آرمی واقعی نیستن چون بی‌تی‌اس داره می‌ره سربازی دیگه بی‌تی‌اس رو دنبال نمی‌کنن؟

می‌گن بی‌تی‌اس دائماً باید فعالیت کنه و نباید جایی برن و انگار یه جورایی می‌خوان اعضای بی‌تی‌اس رو روی دست‌شون بچرخونن».



سیطره برخوردهای هیجان مدار در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس چنان زیاد است که گاهی برخورد هیجان مدار در درون خود هواداران نیز صورت پذیرفته و مشاهده می‌شوند. مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه اش از مصداقی در همین جهت به شرح زیر یاد کرده است:

«آیا شده از گروه‌های دیگه کی‌پاپ کره‌ای خوشتون بیاد، ولی به خاطر این که طرفدار بی‌تی‌اس هستید، دنبال شون نکنید یا از شون حمایت نکنید با این که کیفیت آهنگ‌هاشون خوبه؟ راستش آره شده. حالا این نظر مننه‌ها و خیلی‌ها این نظر رو ندارند. من خودم کلی دوست آر می دارم و می‌شناسم که اینا گروه‌های دیگه رو هم توی کی‌پاپ دنبال می‌کنند، ولی من می‌گم به نظرم درست نیست که وقتی من طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستم، از گروه دیگه‌ای توی این ژانر (گونه) حمایت کنم. می‌شه گفت احساس خیانت بهم دست می‌ده. چون صنعت موسیقی یک جورهایی رقابتیه دیگه. اگر من مثلاً از یه گروه دیگه حمایت کنم، خب اونا میان بالا. ولی حالا این طوری هم نیست که اصلاً گوش ندم و تنها چیزی که بهش گوش بدم، بی‌تی‌اس باشه. ولی حمایت‌شون نمی‌کنم دیگه، با این که به قول شما می‌تونه آهنگ‌هاشون خیلی هم خوب باشه.»

۳-۱۸- نقد خط‌مشی‌های کمپانی بیگ‌هیت

جذابیت گروه بی‌تی‌اس از سویی و شیفتگی هواداران به آیدول‌ها و گروه از سوی دیگر، سبب می‌شود که هواداران به دقت دقایق رفتاری آیدول‌ها را رصد کرده، گاهی در رصد خویش، به موارد متعارضی بر بخورند که آنان را سردرگم می‌کند. در حالات اخیر هواداران برای حل تعارض‌های ذهنی خودشان، ممکن است به تبیین‌های مختلفی روی بیاورند تا از تعارضی که ذهن آن‌ها را می‌خلد و می‌آزارد، رهایی یابند.

بررسی شواهد میدانی حکایت از آن دارد که در برخی از موارد، هواداران با بیان این که در عرف معمول هنرمندان، انجام رفتارهای متعارض قابل انتظار است، از تعارض پیش آمده می‌گریزند. طرفداران دیگری ممکن است با زیر سوال بردن فرهنگ کره، تعارض‌های پدید آمده را به فرهنگ کره ارجاع دهند، اما بسیاری از هواداران، در تبیین علت پدید آمدن تعارض‌هایی که شاهد آن هستند، در عمل انگشت اتهام را به سوی کمپانی گرفته، با استدلال در جهت تلاش‌های اقتصادی کمپانی برای کسب سود حداکثری یا تلاش‌های فرهنگی کمپانی برای جا انداختن خط‌مشی‌های فرهنگی مورد نظر خودش، به تبیین تعارض‌های پیش آمده پرداخته‌اند.

سارینای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، وی و دیگر هواداران در جریان هواداری خویش، رفتارهای آیدول‌های مورد علاقه‌شان را زیر ذره‌بین گذاشته و به دقت رفتارهای آنان را رصد می‌کنند:

«- به جز مسأله ازدواج، آیا خواسته‌های غیرمنطقی دیگه‌ای هم از سمت فن‌ها برای آیدول‌ها وجود داره که آزادی‌شون رو خدشه‌دار می‌کنه؟
مثلاً می‌گن آیدول‌ها نباید چاق باشن یا نباید قرار بگذارن یا آیدول‌های زن مثل هیونا اگه بدن‌شون رو نشون بدن دنبال توجه ان یا نباید بیرون برن و خوش بگذرونن و باید تمام تمرکزشون رو روی کارشون بگذارن، مثل جونگ‌کوک که رفته بود شهربازی و بهش هیت دادن.»



نظر شخصی خودت راجع به این خواسته‌ها و نظرات هوادارها که آزادی آیدول‌ها رو زیر سوال می‌بره، چیه؟
به نظرم درباره بدن‌نمایی اصلاً تقصیر آیدول‌ها نیست چون کمپانی بهشون می‌گه که چه چیزی بپوشن.
درباره چاقی هم گاهی اوقات تقصیر خود طرف نیست مثلاً جونگیون توایس به خاطر بیماری‌اش وزن اضافه کرد و کلی هم هیت خورد، ولی در واقع اصلاً تقصیر خودش نیست.»



هوادارانی که رفتارهای مختلف آیدول‌های مورد علاقه خود را به دقت رصد کرده و پیگیری می‌کنند، در برخورد با مواردی مانند: رژیم‌های غذایی بسیار سخت‌گیرانه کمپانی، عدم امکان ازدواج یا داشتن دوست جنس مخالف توسط آیدول‌ها، انجام جراحی‌های زیبایی اجباری، تلاش برای سفیدتر نشان دادن آیدول‌هایی که متعلق به نژاد زرد هستند، برگزاری جشن تولدهای میلیاردی (در حالی که شعار آیدول‌ها، برابری انسان‌ها است)، الزام به انجام رفتارهایی که ممکن است با هویت جنسی آیدول‌ها در تعارض

باشد (مانند نمایش گرایش به هم جنس گرایی، در عین نمایش به گرایش به جنس مخالف)، افشای گفت‌وگوی (چت) شخصی آیدول‌ها، نشر اطلاعات خصوصی آیدول‌ها (نظیر نشر فیلم‌هایی از اتاق خواب و سرویس بهداشتی آنان)، و نظایر آن‌ها، دچار تردید شده، از خود می‌پرسند که آیا رفتارهای اخیر، در تعارض با شعار بی‌تی‌اس مبنی بر خودت را دوست داشته باش و یا بسیاری از شعارهای مشابه دیگر آیدول‌ها نیست و اصولاً چرا باید چنین باشد؟

سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد از رژیم لیوانی حرف زده، رژیم سخت‌گیرانه غذایی آیدول‌ها را نقد می‌کند. آیدول‌ها در برخی از مواقع از رژیم خود و محدودیت‌های غذایی خودشان یاد کرده اند و یا گاهی آیدول‌ها با انداختن شکلات و یا کیک که در جشن تولد خود یا دوستان‌شان برداشته اند، از دستشان، در عمل به نمایش رژیم سخت‌گیرانه غذایی خود می‌پردازند (هر چند جوایز غذایی بسیاری از مسابقات گروه بی‌تی‌اس نیز تداوی‌گر معنای اخیر هست):

«- برای رفع این محدودیت‌ها، خود ستاره‌ها یا طرفدارها کار خاصی انجام دادن؟»

مردم که نه بابا (باخنده) خیلیا فقط دنبال گوش دادن آهنگا یا مثلاً دیدن عکسا و ویدیوها بودن و هستن برای همین من خودم تاحالا چیزی نه دیدم، نه شنیدم، در مورد این که طرفدارا کار خاصی کرده باشن.

من خودم از خیلیا شنیدم که می‌گن اینا کلی پول دارن، دیگه چی می‌خوان؟ ولی این محدودیت‌ها رو در نظر نمی‌گیرن. اگر به یه نفر اصن یه نفر نه، خود من، اگر به خود من بگن که بهت شصت میلیون می‌دیم یک ماه فقط برو تو این اتاق و کارایی که ما بهت می‌گیم رو انجام بده، عمراً من این کار رو کنم، یعنی برای روزی دو تومنم حاضر نیستم این فضا و آزادی که دارم رو حتی برای یک ماه از دست بدم.



- یعنی ستاره‌ها توی یه همچین فضایی قرار دارن؟

حالا تو یه اتاق که نیستن (باخنده)، ولی خب زمانی که تحت آموزش هستن واقعاً سختیایی که دارن زیاده. یادم نیست کدوم گروه بود که این حرف رو زد، ولی یکی از گروه‌های دخترونه کی پاپ بود،

می‌گفتن به ما یه وعده غذا می‌دادن، بعد می‌گفتن که باید این رو چهارتایی بخورید یا مثلاً یه رژیم معروف هست که خلیم سخته. فک کنم بهش می‌گن رژیم لیوان. غذایی که بهشون می‌دن اندازه یه لیوانه، تازه لیوان بزرگ نه، دقیقاً اندازه لیوان یه بار مصرف. تازه باید کلی کار انجام بدن و کلی تمرین بدنی دارن، ولی فقط اون قدر غذا اجازه دارن بخورن».

شکوفه ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش از محدودیت ارتباطی پسران بی‌تی‌اس در ازدواج یا امکان داشتن دوست جنس مخالف و رفتن سرقرار با یکدیگر، یاد کرده است:

«چرا فن‌ها به ارتباط ستاره‌هاشون با جنس مخالف حساس هستند؟»

خودم چون فنم، واقعاً درک می‌کنم آیدول مورد علاقه من جونگ‌کوک که یکی از اعضای بی‌تی‌اسه، من اون رو خیلی دوست دارم، وقتی بفهمم اون دوست دختر داره ناراحت می‌شم، حتی ممکنه ازش زده هم بشم. همین جونگ‌کوک عاشق یه دختری بود به نام «آیو»، که اونم خواننده هست، ولی خوب آیو به خاطر شرایطی که داشت جونگ‌کوک نمی‌تونست شرایطش رو با این دختر هماهنگ کنه و این که الان آیو با یکی دیگه ارتباط گرفته خوب الان فن‌ها خیلی خیال‌شون راحت شده که آیو با یکی دیگه هست، چون جونگ‌کوک صدها بار گفته بود که عاشق آیو هست یا مثلاً اون اوایل که یکی‌شون عاشق یه دختر شده حدوداً تو سن ۱۸، ۱۹ سالگی و چون کمپانی نمی‌داشت با اون باشه مجبور شد از دختر مورد علاقه‌اش دور بشه و دیگه کلاً از هم جدا شدن».

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، جراحی‌های زیبایی ستاره‌ها را اقدامی خلاف شعارهای گروه بی‌تی‌اس معرفی می‌کند:

«آیدول‌ها خودشون هم دست به عمل‌های زیبایی می‌زنند. به نظرت خودشون چرا خلاف شعارهایی مثل این که خودت رو دوست داشته باش، عمل می‌کنند؟»

آیدول‌ها خودشون از نظر زیبایی و جذابیت هیچ کم ندارند، این کمپانی سازنده گروه هست که به آن‌ها دستور می‌ده که فلان عمل زیبایی رو برای جذابیت بیشتر انجام بدن و هزینه عمل نیز به عهده کمپانی است. کمپانی با این کارش کاری می‌کنه که آیدول‌ها برخلاف شعارهاشون عمل کنند و علامت سوالی باشه برای همه».

محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه خود، استفاده از وسایل آرایشی و برنامه‌های وایت‌واشینگ که به سفیدتر شدن چهره آیدول‌ها در تصاویر و فیلم‌های‌شان می‌انجامد را مورد نقد قرار داده است. مسعود ۲۰ ساله نیز از برگزاری جشن تولدهای میلیاردی آیدول‌ها (که محدود به کشور خودشون نیز نشده، در بسیاری از کشورهای جهان صورت می‌پذیرد و طی آن تصاویر آیدول‌ها، حتی روی برج خلیفه دبی نیز انداخته می‌شود) را زیر سوال برده، این رفتارها را مغایر با برابری که آیدول‌ها در آهنگ‌هایشان از آن یاد می‌کنند، می‌داند:

«... من با این کارای اینا که سفید کننده می‌مالن به سر و صورت‌شون مخالفم.»

- چرا؟

چون به من حداقل این حس رو می ده که می خوام خوب باشی، زیبا باشی باید سفید باشی. من که چیزی راجع به اخلاق و انسانیت نشنیدم از بی تی اس. خودم خیلی خوندم راجع به اینا، خیلی جذب خوشگلی اینا می شن. آخه یعنی چی که هر کی سفید نباشه قشنگ نیست. بعضی وقتا فکر می کنم نژادپرستن اینا».

«- مسعود در برگزاری این جشن تولدها چه تفاوتی می بینی؟

تفاوت در هزینه هایی است که خرج می شه چه توسط کمپانی و چه توسط هواداران. کلاً فرق داره با جشن تولدهای افراد معمولی.

- به غیر جنبه مادی این جشن تولدها دیگه چه تفاوتی می بینی؟

تفاوت رو در شعارهاشون با رفتار و عملکردشون در جشن تولدها می بینم. در متن ترانه هاشون و یا در پیامها و شعارهایی که می دن از برابری انسانها صحبت می کنند، ولی خودشون در جشن تولدهاشون این برابری رو نادیده می گیرند و جشن تولدهایی متفاوت و پر هزینه و پرسرو صدا برگزار می کنند.



- مسعود این همه تناقض در شعارهاشون با عملکردشون می بینی به نظرت باعث نمی شه در هواداریت تجدید نظر بکنی؟

همیشه به این تفاوتها فکر می کنم و از تکرار شدن شون بیزارم، ولی احساس می کنم، خود آیدولها بی تقصیرند، همه اش زیر سر رئیس های کمپانی شون هست برای اهداف دیگه ای که دارند».

شقایق ۱۹ ساله، صوفیای ۱۸ ساله و شیرین ۲۲ ساله، دست به نقد رفتارهایی زده اند که گاهی هویت جنسی آیدول را متمایل به جنس مخالف و گاهی رفتار وی را متمایل به جنس موافق نمایش می دهند. از نظر این افراد، وقتی مثلاً فردی متمایل به جنس مخالف خودش است، الزام وی از سوی کمپانی به

بوسیدن لب‌های فرد هم جنس خودش، در برابر انبوه افراد حاضر در کنسرت، سوءاستفاده از هویت جنسی وی به شمار می‌آید:

«گفتی اعضای گروه خیلی بهم دیگه نزدیک هستند، جامعه خودشون این مسأله رو قبول می‌کنه؟ بین خب کره‌ای‌ها و کلاً غربی‌ها روابط آزادانه‌تری باهم دارن و در نتیجه خیلی چیزایی که ما قبول نمی‌کنیم رو قبول می‌کنن، ولی در این حدش نه دیگه، حتی خب گفتم که زبون‌شون رو یاد گرفته بودم تو کامنت‌ها مردم‌شون نوشته بودن که این حرکت خیلی پسندیده نیست و شما همجنس‌گرا نیستید و این حتی مسخره کردن اونا هست. یعنی خیلی اوکی نیستن خودشون هم با این حرکات، مگر طرف واقعاً همجنس‌گرا باشه که اینا نیستن، چون رفتارای غیر اونم دارن، مثلاً می‌بینی کمپانی بهشون گفته از فلان دختر که حالا معروفه تعریف جنسی کنید و بگید چه قدر جذابه و اینا که این دلیلش جذب افراد غیر همجنس‌گرا هست. ولی خب اینا فقط مخاطب‌شون کره‌ایا نیستن که کل جهان ان، تو آسیا، تو خاورمیانه کلی فن دارن می‌دونن خودشونم چون دایم تگ‌شون می‌کنن و اصن این متناقض رفتار کردن این که جلو دوربین همو ماچ کنن و بعد در واقع این جور نباشن و حال‌شون هم بهم بخوره که قطعاً همین طوره، به نظرم این ناهماهنگیه بین رفتار و ذهن خیلی آسیب زننده هست به خودشون اول از همه. تناقض هر کسی رو روانی می‌کنه».



«یه چیزی که توی همین کی‌پاپ هست، اینه که تا یه جایی خوب بود. یعنی تا یه جایی واقعاً این جور بود که واو اصلاً مهم نیست، پسرا چی می‌پوشن. خیلی قشنگه. میکاپ می‌کنن. لباسایی که می‌پوشن گوشواره‌هایی که می‌اندازن، موهاشون رو بلند می‌کنن. ولی وقتی که جلو طرف، یعنی یکی که واقعاً کی‌پاپر باشه، می‌بینه یه سری جاها واقعاً افراد کوئیر این وسط کوئیر بیت می‌شن. یعنی یه جورایی از رابطه‌ی افراد کوئیر استفاده می‌کنن، درسته خیلی باهم صمیمی ان. یعنی یه چیزیه که همه می‌دونن، کره‌ایا مثلاً دختر با دختر پسر با پسر همه باهم صمیمی ان. بغلی ان. تاچی ان؟ ولی با

۱ - حالتی که توسط فرد یا رسانه نشان داده می‌شود که فرد یا رابطه دو فرد، کوئیر است. اما هیچ وقت به طور جدی تأیید یا رد نمی‌شود.

۲ - منظور لمس کردن کردن است.

خودشون. ولی وقتی که آدم بیش تر می‌ره می‌بینه. یعنی چیزی که خود کی پاپ ارایه می‌ده، چیزیه که خب با ال‌جی‌بی‌تی اوکی ان یا مثلاً بارها شده به شوخی بگن، وای مثلاً فلانی دوست پسرشه، فلانی نمی‌دونم باهاش داره دیت (قرار ملاقات عاشقانه) می‌ذاره. نمی‌دونم هم رو می‌بوسن یا همچین چیزی. وقتی که توی بطن خود فرهنگ کره می‌ری، هموفوبیا خیلی زیاده و به نظر من این باز از همون جنسیت زدگیه میاد و خیلی تاکسیکه (سمی) که از یه طرف قشنگ نشونش می‌دن، ولی وقتی می‌ره داخلش، می‌بینه که اون طوریا هم که نشون می‌دن، قشنگ نیستن و خیلی جاها باگ (خلاء) داره. توش خالیه و آسیب می‌زنه. مثلاً خیلی از افراد مثل هوانگ که به عنوان یه آیدول گی کام اوت آکرد. گفت خیلیا مثل من توی این اینداستری (صنعت) هستن، ولی نمی‌تونن این کار رو انجام بدن... کام اوت کنن و خیلیا هم سوءاستفاده می‌کنن ازش و خب ناراحت می‌شدم».

«- آیا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس نقشی در اتهامات همجنس‌گرایی گروه بی‌تی‌اس داره؟

اوه، کمپانی خیلی مقصره، اصلاً همه تهمت‌ها از کارهای مستبدانه کمپانی شروع شده.

- چگونه، می‌شه مثال بزیند؟

کمپانی پسران گروه بی‌تی‌اس رو وادار کرده هنگام خواندن ترانه‌هاشون، مثل دختران برقصن. رقصی که با ظرافت زنانه آمیخته هست. نقش چهره و زیبایی صورتشون هم مثل دختران و ظرافت رقص دخترانه هست و در این میان کلی طلا و حلقه و انگو و زنجیر به مانند زنان به خودشون آویزان می‌کردند که همه بینندگان رو حیرت زده می‌کرد و در میان گروه‌شون هیچ دختری حق ورود نداره و گروه بی‌تی‌اس هم حق ارتباط با هیچ دختری رو ندارند. هر هفت نفر اعضای بی‌تی‌اس حتی حق ازدواج هم ندارند. همه‌ی این کارهای کمپانی باعث شد تا دشمنان بی‌تی‌اس و رقیبان گروه تهمت همجنس‌گرایی رو به آنها بزینند».





نسترن و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان افشای چت خصوصی آیدول‌ها و همین‌طور نشر فیلم‌هایی از اتاق خواب و سرویس بهداشتی آیدول‌ها را زیر سوال برده‌اند و این اقدام‌ها را بیش‌تر از آن که تصادفی ارزیابی کنند، برنامه‌ریزی شده و عامدانه ارزیابی کرده‌اند:

«خوب من یه چیزی که دیدم راجع به سایت دیسپچ بود که به چت آیدول‌ها دسترسی داره و چت‌ها رو افشاء می‌کنه. آره.»

– شکایتی از این‌ها نمی‌تونن بکنن؟ کاملاً نقض حریم خصوصیه. دقیقاً (باخنده) منم همین رو می‌گم. جدیداً دیسپچ این روند جدیدش رو شروع کرده و چت افشاء می‌کنه و واقعاً متوجه نیستیم که چه جوری به گوشی و چت مردم دسترسی داره و چه جوری افشاشون

۱ – یکی از معروف‌ترین رسانه‌های زرد کره جنوبی که با استفاده از حواشی و بازی دادن حس کنجکاوی مردم مطرح شده است دیسپچ (Dispatch) نام دارد. این مجله کار خود را در سال ۲۰۱۱ شروع کرده است. دیسپچ در روز اول ماه ژانویه سال ۲۰۱۳، خبر دو نفر از هنرمندانی که به دور از اطلاع دیگران با هم قرار می‌گذاشتند را منتشر کرد. در ادامه نیز در اولین روز سال ۲۰۱۴ نیز لیست جدیدی منتشر کرد. این رویه آن چنان ادامه پیدا کرد که از آن به عنوان سنت دیسپچ نام برده می‌شود. سنت دیسپچ یعنی هر سال در اولین روز سال خبر قرار گذاشتن حداقل دو نفر از هنرمندان که مخفیانه با هم در ارتباط بودند، فاش می‌شود. اخبار زوج‌های جدید و آیدول‌های کره‌ای در بقیه روزهای سال نیز از طرف دیسپچ و دیگر

می‌کنه، ولی احساس می‌کنم، چون هیچ راهی نیست که به گوشی مردم دسترسی داشته باشی... فکر می‌کنم، مثلاً خود همون بازیگر یا خواننده‌ای که درگیر اون رسوایی شدن میان این چتها رو به خود دیسپچ می‌دن. دیسپچ بیاد قضیه رو برا عموم مردم روشن کنه، چون دیگه چت خیلی چیز خصوصی هست. فکر نمی‌کنم کسی از لحاظ امنیت گوشی بتونه بهش دسترسی داشته باشه.



البته چون خیلی از این رسواییا و شلوغ کردنا برای پوشوندن یه اتفاق سیاسی تو کشورشونه، بعید هم نیست کار نیروهای امنیتی کشور خودشون باشه. چون تا جایی که مثلاً من شنیدم اینا خیلی توی خود جامعه حریم خصوصی براشون مهمه یا مثلاً این قدر دوربین امنیتی دارن که اگه یه وسیله‌ای رو بذارن یه جایی، امممم نمی‌دونم مثلاً کافه‌ای، جایی. کسی برش نمی‌داره. چون فیلمش ثبت می‌شه. یعنی می‌خوام بگم اینا مهمه براشون. بعد چون ندیدم مثلاً کسی بیاد اعتراض کنه بعد پخش کردن چتش. می‌گم حالا ممکنه شاید این دم و دستگاه مثلاً دولت‌شون خودشون این کار رو کنن».

«- خوب آیدول‌ها نمی‌تونن از کمپانی شکایت کنن؟»

فکر نمی‌کنم. دقیق نمی‌دونم مسایل حقوقی‌شون رو، ولی اولش یه تعهدی چیزی می‌گیرن که خودشون اومدن عضو شدن و کسی زورشون نکرده و تماماً در اختیار کمپانی هستن و ظاهرشون و رفتارشون در اختیار خودشون نیست و در همه جا حتی اتاق خواب خودشون هم (تعجب) کنترل می‌شن و اینا هم امضاءش کردن، دیگه فکر نکنم بتونن شکایتی کنن.

- یعنی فیلم‌هایی از اتاق خواب‌شون اومده؟

آره دیگه، همه چیز زندگی‌شون به اشتراک گذاشته می‌شه تا حتی خواب‌شون (با حالت تمسخر)، تو اتاق‌شون دوربین هست و اینا جلوش فیلم بازی می‌کنن، الکی و می‌گن و می‌خندن و برای جلب توجه صمیمی هستن و خلاصه نقش بازی کردن و بعد هم کمپانی پخشش می‌کنه».

«- یعنی فیلم‌های سرویس رو که گفتی، انتشار هم دادن؟»

خبرگزاری‌ها منتشر می‌شود. اما استقبال از حرکت جدید دیسپچ در اولین روز سال به قدری بود که سال ۲۰۲۰ که این رسانه هیچ خبری منتشر نکرد، با اعتراض افراد زیادی رو به رو شد. دیسپچ علت انتشار ندادن خبر را موج تازه بیماری کرونا عنوان کرد. هر ساله دیسپچ زیر پا گذاشتن حقوق زندگی شخصی افراد است. البته اطلاعاتی که دیسپچ منتشر می‌کند، تنها محدود به فاش کردن رابطه آیدول‌ها نیست. آن‌ها زندگی گذشته آیدول‌ها را نیز برای پیدا کردن خبر دست اول واکاوی می‌کنند.

اونا رو هم حالا تا یه حدی آره، مثلاً حالا این که جلو آینه دارن به خودشون می‌رسن و آرایش می‌کنن، دایماً هی میاد دیگه فیلماش، حالا اسم نمی‌گم».

در تبیین علت وقوع تعارض‌هایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، تبیین‌های متفاوتی از سوی جمعیت مورد بررسی ارایه شده است. ارجاع تعارض‌ها به عرف هنرمندان، ارجاع به فرهنگ کشور کره و گرفتن انگشت اتهام به سوی کمپانی بیگ هیت، از جمله تبیین‌هایی است که در بیانات افراد مصاحبه شده، ملاحظه می‌گردد.

شیدای ۲۰ ساله، در تلاش برای توجیه تعارض‌هایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، عرف هنرمندان را این‌گونه می‌داند که با دست زدن به رفتارهای بعضاً متعارض و ایجاد حاشیه‌سازی‌های مختلف، خود را مطرح نگاه دارند:

«- بنابراین یعنی تو اعتقاد داری که بی‌تی‌اس کلاً از دستورالعمل‌هایی که کمپانی براشون مشخص کرده بیرون زده؟

نمی‌شه این جور می‌گفت. شایدم واقعاً این سرپیچی از دستورات کمپانی یه جور سیاست‌شون باشه که بین گروه و کمپانی هماهنگ شده باشه.

- خوب این دقیقاً همون چیزیه که من می‌گم. این برای من تناقض‌آمیزه که اینا شعار هنجارشکنانه می‌دن و طرفداراشون رو فارغ از باید و نبایدهای جامعه ترغیب به پیروی از اون چیزی که دل‌شون می‌خواد می‌کنن، ولی در عین حال خودشون پایبند به هنجارهایی هستن که کمپانی براشون تعیین کرده. این‌طور نیست؟

نه خب توی کره این دیگه عادی شده، یعنی دیگه هنجارشکنی نیستش که مثلاً موهاشون رو رنگ کنن یا تیپ‌های خاص بزنن و از مردم عادی گرفته تا هنرمندا و هنرپیشه‌ها الان خیلیا این شکلی هستن.



- درباره مخاطب ایرانی چی که این چیزها هنوز براش هنجارشکنیه؟
بین اون که نمیاد بگه که حتماً بیاید این شکلی که من هستم باشید. می‌گه که اون جور می‌کنه که دوست دارید باشید.

- ولی خب خودشون با وجود این قوانین کمپانی به نظر می‌رسه که اون جوری که دوست دارن نمی‌تونن باشن؟

(سکوت می‌کند)... بین خب بی‌تی‌اس همیشه دوست داشتن که جهانی بشن، ولی خب این حرفایی که می‌زدن برای مخاطب خودشون یعنی کره‌ای‌ها بود و هیچ وقت فکر نمی‌کردن، مثلاً این قدر معروف بشن که ما بیایم درباره‌شون مصاحبه کنیم. حتی آر ام توی یکی از مصاحبه‌هاش گفت که هیچ وقت فکر نمی‌کرده، این همه طرفدار توی ایران داشته باشه! بعد من خودم مدرس موسیقی و رقص هستم. من این رو خودم توی هنرجهامم می‌بینم. مثلاً از بین دویست تا هنججویی که من دارم ۱۹۰ تا شون عاشق بی‌تی‌اس ان و می‌گن ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست داریم و سبک لباس پوشیدن و تیپ زدن و همه‌چی شون هم اون شکلیه».



رهای ۱۸ و مه‌لقای ۱۹ ساله، در تبیین برخی از تعارض‌های موجود در مورد آیدول‌های بی‌تی‌اس و کلاً کی‌پاپ، این تعارض‌ها را نشأت گرفته از فرهنگ کره دانسته اند:

«... البته کره‌ای‌ها کلاً نژادپرست هم هستن.

- یعنی با همه‌ی کشورها این مشکل رو دارن؟

نه، نه. مثلاً با امریکایی خیلی خوب ان، اروپایی‌ها، اما کلاً نه. ژاپنی‌ها معمولاً. مثلاً با تایلند مشکلی ندارن. منتها با این قضیه که یکی از اون خارجی‌ها بیاد و توی یه چیزی از اینا بزنه جلو، خیلی بهشون

۱- احساس می‌کنم ناراحت شده است. خودش را جمع کرده و حالتی تدافعی گرفته، از تماس چشمی پرهیز می‌کند و ساکت است. برای تلطیف فضا اشاره می‌کند که من فقط نقدهایی که نسبت به بی‌تی‌اس مطرح شده را بیان می‌کنم و نظر شخصی خودم نیست. در نتیجه مصاحبه شونده احساس راحتی بیشتری می‌کند و به روند مصاحبه بازمی‌گردد.

فشار می‌داد. مثل لایسا! که توی بلک‌پینک. بهترین آرتیست زن کی پاپ شد. اینا کلی بهش هیت دادن. که آره باید برگرده کشور خودش، در حالی که همین لایسا کلی واسه محبوبیت بین المللی کی پاپ مهم بوده‌ها. آره باید برگرده کشور خودش. همون ج...ده خونه. و خیلی چیزای بدتر که در مورد زندگی لایسا می‌گن. داستان‌های الکی و مسخره که مامان لایسا هم مثلاً شغلش از اون چیزا بوده. ولی نبوده واقعاً. خلاصه خیلی اذیتش کردن. بعد مثلاً با چین هم بستگی به رابطه بین دولت‌هاشون داره. خیلی بین‌شون دعوا می‌شه. بعد بین‌شون مشکل پیش بیاد، اعضای چینی گروه‌ها دیگه معمولاً تو برنامه‌ها شرکت نمی‌کنن به مدت. مثل لی. یکی از اعضای اکسوئه. و چینی هم هست. این مدت که رابطه خوبی نداشتن. کمپانی‌شون سعی می‌کردن که لی کم‌تر تو کارهای گروهی باشه. البته مستقیم هم نمی‌گفتن که به خاطر اون قضیه است. مثلاً می‌گفتن. داره درس می‌خونه. مریضه. کار داره و این حرفا. ولی خب همه می‌دونستن که دلایلش چیه. کلاً بین آیدول‌های خارجی و کره‌ای‌شون خود مردم خیلی تبعیض قایل می‌شن».

«- این که گفتمی اعضای چینی از گروه خارج شدن، آیا اذیت شدن این‌ها نشونه نژادپرستی تو کشور کره هست؟»

آره کره به شدت مردم نژادپرستی داره (با تأکید می‌گوید). یکی از بلاگرهایی که رفته کره، ایرانیه، رفته کره اونجا زندگی و کار می‌کنه و همیشه میاد صحبت می‌کنه که اوایل چه قدر اذیت می‌شدم، از این که باهام بد رفتاری می‌شد، به عنوان یک فرد ایرانی، یک فرد خارجی، کلاً یک مقداری گارد دارن نسبت به شخصی که از کشور دیگه میاد، از یه ملیت دیگه هستن و اینا و این که حالا خود فنای متعصب نسبت به اعضای چینی رفتارای بدی داشتن، ولی خود کمپانی باز رفتاراش خیلی بدتر بوده و خیلی بیش‌تر اذیت‌شون می‌کرده، یعنی حتی یه زنگ ساده نمی‌تونستن به اعضای خانواده‌شون بززن یا یه سری بیماری زمینه‌ای داشتن، حالا یکی‌شون بود که مشکل قلب داشت یا حالا هر کدوم‌شون یه سری مشکلاتی داشتن، اصلاً به اینا توجه نمی‌کرد و کمپانی می‌اومد برخلاف همه این مشکلات، به شدت ازشون کار می‌کشید و اصلاً بهشون استراحت نمی‌داد، نه که بگم با اعضای کره‌ای خیلی خوب رفتار می‌کنه، نه، ولی با اعضای چینی خیلی بدتر رفتار می‌کرد که اونا واقعاً صلاح رو در این دیدن که برن از گروه».

بسیاری از افراد مصاحبه شده، در تبیین تعارض بین شعارهای پسران بی‌تی‌اس و عمل آن‌ها، انگشت اتهام را به سوی کمپانی گرفته، کمپانی را به دلایل اقتصادی یا فرهنگی یا هر دو دلیل، مسوول رفتارهای متعارضی که آیدول‌ها از خود به معرض نمایش نهاده‌اند، معرفی کرده‌اند.

رهای ۱۸ ساله، با اشاره به مقوله بازی رسانه‌ای (مدیا پلی) که در غرب نیز رایج است (و مثلاً قبل از بیرون آمدن آهنگ جدید تیلور سویفت، قرار ملاقات وی با هری استایلز را رسانه‌ای می‌کنند)، اقدام کمپانی بیگ‌هیت را نیز کار مشابهی تلقی می‌کند:

«→ خوب رها گفتمی که تو وقتی مثلاً قرار ملاقات ستاره محبوبت لو می‌ره، صرفاً سورپرایز می‌شی...»

آره. ولی به نظر من اینا بیش‌تر شون مدیا پلیه^۲ (بازی رسانه‌ها). یعنی طرف قرار می‌ذاره با یه آدم معروف دیگه که این وسط مثلاً تبادلی هم انجام بشه، خب فندوم‌ها هم مجبور می‌شن که با هم راه

۱ - ... اتفاق این شکلی افتاده که یادت باشه؟

آره بابا زیاد ان. همین الانش هم هست. مثلاً تیلور سویفت. خب صدش خوبه. ولی واقعاً نچسبه. حالا اگه راجع به هری شر و ور نمی‌گفت، کسی بهش کارش نداشت. زنیکه برای پروموت (بازاریابی و تبلیغ) آهنگاش با کی که نبوده. یکی یه دور با همه بوده (می‌خندد). بعد جالب اینه بعد کات (جدا شدن) برای همه هم یه آهنگ می‌خونه. بعد خودش رو مظلوم جلوه می‌ده. عوووووق. همه‌اش اداست.



- مثل این که خیلی ازش متنفری.

بین واقعاً متنفرم (با شدت بیان می‌کند).

- خوب تیلور در مورد وان دایرکشن چی کار کرده که تو رو این قدر عصبانی کرده؟

آها. خب اون موقع‌ها هری هنوز توی گروه بودن دیگه. بعد گروه هم مال کمپانیه. و اون سایمن (سازنده گروه وان دایرکشن) عوضی اینا رو مجبور می‌کرد که با بقیه سلبا (مخفف سلبریتی) برن دیت (قرار عاشقانه). یکی شون همین تیلور بود. که برای هری انتخاب کرد. بعد هری هم با کمپانی قرار داشت دیگه. مجبور بود قبول کنه. بعد اینا با هم بودن. مثللاً (با لحن تمسخرآمیز). از هم که جدا شدن، تیلور اومد آهنگ خوند. بعد این طوری نشون داد که هری عوضی بازی درآورده. و اینا. بعد دیگه بین فندوما دعوا شد. و اینا. دیگه هم خوب نشدیم با هم.

- حالا شما چرا فکر می‌کردید که اینا فقط به خاطر تبلیغه؟ منظورم اینا رابطه عاشقانه بین تیلور و هریه.

بابا تابلو فیک (تقلبی) بود. بین تابلو.

- یعنی چی و بر چه اساسی؟

مثلاً اینا همیشه وسط جاهای شلوغ، نگاه‌های عاشقونه. آهههه. ما خیلی عاشقیم. (با تمسخر). بیش‌ترم اینا از طرف تیلور بود. اولین بارشم که نبود. البته آخرین بارشم نخواهد بود (می‌خندد). بعد اصلاً این طوری بود که چرا هر بار که تیلور و هری با هم بیرون پاپاراتزیا باید باشن؟ تابلو بود هماهنگ ان که عکس و مومنت (لحظات و وقایعی از زندگی هنرمند) بدن بیرون. خودش رو پاره کرد بگه ما ریلیم (دوست جنس موافق و مخالف).

بیان. البته بعضیا هیت هم می‌دن. مثلاً می‌گن آیدول شما باعث شد از آیدول ما سوءاستفاده بشه و از این چرت و پرتا. منتها به نظر من این موارد دقیقاً مدیا پلیه. همین».

مریم ۱۸ ساله نیز در مصاحبه خود با اشاره به مقوله فن‌سرویس کمپانی بیگ‌هیت، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی برای به دست آوردن رضایت خاطر هواداران و جذب هر چه بیش‌تر مخاطب، از انجام هیچ عملی روی گردان نیست:

«- مریم به نظرت مومنت‌های بین اعضاء واقعی هست یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست؟

توی کی‌پاپ یه چیزی وجود داره به اسم فن‌سرویس که به معنای فراهم کردن خواسته‌های فن‌ها توسط آیدول‌ها هست، یعنی برای راضی نگه داشتن فن‌ها، آیدول‌ها خیلی وقت‌ها مجبورند کارهایی انجام بدن که دل‌شون نمی‌خواد و تمایلی ندارند. این کارها رو می‌کنند تا دل فن‌ها رو به دست بیارند و بهشون نشون بدن که براشون احترام خاصی قایل هستند. من فکر می‌کنم یه سری از اتفاقات مثل همین مومنت‌ها بخشی از فن‌سرویس هستند و آیدول‌ها صرفاً به خاطر این که فن‌دوم سرپا بمونه و طرفدارها خوش‌شون بیاد، مجبورند این کارها رو بکنند. کمپانی‌ها هم به خاطر جذب مخاطب خیلی به آیدول‌ها فشار میارند البته که فن‌دوم هم توی این موضوع بی‌تأثیر نیست. بعضی از فن‌ها تمرکز بی‌حد و مرزی روی زندگی شخصی آیدول‌ها دارند و این رو حق مسلم خودشون می‌دونن، در صورتی که به نظرم این درست نیست. آدم می‌ره سوار هواپیما می‌شه، داره از مهارت خلبان استفاده می‌کنه، ولی آیا از ریز جزئیات زندگی خلبان خبر داره؟ یا مثلاً آدم می‌ره پیش دکتر از دانشی که داره استفاده کنه، ولی کاری به زندگی شخصی اون دکتر نداره. بی‌تی‌اس هم بحثش دقیقاً همینه، ماها به عنوان فن‌هاشون فقط حق داریم تا از هنری که اون‌ها دارن لذت ببریم، سایر بخش‌های زندگی‌شون در اصل به ما هیچ ربطی نداره و حق دخالت نداریم، اما بعضی فن‌ها علاقه رو با فضولی اشتباه می‌گیرن و به خاطر علاقه زیادی که به اعضاء دارند، این حق رو به خودشون می‌دن که حتی تو زندگی احساسی و روابط اون آیدول هم دستی داشته باشن. کمپانی‌ها هم واکنش‌های طرفدارها رو که می‌بینند به اعضاء فشار میارن، کارهایی رو انجام بدن که خوشایند فن‌ها هست، مثل همین مومنت‌ها که کاملاً واضحه فیک ان و صرفاً واسه دل‌خوشی آرمی‌ها انجام می‌شن، حتی اگر خود اعضاء دل‌شون نخواد با رفیق خودشون همچین حرکاتی انجام بدن».

نسترن ۱۹ ساله هم در تلاش برای تبرئه آیدول‌ها از اتهام انجام رفتارهای متعارض با شعارهای بی‌تی‌اس، کمپانی را مسوول مستقیم موارد پیش آمده معرفی کرده، با ارایه مثالی، این‌گونه به تأیید بیان خود پرداخته است:

«- تو فکر نمی‌کنی پسرها برخلاف پیام خودت را دوست داشته باش، دارن رفتار می‌کنن؟

مردم کره یه کم خودشون چیز ان، خب مثلاً عقل‌شون به چشم‌شونه و همه‌اش دوست دارن خوشگلی ببینن و یه سری استانداردهای زیبایی خیلی مزخرف دارن. به خاطر همون مجبور ان برای این که بین

مردم کره مثلاً جا بیفتن، یه کارایی کنن. مسلماً یه کم حرفاشون با کاراشون ضد و نقیضه. ولی بیش‌تر این عملاً و مثلاً رژیم‌ها رو توسط کمپانی‌هاشون مجبور می‌شن انجام بدن، به خاطر همین خب دیگه نمی‌دونم اونا زیاد نقشی توش ندارن. البته تا جایی هم مثلاً می‌تونن خلافتش عمل می‌کنن. مثلاً یه برنامه از بی‌تی‌اس بود. حالت یه ریالیتی شو^۱ بود. تو شهربازی بودن. بعد جیمین^۲ خب ویزوال^۳ (چهره) اصلی بی‌تی‌اسه. تو یکی از این وسیله‌های شهربازی که مثلاً خیلی هیجان انگیز بوده داره داد می‌زنه و دهنش بازه خیلی. بعد خود کمپانی رو صورتش ایموجی (شکلک) گذاشته بود و سانسورش کرده بود (با خنده ادامه می‌دهد)، اما جیمین اومد عکس اصلی رو بدون ایموجی پستش کرد^۴.



سونیای ۱۷ ساله نیز با متهم نشان دادن کمپانی، عدم واکنش مناسب در دفاع از ستاره‌های خویش را امری کاسب‌کارانه می‌داند:

«وقتی که پسرا از همجنس‌گراها حمایت کردن هیترا بودن که اومدن شروع کردن گفتن اینا خودشون همجنس‌گرا، برای همین از همجنس‌گراها دارن حمایت می‌کنن. بعد از این ماجرا خود گروه واکنشی نشون نداد به این حرفایی که زده شد. بعد باعث شد که این حرفا قوت بگیره.

- بعد اعضاء در قبال این صحبت‌ها سکوت کردن؟

آره، هیچ حرفی نزدن.

- سکوت‌شون علت خاصی می‌تونه داشته باشه؟

به نظر من یه نوع فداکاریه که انجام دادن. اول حمایت کردن از همجنس‌گراها، بعد به خودشون هم گفتن همجنس‌گرا، بعد جوابی به این حرفا ندادن چون اگر می‌خواستن بگن نه آقا ما همجنس‌گرا نیستیم،

۱ - ریالیتی شو Reality show از انواع برنامه‌هایی است که بخش‌هایی از زندگی آدم‌های واقعی را نشان می‌دهند.

۲ - جیمین بزرگ‌ترین عضو و ویزوال گروه بی‌تی‌اس است.

اصلاً ممکن بود که تأثیر حمایت‌شون از بین بره. ممکن بود دیگران بگن لابد این همجنس‌گرا بودن بده که تا چندتا دونه هیتر اومدن به خودتون گفتن همجنس‌گرا، واکنش نشون دادید و گفتید ما همجنس‌گرا نیستیم، وگرنه کی به حرف این هیتر اهمیت می‌ده. واقعاً وقتی که حمایت کردن از همجنس‌گراها، دیگه راهی براشون نموند، به نظرم یا از اول نباید این کار رو می‌کردن یا وقتی که شروعش کردن، دیگه باید تا آخرش پاش وایسن.

بعد جدای از همه اینا، توی کره مثلاً مردا دست همدیگه رو می‌گیرن، چون نشونه صمیمیت و دوستی بین‌شون نشونه همجنس‌گرا بودن نیست اصلاً».

صبای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، اظهار می‌کند، کمپانی برای جذب مخاطبان جدید، رأساً دست به حاشیه‌سازی برای گروه بی‌تی‌اس می‌زند:

«- صبا جان ممکنه مثلاً حاشیه‌سازی هم براشون بشه؟»

آره زیاد، حتی گاهی خودشون این کار رو می‌کنن یا کمپانی می‌کنه اصن. مثلاً خودشون میان بین طرفدارا دعوا می‌اندازن، طرفداراشون رو با یه حرف الکی که مثلاً یکی دیگه بهشون زده و اینا ناراحتن مثلاً، به جون بقیه می‌اندازن که همه‌اش بازی خودشونه برای جذب مخاطب و فالور بیش‌تر. گاهی فن‌ها هم باهاشون هم‌دست هستن، حتی اون کله گنده‌هاشون. میان مثلاً حاشیه‌سازی می‌کنن فلانی هیت شده یا حالش بده یا این حرف رو به ما زدن و هیت دادن بهمون که فناشون برن با بقیه دعوا کنن. من خودمم فن‌شون هستم، ولی خب تعصبی نیستم، افراطی نیستم، ولی اکثر فن‌ها به شدت افراطی هستن، اصلاً نمی‌شه گفت، مثلاً فلان چیز بد رو دارن، بی‌تی‌اس چنان ریپورت می‌کنن و فوشت (فحشت) می‌دن که نگو و نپرس.

- به نظرت آیا درگیر کردن هوادارها انسانیه؟

خب نه، بازم بالاترم گفتم که به نظرم کلاً به انسانی بودنش توجه ندارن و صرفاً منافع و پولی که از این حاشیه‌سازی درمیارن، براشون مهمه.

- چه پولی؟

خب حاشیه‌سازی تو مجازی فالور بیش‌تری طرفت جذب می‌کنه. همه یه‌هو میان پیگیر می‌شن و ناخودآگاه فالو می‌کنن و... واین می‌شه شهرت، در نتیجه پول بیش‌تری گیرت میاد».

شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش برخورد کمپانی یا آیدول‌ها را دیکتاتورمآبانه می‌خواند و مریم ۱۸ ساله هم با تأکید این که کمپانی فقط دنبال اهداف خودش است، کمپانی را نسبت به حفظ سلامت جسمانی و روانی آیدول‌ها بی‌تفاوت مطرح می‌سازد:

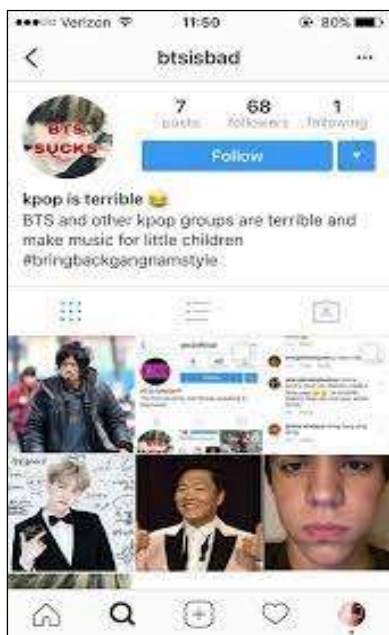
«... کلاً آزادی عمل ندارن، حتی راجع به بدن خودشون و رفتارای جنسی و علایق‌شون.

- علایق‌شون مثل چی؟

مثلاً یادمه یه بار یکی شون می گفت خیلی وقت پیش، از موهام راضی نیستم این چه رنگیه اصن، رنگ ببخشید حالا مدفوعه انگار (تعجب).

یعنی می خوام بگم به علایق شون احترامی گذاشته نمی شه که چی می خوان که البته از طرف کمپانی جریمه شد اون طرف و محروم شد از چندتا آهنگ گویا.

«- به نظرت چرا بعضی از آرمی ها این حق رو برای خودشون قایل اند که در امور شخصی اعضا دخالت کنند و حتی در مواردی هیت بدن؟»



بین وقتی علاقه به کسی یا چیزی بیش از حد و ناسالم باشه، خود به خود یه حس مالکیتی توی تو به وجود میاد که باعث می شه حس کنی، باید اون فرد رو کاملاً تحت کنترل داشته باشی و هر کاری بخواد بکنه، باید خوشایند تو باشه. در صورتی که دوست داشتن واقعی و سالم این شکلی نیست، تو باید به کسی که دوستش داری، آزادی بدی، باید بهش حق انتخاب بدی تا بتونه شاد باشه و همیشه خوب زندگی کنه. تو اون فرد رو توی روند عادی زندگیش دیدی و ازش خوشت اومده، حالا اگه بیای با کنترل کردن و محدود کردن های نا به جا اون فرد رو از روند عادی زندگیش و نیازهاش دور کنی، اون دیگه آدم قبلی نخواهد بود و شاید حتی علاقه خودت هم به این دلیل کم بشه. آدم باید فرد مورد علاقه اش رو همون طور که هست بپذیره و دوست داشته باشه. آرمی ها فکر می کنند با محدود کردن اعضا به این که با کسی قرار نذارن یا ازدواج نکنند، دارن شانس خودشون برای بودن با اعضا رو بالا می برند، در صورتی که همه مون می دونیم همچین اتفاقی شدنی نیست و اگر بی تی اس بخوان به خاطر ما تا ابد

رابطه نداشته باشند، صدجور بیماری روحی و جسمی می‌گیرن و قطعاً نمی‌تونن با کیفیت قبل کار کنند و دیگه بی‌تی‌اس همیشگی نخواهند بود. تا اینجاش دووم آوردن، چون هنوز جوان هستن، ولی دیگه آدم تا یه جایی می‌کشه و از یه جایی به بعد می‌بره و دلش محبت و رابطه رو می‌خواد، این یکی از نیازهای مهم انسان‌ها هست و نمی‌شه نادیده‌اش گرفت. من موندم چه طور کمپانی‌ها به این نکته توجه نمی‌کنند و فکر می‌کنند می‌تونند آیدول‌هاشون رو تا ابد سینگل و به دور از ارتباط نگه دارند و هم‌زمان انتظار داشته باشند، کار اون‌ها با کیفیت از آب دربیاد. تا یه جایی می‌تونن فشار وارد کنی، از یه جایی به بعد کار خودت به هم می‌ریزه. بالاخره سلامت روانی آیدول هم مهمه، واسه کار به این سختی. کمپانی همه جوره به ظاهر و هیکل و رقص و همه چیزه آیدول‌ها می‌رسند، ولی همیشه از وضعیت روحی‌شون غافل ان.»

افرادی که کمپانی بیگ هیت را مسوول تعارض‌هایی که بین برخی از رفتارهای پسران بی‌تی‌اس با شعارهای آنان می‌دانند، علت رفتار کمپانی را گاهی صرفاً اقتصادی، گاهی فرهنگی و گاهی به شکل توامان اقتصادی و فرهنگی معرفی کرده اند.

فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی برای راضی نگه داشتن تمامی مخاطبان (که از طیف متمایل به جنس مخالف تا متمایل به هم جنس‌گرا گسترده اند)، آیدول‌های خویش را متمایل به هر دو گرایش معرفی می‌کند:

«- بیش‌تر محتوایی که فنای بی‌تی‌اس تولید می‌کنند، درباره کاپلای گی‌ه، درسته؟
متأسفانه بله.

- چرا متأسفانه؟

خب آخه نه واقعیه، نه براساس واقعیت. یه کم توهین‌آمیزه، حتی چون هر چی هم که بگن، نمی‌شه انکار کرد که کمپانی یه سری چیزا رو تعیین می‌کنه که انجام بشه تا به مخاطب خط بدن. راه خوبی واسه جذب مخاطب پیدا کردن، ولی واقعاً اخلاقی نیست.

- چرا توهین‌آمیزه به نظرت؟

می‌تونم راحت صحبت کنم؟

- حتماً.

از دو جنبه می‌شه گفت این رو. اول این که کمپانی سوءاستفاده می‌کنه از کانسپت هوموسکشوالیتی واسه جذب مخاطب، اونم وقتی که این مسأله واقعاً بخشی از هویت بعضیا هست و تو خیلی کشورا مثل همین ایران جون‌شون به خاطرش درخطر. حتی حاضر هم نیستن به طور رسمی چیزی درباره هنرمندا شون اعلام کنن که اصلاً فلانی گی‌ه یا فلانی با فلانی تو رابطه هست. یه جوروی که نه سیخ بسوزه، نه کباب، می‌خوان همه رو راضی کنن.»



محمدرضای ۲۱ ساله نیز در تبیین دلیل عدم برخورد جدی کمپانی با کسانی که در جریان شیپ کردن (طرح روابط نزدیک دو آیدول)، شنیع‌ترین مسایل جنسی را برای آیدول‌ها مطرح می‌سازند، روی حاشیه-سازی کمپانی برای کسب سود تأکید می‌ورزد!

«- خوب این شیپ شدن‌ها چرا انجام می‌شه و اصولاً چه هدفی دارن؟»

ببین، اینم مثل همون فن‌فیکشنا هست. خود فنا انجام می‌دن شون، برای سرگرمی هم هست، دیگه هدف خاصی نداره ولی یه چیز دیگه هم هست که برای کمپانیا به نظرم خیلی خوب و سودآور می‌شه. مثلاً جیمین و رزی که بهم دیگه شیپ می‌شن، هوادارای جیمین حالا بهتر بگیم هوادارای بی‌تی‌اس، چون جیمین هم خیلی فن داره تو بین این هفت نفر، هوادارای جیمین می‌رن در مورد رزی می‌خونن و آهنگاش رو گوش می‌دن، بعد هوادارای رزی هم می‌رن در مورد جیمین و بی‌تی‌اس می‌خونن و آهنگای اونا رو گوش می‌دن، بعد هواداراشون منتقل می‌شن بهم، می‌دونی مثل یه ویروس بهم دیگه منتقل می‌شن و هواداراشون خیلی خیلی بیشتر می‌شن که برای کمپانی عالی‌ه واقعاً».

۱ - سارینای ۱۳ ساله، سوءاستفاده از ستاره‌ها توسط سایر گروه‌های کی‌پاپ را نیز مورد تأیید قرار داده، این مسأله را مقوله‌ای تقریباً عام در دنیای کی‌پاپ می‌داند. وی در همین جهت بیان می‌داشت:

«- نظر شخصی خودت راجع به این که بعضی از ستاره‌ها خیلی سن کمی دارن و فعالیت می‌کنن، چیه؟»

خیلی بده، مثلاً یه آدم ۱۳ ساله باید تو اون سن درس بخوانه و خوشگذرونی کنه، نه که یهو بیاد آیدول بشه، چون یک از خانواده‌اش دور می‌مونه، دو تمرینات براش خیلی سخته و سه توی اون سن مجبوره سختی‌های یه آیدول کامل رو بکشه، مثل هیتهایی که بهش می‌دن و رژیم و این‌ها.

- مثالی برای این موضوعاتی که تو صحبت‌های خودت درباره بخش تاریک کی‌پاپ گفتی، به ذهنت می‌رسه که بهم بگی؟
برای آزار جنسی فکر کنم آبرین بود که یه مرد چینی همه‌اش بهش دست می‌زد تو برنامه و بعد جکسون اومد و جداش کرد یا مثلاً یکی از لباس‌های جوی از ردولوت توی اجرا خیلییی کوتاه بود و دایم داشتم توی اجرا با معذب بودن می‌کشیدش پایین».



عرفان ۲۱ ساله، دلیل سوءاستفاده کمپانی از آیدول‌ها را بیش‌تر فرهنگی دیده، تأکید می‌کند که کمپانی در نهایت دنبال پیش‌برد اهداف فرهنگی خویش (نظیر جنسیت زدایی از آرایش، پوشش و عشق) است:

«- عرفان نظر عموم مردم درباره این کار کمپانی سازنده بی‌تی‌اس در حق پسران گروه چیه؟ اکثر مردم این کار کمپانی رو دخالت در مسایل شخصی آیدول‌ها می‌دانند و این کار کمپانی رو محکوم می‌کنن.»

- عکس‌العمل کمپانی در مقابل این نظر مردم چه‌گونه است؟ کمپانی سازنده بی‌تی‌اس برای منحرف کردن اذهان مردم و هواداران به آیدول‌ها می‌گه زمانی که روی صحنه اجرا دارن دست‌های همدیگه رو لمس کنن یا نگاه‌های نافذ و معنی داری به کنار دستی خودشون بکنن.



- این کار کمپانی چه معنی می‌تونه داشته باشه؟ مردم فریب می‌خورن و فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن و برای اینه که ازدواج نمی‌کنن.
- این کار کمپانی لطمه‌ای به آیدول‌ها می‌زنه؟ آیدول‌ها دچار صدمات روحی و روانی شدیدی می‌شن. با آبرو و حیثیت اون‌ها بازی می‌شه. بعضی‌هاشون افسرده می‌شن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن، ولی چون با کمپانی قرار داد بستن، به کارشون ادامه می‌دن.
- این کار کمپانی چه لطمه‌ای به هواداران می‌زنه؟

بعضی‌ها مثل من که می‌دانم آیدول‌ها پاک و بی‌گناه هستند، خیلی ناراحت می‌شوم و سعی می‌کنم چهره واقعی آیدول‌ها رو برای همه آشکار کنم، ولی یه عده هم این حقه کمپانی رو نمی‌فهمن و فکر می‌کنن آیدول‌ها منحرف و همجنس‌گرا هستن. باز این عده هم ناراحت می‌شن که چند مدتی چه کسانی الگوشون بوده و از هواداری دست می‌کشن. یه عده دیگه هم هستن که کلاً از مرحله پرت هستن و خیلی هم خوش‌شون میاد و به بیراهه کشیده می‌شن.»

شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، هر دو هدف کسب درآمد اقتصادی و پیش برد اهداف فرهنگی را از اهداف کمپانی در ارتباط با تعارض برخی از رفتارها و شعارهای گروه بی‌تی‌اس معرفی می‌کند:

«- کمپانی‌ها بعد از این خودکشی‌ها کاری نکردند؟»

نه بابا، کمپانی‌ها فقط به فکر خودشون هستند، به اون‌ها چه، اینا چه شونه. هر کمپانی فقط می‌گه من معروف باشم و منفعتم از طریق اینا تأمین بشه، دیگه خودشون قبول نمی‌کردن بیان خواننده‌مون بشن. کمپانی مثل یه فرمانروا هست و اینا هم انگار برده اون ان. اون دنبال پوله، اینا هم ابرازش هستن. دیگه به اون چه که چی سر اینا میاد!



- یعنی کمپانی فقط دنبال پول هست؟

بیش‌تر، خب دنیای سرمایه‌داریه دیگه، ولی فرهنگ‌سازی و تحمیل عقاید و اینا هم تو هدفاش هست، مثل ترویج همجنس‌بازی و یا مصرف‌گرایی و...»

اما آنچه که در تبیین‌های ارایه شده فراموش شده است، نقش فردی آیدول‌هایی است که به صرف وجود یک قرارداد (که آن هم غالباً در سنین پایین آن‌ها منعقد شده است)، نباید شأن انسانی خویش را

به معرض حراج بگذارند و به این ترتیب به انبوه هوادارانی که عاشقانه آن‌ها را دوست دارند و کم و بیش از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، آدرس‌های غلط و نادرست ارایه کنند.

۳-۱۹- سایر موارد اجتماعی

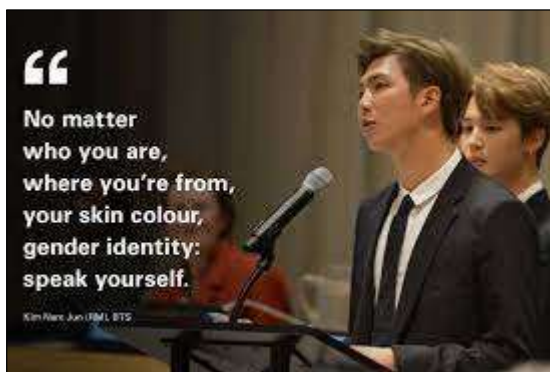
تا اینجا ذیل عنوان اثرهای اجتماعی از مواردی مانند: نقد محدودیت‌های داخل ایران، نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی، شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن آیدول‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه آیدول‌ها با هواداران، چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نوع‌دوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از آیدول‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران (آرمی‌ها)، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی و نقد خطمشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، یاد شد، اما باید دانست که موارد پیش‌گفته، شامل تمامی اثرهای اجتماعی گروه پسران بی‌تی‌اس بر روی هواداران‌شان نیست و آثار اجتماعی بی‌تی‌اس بر روی طرفداران‌شان بیش‌تر از موارد یاد شده است. برخی از آثار اجتماعی دیگر گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران‌شان مواردی مانند، تغییر دید نژادپرستانه هواداران، افزایش برخی از مهارت‌های اجتماعی، سوق دادن به سمت فردگرایی مفرط، دامن زدن به نوعی از هرج و مرج طلبی -آنارشسیسم- آموزش غیرمستقیم هنجارشکنی، منفی شدن دید طرفداران نسبت به مردان ایرانی، درگیر شدن در حاشیه‌پردازی‌های گروه و نظایر آن‌ها است که در ادامه، به اجمال از آن‌ها یاد خواهد شد.

راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد، کاربری از گروه بی‌تی‌اس، وی را به این نتیجه رسانده است که باید همه انسان‌ها را یک‌سان دید و از اتخاذ دیدهای «نژادپرستانه» باید به جد پرهیز کرد:

«- گفتمی که به طور کلی بی‌تی‌اس دیدگاهت رو تغییر داده، می‌شه در این مورد یه کم بیش‌تر مثال

بزنی؟

حتماً، خودت هم به چشم دیدی که همه افغانستانی‌ها رو بد می‌بینن، مخصوصاً تو عربا می‌گن آره، اگه اینا یه دختر سر باز رو ببینن می‌دزدنش و کلی بلا سرش میارن، جوری که من حتی می‌ترسیدم با یه دختر افغانستانی نزدیک بشم تا چه برسه به دوستی، ولی بعد بی‌تی‌اس با یه دختر افغان دوست شدم و بهش گفتم که دلیل این همه بدی که می‌گن ازشون چیه و گفت اکثراً ما رو ضعیف می‌بینن و این طوری آبرومون رو می‌برن و می‌گفت، ما اومدیم اینجا که یه زندگی آروم داشته باشیم، ولی با این جور حرفایی که در موردمون می‌گن، می‌ترسیم که بگیم از افغانستان اومدیم و فهمیدم که چه قدر تباه بودم که در موردشون بد فکر می‌کردم و حرف اطرافیانم رو باور می‌کردم».



«افزایش مهارت‌های اجتماعی» مقوله دیگری است که برخی از هواداران مصاحبه شده از آن یاد کرده اند. به عنوان مثال، الناز ۱۳ ساله برای نمایش عمق طرفداری خویش، خود را ملزم به کاربری از وسایل با برچسب بی‌تی‌اس می‌داند و در پی این امر با وجود سن اندکش، به خود جرأت سفارش جنسی از خارج را داده است:

«- تا حالا شده به خاطره اون‌ها جنسی از کره سفارش بدی برات بیارن؟»

آره شده، من یه کیف کوله‌ای از یه پیچ اینستاگرام ایرانی پیدا کردم و خوشم اومد و اونا هم گفتن که مستقیم از کره میارن اون کیف رو، حالا به صورت هوایی یا دریایی برام می‌فرستن ایران و منم سفارش دادم و پول و گمرکی اون رو هم پرداخت کردم و برام آوردنش.»

«تشویق فردگرایی مفرط»، مقوله بارز دیگری است که در بسیاری از فرازهای آهنگ‌های بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود و نوجوانان و جوانانی که به دلیل عدم فهم تحول‌های زیستی (مغزی)، عاطفی، شناختی و اجتماعی آنان از سوی اولیاء، بعضاً مورد نقد، انکار و گاهی هجمه اولیای‌شان قرار دارند، از سوی پسران بی‌تی‌اس به عصیان علیه جامعه بزرگ‌سال فراخوانده شده و با بریدن از آنان، به سمت لذت‌جویی تام و تمام، به هر شکلی که خودشان بخواهند، سوق داده می‌شوند. ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، با بیرون آمدن از زیر بار اوامر و نواهی اولیا، و سپردن خویش به دست امیالش، حالی بهتر از گذشته دارد:

«- ریحانه در کل فکر می‌کنی نقاط مثبت و منفی که بی‌تی‌اس برات داشته چیه؟»

خب همون طور که گفتم بی‌تی‌اس به من یاد داده که نظر بقیه برام مهم نباشه و خودم برای خودم تصمیم بگیرم. از روزی که این کار رو کردم خیلی حالم بهتره و راضی‌ترم. یا وقتی که ناراحتم می‌رم کلیپ‌هاشون رو می‌بینم یا آهنگ‌شون رو گوش می‌دم، می‌رقصم و بهتر می‌شم.»

«دامن زدن به نوعی از هرج و مرج طلبی (یا آنارشسیسم)» در پی تشویق هواداران به طغیان علیه اولیاء و احاله جوانان به خودشان پدید می‌آید. گلنوش ۱۴ ساله در مصاحبه خود بیان می‌دارد، طبق رهنمودهای

بی‌تی‌اس با طغیان علیه اولیاء، به دنبال رها زندگی کردن است که این معنا، چیزی جز آنارشسیسم و هرج و مرج طلبی بیش تر نیست:

«- دپگه کدوم آهنگ رو خیلی دوست داری؟»

آهنگ سو وات خیلی عالی هستش. یعنی خب که چی.

- می‌شه بگی راجع به چیه؟

اولش می‌گه: یکی می‌گه من آدم درستی‌ام و یکی می‌گه اشتباهی‌ام، من اهمیت نمی‌دم، تو چه طور، خب که چی؟ ما جوون و سرکش و رها هستیم. خب که چی؟ نگرانی‌های ما آخرش بی‌جواب می‌مونن. خب که چی و از این حرفا. بیش تر می‌خواد بگه که آزاد باش و به حرف هیچ کس اهمیت نده، چون هیچ فایده‌ای نداره، اگه از زندگی و جوونی لذت نبری.



- یعنی خودت هم معتقدی که به حرف هیچ کس نباید اهمیت داد؟

آره. من به هم‌ااش معتقدم. من به تک تک کلماتی که توی آهنگ‌هاشون هست باور دارم. چون که هم‌ااش درسته.

- یعنی واقعاً نه به حرف کسی اهمیت می‌دی و نه نگران چیزی هستی؟

نه واقعاً. جدی می‌گم. نه هیچ وقت نگرانم، نه به حرف کسی اهمیت می‌دم. چرا بخوام دروغ بگم. واقعاً احساسم همین‌ه که گفتم.

- حتی نسبت به حرف پدر و مادرت؟

وقتی احساس کنم چیزی درست نیست یا چیزی رو دلم نمی‌خوادش، حتی حرف اونا، مجبور نیستم بهش گوش بدم. هر کسی خودش می‌دونه چی براش بهتره و خودش مسوول کاریه که می‌کنه. همه آزادان تا کارایی که دلشون می‌خواد و ازش لذت می‌برن رو انجام بدن، وگرنه زندگی بی‌معنی می‌شه.

- منظورت اینه که معنای زندگی در آزادی و لذت بردن از زندگی خلاصه می‌شه؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنایی می‌تونه داشته باشه برات. هدف از زندگی اینه که کارایی که می‌تونی انجام بدی و کارایی که دوست داری انجام بدی رو تموم کنی و چیزی رو از دست ندی. نباید زندگی رو باخت. به نظرم گوش دادن به اونا حتی باعث شده که ما خیلی از چیزای مسخره‌ای که تو مردمون هست رو قبول نکنیم و متفاوت بشیم.

- این فقط عقیده‌ی خودته یا همه‌ی آرمی‌ها همین‌طور فکر می‌کنند؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنی می‌تونه برات داشته باشه. وقتی عقیده بی‌تی‌اس اینه آرمی‌ها هم باید همین عقیده رو داشته باشند، ولی ممکنه کسی جور دیگه‌ای فکر کنه. اون آرمی‌هایی که دوست من هستن، همه با من هم عقید ان؛ وقتی با من مصاحبه می‌کنی انگار داری با اونا مصاحبه می‌کنی».

با طرح ضرورت گسستن از نسل بزرگسال و استقبال از شرایط جدید که فرد در آن بدون توجه به روابط اجتماعی خودش، صرفاً معطوف به خودش شده و تنها در صدد ترضیه خودش برآید، «استقبال از هنجارشکنی» که پسران بی‌تی‌اس به کرات از آن یاد کرده اند، امری لازم می‌نماید.

پسران بی‌تی‌اس با هنجارشکنی‌هایی که در رفتارهای خودشان به معرض دید می‌گذارند، در عمل به آموزش ضرورت هنجارشکنی به هوادارانشان می‌پردازند.

«من تو هالیوود و خواننده‌های غربی دیده بودم که پسرا مثلاً بعضی وقتا یه ته میکاپی دارن یا لاک می‌زنن و این چیزا. تو اون زمانم که من فن رپ فارسی بودم، فکر کن آهنگ یه سری ریش و سیبیل‌دار (باخنده و شوخی) رو گوش می‌دادم، از نظرم خیلی کار مسخره‌ای بود و با خودم می‌گفتم که چرا پسر باید مثلاً لاک بزنه یا همیشه هری استایلز رو می‌دیدم که مثلاً تابوشکنی می‌کنه و با دامن و پیراهن عکس می‌اندازه، اما خب همیشه برام عجیب بود. نه این که مثلاً بدم بیادا یا هیت بدم. فقط می‌گفتم خب مثلاً که چی. ولی بعد که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، دیدم که مثلاً میکاپ دارن، خیلی ارتباط برقرار کردم. نیست که کلاً صورتای نرم و قشنگی دارن، برای همین میکاپ خیلی بهشون می‌اومد و منم دیدم و دوست داشتم. یعنی وقتی فوتوشوت و عکساشون رو دیدم، نگفتم چه کاریه وا. خوشم اومد. موهاشون رو می‌دیدم، خیلی برام جالب بود که بیش‌ترشون موهاشون رو رنگ کردن و رنگای قشنگی هم می‌داشتن که خوشگلی‌شون رو صد برابر کرده بود. این چیزاشون از نظرم خیلی جالب و قشنگ بود یا مثلاً جدای از همه‌ی اینا، دنس گروهی‌ای که داشتن خیلی برام جدید بود» (پونه، ۱۸ ساله).



«خوب تا حالا شده که دامن یا لباس پرنسی بیوشند؟ یکی از اعضاء توی موزیک ویدیو باتر یا داینامیت دامن پوشیده بود، مطمئن نیستم کدوم آهنگ، ولی لباس پرنسی نه (می خندد)» (الناز، ۱۲ ساله).





با استانداردهای جدیدی که هواداران در پرتو دلالت‌های مستقیم و غیرمستقیم بی‌تی‌اس یافته اند، گزارش «منفی شدن دید برخی از کاربران نسبت به مردان ایرانی»، مقوله قابل انتظار دیگری است که از هواداران گروه بی‌تی‌اس انتظار می‌رود:

«نگین: سعیده به غیر از این یه چیز دیگه هم مقایسه می‌کردیم. یادته؟! این که تو پسرای ما اصلاً یه آدم درست حسابی پیدا نمی‌شه!
سعیده: دقیقاً

- به نظرتون این به دلیل این نیست که معیارتون تغییر کرده؟ شاید پسرای ما درست و حسابی باشند، ولی با معیارهای شما یکی نیستند؟

نگین: این که آره، واقعاً معیارهام خیلی عوض شده و واقعاً خیلی خوشحالم. اگر قرار بود با معیارهای قبلیم با یکی ازدواج کنم، اصلاً معلوم نبود زندگیم چی می‌شد. در این مورد خیلی واقعاً روشن فکر شدم. چون اونا پسرشون خیلی خانواده دوستند، همسرشون رو با تمام وجود دوست دارند. تو ایران اصلاً این‌طور نیست. خیانت خیلی زیاد شده. دورویی خیلی زیاد شده برای همین نمی‌شه آدم‌های ایرانی رو شناخت و فهمید که واقعاً دوستت داره یا نه یا علاوه بر تو چند نفر دیگه رو داره. یه حس ناامیدی خاصی داره. خوشم نمیاد از ایرانی‌ها.

نگین: بعد فقط این نیست. ایرانی‌ها اصلاً اهمیتی به جنس زن نمی‌دند و از هر فرصتی برای تحقیر زن استفاده می‌کنند. در حالی که کره‌ای‌ها این‌طوری نیستند. اون‌ها واقعاً به زن احترام می‌ذارند و برایشون اهمیت داره. اون‌ها از همه لحاظ و به خصوص از لحاظ روحی به زن‌ها احترام می‌ذارند. برعکس پسرهای ایرانی که تو یه رابطه فقط به دنبال رفع نیازهاشون هستند و این که کارهای خودشون رو سر و سامون بدند.

- بچه‌ها می‌خواستم نظرتون راجع به دوست پسر بپرسم، ولی چیزی که تا الان دستگیرم شد، این بود که شما نظرتون حداقل راجع به دوست پسر ایرانی که منقیه، درسته؟

نگین: واقعاً منفیه. من حالم از دوست پسر ایرانی بهم می‌خوره. اصلاً مورد اعتماد نیستند. اون قدر نسبت بهشون بی‌اعتماد هستم که اگه یکی شون به من پیام بده، احساس می‌کنم همزمان داره با ده نفر دیگه حرف می‌زنه. واقعیتش رو بخوام بگم، الان داداش من با این که دوست دختر داره، اما داره هم‌زمان با ده تا دختر دیگه حرف می‌زنه. نمی‌گم کره‌ای‌ها این طوری نیستن. اما می‌گم کاراشون خیلی واضح‌تره. ببین می‌دونم چون اونجا زندگی نکردم، نباید این قدر مطمئن حرف بزنم، ولی چیزهایی که دیدم و شنیدم این رو به من ثابت می‌کنه.

سعیده: من یه بار با خودم گفتم بذار قضاوت نکنم. چیزی رو خودم به شخصه تجربه نکردم که. برای همین گفتم برم امتحان کنم حداقل. ولی یه جوری پشیمونم که اصلاً امکان توصیف و بیان رو ندارم. اصلاً یک درصد هم امکان نداره که دیگه این کار رو بکنم. و واقعاً هم مخالفم. (می‌خندد و می‌گوید) یا کره‌ای یا هیچ کس» (نگین، ۱۹ ساله و سعیده، ۲۰ ساله).

سرانجام «درگیر شدن در حواشی گروه» مقوله مهم دیگری است که وقت و انرژی بسیاری از هواداران را به سمت اموری بسیار جزئی و بعضاً مبتذل سوق می‌دهد:

«- فناشون از لحاظ احساسی هم بهشون وابستگی دارن؟»

آره، اوو چه جورر هم (خنده). اصن یه وضعیه. کافیه یکی شون عطسه کنه، همه فناش نگرانش ان و حتی دیدم شب خواب‌شون نمی‌بره و حتی براش گریه می‌کنن! و خودشون رو با طرف تصور می‌کنن، مثلاً حس می‌کنن اون شوهرشونه و تنها مال اینا هست و الان باید پرستاریش کنن و دورش بگردن (خنده). یادمه یه بار برای جذب مخاطب یه خبر چرتی گذاشته بودن که یکی شون داره ازدواج می‌کنه! بعد فنای اون طرف هیت دادن بهش و گریه می‌کردن و انگار عزای عمومی اعلان شده بود. اون قدر حال شون بد شده بود، از درس و مدرسه کلاً افتاده بودن و نمی‌رفتن مدرسه، اون قدر از لحاظ روحی آشفته شده بودن و همین حاشیه‌سازی باز به نفع شون شد و کلی فالور اومد طرف شون (خنده)».

